by General Van Tien Dung

Chief of Staff, Vietnam People's Army

Afterword by Cora Weiss and Don Luce

پیروزی بزرگ بهار



نوشته: ژنرال وان تین دونگ

رئیس ستاد ارتش خلق ویتنام

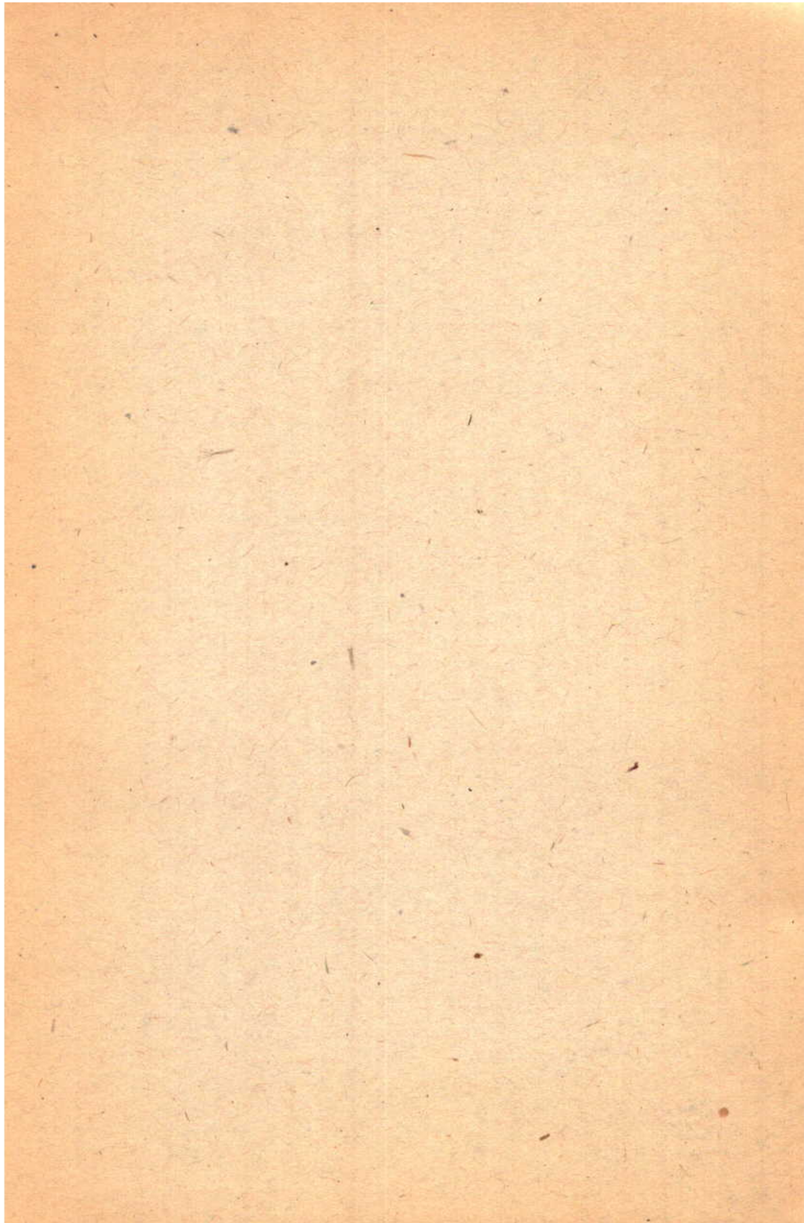
پیروزی بزرگ بهار ما

نوشته ژنرال وان تین دونگ
(رئیس ستاد آرتش خلق ویتنام)

انتشارات بینش

پیروزی بزرگ بهار
ژنرال وان تین دونگ
تابستان ۵۹

فهرست



از مترجم کتاب

چه اخبار خوشی است در راه جبهه .
فریادهای شادمانه پیروزی در هرکجا به
گوش می‌رسد ،
وپاهای مرا در جادهٔ بلند ، شتابان به
پیش می‌کشد .
زمان موعود فرا رسیده است .

مبارزهٔ خلق های گیتی علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا اوج می‌گیرد . کانون - های انقلابات رهائی‌بخش گسترش می‌یابد وهر روز تکهٔ بزرگتری را از پیکر امپریالیسم خونخوار جدا می‌کند . هنگامی که ملتی مصمم "چون تنی واحد" از جای برخیزد وخواستار استقلال وآزادی گردد ، " امکان مادی ومعنوی پیروزی برنیروهای دشمن را - هر چقدرهم که قوی باشد - پیدا می‌کند . "

کتابی که اینک در دست شماست ، اگرچه یک کتاب تئوریک ویا یک تحلیل سیاسی از اوضاع ویتنام نیست ، لیکن کتابی سودمنداست ؛ ودرمبارزه علیه امپریا- لیسم ، تجربیاتی را از نظر نظامی ، ارائه می‌کند . کمتر اتفاق می‌افتدگزارش دقیق ونسبتاً مُفصلی از یک

الف

عمل جنگی تعیین کننده، همراه با جزئیات مربوط به نحوهٔ تصمیم گیری ها، ساختمان نظامی - سیاسی شاخه - ها، روابط بین قسمت های گوناگون دستگاه نظامی یا ارگان سیاسی و .... درچنین مدت کوتاهی پس از خاتمهٔ عملیات، توسط یکی از افراد مسئول طراز اول، با چنین روح وتصاویر جانداری به خواننده عرضه گردد. کسانی که با آثار نظامی ژنرال جیاپ آشنائی دارند، در اینجا کاربست عینی و عملی قواعد و اصول جنگ انقلابی مبتنی بر علم مبارزه پرولتاریا را به وضوح مشاهده خواهند کرد. پاره ای از این اصول اساسی را می توان این چنین خلاصه کرد:

۱ - قوی شدن تدریجی نیروهای مسلح خلقی و تضعیف ارتش و نیروهای مسلح ارتجاع، و درنتیجه عوض شدن توازن نیروها به نفع خلق و به ضرر دشمن خلق.

۲ - استفادهٔ مناسب از مبارزهٔ مسلحانه توده یی و اشکال مختلف جنگ خلق و تلفیق خلاق آنها برپایه تحلیل مشخص از شرایط مشخص؛

۳ - بکارگرفتن سه تشکیلات نظامی: دسته های شبه نظامی چریکی، دسته های مسلح منطقه های و واحد های مسلح منظم. ترکیب اصولی این سه دسته و ... شدن نقش دسته سوم در مراحل نهایی تغییر تواز ن
ب

نیروها .

۴ـ بهره‌گیری ازقیام‌های توده‌ای وجنبش ـ های سیاسی‌هرناحیه درهماهنگی‌با حملات نظامی.

۵ـ نقش مناطق آزادشده در قلمرو دستگاه اداری دشمن واستفاده ازآنها بعنوان پایگاه دسته ـ های مسلح.

۶ـ استفاده ازتضادها ونقاط‌ضعف دشمن وضربه زدن درلحظهٔ اوج‌شدت گرفتن تضادها ومحاسبهٔ اوضاع منطقه وشرایط بین المللی‌ونیروهای دوست .

۷ـ اهمیت آموزش سیاسی‌رزمندگان وکادرهای نظامی‌وتربیت آرتش وافسران سیاسی‌ونقش گروه‌آخر درروابط تشکیلاتی‌بین حزب وارتش .

۸ـ هماهنگ کردن شاخه‌ها ،واحدها ، لشگرها ، سلاح ها ،ضربه‌ها واهمیت آن درپیروزی . به علاوهٔ نقش لوجستیکی وتداركاتی.

۹ـ انعطاف دربکاربردن قوانین جنگ انقلابی.

۱۰ـ درتحلیل اول وآخر: اهمیت ونقش حزب طبقهٔ کارگرورهبری ارزشمندوظریف این ارگان سیاسی پرولتاریایی‌درهدایت وجهت دادن ،ارائه تحلیل علمی‌ازاوضاع ، ارزیابی‌موقعیت خودودشمن، تشکیلات ،تبلیغات ،تهییج‌وبسیج خلق ودریک کلام اهمیت این مغزفعال وتواناکه‌ارتباطش با پیکر

پ

(توده‌ها وجنبش های سیاسی) یک طرفه نبوده ،بلکه از آنها می‌گیردوبه آنها با زپس می‌دهد؛تجربیات آنها را به‌صورت علمی‌تدوین وبا زبه‌خودشان ارائه می‌کند این مبحثی‌است که‌پرداختن به‌آن وظیفهٔ انقلابیون راستین است وجایگاه خودرا می‌طلبد .

دراین کتاب ، **ژنرال وان تین دونگ** ،رئیس کل ستاد آرتش خلق ویتنام وفرماندهٔ " عملیات هوشی مین" که‌به‌پیروزی کامل خلق ویتنام منجر شد، خاطرات خودرااز عملیات ، بصورت **گزارشی نظامی** ارائه می‌کند. "عملیات هوشی مین"اگر- از نظرنظامی - ازنبرد"دین بین فو" مهم‌ترنباشد، کمترهم‌نیست .

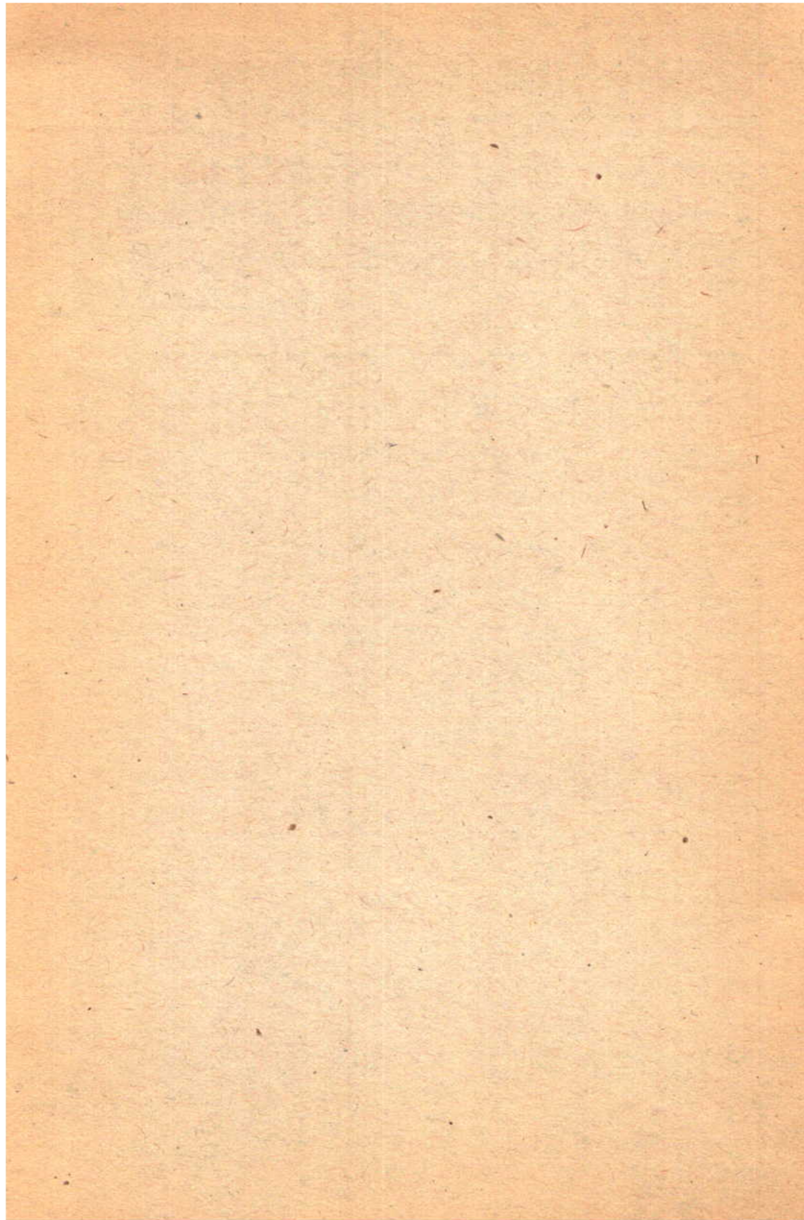
ذکرنکاتی چند:

خوانندە توجه خواهدکردکه‌هرجا به قوای سایگون اشاره می‌شود، منظورقوای ارتش ویتنام جنوبی‌است که‌دست نشانده ومزدورامریکابود. در کتاب از سلاح های تکنولوژیکی سخن رفته‌که‌بایدتوجه‌داشت برای خلقی‌که‌باابتدائی‌ترین سلاح ها جنگ علیه بزرگترین قدرت امپریالیستی راشروع‌کرده‌بود-، سلاح‌هایی‌ازقبیل آتشبارها ،انواع‌موشک اندازها و غیره - ازاین مقوله‌است . درزمان ترجمهٔ کتاب، رفیق **"تونگ دوک تانگ"** هنوززنده‌بودو درپانویس ت

کتاب ازاو به عنوان رئیس جمهوریتنام متحد، نام برده شده بود. لیکن به هنگام چاپ کتاب، این مبارز پیر- جانشین رفیق هوشی مین - دیگر در میان یارانش نبود وبنابراین درپانویس کتاب به این نکته باید توجه کرد.

اشارهٔ نکته یی بر مترجم واجب است. زبان فارسی این ترجمه، دارای اشکالاتی چند بود. اگر همت و زحمت و پشتکار ادیتورها نبود، خواننده مجبور می‌شد، بار این اشکالات را تحمل کند: همچنان که بار اکثر ترجمه‌های کنونی بازار را تحمل می‌کند!

مترجم



یادداشت

کتاب پیروزی بزرگ بهار ما (Our Great Spring Victory) برمبنای مجموعه‌ای از مقالات منتشره درنشریه :نهان‌دان (Nhen Dan)روزنامه حزب کارگران ویتنام (اکنون همان حزب کمونیست ویتنام است) تهیه‌شده‌است .

درنخستین سالگردخاتمه‌جنگ ،درآوریل ۱۹۷۶، دولت جمهوری سوسیالیستی‌متحده ویتنام ،خواستار آگاهی‌مردم‌از چگونگی‌آخرین اقدامات سیاسی‌ونظامی برای کسب آزادی گردید. ژنرال وان تین دونگ (Van Tien Dong) رئیس ستاد ارتش‌خلق ویتنام‌وفرمانده "عملیات ۲۷۵" ، همان عملیات تعرض‌عمومی‌وقیام‌که‌به‌پیروزی در جنگ انجامیده بود ، جزئیات نبردپنجاه‌وپنج‌روزه رابرای گزارش‌گر نهان دان تشریح کرده‌است . پس‌ازروشن شدن اینکه‌جزئیات این مبارزه‌طالبینی درسراسردنیا دارد ، کمیته‌ای به‌منظور حذف مکررات و تنظیم نوشته‌ها برای همکاری با ژنرال دونگ بوجودآمد . این کتاب که‌خیلی سریع پس‌ازخاتمه جنگ منتشر گردید ، سهم‌باارزشی ازنظرتاریخی داشته‌ومنبعی

از اهداف خلق های سراسرجهان که برای استقلال و آزادی خودمبارزه می‌کنند ، شمرده می‌شود .

مقدمه

یک سال از پیروزی کامل تعرض عمومی وقیام بهار در ۱۹۷۵ که حاکمیت نومستعمره‌ی امپریالیسم امریکا وجنگ تهاجمی را تماما "شکست داد وجنوب را کاملا" آزاد ساخت، می گذرد. گذشت زمان نه تنها جزئیات این پیروزی را تیره نکرده، بلکه آن را روشن تر ساخته است. پیروزی بزرگ بهاری ما، با حروف زرین و درخشان برلوح تاریخ ثبت می شود. همراه با عزم ما برای تحقق بخشیدن به وصیت نامهٔ پرزیدنت هوشی مین، با چنان آهنگی که "هرروزش به مثابه بیست سال" بود و با قدرت نیروی نظامی که طی سال ها بنا شده بود، ارتش وخلق ما پیروزی کامل را تنها درپنجاه وپنج شبانه روز، ازطریق سه عملیات عمده بدست آوردند:

عملیات آزادسازی سراسر "تای نگوین" * که با حمله به "بان می توت" آغاز شد، عملیات برای آزادساختن "هویه" و "دانانگ" وبه منظورپاک سازی نواحی

---

* معمولا" درگزارشات غربی ازآن به عنوان بلندی های مرکزی یادشده است، تای نگوین ناحیه استراتژیک بسیارمهمی بود.

ساحلی مرکزویتنام ازدشمن وسرانجام عملیات هوشی مین برای آزادساختن "سایگون جیا - دین" و دیگرایالات واقع در "نام بو" ، کل سازمان اداری وارتش بیش ازیک میلیون نفره رژیم خودفروخته، درهم شکسته شد . دستگاه نواستعماری که ایالات متحده همه نیرویش را طی بیست سال گذشته وقف ساختن آن نموده بود، تماما سقوط کرد .

من این خوشبختی را داشتم که یکی از رفقای بسیاری باشم که تحت رهبری دفترسیاسی مرکزی حزب، به عنوان نماینده کمیتهٔ مرکزی نظامی و فرماندهی کل در سرپرستی مستقیم عملیات تای نگوین وبه عنوان فرمانده کل عملیات هوشی مین، در تعرض عمومی و قیام ۱۹۷۵ شرکت داشته باشم .

درنخستین سالگرد رهایی کامل جنوب ، نشریهٔ "نهان دان" درخواست نمود تا پاره ای از وقایع عملیات را برای مونگ ها بازگو کنم . بعد از چاپ این مقالات در نهان دان، بسیاری از خوانندگان و مؤسسات انتشاراتی پیشنهاد کردند این گزارشات بصورت یک کتاب منتشر شود . اگرچه پیدا کردن فرصت کافی به خاطر فوری بودن درخواست خوانندگان، مشکل بود، با این وجود من گزارش را بازنویسی کرده ومطالبی به آن افزودم که حاصل آن همین کتاب ، "پیروزی بزرگ بهار" ، می باشد .

نخستین برخی از تفسیرهای مشخصا "اشتباه، نادرست ومرتجعانه‌ای از پیروزی ما است که برخی تحریف‌ـ کنندگان تاریخ ـ آنان که به زور به کشورها تجاوز کرده و آن را فروختند ـ در دفاع از شکست شرم‌آورشان و برای بدنام کردن پیروزی خلق ما ، پخش می کنند .

به خاطر عظمت ابعاد پیروزی، تصویر شخصی هیچ کس نمی تواند نمایانگر همه چیز باشد . به علت فرصت کم این کتاب قادر نیست از پاره‌ای نارسائی‌ها اجتناب ورزد . من امیدوارم که شما خوانندگان عزیز چیزی به آن بیفزائید و انتقادات خود را ابراز دارید .

وان تین دونگ

ماه مه ۱۹۷۶

قهر انقلابی

در بهار ۱۹۷۴، پس از سال تازه ببر، یک کنفرانس عالی از کادرهای نظامی در هانوی، خیابان "فام نگو لائو" شماره ۳۳، برگزار شد. نمایندگانی از همه جبهه‌ها، بخش‌های خدماتی و شاخه‌ها، از کلیه لشگرها، ستونها، و نیز نمایندگان کلیه کارگزاری‌های وابسته به دفتر فرماندهی کل حضور داشتند. این جلسه بمنظور مطالعه و گفتگو درباره‌ی مصوبه بیست و یکمین کنگره کمیتهٔ مرکزی حزب که در اکتبر ۱۹۷۳ تشکیل شده بود، برای انتشار مصوبه مارس ۱۹۷۴ کمیته مرکزی نظامی که دفتر سیاسی هم بر آن صحه گذارده بود، برگزار گردید.

دبیر اول حزب کارگران ویتنام لی دوان و رفیق لی دوک تو از کنفرانس درخواست کردند که نتیجه کنگره بیست و یک را ارائه نماید. درهمین زمان مجمع ملی تصمیم گرفت تعدادی از کادرهای عالی نظامی را به رتبه ژنرالی ارتقا دهد. پرزیدنت تون دونگ تانگ نیز(۱) برای تقویت روحیه خلق و ایراد سخنرانی‌هایی برای کادرهای عالی رتبه و کل ارتش حضور یافت.

---

(۱) رئیس جمهور فعلی ویتنام متحد

همهٔ کادرها ورزمندگان ازاین که کمیتهٔ مرکزی راه پیشروی وچشم اندازهای درخشان انقلاب را برایشان روشن کرد، به وجدآمده بودند. دستورالعمل های دبیر اول لی دوان وپرزیدنت تون دوک تانگ بیانگر دستورات حزب ودولت به تمامی ارتش به منظور پیشروی بود.

درآن هنگام بیش ازیک سال ازامضای قرارداد پاریس میگذشت. قرارداد تصریح میکرد که امپریالیست های امریکایی باید به جنگ تجاوزکارانه شان در ویتنام خاتمه دهند، کلیه نیروهای امریکایی ووابسته را از جنوب خارج سازند وحقوق ابتدایی ملی مردم ویتنام را محترم شمرند: این حقوق شامل استقلال، حاکمیت، وحدت وتمامیت ارضی میشد. آنان متعهدشدند که حق مردم ویتنام جنوبی را برای تعیین سرنوشت خود محترم شمارند، به درگیری نظامی ومداخله در امور داخلی ویتنام جنوبی پایان دهند واین واقعیت را تصدیق کنند که درجنوب ویتنام دودولت، دوارتش، دومنطقهٔ تحت نظارت وسه نیروی سیاسی وجوددارد. این قرارداد که نتیجهٔ هجده سال نبردقاطعانه ومقاوم توسط ارتش و خلق ما تحت رهبری صحیح حزب مان بود، پیروزی بزرگی برای مردم ما وشکست بزرگی برای امپریالیست های ایالات متحده ونوکران آنان به شمار میآمد. قرارداد

پاریس گام مهمی به جلودرمبارزه انقلابی خلق ما محسوب می‌شدودوران تازه‌ای درانقلاب ویتنام جنوبی گشود. دوران متکامل کردن انقلاب دمکراتیک خلق ووحدت بخشیدن دوباره به کشور. این مرحله نهایی درانقلاب دمکراتیک خلق بطورعام وجنگ انقلابی در جنوب بطورخاص بود.

امپریالیست های یانکی وپادوهای آنها سخت کوشیدندتا قراردادپاریس درباره ویتنام رازیرپا گزارند. نقشه آنان چنین بودوآنان قدم به قدم آن را پیاده نمودند. اگرچه امپریالیسم امریکا مجبوربه امضاء قراردادشده بودبا این وجوداز سیاست های اصلی خوددست برنداشته بود: به کاربردن "دکترین نیکسون"، تحمیل استعمارنو به سبک امریکائی در جنوب وهرچه طولانی‌ترکردن مدت تجزیه کشورما. برای انجام این طرح ها آنان ازهمان آغاز قصد امضاء قراردادرا داشتند، لیکن همزمان با آن به دست نشاندگان سایگونی شان کمک کردند تا به جنگ دیوانه وار به منظوربی اعتبارساختن قراردادِ ادامه دهند. درقسمت جنوبی کشورما امپریالیسم امریکا برای پیش بردجنگ نواستعماری خود، دست به اقدامات محیلانه بسیاری زد.

این امرشامل کمک های مستمراقتصادی ونظامی

به دست نشاندگانش می‌شد. امریکا قبل از خارج کردن دستجات نظامی خود قریب ۷۰۰ هواپیما از انواع گوناگون، ۵۰۰ واحد توپخانه، ۴۰۰ تانک وزره‌پوش و تعداد بسیار زیادی کشتی جنگی به جنوب گسیل داشت. آنان در صدد ارسال تعداد زیادی سلاح‌های تکنیکی نیز بودند و ذخیرهٔ مصالح جنگی نیروهای سایگون را به سطح نسبتاً عظیمی، قریب به ۲ میلیون تن، افزایش دادند.

هنوز مرکب قرارداد خشک نشده بود که نگوین وان تیو یاوه‌سرائی دربارهٔ "ورود سیل آسا به داخل خاک ما" را آغاز کرد. او نیروهایش را گرد آورد تا برنامهٔ آرام سازی سه ساله ۷۵-۱۹۷۳، برنامهٔ آرام سازی شش ماهه مارس - اوت ۱۹۷۳، برنامهٔ نظامی لی تونگ کیت، و برنامهٔ گسترش نیروهای مسلح خود را طی سال های ۷۹-۱۹۷۴ به انجام رساند، هدف از تمامی این طرح ها پاک سازی نیروهای مسلح و سازمان های انقلابی ما در جنوب بود.

دشمن بفوریت ترتیب تقویت و افزایش نیروهایش را به ویژه در شاخه‌های گوناگون قوای منظم مسلح داد. هدف آن ها اطمینان یافتن از میزان توان نیروهایشان برای دست و پنجه نرم کردن با نیروهای ما تحت هر شرایطی بود. در ۱۹۷۳ دشمن ۰۰۰ر۲۴۰ تن

سرباز به میدان آورد و بیش از ۳۰/۰۰۰ تن از فراریان وزخمی‌ها را جمع وجور کرد و شمار کل نفراتش را به ۷۱۰/۰۰۰ نفر افزایش داد، همان تعدادی که تقریبا " برابر با ماه دسامبر ۱۹۷۲ یعنی ۷۱۷/۰۰۰ نفر بود، و از تعداد کل نفرات در ژانویه ۱۹۷۳ که ۶۵۰/۰۰۰ – نفر بود، بیشتر می‌شد. تعداد نیروهای اصلی و گردانهای ناحیه‌ای را نیز زیادتر کرد. دشمن مجدانه کوشید تا نیروی هوایی، بخصوص قوای هلیکوپترها و عملیات تاکتیکی را گسترش دهد، شماره‌ی تانکها و زره‌پوشها را افزایش داد و شروع به استفاده از تانک M -۸۴ به جای M -۴۱ کرد. دشمن بدوا" کار سازماندهی گردانها وگروههای مربوط به نیروهای امنیتی را تکمیل کرد و این نیروهای امنیتی را به پایه‌ی ذخایر متحرک در سطح بخش و نیمه بخش ارتقاء داد. هم زمان با آن تعداد گاردهای غیرنظامی را از ۱/۱۰۰/۰۰۰ تن (که ۲۳۰/۰۰۰ نفرشان مسلح بوُدند) به ۱/۵۰۰/۰۰۰ تن (۴۰۰/۰۰۰ تن مسلح) افزایش داد. بدین ترتیب تا آخر ۱۹۷۳، دستجات نظامی سایگون از نظر استحکام سازمانی به نهایت قدرت خود رسیدند و سلاح های تکنیکی مهمی در اختیارشان قرار گرفت.

برچنین پایه‌ای دشمن نیروی خود را در جهت برنامه‌های آرام‌سازی و تجاوزبکار گرفت با این قصد

که نیروهای مقدماتی ما را از منطقه پاک کرده، پایگاه‌های پراکنده‌ای را که در ناحیه تحت کنترل آنان داشتیم درهم کوبد و محاصره اقتصادی را بر نواحی مرزی تحمیل نماید و به مناطقی که قبل از امضای قرارداد پاریس آزاد شده بودند، تجاوز نماید. برنامه آنان از بین بردن وضعیت موجود یعنی وضعیتی که در آن دو ناحیه تحت کنترل دو ارتش و دو دولت وجود داشت، و نیز تبدیل جنوب به ناحیه منفردی که تماماً "تحت نظارت آنان باشد، بود. در طول یازده ماهی که از امضای قرارداد پاریس تا آخر ۱۹۷۳ می‌گذشت، دشمن ۶۰ درصد نیروهای اصلی و کلیه نیروهای ناحیه‌ای خود را برای آغاز بیش از ۳۶۰٫۰۰۰ عملیات تجاوز و محاصره و پاکسازی امنیتی بکار گرفت و نیروهای عظیمی برای عملیات عمده علیه نواحی آزاد شده ما در "ساهوین" کانتوم شمالی، "چونگ" "کین دوک" "کوانگ دوک" شمال و جنوب جادهٔ ۴ در "می تو" در "جونگ تین" "نوی دای" "تری تون" و مناطق دیگر فراهم آورد. دشمن تقریباً "بر تمامی نواحی که ما در عملیات ژانویه ۱۹۷۳ آزاد کرده بودیم، فشار می‌آورد و پاره‌ای از مناطق آزاد شده را که در ناحیه تحت کنترل آنان پراکنده بود، متصرف شد. گذشته از آن ایالات متحده نیرویی را در جنوب شرقی آسیا به نام نیروی

بازدارنده نگهداری می‌کرد و علاوه بر این واحدهائی هم درنیروی هوایی، نیروهای ناوگان هفتم و پایگاه هایی که درتایلند داشت. درهمین زمان فعالیت های دیپلوماتیک خود را به منظور محدود ساختن نیروی بالقوه تعرضی بزرگ ما افزایش داد.

خلق ما نمی‌توانست ساکت بنشیند و تماشاگر این باشد که ایالات متحده وپادوهایش با بی‌شرمی قرارداد پاریس را نقض کنند و با براه انداختن های و هوی در بیرون خانه، خانه را غارت کنند. دراین اوضاع بحرانی، بیست و یکمین کنگره کمیته مرکزی حزب دراکتبر ۱۹۷۳ تشکیل شد و شعار "مبارزه سیاسی و نظامی را با دیپلوماسی هماهنگ کنیم" رامطرح نمود. و نیز بروشنی تاکید نمود که "راه انقلابی برای جنوب راهی قهرآمیز است. شرایط به هرنحوی که باشد ما باید قاطعانه مترصد لحظه ای مناسب* بوده، خط سیر تعرض استراتژیک را حفظ کرده و برای پیشروی انقلاب درجنوب به هدایت فعال بپردازیم. مسئله جلب مردم، بدست آوردن کنترل دستگاه اداری و گسترش نیروی واقعی انقلاب از امور فوری و اولیه ایست که

---

* درزبان ویتنامی Thoico (توی‌کو) به معنی فوق دارای یک مفهوم بنیادی دراستراتژی نظامی است.

که مرحله کنونی از ما طلب می‌کند....." در مارس ۱۹۷۴ کمیته مرکزی نظامی جلسه‌ای برگزار کرد تا درک روشنی از قطعنامه کنگره بیست و یکم کمیته مرکزی حزب بدست آورد و برنامه‌های مشخصی را برای انجام آن در جبهه نظامی مورد مذاکره قرار دهد. در اینجا نیز تاکید شد که: " ممکن است انقلاب ویتنام از مراحل بسیاری گذار کند و تنها راه پیروزی قهر انقلابی است که با انجام قیام های خلقی، اتکاء بر نیروهای سیاسی و نظامی - یا درصورتی که جنگ در مقیاس بزرگ مجددا " برقرار گردد- با پیش بردن جنگ انقلابی، به پیروزی کامل می‌رسد. انقلاب در جنوب می باید قاطعانه به مفهوم استراتژی تعرض پای بند باشد... می‌باید که ما با عزم راسخ دست به حمله و ضد حمله بزنیم، ابتکار را در دست بگیریم و آن را در تمام جبهه ها گسترش دهیم....."

روح غالب بر قطعنامه چنین بود: **اگر دشمن قرارداد را رعایت نمی‌کند و سیاست ویتنامی‌کردن را که در اساس یک جنگ نواستعماری است** و هدفش تسلط بر سراسر جنوب است ادامه می‌دهد، پس هیچ راه دیگری برای ما وجود ندارد، **به جز هدایت جنگ انقلابی، نابود کردن دشمن و آزاد کردن جنوب**، بیست و یکمین کنگره کمیته مرکزی نه تنها شعار "حمله و ضد حمله" را مورد تاءکید

قرارداد بلکه رهنمودهای اولیه را نیز برای کاربرد شعار در هرناحیه وانواع عملیاتی که در عرصه هرنبرد باید صورت می‌گرفت، ارائه نمود. کنگره هم چنین این وظیفه را برای همه نیروهای مسلح مقرر داشت: پیشبرد فعال کار سیاسی با هدف بالا بردن دائم کیفیت سیاسی نیروهای مسلح، ایجاد تحولی در افکار، تشکیلات، قابلیت وهدایت درهرواحد، درهرکادر و درهررزمنده. هدف به ویژه بالابردن اراده رزمندگی، برقراری انضباط سازمانی وحصول اطمینان ازهرسه نوع گروه‌های مسلح نیروهای اصلی، نیروهای ناحیه‌ای، وهسته‌های شبه‌نظامی چریکی محلی بود تا هرماموریتی را دردوران جدید پیروزمندانه بانجام رسانند. دفترسیاسی قطعنامه را تصویب نمود.

ستادکل به همراه دفترکل سیاسی واداره کل لجستیکی به محض دریافت مصوبه شروع به تحقیق و برنامه ریزی برای استراتژی عمومی وبرای عملیات درعرصه هرنبردبه همراه کارآموزشی وسازماندهی اضطراری دربین همه واحدهای وابسته به نیروی اصلی وشعبات فنی نمودند. آنها برنامه‌های تدارکاتی و پشتیبانی را تهیه کرده، وهم‌زمان با آن کلیه عرصه‌های نبرد را به افزایش فعالیت‌ها، انجام تعرض وقیام، حفظ وگسترش ابتکار استراتژی کلی وتغییراوضاع در

درهمه جبهه‌ها هدایت کردندتا بدین‌طریق شرائط برای تعرض گسترده درمقیاسی بزرگ درسال ۱۹۷۵ فراهم گردد. عملیات شدیدی را درتمامی واحدها از" تری تین" تا غرب "نامبو" (ویتنام جنوبی) و ناحیه پیرامون " سایگون جیادین" ازآوریل تا اکتبر ۱۹۷۴ باحمله وضدحمله به دشمن بدون فرصت دادن به اوبه انجام رساندندوهرروزباگامهای بزرگتر پیروزی های عظیم تربدست آوردند. درهرکجا که مصوبه کنگره بیست ویکم کمیته مرکزی حزب وقطعنامه کمیته مرکزی نظامی به روشنی توجیح می‌شدودرهرجا که دیدگاه قهرانقلابی وشناخت نسبت به حالت تعرضی عمیقا " درک می‌شدنه تنها آن منطقه قادر به انهدام طرح‌های "آرامسازی" دشمن و حفظ مناطق آزادشده ماو پایگاه‌هائی که به طورپراکنده درمناطق تحت الحفاظ دشمن داشتیم می‌گردید، بلکه حتی می‌توانست مناطق آزادشده بسیاری را بسط داده ،دشمن را به موضع تدافعی منفعل وسردرگمی براند.

ما باتوجه خاصی به نبردی که شهر "تونگ دوک" را در منطقه ۵ ، ازپادرآورد، نشان دادیم. .درواقع این نبردآزمایش نیرویی بودکه درمقابله بانفراتی از دشمن که گفته می‌شدبهترین دستجات نظامی تعلیم دیده بودند، قرارمی‌گرفت . زمانی که ضربه نهایی را برشهر

تونگ دوک وارد آوردیم ، دشمن یک لشگر کامل از دسته های چتر باز را اعزام داشت تا با ضد حمله پی در پی در طی چند روز آن را پس بگیرد. اما ما تلفات سنگینی بر آنان وارد آوردیم، تونگ دوک را نگاه داشته و دشمن را مجبور به تسلیم نمودیم.

از این نبرد در تونگ دوک و نبردهای دیگری در "چونگ" در "داک پت" واقع در" تای نگوین" (ارتفاعات مرکزی) که واحدهای وابسته به قوای عمده دشمن را جاروب کردیم ، و در محل های دیگر، ستاد کل این طور نتیجه گرفت که قابلیت رزمی واحدهای وابسته به قوای اصلی متحرک ما بر واحدهای وابسته به قوای عمده متحرک دشمن برتری دارند. این نتیجه گیری به کمیته مرکزی نظامی گزارش شد. جنگ وارد مرحله نهائی خود شده بود. توازن نیروها تغییر کرده بود. ما قوی تر شده بودیم در حالی که دشمن ضعیف شده بود. بدین سبب ما می توانستیم و می باید، از حملاتی که در اساس به قصد پاکسازی مناطق از نیروهای موثر دشمن بود به حملاتی روی آوریم که هدفشان علاوه بر پاکسازی مناطق از دشمن ، آزاد ساختن مردم وحفظ منطقه را داشت ؛ بجای این که دست به عمل بزنیم تا نخست واحدهای نیروی اصلی دشمن را در عرصه نبرد کوه و جنگل منهدم سازیم، اکنون می توانستیم دشمن

برای حمله‌بردن به‌شهرها ،به‌مراکز حیاتی‌ودرهم کوبیدن دستگاه اداری دشمن می‌باشد .تنهادراین‌صورت دشمن به‌زانودرمی‌آیدوسرزمین اجدادی آزادمی‌شود. بنابراین‌ما به‌جاده‌های‌ارتباطی کافی وحمل ونقل موتوری احتیاج داشتیم که‌غذا ،مهمات‌وسلاح‌های‌کافی را به‌جبهه بیاوریم .راه‌حل اصلی مشکل توسعه یک سیستم جاده‌سازی برای بوجودآوردن تحرک کافی‌بود پروژه ساختن جاده‌ای استراتژیک درشرق‌سلسله‌جبال ترونگ‌سون در ۱۹۷۳ شروع ودراوائل ۱۹۷۵ تکمیل شد. این طرح دشواررا بیش‌از ۳۰٫۰۰۰ نفراز‌اعضای جوانان پیشتازبا بیشترین شتاب به‌انجام‌رساندند. جاده‌ای که‌به‌اتمام رسیدازراه‌شماره ۹ (درگوانگ‌تری) تاشرق‌نام بو امتدادمی‌یافت وکل طول جاده‌های تاکتیکی واستراتژیکی ، قدیمی وجدیدراکه‌درطول جنگ ساخته‌شده‌بودبه‌بیش‌از ۲۰٫۰۰۰ کیلومترافزایش داد. دولت وخلق ما نیروومصالح خیلی زیادی را در این طرح به کارگرفتند. هزاران وسیله‌نقلیه‌ازهمه نوع، ده‌ها هزارسرباز، کارگر، مهندس ،جوانان پیشاهنگ وکارگران داوطلب برسختی‌هاومشکلات‌بسیاری که‌مسبب آن‌ها اوضاع جوی‌و آب وهوا وگلوله‌های توپ وبمب‌های دشمن بودفائق آمدند؛ کوه‌ها وگردنه‌ها را مسطح ساخته وبرای ساختن جاده‌شن ریزی‌کردند ،نهرها

وپل ها را بنا کردند وهمه ی این ها حادثه ای غرورآفرین
دربخش غربی سرزمین ما بود. درواقع به خاطرهمین
"جاده ی هشت متری" ما بودکه کامیون های بزرگ و
وسائط رزمی سنگین ازهرنوع توانستنددرهردوجهت
درهرچهارفصل به سرعت حرکت کنند. آن ها شب و روز
بطورخستگی ناپذیری صدها هزارتن محمولات ازهرنوع
را به انبارهای میدانگاه های گوناگون جنگی حمل
کردندوپیروزی حملات ما را درمقیاسی عظیم تضمین
نمودند.

درجوارجاده استراتژیک که به سوی شرق جبال
گوانگ تری ازطریق " تی نگوین" تا "لوک نینه"
امتدادمی یافت، رودخانه ها و چشمه های عمیق و
کوه های رفیعی راکه قللی بیش از ۱۰۰۰ مترداشتند
قطع میکردندومی توانست سوخت ده ها هزاروسیله نقلیه
راکه درطرفین جاده رفت وآمدمی کردند، تامین کند.

این تصویری غرورآفرین بود. درآن ناحیه کوه های
سربه فلک کشیده، دربخش غربی سرزمین اجدادی مابیش
از ۲۰٬۰۰۰ کیلومر جاده استراتژیک که ازشمال به
جنوب کشیده بودبه همراه جاده های عملیاتی ازغرب
به شرق وجود داشت. این جاده ها همچون ریسمان محکمی
بودکه تدریجا " وجب به وجب، روزبه روزبدورگردن،
بازوها وساق پای یک غول بسته میشدومنتظرفرمانی

بودتا تکان سختی به خود دهد و زندگی چنین مخلوقی را خاتمه بخشد.

خطوط ارتباط تلفنی نیز که از لوک نینه می گذشت این امکان را فراهم ساخت تا از هانوی مستقیما" با بسیاری از میدان های جنگ تماس برقرار گردد. درست در زمانی که مردم جنوب در راه کوشش برای تحصیل حق حیات، دشمن را تقریبا" در همه جا عقب می راند، در شمال از همه دهکده ها و در هر حول وحوش، از کلیه کارگزاری های دولتی، مدرسه و کارخانه ده ها هزار جوان برومند به ندای حزب و سرزمین اجدادی برای پیوستن به ارتش و راهی جبهه شدن، پاسخ مثبت دادند. قطعنامه بیست و یکمین کنگره کمیته مرکزی حزب و مصوبه کمیته مرکزی نظامی، همراه با رهنمود های درست و بجای دفتر سیاسی، موقعیت میدان نبرد را به نفع ما برگرداند و نیروی عظیم سرتاسر کشور را برای پشتیبانی از خطوط جبهه بسیج نمود.

یك عرصه مهم نبرد

درخلال ماه‌های ژوئیه، اوت، سپتامبر و اکتبر ۱۹۷۴ درهمه‌کارگزاری‌های ستادکل هیجان و ازدحام به‌چشم می‌خورد. رفقا درکمیته مرکزی نظامی و دفتر سیاسی هرروزمسیرا وضاع را دنبال می‌کردندوطرح‌های جنگی استراتژیک وتجسسی راهدایت می‌نمودند. درآن هنگام نسیم مطبوع ودلپذیری برسراسرحزب وخلق ما وزیدن گرفته‌بود: انقلاب درجنوب اززمان قطعنامه بیست ویکمین کنگره کمیته مرکزی حزب ومصوبه مارس ۱۹۷۴ کمیته مرکزی نظامی، اوج بیشتری گرفته‌بود. اوضاع درعرصه نبردبه‌نفع مادرحال رشدبود. ارتش و خلق ماگام های مثبت واستواری برای پیشبردمواضع ونیروی انقلاب برداشته‌بودند. ضدحمله و تعرضات حیاتی بردشمن تحمیل شده‌بودوبه‌طور فزاینده‌ای پیروزی های بزرگی راباآهنگی سریع بدست‌آورده بود. منطقه ۹ مفهوم تعرض استراتژیک رادرک کرد و عملیات تجاوزی دشمن رایک به‌یک شکست داد. بیش از ۲/۰۰۰ قرارگاه دشمن راپاک نمود و بیش از ۴۰۰ ده راباجمعیتی متجاوزاز ۸۰۰/۰۰۰ نفر، آزاد کرد. منطقه ۸ بیش‌تراز ۸۰۰ قرارگاه دشمن راپاکسازی و

[illegible] دیگر با جمعیتی بیش از ۱۳۵/۰۰۰ نفررا
آزادکرد. منطقه ۷ موضع تعرضی خودرا حفظ کرد،
عملیات محاصره دشمن راشکست وناحیه پایگاه
استراتژیک راتا شمال سایگون تسخیرکرد. ناحیه
پیرامون سایگون مبارزه خودرادرکلیه جبهه‌ها تشدید
کردتا ازنواحی آزادشده پراکنده‌اش جدا نشودو
آسیب های سنگینی برضدحملهٔ دسته های دشمن وارد
آورد. منطقه ۵ بیشتروبیشتردست به تعرض جانانه
زد، پایگاه‌هایش‌را درمنطقه مرزی (نانگ سون، تونگ
دوک، توی فوک، مین لونگ، جیاوت وغیره) توسعه
داد؛ حملاتی‌علیه دشمن درزمین‌های پست انجام‌داده،
نزدیک به ۸۰۰ قرارگاه‌را پاکسازی و ۲۵۰ ده را با
۲۰۰/۰۰۰ جمعیت آزادکرد. درتای نگوئین، ما دست
به‌حمله وپاکسازی زدیم‌تا آنها راازداک پت، چونگ،
ما نگ بوت، مانگ دن، ولاخوپ به‌عقب نشینی وادار
کرده ومنطقه آزادشده وگذرگاه استراتژیک راتوسعه
دادیم. درتری تین، ماهم چنان دست وپای
لشگردریایی رادرپوست گردوگذاشتیم- لشگر
استراتژیک سیارسایگون راتانزدیکی ناحیه مرزی
انتقال داده‌بودیم، ومقاومت در برابرطرح آرام
سازی درزمین های پست رابانتایجی‌که هرروزبهبود
می یافت، تشدیدکردیم.

دشمن منفعل شدودرهمه جا روبه شکست نهاد. نقشه های تجاوزکارانه و"آرام سازنده" آنها دربسیاری ازنواحی پست بخصوص در دلتای مکونگ بطور قابل ملاحظه ای خنثی شده بود. قوای جنگی وروحی لشگرسایگون آشکارا درهم شکسته بود: ازآغازسال ۱۷۰٫۰۰۰ تن فرار کردندوصفوفشان راترک نمودند. کل نیروی قوای آنها درمقایسه با ۱۹۷۳ به ۲۰٫۰۰۰ رسیمده بود. تعداددسته های جنگی به نحوچشمگیری کاهش یافته بود. نیروهای استراتژیک متحرک دشمن درگل فرو رفته بود (لشگردریایی درتری تین ولشگرهوابرددر تونگ دوک) . کاهش کمک های امریکا امکان ادامه نبرد ونقشه های گسترش نیرورا ازقوای سایگون سلب کرد. درسال مالی ۱۹۷۳-۱۹۷۲ امریکائی ها به نوکر دست به سینه شان ۱/۶۱۴ میلیون دلار کمک نظامی کردند. این مبلغ درسال مالی ۱۹۷۴-۱۹۷۳ تنها ۱/۰۲۶ میلیون دلاربودودرسال مالی ۱۹۷۵-۱۹۷۴ به ۷۰۰ میلیون دلارسقوط کرد. نگوین وان تیومجبور شدازقوایش بخواهدبه یک "جنگ کم دامنه" تن دردهند برطبق اسنادآنان ،قدرت ارتش قریب ۶۰ درصدنزول کرد، زیراکمبودبمب وتوپ وجودداشت. تحرک نیز بخاطر کمبودهواپیما ، وسائط نقلیه وحتی سوخت تا ۵۰ درصدافت کرد. این موقعیت آنان را وادار

ساخت تا از عملیات به مقیاس وسیع ونفوذ عمقی توسط هلیکوپترها و ضربه زدن به وسیله تانک دست کشیده به دفاع از قرارگاه هایشان روآوردند ویا به عملیات کوچکی ازقبیل راه باز کردن و تجسس بپردازند.

خلاصه اینکه، خصوصیات اصلی اوضاع درجنوب پس از نزدیک به دوسال مبارزه برای عملی کردن قرارداد پاریس این بودکه، اگرچه ایالات متحده و اقمار نظامی اش مجبوربه خروج ازویتنام جنوب شده بودند، بازهم یک جنگ انقلابی درشرف وقوع بود، جنگی که ما بایدحملات نظامی را با مبارزه سیاسی هماهنگ می‌کردیم تا جلوی جنگ نواستعماری دشمن رابگیریم. مهمترین نکته درباره این مبارزه که هرروز گسترش بیشتری می‌یافت، این نکته بودکه: هرچه ما به طور فزاینده ای ابتکار عمل را دردست می‌گرفتیم وقویتر می‌شدیم، دشمن روزبه روزضعیف ترمی‌شدوبه انفعال بیشتری دچارمی‌گشت. درتوازن نیروها، این گام تازه ای به جلومحسوب می‌شدکه به نفع انقلاب بود.

ماهم زمان باگسترش مواضع وقوایمان در رزمگاه جنوب، به تلاشهای عظیمی به منظوررشدو تقویت تمامی جنبه‌ها درشمال سوسیالیستی دست زدیم و قدم به قدم به التیام جراحات جدی که دراثردو جنگ

خریبی وارد آمده بود پرداختیم. تولید تقریبا "به سطح
سال ۱۹۶۵ رسیده بود. شرائط زندگی خلق تثبیت شده
بود. طی دو سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ صدها هزار رزمنده برای
جبهه بسیج شدند. تدارکات برای نبرد، بویژه در منطقه
۱ در جنوب و در شاخه نیروی دفاع هوایی، فعالانه به
پیش می‌رفت.

در اکتبر ۱۹۷۴، زمانی که هوای آخر پائیزی روبه
سردی می‌رفت، تذکراتی به ما کادرهای نظامی در مورد
فصل عملیاتی آتی داده شد. دفتر سیاسی و کمیته مرکزی
نظامی برای شنیدن نقشه جنگی استراتژیک ستاد کل
جلسه‌ای ترتیب دادند. دفتر برنامه ریزی جنگی ستاد
کل پیش‌بینی کامل و همه جانبه‌ای از وضعیت دشمن و
وضعیت ما و تحولات کلیه جبهه‌ها از زمان امضای موافقتنامه
پاریس با نمودارها، نقشه‌ها و مقایسات آماری که
پهنا ردیوار اطاق جلسه را می‌پوشاند، کرده بود.
کنفرانس با استفاده از گزارشات و بحث و مذاکرات به
ارزیابی واحدی از اوضاع جنوب رسید و آن را در پنج
نکته جمع بندی کرد:

نخست اینکه، قوای سایگون از حیث نظامی، سیاسی
و اقتصادی هر روز ضعیف تر می‌شدند نیروهای ما در جنوب
قوی‌تر از دشمن بودند.

دوم اینکه، ایالات متحده با مشکلاتی در داخل و خارج

مواجه شده بود و هر روز توانش برای رسانیدن کمک نظامی یا سیاسی به نوکرانش نقصان می‌یافت. ایالات متحده نه تنها مجبور به تقلیل کمکش به سایگون شده بود، بلکه با مخالفت فزاینده‌ای در مقابل هر نوع تلاش به منظور "جهش به عقب" در جنوب روبرو بود. و حتی اگر قوایش دخالت می کرد، قادر به نجات دستگاه مزدور در حال سقوط سایگون نمی‌شد.

سوم اینکه، ما مواضع استراتژیک ارتباط دهنده شمال به جنوب را برپا داشته بودیم، نیروها و ذخائر مادی را افزایش داده و سیستم جاده‌های تاکتیکی و استراتژیکی را تکمیل نموده بودیم.

چهارم اینکه، جنبش هائی برای صلح، بهبود رفاه مردم، دموکراسی و استقلال ملی که خواهان سرنگونی تیو بودند به تحرک تازه‌ای در شهرها رسیده بودند.

پنجم اینکه، مبارزه برحق خلق ما از همدردی و پشتیبانی شدید مردم جهان برخوردار بود.

سوالی که در این کنفرانس مطرح شد و با حرارت مورد بحث قرار گرفت این بود که: آیا امریکائی ها قادر بودند زمانی که حملات گسترده ما خطر سقوط ارتش را پیش می‌آورد، مجددا" به جنوب قوا بفرستند؟ هر کس به روشنی این واقعیت را می‌دید و به خصوص به آن توجه می‌کرد، زیرا از زمان امضای موافقت نامه پاریس

درباره ویتنام که امریکا را وادار به خارج کردن قوایش از ویتنام جنوبی نمود، آنان بیشتر سردرگم گشته و در مخمصه ای بزرگتر از سابق گرفتار شده بودند. تضادهای داخلی در دستگاه حکومتی ایالات متحده و در بین احزاب سیاسی امریکا نیز حادتر شده بود. ماجرای واترگیت تمامی کشور را تحریک کرده و استعفای، ریچارد نیکسون، رئیس جمهور فوق العاده مرتجع را باعث شده بود. ایالات متحده دچار رکود اقتصادی بود، تورم افزایش می‌یافت، بیکاری مسئله‌ای جدی شده بود و بحران مواد سوختی ادامه داشت. درهمان زمان متحدین امریکا به مشاجره با او پرداخته و کشورهای تابع ایالات متحده درجستجوی راهی برای فرار از کنترل امریکا بودند. کمک امریکا به دستگاه اداری دست نشانده سایگون کاهش می یافت. لی‌دوان نتیجه‌گیری مهمی را در قطعنامه گنجاند: "اکنون که ایالات متحده از جنوب خارج شده است بازگشت به عقب برایش مشکل خواهد بود و علی‌رغم نحوه مداخله‌اش، آمریکا نخواهد توانست حکومت سایگون را از سقوط مصیبتبارش برهاند"

هنگامی که طرح نبرد استراتژیک برای سال ۱۹۷۵ را مورد بحث قرار می‌دادیم، سئوال مهم دیگری پیش آمد: عرصه اصلی نبرد کجا می‌توانست باشد؟ در تمام عرصه جنوبی نبرد، دشمن نیروهایش را در مواضع "قوای

دوطرفه "گسترده بود؛ مخصوصا سپاه اول درجوار شمال سوسیالیست، دارای پنج لشگرقوای وابسته به نیروی اصلی بود؛ درلشگرسوم به علاوه درمحدودهٔ دفاعی اطراف سایگون، دشمن دارای سه لشگرنیروی اصلی بود، ولی می‌توانست آن ها را برای یک یا دوستون از سه نیروی اصلی درسپاه چهارم احضار کند. بعددرسپاه دوم که شامل تای نگوین می‌شد، دشمن فقط دو لشگر نیروی اصلی داشت ومی‌بایست این ها را هم برای حفظ استان های تای نگوین وهم برای حمایت استان‌های ساحلی جنوب ترونگ بو، از "بینه دین" تا "بین‌توان" پخش کند.*

لیکن تای نگوین عرصه پرتحرکی با فوائد موضعی

---

* درساختمان حکومتی سایگون چهار "سپاه" - یا دقیق تر، کمربندتاکتیکی سپاه - هم برای مقاصد نظامی وهم غیرنظامی بکار می‌رفت. درقسمت غیر نظامی، آنها بخش های اداری‌بودند درسطحی پائین‌تر ازکشوری ولی بالاترازمحلی، واین مورد درباره بخش نظامی نیزصدق می‌کردوآن ها را به سپاه متعدد ارتش مربوط می‌کرد. بدین ترتیب سپاه یکم ارتش سایگون مسئولیت سپاه اول رابه عهده داشت و الی آخر.

بسیار برای نبرد بود که می‌توانست در کنار جاده ۱۴ تا جنوب یا تا شرق از طریق جاده‌های ۷، ۱۹ و ۲۱، گسترش یابد. این ناحیه جلگه مرتفعی را با پستی و بلندی‌های جزئی شامل می‌شد که برای جاده‌سازی مناسب و سلاح‌های تکنولوژیک به راحتی می‌توانست در این منطقه عمل کند و حداکثر توان آن به کار گرفته شود. خلاصه این که ناحیه‌ای بسیار مهم از نظر استراتژیک بود.

کنفرانس به اتفاق آراء روی قضاوت ستاد کل صحه گذاشت و تای نگوین را به عنوان عرصه عمده نبرد برای تعرض گسترده ۱۹۷۵ در مقیاس وسیع برگزید. اما دفتر سیاسی معتقد بود که برای اخذ تصمیم نهائی در مورد استراتژی تعیین کننده، لازم است اوضاع با دقت بیشتری مورد تحقیق قرار گرفته و ضمائمی به نقشه جنگی افزوده شود تا آن را باز هم کامل تر کند. در همان زمان چنین تصمیم گرفته شد که در بسیاری جبهه‌ها فوراً" باید کار بیشتری برای پیاده کردن این مصوبه صورت گیرد. دفتر سیاسی، کلیه اعضای رهبری حزب و فرماندهان جبهه‌های جنگ در جنوب را به هانوی دعوت کرد تا با استماع گزارش اوضاع را به دقت مورد بحث قرار داده و در مورد تصمیمات استراتژیک به توافق برسند. در اوائل دسامبر ۱۹۷۴، "فام هونگ*" عضو دفتر سیاسی و دبیر شاخه حزب در جنوب، ژنرال "تران

---

* Pham Hung.

وان ترا[۱]" ، "فان وان دانگ[۲]" عضو کمیته مرکزی ازنام‌بو ، "وچی‌کونگ[۳]" عضوکمیته مرکزی ودبیرحزب درمنطقه ۵ وژنرال "چوهوی‌مان" ازمنطقه ۵ ، یکی پس ازدیگری واردهانوی شدند..

دفترسیاسی با مسئولین هریک‌ازجبهه‌هابطور فردی کارکردوگزارشاتی درباره‌کلیه‌جنبه‌های اوضاع‌دریافت نمود. از۳ تا ۵ دسامبر، کمیته‌دائم وابسته به کمیته‌مرکزی نظامی ،گزارشات رفقائی ازنام‌بو و منطقه ۵ رادرباره اهداف وطرح‌های‌جنگی خودشنید.. این ها جلسات آمادگی برای کنفرانس بی اندازه با اهمیت دفترسیاسی بودندکه از ۱۸ دسامبر ۱۹۷۴ تا ۸ ژانویه ۱۹۷۵ به درازاکشید. درکنفرانس گذشته ازاعضای دفترسیاسی ،اعضای رهبری حزب وفرماندهانی ازکلیه جبهه‌های جنگ ، اعضای کمیته‌مرکزی نظامی و معاونین ستادکه‌تصدی مسئولیت‌عملیات‌جنگی را داشتندحضوریافتند. کلیه‌اعضای دفترسیاسی‌به‌نوبت نظریاتشان رابیان‌کردندوموردبحث قرارداددند.باید بگویم که‌طی کنفرانس بیست روزه،دفترسیاسی نظریات ودرک خودراازاوضاع هرهفته تعمیق بیشتری بخشید.

---

1) Tran Van Tra　　3) Vo Chi Cong

2) Phan Van Dang

با بدست آوردن دیدروشنی از استراتژی بزرگ درهر روز، تجزیه وتحلیل استوارخودرانیزهرروز مستحکم‌تر ساخت.

درهنگام گردهم آیی دفترسیاسی اخبارخوش آیندی ازجنوب می‌رسید: پیاده نظام اصلی درنام بو شرقی به همراه نیروهای محلی مشترکا "جاده ۱۴ وفوک لونگ مسیرعملیاتی راگشوده وپیروزی بزرگی به چنگ آورده بودند. درکمترازبیست روزما متجاوزاز ۳۰۰۰ نفرازدشمن راکشته واسیرکردیم، ۳۰۰۰ سلاح مختلف رامتصرف گشتیم وشهرفوک لونگ وکل ایالت فوک لونگ راآزادساختیم. این نخستین ایالت ازجنوب بود که کاملا" آزادشد.

عملیات پیروزمندجاده ۱۴ فوک لونگ ازاهمیت بسیاری برخوردار بود، چراکه برای نیروهای سایگون نمایانگرمرحلهٔ تازه‌ای به‌سوی سقوط بود. واحدهای اصلی آنها دیگرتاب وتوان دست زدن به عملیات محاصره درمقیاس وسیع برای بازپس ستانی نواحی، پایگاه‌ها یا شهرهای مهمی رانداشت که مادرعرصه نبرد کوه ها و جنگل هاودرمناطق مرزی تصرف کرده بودیم. این پیروزی همچنین دیدروشنی ازطرح‌های ایالات متحده و قدرت اوبرای مداخله درویتنام جنوبی ارائه نمود. ومهم‌تر ازهمه اینکه پیروزی بزرگ عملیات جاده ۱۴ در فوک

لونگ توانائی های جدید وفراوان ارتش وخلق ما را نشان داد. این پیروزی، تصمیم استراتژیکی را که در کنفرانس سیاسی تائید شده بود، تقویت نمود و یک نیروی پرتحرک اضافی برای دست یابی به پیروزی عظیم، به هنگام فرارسیدن لحظه مناسب، فراهم آورد.

ایالات متحده درابتدا از روی جنگ طلبی‌ناو هواپیمابرا تمی "اینتر پرایز" رابه همراه نیروی ویژه‌ای ازناوگان هفتم از فیلیپین به سوی سواحل ویتنام گسیل داشت ولشگرسوم دریایی را در "اوکیناوا" به حال آماده باش درآورد. شکاری های پنتاگون تهدیدکردندبمباران شمال راازسرمی‌گیرند. ولی سرانجام وزیردفاع امریکا، شلزینگرمجبور شد از "واقعه فوک لونگ" دست کشیده واعلام نماید که "این یک تهاجم همه جانبه ازطرف ویتنام شمالی نیست". اوبه لابه‌های دلخراش دهنده تیوپشت کرد. مارتین "سفیر" ایالات متحده درسایگون، به تیوگفت "ما اجازه نداریم حمایت امریکا رادراین شرایط برای شمافراهم کنیم". درآن زمان موضع ایالات متحده تضعیف شده بود. آنان دیگر نمی‌توانستندهر چه می‌خواستند، انجام دهند.

تحلیل کنفرانس دفترسیاسی این بودکه ضعف دشمن

به منزله فرارسیدن فرصت تازه‌ای است . اما اگر ما می‌خواستیم فرصت بزرگی به وجود آوریم ، مجبور به پشت سرگذاشتن نیروهائی بزرگ ، منهدم کننده ، درهم شکننده برای پاکسازی و متفرق کردن دشمن بودیم . اکنون اوضاع ، امکانات نامحدودی برای ما فراهم آورده بود . ممکن بود در جنوب بحرانی گریبانگیر دشمن شود ، برای ما فرصت بزرگی مهیا گردد . اگر ما ضربه را بطور منظم ، شدید وسریع وارد می‌کردیم ، پس مطمئنا " سقوط حکومت سایگون زودتر از آنچه ما پیش بینی کرده بودیم ، فرا می‌رسید .

در ۸ ژانویه ۱۹۷۵ ، دو روز پس از پیروزی در فوک لونگ ، لی‌دوان با گفتن این کلمات بر کار کنفرانس پایان داد : " کنفرانس ما راضی کننده و توافقی روبه اعتلاء بوده است . این بار رفقای ما برای تقسیم کار از نام بوومنطقه ۵ آمده بودند . اوضاع کاملا" روشن شده است . قرار گذاشتیم برنامه دوساله را به پایان رسانیم . دوسال از طرفی کوتاه و از طرف دیگر طولانی است . نبرد در جنوب ، در رابطه با قدرت شمال ، نیروی تمامی کشور را در پشت خود دارد . حال که امریکائی ها عقب نشینی کرده‌اند ، نیروهای ما در جنوب مستقر شده است و روحیه انقلابی توده‌ها روبه اعتلا است . این همان چیزی است که

لحظه‌ی مناسب را می‌سازد. ما باید قاطعانه بر آن چیره شویم، و مبارزه را در هر سه جبهه به پیش بریم: جبهه نظامی، سیاسی و دیپلوماتیک. این خصلت ویژه ویتنام است..... در جنوب توان تازه‌ای یافته‌ایم: ابتکار عمل در میدان نبرد در دست ماست و مواضع خود را از تری‌تین تا دلتای مکونگ به هم متصل ساخته‌ایم. ما پتک سترگی را تشکیل می‌دهیم. در منطقه ۸ و منطقه ۹ این ضربه در حال گسترش و کاری می‌باشد؛ ما در اطراف شهرها، میدان های نبرد را سازمان داده‌ایم؛ در شهرها جنبش‌های توده‌ای وجود دارد؛ جهان از ما حمایت می‌کند......."

لی‌دوان پس از تحلیل از موضع رو به ضعف دشمن، چنین ادامه داد: " ما باید ضربهء استراتژیک را در ۱۹۷۵ فرود آوریم. مواضع ما در سراسر ناحیه نام‌بو باید به یکدیگر مرتبط شوند، فشار بر سایگون افزایش یابد، مناطق هرچه بیشتر از قوای اصلی دشمن پاکسازی شوند و به کلیه نواحی آن قدر قدرت بدهیم تا به هنگام فرا رسیدن لحظهٔ مناسب، دست به حمله بزنند. و در دلتای مکونگ باید بر "می‌تو" بیشتر فشار آوریم. ما معتقدیم که سال جدید همراه با حملاتی علیه تای نگوین آغاز خواهد شد."

لی‌دوان ضمن اشاره به نقشه‌ای که‌درپشت داشت گفت : " بایدحملات را در بان می‌توت و " توی‌هوا " شروع کنیم . درمنطقه ۵ بایدازبینه دین به‌بالا راآزادسازیم . درتری‌تین نیزبایدکنترل "هو" تا " دانانگ " رابدست گیریم . ضمن پیروزی های عظیمی بطورعمده توازن نیروها را تغییرخواهدداد. ماباید تا فصل باران مبارزه‌را ادامه‌دهیم‌وپیروزی - های پی درپی به‌همراه‌داشته‌باشیم . اگرما ضربه را با قدرت تمام واردآوریم ، دشمن سریع‌تربا خطر انهدام روبروخواهدشد. برای جنگ دراطراف شهرها بایدقوای اصلی دشمن را درهم‌شکنیم. وقتی که‌وارد شهرها می‌شویم ، بایدمراکزحیاتی‌دشمن را خردکنیم .. شمال بایدموادلازم وتقویت فنی پیاده‌نظام‌را به عهده‌گیرد .این‌ها اصول اولیه برای‌پیروزی می‌باشند . زمانی که لحظه‌مناسب فرارسد، پیروزی از آن ما خواهدشد. بایدببینیم چه‌طورمی‌توان‌ضربه‌را سریع‌تر واردآورد. ستادکل بایداین مسئله‌را بعدا " مورد توجه‌قراردهد" . کنفرانس ۱۸ دسامبر ۱۹۷۴-۸ژانویه ۱۹۷۵ دفترسیاسی یکی ازرویدادهای تاریخی بود. کنفرانس اساس شرایط را به‌درستی ارزیابی کرد قوانین جنگ انقلابی راقاطعانه‌رعایت نمود، وبا حوصله اصول تازه‌ای برای اخذاستراتژی صحیح‌کشف

کرد. درپایان کنفرانس روشن گردیدکه دفترسیاسی برلزوم ضربه سریع تاکیدبسیاردارد. این خواست مبتنی برتحلیلی علمی بودکه به هنگام حصول فرصتهای مناسب آن رابه چنگ آورده بودیم. اگراز این فرصت استفاده نمی‌کردیم ، مرتکب جنایتی برعلیه ملت شده بودیم.

نتیجه گیری لی‌دوان بایکپارچگی تمام موردپذیرش کنفرانس قرارگرفت وبه عنوان مصوبه چنین ترسیم شد: " هیچگاه شرائط سیاسی ونظامی چنین عالی و تفوق استراتژیک چنین عظیم نبوده که درحال حاضر می‌باشد؛ انقلاب دموکراتیک ملی رادرجنوب به کمال برسانیدودرجهت وحدت مسالمت آمیزسرزمین پدری مان حرکت کنید. اکنون که جنبش سه کشورمنطقه هندو چین پیروزمندانه درحالت تعرضی است، هرروزپیروزی های عظیم وعظیم تربدست می‌آید....."

دفترسیاسی این تصمیمات رااعلام داشت: "بسیج عظیم‌ترین تلاش‌ها ازطرف تمامی حزب ، ارتش وخلق درهردوبخش کشوروطی سال های ۱۹۷۴-۱۹۷۵ شدت بخشیدن به مبارزه سیاسی ونظامی هماهنگ با مبارزه دیپلوماتیک ، به منظورتغییرشکل سریع توازن نیروها درعرصه جنوبی نبردودرجهت منافع کامل ما ، ونیز به منظورافزایش تدارکات باحداکثرفوریت وتکمیل

کلیه‌جنبه‌های این تدارکات تا زمانی‌که‌شرایط برای انجام قیام وتعرض‌عمومی مستعدگردد، وبرای‌پاک سازی قوای مزدوربه سقوط کشاندن آن ها ،تازمانی که‌سرنگونی حکومت دست نشانده‌ازمرکزومناطق محلی ممکن گردد، وقدرت دردست خلق قرارگیرد و جنوب آزادشود....

" ما باید امکان دخالت نیروی هوائی‌و نیروی دریائی ایالات متحده‌رادرصورتی که ارتش دست نشانده‌اش درخطرسقوط اساسی قرارگیرد وشرائط چنان شودکه آنان قادربه ادامه‌مقاومت باشند در نظرداشته‌باشیم . لیکن دخالت امریکائی ها مهم نیست ، مامصمیم وشرائط نیزبرای کوبیدن آنان فراهم است واحتمالا"آنان نخواهندتوانست حکومت سایگون راازخطرنجات دهند." قطعنامه‌استراتژیک دفترسیاسی ازطریق برنامه دوساله‌و استراتژیک ۱۹۷۵-۱۹۷۶ به‌کارگرفته‌شد: در۱۹۷۵ مابه‌طور غیر منتظره‌با تعرض‌گسترده وهمه‌جانبه‌ای ضربه‌را وارد وشرائط رابرای پیشبردتعرض‌همه‌جانبه‌ویتنام در ۱۹۷۶ ، به‌وجودآوردیم . در ۱۹۷۶ دست به‌قیام و تهاجم همه‌جانبه‌ای زدیم‌تاجنوب راکلا"آزادسازیم.

علاوه بربرنامه‌استراتژیک دوساله اول ، دفتر سیاسی گرایش دیگری رانیزپیش بینی‌کرده ودربرنامه

۱۹۷۵ مسیراساسی دیگری را نیزگنجانیده بود : اگر آن لحظه مناسب درآغاز ویا اواخرسال ۱۹۷۵ فرارسد، ما درهمان سال ۱۹۷۵ ، جنوب را بلافاصله آزاد خواهیم کرد.

راهی به سوی جبهه

یک روزپس از خاتمه کنفرانس دفترسیاسی یعنی در ۹ ژانویه ۱۹۷۵، کمیته دائمی وابسته به کمیته مرکزی نظامی جلسه داشت. در این گردهم آئی از وچی کونگ، چوهوی مان[1]، هوانگ مینه تائو[2] و لی ترونگ تان[3] نیزدعوت شده بود، زیرا هدف جلسه بررسی دقیق وتکمیل قطعنامه دفترسیاسی بود. ما به گزارش ستادکل درباره هدف ونیازهای عملیات تای نگوین، گوش فرادادیم. درطی جلسه‌ای اطلاع یافتیم لشگرچترباز دشمن موضع خودرا برای دفاع ازناحیه دانانگ حفظ کرده است. این به آن معنی بود که دشمن هنوز تدارکات ونیروهای ما را درتای نگوین راکشف نکرده بود.

تنها درجریان این جلسه بودکه ایده ضربه زدن به "بان می‌توت" بطورواقعی شکل گرفت. همه اهمیت حمله به این شهررادرک می‌کردند، ولی قبل ازاینکه درباره چگونگی حمله برای کسب یک پیروزی سریع تصمیم

1) Chu Hay Man
2) H. Minh Thao
3) Le Trong Tan

بگیریم به تحقیقات عملی درمحل نیاز داشتیم.

جلسه تازه شروع شده بود که لی‌دوک تو در را باز کرد و داخل شد. او برای ملاقات ما آمده بود. ما بعدها متوجه شدیم که دفتر سیاسی هنوز آسوده خاطر نشده، زیرا که به نظر آنان ایده حمله به بان می‌توت هنوز به روشنی در طرح عملیاتی تحلیل نشده بود. بدین خاطر آنان لی‌دوک تو را انتخاب کرده بودند. تا بدیدن ما بیاید و این عقیده را پیشنهاد کند که ما به طوریقین باید به بان می‌توت ضربه وارد آوریم. لی‌دوک توچنین اظهار داشت که: " ما باید مسئله حمله به بان می‌توت را بدون هیچ ابهامی طرح کنیم. اگر ما با وجود داشتن پنج لشگر در تای نگوین قادر به تصرف بان می‌توت نیستیم، چه کاری از ما ساخته است؟"

ژنرال ونگوین جیاپ، دبیر کمیته مرکزی نظامی، با تاکید بر محل وهدف تعرض، رسالت عملیات، جهت حرکت آن واستفاده از نیروها، به سخنان خود خاتمه داد. ضمن فراخوانی نظرات درباره شیوه‌های رزمی بربی باکی، پنهان کاری وغافلگیری در عملیات تاءکید نمود. جیاپ گفت: ما باید با ارائه شمار عظیمی از مانورهای فریب دهنده، توجه دشمن را به حفاظت از بخش شمالی تای نگوین معطوف داریم. به عملیات تای نگوین، نام رمز "عملیات ۲۷۵" داده شد.

درهمین حال ، درجبههٔ تای نگوین سرتیپ[1] ، ولانگ[2] ، فرمانده جبهه ،همراه با تعدادی از کادرها ، برای تجسس وتحقیق در اوضاع با ن‌می‌توت به‌سوی آن منطقه حرکت نمود .به پیشنهاد لی‌دوان ولی‌دوک تودفتر سیاسی مرا از جانب خود ، کمیته مرکزی نظامی و فرماندهی کل برای فرماندهی مستقیم به‌عرصه نبرد تای‌نگوین اعزام داشتند .جلسه تاریخی خاتمه یافت. همه‌ی اعضای دفترسیاسی به‌نوبت مرا درآغوش کشیدند ، دست مرا فشردند وبرایم سفری بی‌خطر وسرشار از پیروزی‌های بزرگ آرزوکردند. رفتن به‌جبهه برای یک سرباز انقلابی افتخار بزرگی است . رفتن من برای اجرای قطعنامه مهم حزب ،قطعنامه‌ای که به روشنی درکش کرده بودم شادمانی وآرامش عظیمی برایم به همراه داشت ، درست مانند زمانی که دربهار ۱۹۷۱ به‌عملیات جاده ۹ وبه‌عملیات بهار ـ تابستان ۱۹۷۲ درکوانگ تری

---

۱) Brigadier-General – رتبه‌ای درحد سرتیپ است .اما ترجیح داده شد از این اصطلاح در این مورد و در موارد دیگری هم که با درجات ژنرالی روبه رو هستیم . استفاده نشود و به صورت اصلی آورده شود. به هر حال ژنرال بریگادد دارای یک ستاره می‌باشد .

۲) Vulang

رفته بودم. پس از گردهم آیی دفتر سیاسی با نمایندگان تمام جبهه‌ها، به تران وان ترا گفتم "من هم اکنون برای جنگیدن به تای نگوین می‌روم و درست تا شروع فصل باران در آنجا خواهم ماند، و پس از خاتمه کار به نام بو می‌آیم تا همگی به اتفاق اوضاع عرصه نبرد را بررسی کنیم و برای حملات بزرگ فصل خشک در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۶ آماده شویم".

تمامی ارتش با شور و هیجان خود را آماده رفتن به جبهه می‌کرد. در ۲۶ ژانویه ۱۹۷۵ من به اتفاق سرتیپ "فونگ تی تای[1]"، معاون رئیس ستاد به دیدن سپاه یکم که در نینه بین مستقر شده بود رفتیم تا دستورات ویژه‌ای برای سال ۱۹۷۵ بدهیم. این اولین سپاهی بود که استقرار یافته بود و شامل واحدهایی بود که سنن برجسته و سابقه افتخارآمیزی در دو جنگ مقاومت بر ضد فرانسوی‌ها و امریکائی‌ها داشت. این سپاه اکنون به نیروئی با توان رزمی عظیم، تحرک عالی و قدرت ضربتی فراوان بدل شده بود. من برای تشویق و روحیه بخشیدن به نفرات سخنرانی کردم: "اعمال این سپاه باید در عرصه نبرد پیوسته دنبال شود و باید فعالیت‌های این سپاه با فعالیت جنوب آمیخته

Phung The Tai (۱

شود. ضرباتی که این سپاه وارد می‌آورد باید از موضع قدرت باشد، و باید به موقع با این ضربات کاری درهم آمیزد، و آن چنان ضرباتی باشد که دشمن را گورکن خود سازد. من امیدوارم، طبل‌های رزمی سپاه به صدا درآید و شیپورهای پیروزی هماهنگ با سمفونی کل ارتش خلق نواخته شود. پس بگذارید بپرسم: نوازندگان، آیا همه‌ی شما که در اینجا حضور دارید قادر به انجام این کار خواهید بود؟! اگر همه شما موافقید پس رهبران ارکستر را در زمان مناسب، آنگاه که لحظه مناسب فرا می‌رسد، به حرکت درآورند!!

از میان صفوف نفرات، یک نفر فریاد زد: "ما می‌توانیم، ما می‌توانیم! ما برای پیروزی مصمم هستیم، مصمم به پیروزی!"

در این هنگام، ما در تای نگوین هنگ های ۱۰،۳۲۰ و ۹۶۸ را داشتیم، واحدهائی که همگی تجارب رزمی فراوانی در کوه‌ها، جنگل ها و در تای نگوین کسب کرده بودند. در پایان دسامبر ۱۹۷۴ فرماندهی کل تصمیم گرفت که هنگ ۳۱۶ را نیز به این جبهه بفرستد. این هنگ سنن پرافتخاری داشت. بیش از بیست سال جنگیده، به سفرهای دور رفته و در جنگ مقاومت ضد فرانسوی پیروز - مندانه شرکت جسته بود. طی دوران مقاومت بر علیه ایالات متحده و مزدورانش، این هنگ برای مدتی طولانی

به انجام وظایف بین المللی خودسرگرم بود*. قبل از این که این هنگ وارد کارزار شود، به اتفاق ژنرال باریگاد، دامکوانگ ترونگ[1] فرمانده منطقه ۴ برای بازدید و گفتگو با هنگ که در آن موقع در "نگ آن[2]" جای گرفته بود، عزیمت کردم.

پس از تشریح اوضاع و قطعنامه دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی برای کادرها و رزمندگان واحد به آنان چنین گفتم: "دو سطر از یک شعر در قلبم زبانه می‌کشد، نمی‌توانم نام شاعرش را به یاد آورم، ولی این شعر بیانگر خشم، رنج و تلخی است که هر ویتنامی باید لمس کند: سی سال است که سرزمین ما سلاح به کف گرفته است، ولی باز هم قرص ماه ما همچنان دوپاره مانده است. امروز با داشتن عرصه نبرد، موقعیت مناسب، رسالت روزی را دارد که باید حرکت را به همراه تمامی خلق آغاز نمود، و آن ماه را دوباره یکی کرد. دشمنی که امروز

---

* اشاره به حمایت رزمی و لوجستیکی ویتنام از جنبش‌های مقاومت در لائوس و کامبوج است. در جوار نه آن غربی، یعنی قرارگاه این هنگ، لائوس قرار دارد.

1) Damauang Trung

2) Nghe An

با آن روبرومی‌شویم دربسیاری جهات با دشمنی که‌در گذشته با اوروبروشدید،تفاوت‌دارد. دشمنی‌است لجوج وحیله‌گربا تجربه بیشتر ،سلاح‌ها وساز وبرگ فراوان‌ترو بافنون رزمی زیرکانه‌تر. ولی این نیزدشمنی‌برحق نیست ،درعرصه نبرددشمنی است باسابقه‌شکست ، دشمنی است که‌ازهرطرف با اشکالات مواجه‌است،ازنظر مادی ومعنوی تهی‌دست شده وموقعیت ونیرویش رو به ضعف نهاده‌است . هیچ دلیلی وجودنداردکه‌هنگ سیصد وشانزدهم درزمانی که‌انقلاب درجنوب روبه اعتلاست، نتواندقوای تضعیف‌شده سایگون راشکست دهد".

کادرها ورزمندگان لشگردست‌هایشان رابالابرده وازته‌دل فریادبرآوردند:" ما اراده کرده‌ایم که پیروزشویم، پیروزشویم ؛وقول دادند ،مابه‌دوردستها سفرخواهیم کرد، به‌هرکجا که‌باشد ،آنقدرمی‌جنگیم‌تا پیروزشویم."

دفترسیاسی وکمیته مرکزی نظامی همراه با من ژنرال دین دوک تین[1] رئیس بخش لوجستیکی، سرتیپ لی نگوک هین[2] معاون ستاد وتعدادی از کادرهای با تجربه‌ازکارگزاری های ستادکل وشاخه‌های

---

۱) Dinh Duc Thien

۲) Le Ngoc Hien

گوناگون تخصصی را به‌عنوان نمایندگان جبهه انتخاب کردند. دین دوک تین طی جنگ مقاومت برعلیه فرانسه تجارب فراوانی درزمینه سازماندهی حمل ونقل برای تامین لوازم موردنیاز جبهه، به‌ویژه در عملیات دین بین فو، کسب کرده بود. درطی دوران مقاومت علیه ایالات متحده، او رهبری قسمت لوجستیکی را در غلبه بر مشکلاتی همچون خطرات ناشی از حملات وحشیانه تضمین حمل ونقل برای سربازانی که جنگ تخریبی دشمن را درشمال شکست دادند، حمایت از جبهه‌های نبرددرجنوب، به‌ویژه برای تضمین پیروزی در عملیات آزادسازی کوانگ تری در ۱۹۷۲، را به‌عهده داشت. او کادرانقلابی فعالی بودکه هیچ‌گاه ازعقب نشینی صحبت نمی‌کرد. اوبشاش وماجراجوبود، باجسارت وکارآیی فراوان، ولی ازآنجاکه شش دهه را پشت سرگذارده بود براحتی آشفته می‌شدوهرگاه ازچیزی خشنودنبودغالبا" به‌هیجان می‌آمد. ما ازروزهایی که درزندان استعماری فرانسه، پیش ازانقلاب اوت باهم بودیم، نسبت بهم شناخت داشتیم وهمدیگر رادرک می‌کردیم*. دستی برشانه‌ی

---

* دراوت ۱۹۴۵ ویت مین حکومت ویتنام را از ژاپن شکست خورده تحویل گرفت ودرسپتامبرهوشی‌مین جمهوری دمکراتیک مستقل ویتنام را اعلام کرد. درخلال ←

دین دوک تین زدم وگفتم : "دیگروقتش رسیده ، دفتر سیاسی وظیفه مان را مشخص کرده است .اگردراین نبرد پیروزشویم ، این جسم پیرزمانی که چشمهایش را برای همیشه روی هم بگذارد ،درآرامش به سر خواهد برد."

لی‌نگوک هین اززمان نخستین قیام همگانی در منطقه ۲ درسال ۱۹۴۵ و در تیپ ۳۲۰ (معروف به تیپ دلتا) تا پایان ۱۹۵۳، باما جنگیده بود. او درطول جنگ علیه ایالات متحده ، دربسیاری از جبهه‌ها شرکت داشت وسپس به ستادکل بازگشت . او پس از دریافت خلاصه‌ای ازاموردستورالعمل های مربوطه ، قبل ازمن عازم تای نگوین شدتاعرصه نبردرا مطالعه وطرحهای عملیاتی راآماده سازد.

کادرهای کارگزاریهای ستادکل وشاخه‌های متعدد تخصصی درارتش ما نیز ،طی عملیات ۱۹۷۱و۱۹۷۲با من بودند. آنان پراشتیاق وکاردان بودندودربرنامه ریزی هماهنگ کردن شاخه‌های گوناگون تجربه داشتند. همگی ازشرکت دراین عملیات خشنودبودند. همه‌ی رفقای ماازاصول مشترک معینی درنبرد پیروی

→

۱۹۴۶ فرانسه تدریجا" ویتنام راباز تسخیر کرد و جنگ مقاومت شروع‌شد .نخست درجنوب وسپس درشمال.

می‌کردند. ولی هرنفرسبک رزمی خاص خودرا داشت.
قبل ازانقلاب اوت حزب مرا به یک دوره‌ی پانزده روزه
نظامی فرستاده بودوتنها پس ازآزادی کاملاًشمال بود
که‌توانستم برای تحصیل به‌یک آکادمی نظامی به
خارج بروم. ولی حزب مرا تعلیم داده بود، ومن در
مبارزه‌ای که‌دردوران اقامتم دریک سلول زیرزمینی
وبدون رابطه‌با حزب داشتم، به بلوغ سیاسی خود
نزدیک شدم*. این جریانات روحی‌جسورواستقلال طلب
به‌من داد.
دراوائل ۱۹۵۲، زمانی که فرمانده تیپ ۳۲۰
بودم، با رفقای دیگرم بر "فات دیم" حمله یی
ضربتی را سازماندهی و به انجام رساندیم. در
این حمله‌ها با دورزدن مواضع دشمن که‌درپیرامون

---

* درسپتامبر ۱۹۴۱، دانگ پس ازفرار از چنگال
گاردهای فرانسوی، به‌هنگام‌انتقال اززندان سون‌لا
Sonla به محلی جدید، موردسوءظن قرارگرفت و
موفق به‌فعالیت درارتباط مستقیم با حزب نگردید.
اوبطورمستقل به‌فعالیت های ضداستعماری خودادامه
داد. نخست به‌عنوان یک نجاروسپس درکوت به‌عنوان
یک راهب بودائی. دربهار ۱۹۴۳ بازگشت اوبه‌حزب
مورداستقبال قرارگرفت.

شهرودرا متدادبیست کیلو متری جاده قرار داشت قوایمان را به داخل شهر رساندیم و بطور غیر منتظره به شهر حمله بردیم . مرکز عصبی فرماندهی دشمن را پاک سازی کردیم ، شهر را یک روزه تصرف نمودیم و تنها در آن زمان بود که نیروها یمان را برای انهدام قرارگاه ـ های اطراف شهر فرستادیم . این تاکتیکها را تاکتیک "چتربازی" یا "نیلوفر شکوفا" نامیدیم . ما درباره نبرد آینده بسیار اندیشیدیم . تای نگوئین ناحیه مشهور وسرکش ، زادگاه اشعار رفنا ناپذیر و قهرمانان مقاومت خلقی چون "ماترانگ لون"[1] ، "نوپ"[2] و "بوگ"[3] و درسرزمین اجدادی بود . مردمش وفادارانه راه حزب ، عموهو وانقلاب را از نخستین روزهای مقاومت علیه فرانسوی ها و امریکایی ها دنبال کردند و همه چیزشان را برای پیروزی انقلاب داده بودند . ما باید تای نگوئین و بلافاصله بان می‌توت را که بزرگترین شهر ناحیه بود آزاد می‌کردیم . اما چگونه می‌توانستیم

---

* "نیلوفر شکوفا "چگونگی سبک این حمله را نشان می‌دهد . حمله از مرکز شهر آغاز می‌شود و تدریجا " به طرف نواحی خارج از مرکز گسترش می‌یابد، همچون غنچه ای که به آرامی گلبرگ هایش را باز می‌کند .

1) Ma trang Lon
2) Nup
3) Isok Vuu

با بیشترین سرعت ، با بهترین آرایش ،وبا بزرگترین شبیخون به با ن می‌توت حمله ببریم؟ پیروزی در فوک‌ـ لانگ نشان داده بود که ما در سال ۱۹۷۵ قدرت قابل ملاحظه‌ای برای آزادکردن شهرها ودهات خواهیم داشت . لیکن یقینا " حمله برشهرها در تای نگوین سخت تر از حمله‌ی فوک لونگ بود .

درآن موقع تای نگوین شامل پنج ایالت بود‌ـ کانتوم[1]، جیالای[2]،فوبن[3]،دارلاگ[4] ، وکوانگ دوک[5] ـ و میدانگاه نبردکوه‌ها وجنگل هایی بودکه به مناطق مرزی احاطه‌شده وپوشیده ازموانع بود. هنگامی که خودرا برای حمله به تای‌نگوین آماده می‌ساختیم،دشمن یک لشگرنیروی اصلی ، هفت گروه تکاور (معادل ده هنگ) وچهارگروه زرهی تانک وزره‌پوش، در مواضع دفاعی باسازماندهی خوب ، آرایش داده بود. ولی ازآنجائی که درپیش بینی حرکات ما دچاراشتباه شده ـ وتصورکردندحمله ما به تای‌نگوین‌ازشمال‌خواهدبود‌ـ نیروهایشان رابرای حفاظت از "پلی‌کو"[6] و"کانتوم" متمرکزکرده وحداقل نیروهای‌خودرا درجنوب تای نگوین به‌ویژه‌در دارلاک،گذاشتند. بان می توت ،شهری در

---

1) Kontum 2) Gialai 3) Phu Bon
4) Darlac 5) Qung Duc 6) Plei Ku

استان دارلاک با جمعیت ۱۵۰٫۰۰۰ نفر، مرکز اقتصادی وسیاسی دشمن ومحل اداره مرکزی لشگر ۲۳ آنها بود. درارزیابی دشمن ازما، این بازتاب اشتباه دیگری بود. بهگمان آنها در ۱۹۷۵ ما هنوزنیروی لازم رابرای حمله بهشهرها ودهکدههای بزرگ نداشتیم وحتی اگردست بهچنین کاری میزدیم، درمقابل ضد حملهآنان، تاب وتوان مقاومت نمیداشتیم. بدین خاطراگرچهبان میتوت موضع محوری داشت، دشمن پیش ازحملهما، نیروهای خودراصف آرائی نکرده و دربسیاری ازاموردچار غفلت ومسامحهشده بود. دشمن قوای نیرومندترخودرادرداخل شهرگمارده ونفرات کمما یهتررادراطراف پخش کرده بود. اگرما موفق به آزادکردن بان میتوت میشدیم، میتوانستیمسیستم دفاعی دشمن درتای نگوین رادرهم بشکنیم و این عمل باعث ایجادیک موضع میدانی متحرک وخطرناک میشدومیتوانست تغییرات ناگهانی دراوضاع نبرد بوجودآورد. زمانی کهتصمیم حملهبهبان میتوتبه طورقطع تائیدشد، باشتاب، تلگرافیبهتای نگوین فرستادم تاازلونگوک هین بخواهم کهطبق برنامه قبلی برای دادن گزارش بههانوی نیاید، بلکه در آنجا مانده واوضاع بانمیتوت راباز هم بررسی نماید وسپس بهسرفرماندهی ۵۵۹، درترونگ سون آمدهوبا

من درسرراهم به‌تای نگوین، ملاقات نماید.

پیش ازحرکت به‌دیدن ترون شین رفتم. اوبدقت ازوضع ارتش وتدارکات پرس وجوکردومرا به رفتن وبه ارمغان آوردن پیروزی ترغیب نمود. به‌هنگام جدا شدن یادآوری نمود که درباره‌ء آنچه درجلسات دفتر سیاسی درباب هدایت عملیات بیان کرده است، به اندازه‌کافی تعمق کنم. من بینش روشن اورادرباره هدایت اساسی جنگ انقلابی‌بیاد آوردم: مابایدضربات استراتژیکی‌را مانندضربات منهدم‌کننده‌دین بین فو واردکنیم. تنها به‌چندنمونه‌ازاین ضربات احتیاج داریم تادشمن بفوریت سقوط کند. مابایدقاطعانه ابتکارعمل رادردست گیریم‌وبه‌نقاطی‌ضربه‌بزنیم که دشمن راوادار به‌پناه‌گرفتن کند. زمانی‌که‌آنها پناه بگیرند، بداخل تله‌ی ماخواهندافتاد. ..." سپس لی‌دوک تودست مراگرفت وگفت: "اگردراین نبرد بزرگ پیروزشویم، یقینا "موضع‌جدیدی ایجادخواهیم کردکه‌بشدت برای ما مساعدخواهدبود. فراموش نکن مواظب سلامتی‌ات باشی." یک روزبه‌پایان ژانویه ۱۹۷۵ مانده‌بودکه‌برای بدرود نزد لی دوان رفتم. اوبه‌من یادآوری کردکه‌اهمیت حمله‌به‌بان می‌توت وارتفاعات مرکزی درگروایجاداین فرصت جدیدبودو سپس پرسیدکه‌آیا نیروهای کافی‌دراختیاردارم. جواب

دادم: "ما قوای کافی داریم. اگر بدانیم چگونه از آنها بهره‌گیریم، برایمان برتری حاصل می‌شود." اما او مجددا "سوءال کرد: "آیا گسیل نیروهای بیش‌تر لازم است؟" درگذشته نیز هنگامی که عازم عملیاتی بودم، او همیشه چنین رفتاری داشت. لی‌دوان همیشه خاطرنشان می‌ساخت که آیا در تدارک نیروها کمبودی وجود دارد و آیا به کمک سطوح مرکزی نیاز داریم یا نه. این بار او این اخطار را هم اضافه کرد: "شما باید درباره روش درست حمله عمیقا "فکر کنید. رزمگاه تای‌نگوین می‌تواند پیروزی عظیمی در برداشته باشد. پیروزی می‌تواند موقعیتی را که پیش بینی کرده بودیم، برایمان بباز آورد، که همانا آزادی جنوب در سالی که درپیش داریم، است."

بعد از آن با ونگوئین جیاپ، سونگ‌هاو[1]، هوانگ وان تای[2]، و لوکوانگ دائو[3]، از اعضای کمیته مرکزی نظامی وداع کردم. ما با یکدیگر توافق داشتیم. قلبهایمان یکی بود. به هنگام رفتن ما چیز زیادی به یکدیگر نگفتیم، اما ما کسانی که به میدان نبرد می‌رفتند و کسانی

Song Hao (۱)

Hoang Van Thai (۲)

Le Qung Dao (۳)

که در محل می‌ماندند، درباره یک چیز توافق داشتند:
این بار باید قاطعانه چنان تاثیری بجای بگذاریم
که کاملاً از تحولات عملیات پیشین متفاوت باشد.

اشغال مواضع

ما تحت نام رمز "دسته آ - ۷۵" عازم جبهه‌ی تای - نگوین شدیم. بخاطرنیاز به پنهان‌کاری چنین تصمیم گرفته شدکه در ارتباطات، مبادله‌ی اطلاعات و مکالمات طی این عملیات، ونگوئین جیاپ نام مستعار "شین" و من نام مستعار "توان" را داشته باشیم.

هرسال درروزهای قبل از عیدتت - سال جدیدقمری - هدایای کوچک وکارت‌های تبریک برای خانواده - هائی‌که درپایگاه‌های انقلاب سکنی داشتند ودرسالهای فعالیت مخفی مرا یاری داده بودند، ارسال می‌داشتم. این بارهدایا وکارت‌های تبریک تت را پیشاپیش آماده کردم تا به هنگام آغاز سفرم، خانواده‌ام آنها را طبق معمول ارسال دارند. همچنین از قبل تلگرافهای شادباشی به مناسبت سالگرد نیروهای مسلح درشوروی و جمهوری دمکراتیک آلمان درماه فوریه وبرای مغولستان درمارس ۱۹۷۵ راامضا کردم، تا درزمان مقتضی فرستاده شوند.

صبح روز ۵ فوریه ۱۹۷۵، روز بیست وپنجم ازدوازدهمین ماه قمری به فرودگاه جیالام [1] رفتیم تا باهواپیما به دونگ - هوی [2] برویم. تنها سرتیپ فونگ تی تای، معاون

ستاد و سرتیپ لی وان ترای ، فرماندهٔ دفاع هوایی برای بدرقه ما آمده بودند.

در رأس ساعت ده و سی دقیقه صبح هواپیمای ای.ان-۲۴، پرواز کرد. هانوی پوشیده از گلهایی بود که به پیشوازبها رمی رفتند. هانوی، قلب همه ی کشور، جائی که تصمیمات استراتژیک دفترسیاسی در آنجا آغاز می شد، هانوی قهرمان امروز بی اندازه زیبا می نمود. در هواپیما نصایح رفقای دفترسیاسی و کمیته مرکزی نظامی را بخاطر آوردیم، به مسئولیت عظیمی که به ما محول شده بود و به شیوه های حملاتی که در تای نگوین درپیش داشتیم، اندیشیدیم. همانطورکه لی دوان اخطار کرده بود، ما باید زیاد فکر می کردیم و شیوه ی درست حمله را می‌یافتیم.

هنگامی که روانه این ماٴموریت می شدیم، همه از کادرهای رهبری گرفته تا هرفرد سرباز، خوشبین و مشتاق، نگران انجام گرفتن عملیات به نحو احسن بودند. ما بی تاب بودیم، می خواستیم همان روز در عرصه نبرد باشیم و طرح حمله ای راکه درسر می پروراندیم، به اجرا درآوریم و هوشیارانه هر عمل دشمن را زیرنظر می-

---

(۱) Gialam

(۲) Donghoi

گرفتیم.

برطبق اخبار ما در ۹ و ۱۰ دسامبر ۱۹۷۴، تیودر "کاخ استقلال" با فرماندهان کلیه نیروهای مسلح و گردانهای ارتشی ملاقات کرده بود تا فعالیت های ما در سال ۱۹۷۵ را پیش بینی نماید. آنان تصور می کردند که حملات ما در امسال در مقیاس وسیع تری از سال ۱۹۷۴ با شد ولی احتمال نمی دادند. آنان می انگاشتند که ما هنوز توانائی حمله به دهکده های بزرگ یا شهرها را نداریم و حتی اگر به آنها حمله کنیم، قادر به حفظ آنها نخواهیم بود. و اینکه ما تنها می توانیم به شهرهای کوچک دور افتاده مانند فوک - لونگ و جیا نگیا حمله ببریم. هدف اصلی ما در ۱۹۷۵ بدست آوردن دو میلیون نفر در دلتای مکونگ و توسعه منطقه آزاد شده در نواحی کوهستانی بود. منظورمان کسب آنچنان پیروزی هائی بود که آنان را مجبور به رعایت مفاد قرارداد پاریس نماید. آنان فکر می کردند که ضربه تعرضی عمده ما در نیمه اول ۱۹۷۵ از طریق حمله به سپاه سه یا در اصل به شهر تای نین است و هدف از آن را تصرف تای نین به عنوان پایتخت برای دولت موقت انقلابی جنوب تصور می کردند. در مورد تعیین زمان تعرض، دشمن حدس می زد که درست قبل یا بعد از تت حمله را شروع و تا ژوئن ۱۹۷۵ ادامه می دهیم، سپس در شروع فصل باران دست نگه می داریم. بخاطر این تشخیص تیو

به ژنرال هایش فرمان داد برای درهم شکستن طرحهایی که آماده کرده بودیم، قبل از فرا رسیدن آن زمان، بی‌محابا به ما حمله کنند. نخست وزیر سایگون، تران تین - خیم (۱) برای شروع عملیات "آرام سازی فشرده وفوری" که قرار بود از اول ژانویه ۱۹۷۵ شروع شده وسه ماه بدرازا کشد طوری که "عملیات زمستان - بهار ویت کنگ را متوقف کند" با فرماندهان بخش‌های اصلی وفرعی ملاقات کرد. بخاطر همین ارزیابی بود که آنان نه تغییری در آرایش قوای استراتژیک دوشاخه شان (سپاه ۱ و ۳) دادند ونه بر نیروهایشان درسپاه ۲ که شامل تای - نگوین می‌شد، افزودند.

درآغاز ۱۹۷۵ نفرات آنها ۱/۳۵۱/۰۰۰ اشامل ۴۹۵/۰۰۰ قوای اصلی، ۴۷۵/۰۰۰ قوای محلی و ۳۸۱/۰۰۰ "گارد غیرنظامی" مسلح بود. این رقم دربرگیرنده سیزده لشگر از نیروی اصلی وهجده گروه تکاور می‌شد. قوای آنها به ترتیب زیرصف بندی شده بود:

سپاه یک دارای پنج لشگر (به اضافه دولشگرذخیره) وچهار گروه تکاور، بیست ویک گردان وتعدادی گروهان ودسته‌های توپخانه با ۱۶۴۱۸ عراده توپ؛ پنج هنگ زرهی و شش دسته زره پوش وتانک با ۴۴۹ دستگاه؛ و یک لشگر

---

(۱) Tran Thien Khiem

هوایی‌شامل ۹۶ هواپیمای جنگنده بود. بیش‌ترقوای اصلی‌دشمن به‌حفاظت ازهویه‌ودانانگ مشغول بودند.
درسپاه‌دوآنها دولشگراصلی و هفت‌گروه‌تکاور، چهارده‌هنگ وتعدادی گروهان ودسته‌های توپخانه‌با ۳۸۲ عراده‌توپ؛ پنج‌هنگ زرهی‌وسیزده‌دسته‌تانک با ۴۷۷ دستگاه‌ودولشگرهوایی‌با ۱۳۸ هواپیمای جنگنده داشتند. بیشترقوای اصلی‌دشمن برای حفظ‌تای‌نگوین، جلگه‌ها وناحیه‌ساحلی‌پخش شده‌بود.
سپاه‌سه‌دارای سه‌لشگراصلی و هفت‌گروه‌تکاور، چهارده‌گردان وتعدادی گروهان ودسته‌های آتشبار با ۳۷۶ عراده‌توپ؛ هفت‌هنگ زرهی وپانزده‌دستهٔ تانک وزره‌پوش با ۶۵۵ دستگاه؛ ودولشگرهوایی با بیش‌از ۲۵۰ هواپیمای جنگنده بود. کلیه‌قوای اصلی دشمن درقوس شمال غربی، شمال وشمال شرقی‌برای محافظت ازسایگون، درفاصله‌ی کم وبیش پنجاه‌کیلو-متری این شهرمستقرشده‌بود. درسپاه‌چهار، سه لشگر اصلی، هجده‌گروه‌نیروهای امنیتی، پانزده‌گردان‌وپنجاه وپنج گروهان توپخانه‌با ۳۸۰ عراده‌توپ؛ پنج هنگ زرهی‌وهفده‌دسته‌تانک با ۴۹۳ دستگاه؛ یک لشگرهوایی با ۷۲ هواپیمای جنگنده‌و ۵۸۰ ناووناوچه، ازهمه‌نوع موجودبود. واحدهای اصلی‌ازناحیه‌کان توشونگ تین جادهٔ ۴ وجبهه‌مرزی کامبوج حفاظت می‌کردند.

موضع دشمن تضعیف شده و در استراتژی وارزیابی- اش از ماا شتباهات بزرگی مرتکب شده بود که نتیجتا " موجب طرح ریزی های نادرست در آرایش قوا و تدارک نامناسب عملیاتی آنان گشته بود . طرح ها همگی حاکی از شکست عظیمی بود که در راه داشتند .

هنگامی که هواپیما در دونگ هو به زمین نشست ، ژنرال دونگ سی نگوین و چند اتومبیل که از فرماندهی تیپ ۵۵۹ در کوانگ تری آمده بودند ، در فرودگاه در انتظار ما بودند . ما برای رفتن به کوانگ تری از اتومبیل استفاده کردیم . جاده که از لوتوی و "هوخا"(۱) می گذشت ، به خاطر سال ها حملات وحشیانه دشمن پستی و بلندی داشت و ماشین سخت به این سو و آن سو می رفت . این جاده نمایانگر یکی از استوارترین و دلاورترین مناطق در سرزمین ما بود ، چرا که در سال- های مبارزه با جنوب نقش تدارکاتی را به عهده داشت . در بن های(۲) ، برای گذشتن از رودخانه ، سوار یک قایق موتوری شدیم . آن روز آفتابی ، ما به طرز عجیبی خنک بود . هنگامی که روز به تاریکی می زد ، در بار- انداز جنوبی رودخانه پیاده شدیم و به مقر فرماندهی نیروی ۵۵۹ در غرب "جیولین" (۳) رفتیم .

---

1) Hoxa 2) Ben Hai 3) Giolinh

نیروی ۵۵۹ همان طورکه از اسمش برمی‌آید درمه ۱۹۵۹ بوجودآمدوتابع اداره‌کل لوجستیکی‌بود. تاریخچه آن مانندتاریخ شاخه‌لوجستیکی‌ارتش ما ،روندی از سازندگی ، مبارزه، وتوسعه بود. این واحد تجسم آرمان انقلابی حمله‌بود؛مفهوم قهرانقلابی رادرک کرده و دوراندیشی را که از ضروریات موء ثر در مبارزه‌است ، درخود داشت. تمامی آنچه که انجام داده‌بودنداز شاهکارهای نبردبود.

تران دانگ نین، عضو کمیته مرکزی و رزمنده قاطع انقلابی که‌دوبار اززندان های استعمارگران فرانسوی گریخته بود، سهم مهمی‌درایجادشاخه‌های لوجستیکی‌درارتش ما داشت. اگراو امروززنده بود چقدرازدیدن نیروی قدرتمند لوجستیکی فعلی ارتش ما ، چیزی که ازهمان روزهای نخست‌آرزویش‌را داشت ، لذت می‌برد. اکنون بیش از ۱۰٫۰۰۰ وسیله‌حمل ونقل به‌انضمام خودروهای بسیاری که‌ازمناطق نظامی و نواحی بومی وهمچنین ازوزارت‌حمل ونقل به‌عنوان نیروی تقویتی اعزام می‌شدنداز این جاده‌ها عبور می‌کردند. شاخه‌های لوجستیکی‌که در خدمت طرح‌های سالانه‌ی ارتش بودهمانندیک خانه‌دارکاردان دقیق و دوراندیش بود و نیروهایش رادرجبهه‌نبردهرروز وهرهفته ، درانتظارفرصت بزرگ‌تر وخشک می‌کردو

مسئولیت هایش را درقبال قوای داخلی و وظیفه انترناسیونالیستی‌اش را درقبال کشورهای برادر، به انجام می‌رساند. آنچه که به ویژه برای من هیجان انگیز بود دیدن رزمندگانی بود که برای عملیات از حمل ونقل موتوری استفاده می‌کردند ودانستن اینکه آنان آذوقه کافی درخطوط جبهه دارند. حتی جیره‌ی خشک، مثلا از نوع آ-۷۲ که غذائی کاملا" خوبی بود. دیگراینکه برای نخستین بار در این اردوگاه، رزمندگان جبهه تعدادی سلاح‌های بزرگ وگلوله‌های توپ دریافت می‌کردندکه درکشورخودمان بوسیله‌ی کارگران دفاع ملی ساخته شده بود. این نخستین گام انقلاب تکنولوژیک درصنایع دفاع ملی ما بود.

هرچه بیشتر به داخل جبهه می‌رفتیم، توان عظیم پشت جبهه - شمال سوسیالیست - بیشتر دیده می‌شد. پشت جبهه، معمولا از عوامل تعیین کننده پیروزی در نبرد است. خلق قهرمان شمال هرنوع سختی وجانفشانی را برای انجام تمامی وظایف خود متحمل شده بود. آنان هرآنچه که برای رفع نیاز جبهه لازم بود، حتی شوهرها وفرزندان بسیار عزیزشان را نیز فرستاده بودند.

وقتی به مقرفرماندهی نیروی ۵۵۹ رسیدیم، لو نگوک هین که طبق قولش از تای نگوین با ماشین آمده

بود در آنجا یافتیم. شب بر منزل گاه کاهگلی مان چادر کشیده بود ولی ما در اندیشه عملیات آتی بودیم و هنوز به خواب نرفته بودیم. چگونه می‌توانیم مصوبه دفتر سیاسی درباره آزاد کردن جنوب را به انجام رسانیم؟ پیروزی ما در تای نگوین چگونه خواهد بود؟ به ویژه این که نحوه حمله به بان می‌توت مطرح بود تا دشمن را سریعا به سقوط بکشاند. من سبک رزمی سنتی ملتمان را، سبک رزمی ارتشمان را در سی و اندی سال گذشته، مرور می‌کردم. آنگاه دیگر بار سبک آشنای رزمی خودم، به ذهنم هجوم آورد: بدون این که مهلت سوء ظن به دشمن دهی، همچون تیر، برق آسا ضربه را مستقیما "بر مرکز فرماندهی اش وارد کن و بی‌درنگ خردش کن. ولی آیا وضعیت کنونی چنین اجازه‌ای می‌دهد؟

صبح روز بعد زود برخاستیم و به کار نشستیم. لونگ‌وک – هین اوضاع را در جبهه تای نگوین گزارش کرد و نقشه‌های عملیاتی پیشنهادی خود را ارائه داد. دین – دوک تین و دونگ سی نگوین موقعیت تدارکاتی لوجستیکی را گزارش کردند و ما را مطلع ساختند که مقدار زیادی از آنچه برای نبرد مورد نیاز است، به جبهه حمل شده است. آنها چنین پیشنهاد کردند که به هنگام ضربه زدن، باید ضربه را سنگین وارد سازیم و در این میان بهر مقدار برنج، مهمات، بنزین و وسائط حمل و نقل که برای قوا

لازم باشد به اندازه کافی موجود داریم. آن گزارش ما را
آسوده خاطر ساخت. از حیث لوجستیکی، اگر دست به حملات
وسیعی می‌زدیم وسریعاً به پیروزی بزرگی دست می‌یافتیم
سطح ملزومات موردنیاز کاهش می‌یافت چراکه می‌توانستیم
منابع فنی ومادی دشمن را برای تدارکات خود تصرف
کنیم.

روز بعد دین دوک تین به کوانگ بین بازگشت تا بر
انتقال ذخایر مهمات از آنجا به منظور افزایش ذخایر
تای نگوین نظارت کرده و در مورد این که چه نوع مهمات
را ابتدا وچه نوع از آن بعداً حرکت داده شوند راهنمائی
- های لازم را به عمل آورد. درهمین زمان ما راهمان
را به سمت جنوب ادامه می‌دادیم. به شماره اتومبیل ما
حروف تی - اس وشماره ۵۰ ،که به معنی بالاترین درجه
حق تقدم اتومبیل درمنطقه ترونگ سون بود اضافه شده
بود. سرهنگ "فان خاک هی[1]" جانشین فرماندهی ۵۵۹
به گروه ما پیوست تا درمسیر مشکلی پیش نیاید و گروه
بتواند سریعاً به مقرفرماندهی جبهه تای نگوین وارد
شود. درطول شاهراه استراتژیک کلیه مبارزین سرگرم
ساختن و تعمیرجاده بودند. دختران عضو جوانان پیشاهنگ
همچنان که کار می‌کردند ،آواز می‌خواندند، می‌خندیدند وگپ
.

1) Phan Kha Chy

می‌زدند به دور ماشین ما حلقه زدند : "آه فرمانده، تقریبا عیدتت است و هنوز هیچ نامه‌ای از خانه برایمان نرسیده است ." ما چندصد گیره‌ی موبه عنوان هدیه به آنان دادیم که بین خود تقسیم کنند. کاروان کامیون‌های بزرگ که برای جبهه مهمات حمل کرده و بسوی شمال باز می‌گشتند، می‌غریدند و از کنار مان عبور می‌کردند. مردانیکه به واگن‌های بار یشان سلاحی آویخته بودند گفتند : " فرمانده ،شب عیدتت است ولی‌ما اصلا" سیگار نداریم ." سپس به رانندگان کامیون چندسیگار بعنوان هدیه تت دادیم . درا متداد جاده به لشگر ۳۱۶ که در حین عملیات بود، برخوردیم .این نخستین باری بود که یک لشگر کامل با ۵۰۰ کامیون بزرگ برای عملیات مکانیزه رفته بود. تیپ فرمان داشت که برای رعایت مخفی‌کاری از زمان استقرار تا زمان گشودن آتش مطلقا نباید رادیوهای خود را روشن کند. ما می‌توانستیم از ارتباطات دشمن که به یکدیگر می‌گفتند رد لشگر ۳۱۶ را گم کرده و نمی‌دانند این لشگر به کجا می‌رود با استراق سمع مطلع شویم . رزمندگان ما که روی کامیون ها نشسته بودند، قوی ، تندرست و خوشحال کلاه‌هایشان را تکان می‌دادند، دست‌هایشان را تکان می‌دادند و درمیان غرش تانک ها ،زره‌پوش ها ، وکامیون‌هائی که آتشبار دوربرد وسلاح‌های ضدهوائی را حمل می‌کردند ،

آواز می‌خواندند. انواع گوناگون وسائط نقلیه
زنجیروار رود در یک خط طولانی و بی‌پایان همانند آبشاری
عظیم به‌سوی جبهه در حرکت بودند.

درآستانه تحویل عید تت در سرفرماندهی لشگر ساختمانی ۴۷۰ که در "یا درانگ[1]" استقرار یافته بود، توقف کردیم. چند روز قبل یک هواپیمای آ- ۳۷ دشمن نواحی مجاور را بمباران کرده ودو وسیله نقلیه ما را به آتش کشیده بود. اما کادرها ومبارزین سرفرماندهی جشن تت را تمام وکمال برگزار کردند. در همه جای واحد لامپ هائی که رویشان را برای جلوگیری از دید دشمن از هوا پوشانیده بودند روشن بود. در صبح نخستین روز تت در جشن شرکت کردیم وبرای یکدیگر سال نویی پر از عملیات برجسته وجدید، آرزو کردیم. هنگامی که به تای نگوین رسیدیم، ستادمان را در غرب بان می توت نزدیک مقر فرماندهی جبهه مستقر نمودیم. ما در جنگل سبزی، در مجاور بیشه درختان خوک قرار داشتیم، جائی که برگ های خشک شده درختان زمین را همچون فرش طلائی پوشانده بود. برگ ها در زیر پا مانند شکسته شدن نان برنجی تردی صدا می کرد و سکوت را در سراسر آن قسمت از بیشه می شکست. کوچکترین جرقه می توانست بیشه را به آتش بکشد. این بدان معنی بود که سخت ترین

---

1) Ia Drang

کاربردوش مبارزین قسمت ارتباطات بود: هرجاکه آتش می‌گرفت وخطوط ارتباطی قطع می‌شد. آنان برای ترمیم‌خطوط ارتباطی‌می‌رفتندوبارخساری سیاه مانند معدنچیان ذغال بازمی‌گشتند. مشکل دیگر، فیل‌ها بودندکه‌درگله‌های چهل یا پنجاه راٴسی‌حرکت می‌کردندو شبکه‌ی خطوط ارتباطی‌راحتی‌هنگامی‌که‌درارتفاعی‌بالا ودرروی درختان قرارداشتند،پائین کشیده‌وارتباط راقطع می‌کردند.

درجلسه‌ای باحضوررفقای مسئول جبهه،طبق تصمیم قبلی‌من ازطرف کمیته مرکزی نظامی وفرماندهی کل، اعلام داشتم که‌یک فرماندهی جبهه‌برای ارتباطات مرکزی ایجادخواهدشدکه‌افسران زیررادربرمی‌گرفت: ژنرال هوانگ مین تائو، فرمانده؛ سرهنگ نگوین هیپ (دانگ و هیپ)، [1] افسر سیاسی؛ ژنرال "ودانگ" و سرهنگان "فان هام" [2] "نگوین دانگ" [3] و "نگوین نانگ" [4] فرماندهان جانشین وسرهنگ "فی تریو هام" [5] جانشین افسر سیاسی.

---

1) Ngun Hiep (Dangvan Hiep)

2) Phan Ham

3) Nguyen Lang

4) Nguyen Nang

5) Phi Trieu Ham

ما وضعیت را درجبهه بررسی کردیم . تا آن زمان دشمن تنها یک لشگراصلی در تای نگوین داشت ، بعلاوه هفت گروه تکاور (معادل ده هنگ) ، چهار هنگ زرهی، هشت گردان توپخانه و یک لشگر هوایی که اکثرا " برای دفاع از شمال تای نگوین متمرکز شده بودند . در شمال تای نگوین آنها هشت هنگ پیاده نظام و چهار هنگ زرهی داشتند ، در حالی که در جنوب تای نگوین فقط دو هنگ پیاده داشتند .

آرایش قوای آنان بدین خاطر چنین بود که ژنرال سایگون "فام وان فو" فرمانده سپاه دو وسپاه دوم (۱) آنها ، احساس می کرد که یقینا "پلی کو" مورد حمله قرار می گیرد چرا که این محل مهم ترین موضع در تای نگوین بود . فرماندهی سپاه در آنجا قرار داشت . این محل تخته پرش مناسبی برای یورش به بین دین محسوب می شد . و مهم تر این که به راهروهای تاء مین تدارکات ما چسبیده و نزدیک پایگاه های پشت جبهه ارتش آزادی بخش قرار داشت . فو با نا راحتی تمام اظهار داشته بود که : "هرکه تای نگوین را در اختیار داشته باشد ، سراسر جنوب را کنترل خواهد کرد ." و او

---

(۱) رجوع شود به پانویس مربوط به تقسیمات لشگری و اداری سایگون

فکر می‌کرد که ضربه قاطعانه ارتش آزادی بخش در تای‌ـ نگوین باید بر پلی‌کو و کانتوم وارد آید. اگر پلی‌کو و کانتوم از دست بروند، پس بان می‌توت هم از دست رفته خواهد بود.

اگرچه قوای دشمن برای حفاظت از بسیاری مواضع در سرتاسر تای نگوین پخش شده بود و اگرچه نیرو های متحرک او در ناحیه محدود بودند، ولی هنوز امکان این را داشتند که بتوانند نیروی معینی را برای مقابله با ما بسیج کرده و از سپاه یک و سه قوای کمکی بیاورند و این در صورتی امکان پذیر بود که ما نتوانیم به جبهه های دیگر نبرد که در هماهنگی تام با جبهه های نبرد در تای نگوین بود حمله بریم و به شرطی که قدرت آنان در اعزام نیروی امدادی حفظ تای نگوین هنوز باقی مانده بود. دشمن از توانائی های هوا برد خود بسیار مطمئن بود. نیروهای ما که در عملیات شرکت داشتند، شامل واحدهای اصلی در تای نگوین فرماندهی کل و منطقه ۵ بودند که از آمادگی نسبتاً خوبی برخوردار بودند و با روحی پرشور قویاً "مصمم و ثابت عزم بودند. آنان چنان تربیت شده بودند که صفوفشان بالنسبه کامل بود. بسیاری از واحدها با عرصه نبرد آشنا بودند و تجارب رزمی بسیار داشتند. شبکه راه ها برای تحرک عملیاتی تکمیل شده بود، سربازان از تدارکات

نسبتا "خوبی استفاده می کردند و مراکز فرماندهی در تمام سطوح مستقر و تثبیت شده بود. ما از نظر پیاده نظام در سرتاسر ناحیه عملیاتی، در مقایسه با دشمن برتری چندانی نداشتیم. ولی از آنجائی که بیشتر نیروهایمان را در منطقه اصلی عملیات متمرکز نمودیم، در آن ناحیه بر دشمن مزیت داشتیم. در پیاده نظام در مقابل ۱ سرباز دشمن، ما ۵/۵ سرباز؛ در مورد تانک وزره پوش، در مقابل ۱ واحد از دشمن ما ۱/۲ واحد و در مورد آتشبار، در مقابل ۱ واحد از دشمن ما ۲/۱ آتشبار سنگین داشتیم. ولی با این وجود، پیاده نظام ما از برخی نارسائی‌ها رنج می‌برد. برای مثال، سطح کار - آیی آنها هنوز با عملیات رزمی متمرکز سازگار نبود، در حمله به شهرها تجربه اندگی داشتیم و عملیات رزمی هماهنگ در مقیاس بزرگ هنوز برای بعضی از شاخه ها عملیاتی تازه بود.

درمذاکراتمان در فرماندهی جبهه، درباره وظایف و اهداف عمده عملیات سریعا "به توافق رسیدیم. اما گفتگو در باب شیوه های جنگی وقت بیشتری گرفت. در پایان همگی توافق کردیم و نظرات نوینی را بسط دادیم. در تعرض همه جانبه "تت ماتان"(۱) در سال ۱۹۶۸، از

---

(۱) Tet Mau Than

قوا یی‌برای حمله به دهکده‌ها وشهرها استفاده کردیم که اکثرا "خوب آموزش دیده بودند. این امرتحت شرائطی انجام گرفت که ما درتوازن نیروها هنوزازدشمن پائین - تربودیم وبه همین دلیل توانائی حفظ کامل هیچ دهکده یا شهری رانداشتیم. در۱۹۷۲ دست به حمله یک ماهه زدیم، لشگرسوم دشمن راپاکسازی کرده وکل استان کوانگ تری رادقیقا "درروزاول ماه مه آزادساختیم. سپس طی فصل باران، فعالیت های مادرعرصهٔ نبرد در سراسرجنوب کاهش یافت. دشمن نیروهای هوابرد و لشگرهای دریایی وتعدادی دیگرازواحد های خودرا متمرکزکرده وباحمایت هوایی ودریایی امریکا برای بازپس گرفتن کوانگ تری دست به ضدحمله زد. ما پس ازدرهم شکستن موفقیت آمیز ضد حملهٔ دشمن ازطریق یک نبردهشتادوشش شبانه روزه، به منظورحراست ازشهر وسنگر، درخاتمه تنها توانستیم ناحیه شمالی رودخانه "تاش هان" راحفظ کنیم. دشمن بخش "های دانگ" از توابع "تریوفونگ" وخرابه های شهروسنگررا متصرف شد.

این بار، ماازتجربه عملیات پیشین درسی آموخته بودیم، لیکن مسئله مهم پیشروی ازوظائفی که مشخص شده بودندبه سوی پیاده کردن ملزومات استراتژیک، خصوصیات ویژه موقعیت وشرائط مشخص میدان نبردبود.

تا اینجا برای حمله کنونی درعملیات تای نگوین، ازطرفی مجبور بودیم نیروی نسبتا "بزرگی به بزرگی هنگ ولشگر را برای قطع جاده های ۱۴،۱۹ و ۲۱ بکار بریم وبدین وسیله مواضعی که انشقاق نیروهای دشمن را باعث شوند، ایجاد کنیم. این عمل ازنظر استراتژیک ارتباط تای نگوین را با دشت های ساحلی قطع می کرد و ازنظر تاکتیکی بان می توت را از پلی کو و پلی کورا از کانتوم جدا و منفرد می ساخت. همزمان با آن به مانور- های انحرافی نیاز داشتیم تا پای دشمن را بسته و توجه آنان و نیروهایشان را به تای نگوین شمالی جلب کنیم. با دست زدن به این عمل ما می توانستیم مخفی- کاری وغافلگیری را درجنوب تا شروع حمله برای تسخیر بان می توت رعایت نمائیم. ازطرف دیگر، جنبه اساسی به حرکت درآوردن امور درجبهه کلیدی عملیات به منظور تسخیر بان می توت بود. ما می خواستیم از یک نیروی ضربتی نسبتا "هماهنگ وقوی به مقیاس یک هنگ استفاده کنیم، نیروئی که درمواضعی که حمله ازآنجا صورت می گیرد مستقر نشود، بلکه با قدری فاصله گرد هم آمده وبه جلو حرکت نماید، ازمواضع دفاعی دشمن درپیرامون عبورنماید و ناگهان به داخل شهر عمیقا" رسوخ کند. این نیروی ضربتی می توانست حمله خود را با واحدهای نقب زن و پیاده نظام که پیش از موعد

ومخفیانه در آنجا مستقر می‌گردیدند، هماهنگ سازد، بلادرنگ مراکز عصب فرماندهی و دیگر مواضع حساس را پاکسازی کرده و تنها هنگامی که مواضع تخته پرش در داخل شهر به طور پایدار تحت کنترل قرار می‌گرفتند، برای پاکسازی قرارگاههای منفرد به خارج شهر هجوم برد. تا آن زمان، این قرارگاههای خارج از شهر فرماندهان خود را از دست داده و به هراس می‌افتادند. همزمان با آن ما به یک نیروی ذخیره هماهنگ شده و به غایت قوی نیاز داشتیم، نیروئی که در صورت نیاز به سرعت آماده شود و به هرگونه ضد حمله دشمن به منظور باز پس گرفتن بان می توت، پاسخ متقابل دهد.

اجرای طرح یورش مستقیم به درون بان می‌توت، در همان بدو عملیات امکان پذیر نبود. زیرا زمانی که ما به جبهه رسیدیم، رفقایمان قبلاً "نیروی پرتوانی" را در اطراف "دوک لاپ" و حتی دورتر تا "داک سونگ" به منظور پاکسازی دشمن و آزادساختن امتداد جادهٔ ۱۴ گسترده و یک راه عبور استراتژیکی تا نام بورا باز کرده بودند. جمع آوری قوا وقت ما را می‌گرفت و مشکلات بسیاری، به ویژه از نظر رعایت مخفی‌کاری، ایجاد می‌کرد. بنابراین مجبور به پیشروی و کوبیدن دوک لاپ بودیم، آنگاه درست روز بعد، پس از منفرد کردن بان می‌توت و آرایش دادن نیروهایمان به صورت

یک خط محاصره تنگ در اطراف شهر، به بان می توت حمله بریم.

ما باز هم به تحقیق دقیق از وضعیت شهر بان می‌توت ادامه دادیم. یکی از کادرها که یک گروه تجسس را برای نفوذ به بان می‌توت رهبری می‌کرد، با زگشت و گزارش داد: "این شهر بزرگ است! تقریبا "به بزرگی های فونگ." ما می‌دانستیم که بان می‌توت به بزرگی های فونگ نبود، اما شهری بود بزرگ با حومه‌ای وسیع، ساختمان های بلند بسیار که در شب با چراغ‌های نئون روشن می‌شد و به همین خاطر شهر بزرگتر از آنچه بود، به نظر افراد دسته تجسس رسیده بود. از پاره‌ای از مردم در پایگاه انقلابی شهر خواسته شد که از شهر خارج شوند و اوضاع را گزارش کنند. "بوی سان (دانگ تران تی" عضو کمیته دائم حزبی در منطقه ۵ و "هوین وان مان (کان)" دبیر کمیته ایالتی حزب در دارلاک نیز برای تشریح وضعیت سیاسی و جنبش‌های سیاسی بومی و وضع شبکه ما در داخل شهر به سرفرماندهی آمدند. در کنفرانس کمیته مرکزی نظامی در هانوی که با وچی کونگ ملاقات کردیم، چنین قرار شد که منطقه ۵ افرادی را پیشاپیش برای درک وضعیت اعزام کند تا هنگامی که ما به تای نگوین می‌رسیم، آنان را ملاقات کنیم و کارها را سرعت بخشیم. همچنین جاسوسی را از هنگ ۴۵ دشمن اسیر کردیم و در باز

جوئی از وی اطلاعات اضافی از اوضاع کسب نمودیم. در تمام مدتی که مشغول انجام تدارکات بودیم، مواضع نیروهای دشمن وحرکات آنان را از نزدیک وساعت به ساعت زیر نظر داشتیم. با ردگیری پیام های رادیویی دشمن، دریافتیم که فرماندهان آنان به واحدهای تجسسی خود دستور یافتن محل لشکر ۱۰ ما را داده اند. فرماندهی اردوگاه به نیروهای ما فرمان داد خود را با دقتی بیش از هر زمان دیگر مخفی کنند وهم چنین دستور-های جدیدی به کادرها وعوامل تجسسی داده شد تا با حرکت خود وادامه اعمال انحرافی، دشمن را با این تصور که لشکر ۱۰ ما هنوز در شمال تای نگوین مستقر است، فریب دهند. دشمن چندین روز پی درپی نواحی مجاور بان می توت را برای پشتیبانی از گروههای تکاور جاسوس خود که در خارج از شهر فعالیت داشتند، به زیر آتش توپخانه گرفت. هواپیما های دشمن مواضع دفاعی ما را در شمال کانتوم بمباران کردند. هر روز هواپیما - های اکتشافی دشمن در بالای "دوک کو" شمال شرقی کانتوم پرواز می کردند. و آنان قوای اضافی هم برای پلی کو اعزام کردند.

درشب ۲۵ فوریه ۱۹۷۵ ما در بخش جنگلی دارلاک، زیر صدای آتشبارهای دشمن درحالی که گوش به زنگ بودیم، با فرماندهی جبهه تای نگوین ملاقات کردیم.

این ملاقات برای گفتگو درباره شیوه‌های حمله به بان
- می‌توت، چه علیرغم اینکه دشمن نیروهایش را افزایش
دهد، و یا بهمان وضعیت فعلی باقی بماند، انجام گرفت.
من از طرف فرماندهی کل، نقشهٔ تعیین نقل و انتقالات
نیروهایی که در عملیات شرکت داشتند، و جاده‌هایی که
برای حمله ما به بان می توت مورد استفاده قرار
می‌گرفتند، تصویب و امضا کردم. هوانگ مین تائو،
فرمانده ونگوین هیپ، افسر سیاسی نیز نقشه را امضا
کردند. ما دستهای یکدیگر را فشردیم و آرزوی پیروزی
برای یکدیگر کردیم. من پس از امضاء نقشه افکاری که در سر
داشتم، بیان نمودم. "اگر دشمن را به طریقی و در زمانی که پیش
بینی نکرده است - یعنی کاملا" غیرمنتظره - مورد حمله قرار
دهیم - خطر عظیمی متوجه او خواهد شد. ما باید نظریات
- مان را کاملا" در هم آمیزیم و از هیچ تلاشی برای رعایت
مخفی‌کاری و غافلگیری دریغ نورزیم. بدین ترتیب
می‌توانیم طبق برنامه ریزی قبلی، پیش از آنکه آنان
بتوانند نیروهای خود را افزایش دهند، حمله کنیم.
اگر دشمن هوشیار شده و بر نیروهای خود بیفزاید از شیوه
دوم استفاده خواهیم کرد. این شیوه شاید مشکل تر باشد
ولی بی تردید پیروزی از آن ماست."

"تا این زمان دشمن نه تصور می‌کند که ما قادریم
حمله‌ای گسترده را سازمان دهیم و نه از زمان

حمله آگاه است . آنها هیچ تصور روشنی از چگونگی نیرو-
های ما در ناحیه بان می‌توت ندارند ،مگر آنکه در حین
حرکت لو بروبم . در روزهایی که در پیش داریم ، باید
دشمن را همچنان مطمئن سازیم که فشار اصلی حمله ما بر
علیه کانتوم و پلی کو خواهد بود . فرصت مناسب برای
ما در این نکته نهفته است . ما در کانتوم و پلی کو باید
هرچه بیشتر دست به حرکاتی بزنیم که دشمن با زهم یقین
محکم‌تری در این تصور غلط حاصل کند . درحال حاضر ،
چندین مسئله وجود دارد . نخست اینکه ،اشکال مختلف
حمله به شهرها و شهرستانهای بزرگ کدامند؟ درمرحله
نهایی جنگ انقلابی ،درشرائطی که ما از دشمن قوی تریم
قطعا "باید با حملات بزرگ و نابودکننده شهرهای کوچک
و بزرگ را آزاد کنیم . راه دیگری وجود ندارد .ما برای
حمله به با ن می‌توت ،درموضع قوی تری از دشمن قرار
داریم . ما قریب سه لشگر در اختیار داریم ، درحالیکه
دشمن فقط یک هنگ اصلی از لشگر بیست و سوم و سه گروه
نیروی امنیتی در اختیار دارد .بنابراین آنها بالنسبه
ضعیف و منفرد می‌باشند . ولی دشمن در شهری وسیع مستقر
است ،شهری با خیابان بندی پیچیده و با دفاعی سازمان
- یافته درمحل . حمله به شهرهای بزرگ و استفاده از
نیروهای هماهنگ شده بزرگ هنوز برای ما تازگی دارد .
این است آنچه که باید مورد توجه ما قرار گیرد .

"ما در حمله به بان می‌توت نیرویی به مراتب قویتر از دشمن بکار خواهیم گرفت، واحد های ضربتی مرکب قدرتمندی را سازماندهی می‌کنیم، واحد هائی که با گردان‌های از پیش موضع گرفته، سرباز ساختمانی وپیاده نظام هماهنگ گشته، بی‌درنگ به مرکز شهر ضربه بزنند، دو فرودگاه را تسخیر کنند و مرکز عصبی فرماندهی دشمن را فورا "فلج سازند. تنها در آن زمان است که ما برای روبیدن دشمن به خارج شهر حرکت می‌کنیم. دو مسئلهٔ اساسی در این نوع حمله وجود دارد: اول اینکه فرماندهی ورزم هماهنگ شوند و هر موج حمله را باید طوری سازمان دهیم که همگی از روی نقشه وطبق طرح عمل کنند، از رودخانه‌ها بگذرند و کلیه قرارگاههای دفاعی دشمن را در دور و نزدیک شهر، پشت سر گذارند. ثانیا"، ما باید مخفی‌کاری را رعایت کنیم و ظن دشمن را تا لحظه گشودن آتش برنیانگیزیم. اگر این دو چیز را به خوبی انجام دهیم، دشمن نه بین هفت الی ده روز آنطورکه شما در ابتدا پیشگویی می‌کردید، بلکه به سرعت از پا در می‌آید. توازن نیروها در اینجا به ما اجازه می‌دهد نه تنها دشمن را در هم شکسته و اسیر سازیم، بلکه این امکان را برای ما فراهم می‌سازد که نیروی ذخیره قدرتمندی برای پاک‌سازی واحدهای ضد حمله دشمن داشته باشیم، پیروزیمان را حفظ کنیم و تعرض را به پیش ببریم، زیرا با این کار

تای نگوین نه صرفا" ازبان می توت ،بلکه از عرصهٔ
جنوبی نبردجدا می شود. تازه این بدون احتساب
فعالیت های دیگرما در تمامی دیگرجبهه هائی است که
با جبهه ی تای نگوین هماهنگ می‌شود ،حتی بالاتر از آن
ما توانایی دشمن رابرای بسیج قوای امدادی قابل
توجه برای جبهه تای نگوین محدودخواهیم ساخت.
"باید اضافه کنم بهترین چیزها درکلیه این نبردها
انهدام مقرسرفرماندهی و اسیرکردن فرماندهان عالی
دشمن است ،چراکه پس از آن ما می‌توانیم نبرد رابا
سرعت بیشتری به اتمام رسانیم. طبیعتا" این وظیفه
مشکلی است زیرا مراکزحساس فرماندهی دشمن همیشه در
عمق شهرقرار دارد و به خوبی از آن دفاع می‌شود. هم-
چنین باید متوجه باشیم که نبردبان می‌توت نبردکلیدی
برای افتتاح عملیات است .سرنگون کردن سریع دشمن
پاکسازی محل از آنها ،آزادکردن ونگاهداری شهر
شکست دادن ضدحملات دشمن وپیشروی متقابل - همگی
جنبه های تنگاتنگ مرتبطی است نه فقط برای بان می
توت ،بلکه برای تمامی عملیات تای نگوین . اگر
ما بتوانیم غافلگیری را درموردهدف ، زمان بندی
نیروها وشیوه حمله خودرعایت کنیم ،اگربتوانیم شهر
را منفردسازیم وبازهم قوی تر از دشمن باقی بمانیم
بدون اینکه دشمن آنرا کشف کند- آنگاه می‌توانیم

یقین داشته باشیم که بهاء کمتری برای نبرد خواهیم پرداخت وپیروزی سریع‌ترکسب خواهدشد. برای ما، فصل خشک اهمیت زیادی دارد. ما نمی‌توانیم حتی‌یک روزیا یک ساعت راتلف کنیم. ما باید برای پیش برد حملات با زمان رقابت کنیم وپیروزی های مستمری به چنگ آوریم.

"بطورمختصر، هدف ازکاربست این شیوه حمله صرفه ـ جویی‌درروقت ازطریق روبیدن سریع دشمن وآزاد ـ کردن شهربزرگی‌مانندبان می توت می باشد و بدین ترتیب تحولی‌درمیدان نبردایجادمی‌گردد؛ این شیوه حمله، شیوه‌ای خلاق است که روح‌فعال تعرضی‌یک ارتش انقلابی‌را به مرحله‌عمل درخواهدآورد. این شیوه نتیجه یک فرایندتحقیق وبررسی دقیق است که با وسواس وتوجه علمی‌به هرمسئله برای رسیدن به‌یک راه حل صریح‌وبرای تکامل بخشیدن به‌هنر رزمی، انجام می‌گیرد. اگربتوانیم‌برنامه‌مان رابه‌مرحلهٔ عمل درآوریم، تجارب اضافی‌برای آزادکردن دیگرشهرهای تای نگوین مانند"فوبن"، "جیانگیا"، پلی‌کووکانتوم بدست خواهیم‌آورد.

"دوم اینکه، ما شیوه درست حمله را می‌دانیم و حال بایدعرصه‌های نبردراسازمان دهیم: باید به دقت هرهنگ، هرگردان راتاکوچکترین واحدسازمان بندی

کنیم. ما باید هرموج، هرپیگان، وهرشاخه تخصصی را
هماهنگ نمائیم. وبه ویژه واحدهای ضربتی‌مکانیزه‌ای
راکه باید عمیقا "به داخل شهرنفوذ کند، وهم چنین
بایدمبارزه تلفیق شدهٔ درون شهرراسازماندهی‌کنیم.
اگراراده‌ای محکم‌ودرکی‌نیرومندداشته باشیم‌ولی از
سازماندهی‌مستحکم‌بی‌بهره باشیم‌ووظائف خود رابه
روشنی‌انجام ندهیم، چه‌بسا وابمانیم‌وازدورخارج‌شویم.

"سوم اینکه، بایدقبول کردکه شهربان می‌توت مرکز
اقتصادی وسیاسی‌ومرکزگروههای قومی‌ومذهبی‌درتای
نگوین می‌باشد. اعضای گروههای قومی گوناگون،
همینطورکاتولیک ها، پروتستانهاومعتقدین به آئین
بودا، بورژوازی، مالکین کشتزارها وخارجی‌ها همگی
سالها تحت سلطه استعمارجدیدزندگی کرده‌اند و این
مطلب اوضاع‌را بسیارپیچیده می‌کند. وقتی‌سربازان ما
واردشهرمی‌شوندبایدبرخوردورفتاری درست داشته
باشند، سیاست ها ومقررات وضع‌شده رااکیدا" رعایت
کنند، برای ایجادیک سازمان اداری انقلابی‌اولیه
به کمیته محلی‌کمک رسانند، دلهای مردم رابه‌دست
آورندوزندگی خلق راپس ازآزادی سریعا "بهبود
بخشند.

"چهارم اینکه، ما بایدبعدازکسب آزادی، یک اداره
نظامی‌راسازمان دهیم. کارهایی‌است‌که بایدانجام

گیرد. سرویس‌هایی وجود دارد که برای هدایت آنها، احتیاج به افراد است. وظایف بسیاری در این اداره‌ٔ نظامی تازه ونا آشنا خواهد بود و ما درباره این مسائل با کمیته ایالتی درالاک و بوی سان گفتگو خواهیم کرد. لیکن اصل مطلب سازمان یافته بودن، داشتن افراد برای بعهده گرفتن مسئولیت و شرکت در ارتش است. در این صورت ما قادر به انجام این امور خواهیم بود. سرهنگ ی. بلوک، فردی وابسته به یکی از گروههای قومی که خلق به او دسینان دارد و در این ناحیه مورد علاقه و احترام همه می‌باشد، در اینجا حضور دارد. پس از مذاکره با فرماندهی منطقه ۵، به کمیته مرکزی نظامی و فرماندهی کل پیشنهاد کردیم که ما در صورت آزاد کردن کامل شهر خواستار ارتقاء رتبه‌ی بلوک به درجه سرهنگی و انتصاب وی به عنوان صدر کمیته اداره نظامی بان می-توت می‌باشیم.

"پنجم اینکه، بان می‌توت پایگاه پشتیبانی برای تیپ ۲۳ می‌باشد و پایگاه‌های پشتیبانی کلیه هنگ های تیپ را دربر می‌گیرد. سیستم گسترده‌ای از انبارهای ذخایر، به اضافه تعداد زیادی کارخانه و شمار قابل توجهی از واحدهای صنعتی که متعلق به بورژوازی است، در این شهر وجود دارد. ما باید این زیربنا را حمایت کنیم و دوباره بکار اندازیم. سازماندهی این وظیفه، پیچیده

[illegible] ضبط می‌کنیم، ولی به

اموال عمومی را [illegible] دستی از

اموال خلق دست نخواهیم زد و ما [illegible] باید

[illegible] در این امر یاری دهد. ما موظفیم کلیه

وسائل نقلیه نظامی، غذایی و هر آنچه که می‌تواند مورد

استفاده ارتش قرار گیرد، باید نگاهداری و محافظت

گردد و به خوبی اداره شود.

"ششم اینکه، تجربه فوک لونگ به ما می‌گوید که پس از آزاد کردن شهر ممکن است بتوانیم از اسرای جنگی جدید، به ویژه سربازان شاخه‌های تخصصی مانند توپ‌خانه و رانندگان اتوموبیل، زره‌پوش، وسائل نقلیهٔ مخصوص تعمیر جاده و غیره استفاده کنیم. زمانی که ما در موضعی قوی و پیروزمند هستیم، می‌توانیم این کار را بکنیم. خلاصه اینکه بلافاصله پس از خاتمهٔ نبرد موظفیم حداکثر توجه را در مورد استفاده از غنائم جنگی و اسرای جنگی، مبذول داریم. طبیعی است که باید هشیار باشیم و بر آنها نظارت کنیم.

"آخرین مطلبی که می‌خواهم دربارهٔ آن با شما صحبت کنم، این است که وقت زیادی به شروع حمله به بان می‌توت نمانده است. اگر تدارکاتمان فراهم شود، کار

... ست . ما باید سر وقت

کرده ایم دست به حمله زنیم ، زیرا ... وبرطبق توافقی که

زمان بندی ما به عنوان استاندارد برای هماهنگی

مقابله ... با ... مواجه خواهد شد . ... ن ... اگر ...

حائز اهمیت می باشد چرا که چنین مکان ... نیز برای دشمن

وسایگون نزدیکتر اند . بنابراین اگر آنان در جبهه

- های بسیاری با حملات کوبنده ما روبرو شوند ، برای

یافتن فشار را طی استراتژیک در حملات تعرضی ما مجبور

به مطالعه وضعیت بطور کلی ، خواهند شد . به همین دلیل

آنان ذخائر کلی استان را فورا " اعزام نخواهند کرد ،

بلکه نخست با نیروهای سپاه دوم به حملات ما پاسخ خواهند

داد . اما سپاه دوم نیروهای بسیاری ندارد ، جاده هائی

که به تای نگوین منتهی می شود ، قطع شده و هر تلاشی برای

پیاده کردن قوا از طریق هوا محدود خواهد شد و انهدام

آنان را تسهیل خواهد کرد . کار ما از حداکثر فوریت

برخوردار است و باید هر امکانی را برای رعایت مخفی

کاری انجام دهیم . شما رفقای جبهه باید طی طریق

کرده و برای کمک به واحدها بخصوص لشگر ۳۱۶ که تازه

وارد شده است و هنوز با میدان نبرد آشنا نیست ، به آنجا

بروید. ما نمی‌توانیم ضربه را خیلی زود وارد آوریم، ولی اگر به سرعت تدارک نبینیم وزمان به درازا کشد، آنهم به نفع ما نخواهد بود.

"کمیته مرکزی نظامی وفرماندهی کل اذعان دارد که حمله برباان می‌توت جدا" تمامی اوضاع دشمن را بر هم خواهد زد. پیروزی در عملیات تای نگوین در کنار پیروزی هایی در تمامی جبهه های دیگر موجب انکشافات مهمی خواهد شد. اینکه این پیروزی دشمن را به موضعی می‌راند که استحاله عظیمی در انتظار اوست. راه دیگری قابل تصور نیست. از آنجائی که دشمن مبادرت به جنگ ضد انقلابی کرده است، ما مجبوریم به جنگی انقلابی دست زنیم. هرچه دشمن این جنگ را طولانی ترکند، ضعیف تر می‌شود. ما هرچه این نوع جنگ انقلابی را بیش ـ تر به پیش بریم، نیرومندتر می‌شویم.

"من فکر می‌کنم همه‌ی شما کارهای زیادی برای انجام دادن دارید. ما تاکنون به توافق رسیده ایم وموضوعات موردگفتگویمان قطعیت یافته اند. بنا ـ براین باید کاملا" با یکدیگر همکاری کنیم تا شاهد انجام گرفتن قرارهایمان، به نحوی درست باشیم. به بیان دیگر، موظفیم آنچه را برای خرد کردن دشمن، آزادکردن باان می‌توت، پیشبرد تعرض وبرای آزاد ـ ساختن تای نگوین لازم است، انجام دهیم وسرتاسر

جنوب عزیزمان را آزاد کنیم . درفرماندهی جبهه باید افرادی را مسئول حفاظت از تدارکات حمله‌ی بان - می‌توت و برخی دیگر را مسئول سرکشی و کمک به واحد- هایی که نیروهایشان را برای سدکردن و محاصره کردن مواضع عملیات برطبق نقشه آرایش داده‌اند ،نمائیم .
"ما امروز جلسه نسبتا "کاملی با نمایندگان کلیهٔ لشگرها ،شاخه‌های تخصصی و کارگزاری‌ها داشته‌ایم . اجازه می‌خواهم از طرف کمیته مرکزی نظامی و فرماندهی کل ،قرار و طرح‌های عملیاتی فرماندهی جبههٔ تای- نگوین را تصویب کنم . ما باید کارهای زیادی را به انجام رسانیم ،باید تمام انرژی و زیرکی‌مان را پیش از منفجرشدن گلوله‌های توپخانه برفرق دشمن در بان- می‌توت ،بکار گیریم . با این وجود ، هنوز مجبور به رعایت اصل شبیخون ،ضربه زدن سریع و اتمام فوری نبرد می‌باشیم . باید روشن شود که کمیته‌های حزبی در تمام سطوح و کادرها و رزمندگان به اهمیت کامل این نبرد واقفند ، روح شجاعت ،زیرکی و خلاقیت در نبرد در آنها به تلاطم درآمده و شیوه‌های مورد بحث برای حمله را درک می‌کنند و به درستی بکار می‌بندند . در این صورت است که یقینا "پیروزی رعدآسا نصیب ما خواهد شد ."
دشمن همچنان برای دفاع از شمال تای نگوین متمرکز شده بود . ما مجددا "فعالیت‌های انحرافی" را افزایش

دادیم ،مردم مناطق آزادشده درایالات پلی‌کووکانتوم را بسیج کردیم که باسروصدا به تعمیروساختن جاده‌ها وحمل ملزومات بپردازندوسربازانی که به مقامات بومی پیوسته بودندترتیب جلساتی را برای استقبال ازسربازانی که برای آزادکردن پلی‌کو و کانتوم بازگشته بودند، دادند.

دریکم مارس لشگر ۹۶۸ دوقرارگاه را درجاده غرب پلی‌کو، درست درمرزبخش "تان‌آن" پاک سازی کرد. دشمن بیش ازپیش یقین حاصل کردکه ما زمینه را برای حمله به پلی‌کو آماده می‌سازیم. آنها درسوم مارس با عجله هنگ ۴۵ راازر"توان مان" (درجائی‌که به طرف فوبون منشعب می‌شود) به‌تان آن نقل مکان دادند. با دیدن "به‌تله‌افتادن" دشمن به‌هوانگ مین تائو یادآوری کردم که به‌لشگر ۹۶۸ دستورحمله شدیدتری رابدهد. گلوله‌های بزرگ بیشتری برای لشگربفرستد. تا میدان فرود "سوهان" را زیرآتش بگیردوبه"تان سون" فرمانده‌لشگراطلاع دهدکه " یک ضربه‌بزندو ده برابرسروصدا راه‌بیندازد".

درسوم مارس هنگ ۹۵ ولشگرسوم ازمنطقه ۵زنجیری ازپایگاه‌ها رادرهم‌شکست و جاده ۱۹ رادردو نقطه – درشرق وغرب "آن خه" – قطع کردند. دشمن دوهنگ ازلشگر۲۲ راازبین دین برای بازکردن سددر شرق

آن خه و تیپ سواره‌نظام دوم را از پلی‌کو برای باز کردن غرب آن خه، انتقال داد. فام وان فوکمی به جلو سرک کشید و با زدفاع اش را در شمال تای‌نگوین، و عمدتا " درپلی‌کو افزایش داد. او گروه تکاور ششم وچهارم را برای عملیات پاکسازی به شمال غربی کانتوم وپلی‌کو فرستاد تا مراقب لشگرهای دهم وسیصدوبیستم، دولشگری که از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۴ درمقابل ضربات دردناک دشمن ایستادگی کرده بودند باشد. آتشبارها وهواپیماهای دشمن ضرباتشان را درهرجا که گمان می‌کردند ادروی قوای ماست ویا پایگاه آتش است، متمرکز کردند.

درآن هنگام لشگر ۳۲۰ هنوز بی سروصدا درغرب جاده ۱۴ که تنها پنج کیلومتر از راهی درامتداد پل "یالئو" به "شوخه" فاصله داشت، مستقر گردیده بود. درسوم مارس، این لشگر گردان نهم را برای محاصره بخش شرقی توان مان به جاده ۱۴ گسیل داشت تا به مجرد دریافت فرمان، آماده ایجاد موضع مانع در جاده توان مان به "شئورئو[1]" باشد و بدین وسیله جلوی حرکت دشمن از فوبون، برای تقویت جاده ۱۴ یا باز کردن وهموار کردن راه توان مان به شئورئو گرفته شود.

---

1) Cheo Reo

باید بگویم که اعمال این گردان به غایت زیرکانه و پنهان کارانه بود. آنها برای عملیات مستقل در مسافتی دور از لشگر خود منشعب می‌شدند ولی برای حفظ ارتباطات با لشگر که در بیست کیلومتری شان مستقر بود، مخفیانه سیم‌های تلفن را در امتداد جاده ۱۴ه کشیدند و همین گردان ۹، نخستین واحد از لشگر ۳۲۰ بود که ارتباط تشکل دشمن را در شرق فوبون زمانی که دشمن از پای درآمد و در امتداد جاده ۷ از پلی‌کو بطرف فوین می‌گریخت، قطع کرد. در این ضمن لشگر دهم مخفیانه مشغول آرایش مواضع قوا و نیروی آتش خود در جنب داک لاپ و داک سونگ به سوی جنوب غربی بان-می‌توت بود، مصرانه همه چیز را برای گشودن آتش دقیقا در زمان طرح ریزی شده، آماده می‌کرد. و در پنجم مارس هنگ ۲۵ به حرکت درآمد، جاده ۲۱ را در طول بخش شرقی "شوسوک" قطع کرد و واحدی را که بیش از هشتاد وسیله نقلیه داشت منهدم ساخت. بدین ترتیب تا ۵ مارس دشمن مستقر در تای‌نگوین از زمین های سفلی رانده شد. ولی هنوز می‌توانست بین شمال و جنوب تای‌نگوین عقب و جلو برود، زیرا ما تا آن زمان قصد قطع جاده ۱۴ه را نداشتیم. هر روز معمولا" حدود شصت تا هشتاد ماشین نظامی و غیرنظامی به این طرف و آن طرف می‌رفتند. در این جا باید نکته‌ای را روشن کنم.

ما جاده ۱۴ را هم زمان با قطع جاده‌های ۱۹ و ۲۱ مسدودنساختیم، اگرچه انجام این کار در برنامه ما بود. گذشته از انسداد استراتژیک جاده‌ها، بند آوردن عملیات جاده ۱۴ به منظور قطع ارتباط بان می‌توت از پلی کورا نیز در نظر داشتیم. مشکل این بود که در چه زمانی این کار را عملی کنیم. اگر جاده ۱۴ را خیلی زود قطع می‌کردیم، ممکن بود قصد حمله به بان می‌توت کشف شود. و اگر می‌خواستیم جاده ۱۴ را در دو محل ببریم - در شمال و جنوب بخش توان مان - مجبور بودیم به شهر حمله کنیم و آن را متصرف شویم، اما به مجرد اینکه چنین می‌کردیم، دشمن از وجود لشگر ما در شمال بان می‌توت آگاه می‌شد و نتیجتا " با گردآوری نیرو های بیشتر برای تقویت بان می‌توت راهی پیدا می‌کرد و با استفاده از هلی کوپتر برای پیاده کردن نیروها با جنگ در امتداد جاده ۱۴ محاصره را می‌شکست. در این صورت مبارزه زودتر از زمان مقرر آغاز می‌گردید و رعایت اصول مخفی‌کاری فراموش می‌شد. قصد ما کوبیدن تواع مان و قطع جاده ۱۴ در زمانی بود که حمله به بان می توت را آغاز کرده بودیم. ولی ما مجبور بودیم نیروی بزرگی آماده داشته باشیم تا در صورت پی بردن دشمن به قصد حمله‌ی ما به بان می‌توت، قبل از اینکه ما جاده را قطع کرده باشیم و دشمن نیروی امدادی در حد هنگ

یا بزرگتر از آن، از جاده ۱۴ به پلی کو بفرستد، بتوانیم فوراً وارد عمل شویم و عملیات دامگذاری برای خرد کردن آن نیروی امدادی و همزمان با آن مسدود کردن جاده ۱۴ را انجام دهیم. با پیش بینی این امکان، لشگر ۳۲۰ را که با سبک عملیاتی جنگ آشنا بود و تجربه فراوانی در قطع و بستن جاده‌ها در این ناحیه داشت، آرایش دادیم. ولی رسیدن به این هدف آسان نبود. چنین کاری به هوشیاری مداوم در برابر اوضاع و تفکر قوی به ویژه برای شخصی که در سمت فرماندهی مستقیم آنجا بود، یعنی فرمانده لشگر ۳۲۰، نیاز داشت. در این زمان، وسائل نقلیه دشمن همچنان در بالا و پائین جاده طبق معمول رفت و آمد می کرد. در نبرد همیشه نمی توان مقاصد و اعمال دشمن را دقیقاً پیش بینی کرد. گذشته از آن این دشمن حیله‌گر و قوی بود و هنوز می‌توانست از قدرت هوایی خود استفاده کند. بنابراین ما وظیفه داشتیم زمان صدور فرمان حمله به لشگر ۳۲۰ و زمان قطع کردن جاده را سریعاً و به صورتی دقیق محاسبه کنیم.

حادثه‌ای اتفاق افتاد. ظهر پنجم مارس، لشگر ۳۲۰ با استفاده از یک گردان برای روبیدن کاروانی از چهارده وسیله نقلیه نظامی، دو عراده توپ ۱۰۵ میلیمتری را در جاده ۱۴، شمال توان‌مان سر راه بان

می‌توت تصاحب کرد. گردان کلیه سلاح‌های دشمن را ضبط کرد ونفراتی شامل یک سرگردتوپخانه وهمسرش رااسیر کرد. سپس به فرماندهی جبهه گزارش کرد که طی دوروزگذشته دشمن یک گردان فوق العاده از هنگ ۴۵ رابرای گشت عادی وبرای یافتن ما ،به غرب جاده ۱۴ به توان مان فرستاده است. لشگر ۳۲۰ بدون تیراندازی ازبرخوردبا آنان اجتناب کرد و بدین ترتیب مخفی کاری رارعایت نمود. ولی ازآنجائی که حرکات روزانه دشمن در طول جاده ۱۴ مرتبا" افزایش می‌یافت لشگربدین نتیجه رسیدکه دشمن تدریجا " هنگ چهل وپنجم خودرابرای تقویت بان می‌توت به آنجا خواهدآورد وچنین تصمیم گرفتندکه در همان روزحمله راآغاز کنند. لشگر ۳۲۰ پیشنهاد کرد که فرماندهی جبهه به آنان اجازه بستن جاده ۱۴، موضع گرفتن دراین جاده وحمله به بان می‌توت را بدهد وبدین ترتیب تمامی گردان هنگ ۴۵راکه برای تقویت شهرآمده بودپاک سازی کنند.

ولانگ وضعیت رابه من گزارش کرد و راهنمائی خواست. من ازحسن توجه واحساس لشگر ۳۲۰ تشکر کردم وهمچنین باهیجانی که این واحدبزرگ احساس می کرد ولی مجبور به سکوت و منتظرلحظه درست برای انجام بزرگ ترین خدمت به تمامی

جبهه بود، اظهار همدردی کردم. آنها مجبور بودند پنهان شوند و از آتش احتمالی توپخانه و جاسوس های دشمن و همینطور از واحدهای کوچکی که دشمن یا با هلی‌کوپتر و یا پیاده می‌فرستاد، دوری جویند. دشمنی که خود تحت تعقیب بود، به شکار هم می‌پرداخت.

اما هنگامی که فعالیت های دشمن را طی چند روز گذشته بررسی کردیم، چنین به نظر رسید که آنان هنوز پاسخ های احتیاطی می‌دهند و هنوز هیچ برنامه روشنی برای عمل ندارند. آنها همچنان توجه خود را بر شمال تای نگوین متمرکز می‌کردند و متوجه شکستن محاصره جاده ۱۹ بودند. بدین خاطر ترتیبات قدیمی را تغییر نداده بودند. ما توانسته بودیم پنهان کاری را رعایت کنیم و می‌بایست آن را حفظ می‌کردیم. دشمن را باز هم فریب می‌دادیم و سردرگم می‌کردیم تا به فوریت برای افتتاح جبهه کلیدی آماده شویم.

پس از مذاکره بیشتر با لونگوک هین، فرماندهی جبهه را راهنمایی کردیم که تیپ ۳۲۰ باید ساکت بماند، از تیراندازی به گشتی های جاسوس خودداری کند، بدون دستور در جاده ۱۴ دست به مبارزه نزند و جدا" به قرار تائیدشده پایبند باشد. درهمان موقع به فرماندهی جبهه دستور دادم فوراکادری را برای بازجویی از سرگرد توپخانه سایگونی که اسیر شده بود،

ماموریت نماید. نیمه شب منشی من برای گزارش آمد و اظهار داشت که به گفته زندانی جنگی کاروان آنها گروهانی از هنگ ۴۵ و تعدادی از کارکنان را برای استراحت به پایگاه پشت جبهه شان حمل میکرد و روز بعد باید سربازان تازه نفسی را برای تقویت مواضع هنگ در پلی کو هدایت کند. پس حرکت آن چهار رده ماشینی که از پلی کو به بان می توت می رفتند، رفت و آمدی عادی بود ودشمن هنوز بان می توت را تقویت نکرده بود. ولی به هرحال دشمن مورد حمله قرار گرفته بود وا زوجود نیروهای ما در امتداد جاده ۱۴ ، درحدود سی کیلومتری جنوب پلی کو آگاه بود. منشی من همچنین گزارش داد که فرماندهی جبهه چنین اطلاع یافته است که گروهی از کادرهای هنگ توپخانه که در تاریخ ۵ مارس برای تجسس ناحیه رفته بودند در شمال بان می توت با دشمن مواجه شده اند. یکی از رزمندگان ما مجروح و به دست دشمن اسیر می شد. او دفترچه یادداشتی با خود داشت. من فکر کردم چهار روز به شروع حمله به بان می توت باقی است. دشمن در این روزها چه می کند؟ دشمن تاکنون درک مغشوش و پیچیده ای از جهت عمده حمله ما داشته است. ولی اگر حوادث بیشتری همانند حوادثی که تاکنون اتفاق افتاده و نقض مخفی کاری بوده است، اتفاق افتد، مطمئناً "مجبور به بازبینی

وتجدیدنظرخواهیم شد. اکنون دشمن می‌کوشد تا از مقاصد و فعالیت‌های ما حدسی بزند. ولانگ را فرا خواندم تا به او یادآوری کنم که برانجام تصمیمات مربوط به حفظ مخفی‌کاری هرر زمنده بابیشترین تاکید نظارت کند.

صبح روز ۶ مارس یکی ازکادرهای اداره اطلاعات نظامی گزارش داد که برطبق اطلاعات بدست آمده از دشمن، گردان سوم ازهنگ پنجاه وسوم، همراه با رسد زرهی وگردانی از نیروهای امنیتی برای تقویت "کوانگ نهیو" دریازده کیلومتری شمال شرقی بان می‌توت فرستاده شده است. درست پس از او، رئیس اداره عملیات فرماندهی جبهه موضع خاص هرپیکان حمله دشمن و اینکه چگونه در این ناحیه گردش می‌کند و جهت عقب نشستن واحدهای تانک وتوپخانه وواحدهای مهندسی را -که به تعمیرجاده‌ها ونواحی میدان مشغول بودند- برای اجتناب ازآفتابی نشدن توسط دشمن، گزارش داد. ولی اگردشمن تا ۸ مارس به تحقیقات خود ادامه دهد این امربرتدارکات ما به شهرا زشمال اثر خواهدگذاشت.

شاید به خاطردستگیری رزمنده ما به همراه مدارکش دشمن به این جهت مظنون شده باشد. ولی دشمن حتی اگربه وجودتوپخانه ما درشمال بان می‌توت هم پی

می‌برد، الزاماً متوجه تدارک حمله ما به شهر نمی‌گردید. واگر چیز دیگری پیدا نمی‌کرد، چنین گمان می‌برد که ما نند گذشته قصد به توپ بستن شهر را داریم.

این مطالب را با کارکنان بخش عملیات رزمی فرماندهی کل مورد بحث قرار دادم. سپس از لونگوک هین خواستم به مقر سرفرماندهی جبهه رفته، مسائل فوق را برایشان حلاجی کند. در نزدیکی "کوانگ نیو" همچنان باید از درگیری با دشمن اجتناب ورزیم، اجازه ندهیم پیدایمان کند، ولی نیروهایمان را آنچنان آرایش دهیم که اگر دشمن به عمق نقطه تجمع ما وارد شد، بتوانیم محاصره‌شان کنیم وهر ضربت دشمن را متلاشی کنیم. باید شدیداً مراقب فعالیت های دشمن در این جهت بوده وبرای هر پیش آمد احتمالی، تدابیر مشخصی بیاندیشیم. اگر تا بعداز ظهر ۶ مارس دشمن به بان می‌توت بازنگشت (طبق قاعده وبطور معمول دشمن وقتی که ظنین می‌شد، برای مدت یک روز از دسته‌های گشتی استفاده می‌کرد، این دسته در صورت عدم درگیری، به قرارگاه خود باز می‌گشت) در صبح ۷ مارس باید به لشگر ۳۲۰، برای انهدام استحکامات شوخه (واقع در جاده ۱۴ شمال بون هو) آماده باش دهیم بصورتی که این لشگر دشمن را به سوی خود کشیده وبه واحدهای ما در اطراف کوانیک نیو فرصت دهد. به تدارکاتشان

ادامه دهند. اگرتا ۷ مارس دشمن هنوز مشغول تجسس باشد، لشگره ۳۲ در روز هشتم مارس به بخش توان مان و ادارات مرکزی فرعی حمله می‌نماید، آن را تصرف می‌کند، جاده ۱۴ را قطع می‌نماید و دشمن را از بان می‌توت می‌راند درهمان حال آماده جنگ با آن دسته از نیروهای دشمن که از پلی‌کو حرکت کرده، می‌شود.

درست همان طور که حدس زده بودیم، ظهر ۶ مارس اطلاعاتی از دشمن به ما رسید. نیروهای سایگونی رزمنده ما را که سخت مجروح شده بود، به بیمارستان برده و یک پای او را از ساق بریدند و او را تحت درمان قرار دادند تا فرمانده لشگر شخصاً از وی بازپرسی نماید. اما رزمنده ما بیهوش بود؛ و تا آن زمان هم به هوش نیامده بود. (ما این مطلب را پس از اینکه بان می‌توت را آزاد کردیم و قبل از اینکه دشمن فرصت بازجویی از او را داشته باشد، دریافتیم. پس از آن برادرانش او را از بیمارستان دشمن به واحدش منتقل کردند).

در ۷ مارس شوخه را در ظرف سی دقیقه درهم کوبیدیم. این کار به ما امکان داد تا عمل مسدود کردن جاده ۱۴ را تحکیم بخشیم. ولی دشمن هنوز از کوانگ نیو عقب ننشسته بود. صبح هشتم مارس لشگر ۳۲۰ بخش توان مان را به تصرف خود درآورد و جاده ۱۴ را مسدود کرد. تا ظهر همان روز نیروهای دشمن مستقر در کوانگ نیو، با شتاب

مواضع خود را ترک کردند و به بان می توت گریختند.

در نهم مارس، دهکده دوک داپ، داک سونگ و نوی لوا را[1] دقیقا" طبق برنامه تصرف کردیم و جاده استراتژیک شمال ـ جنوبی در شرق جبال ترونگ سون را کاملا" گشودیم. در شمال، دهکده تا ن آن در جاده ۱۹ پاکسازی شد و پلی کو از غرب مسدود گردید.

بدین ترتیب ما تا ۹ مارس تمامی نیروهایمان را در مواضع عملیاتی و استراتژیک مستقر، و ارتباطات ای نگوین را از زمین های سفلی قطع کردیم، شمال و جنوب تای نگوین را جدا کردیم و بان می توت را تماما محاصره و منزوی نمودیم. مرحله اول آزمون عقل و هوش با دشمن بسر رسید و پیروزی از آن ما شد. ولی دشمن هنوز درگیر ذهنیت خود بود و اعمال ما تنها مفروضات غلط او را تقویت کرد. هنگامی که دهکده دوک لاپ را پاکسازی می کردیم، دشمن هنوز گمان می کرد که ما برای گشودن جاده ۱۴، به نام بوحمله خواهیم کرد، آنها هم چنان به پاسداری از غرب پلی کو مشغول بودند و در آن زمان حتی اگر دشمن به یقین می دانست که ما می خواهیم به بان می توت حمله کنیم، بسیار دیر شده بود، زیرا حرکت برای دشمن دشوار بود. مواضع میدان استقرار را یافتند و هیچ چیز قادر به خدشه دار ساختن آن نبود.

---

۱) Nui Lua

بعد از ظهر نهم مارس، برای گزارش چگونگی نبرد، از روز یکم مارس تا زمان آزادی دوک لاپ هم چنین خصوصیات ویژه عملیات به طور کلی، تلگرافی به دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی ارسال داشتم. (پیش از آن، به خاطر رعایت مخفی کاری، گزارشی نداده بودم) در پایان تلگراف نوشتم:

"در ۱۰ مارس به بان می توت حمله خواهیم کرد. بعدا در صورت لزوم چگونگی پیشرفت اوضاع و مشاهدات مهم را مخابره خواهم کرد. ما هنوز سالم هستیم. به طور یقین برادرتین و ۵۵۹ بیشترین یاری را به عملیات رسانده اند. آنها سعی در برآوردن هر نوع نیازی داشته اند. قوا بخوبی تغذیه می شوند، نیروها وسیع هستند، انبوهی از سلاح و ادوات موجود است. جو تهییج وجود دارد و روحیه ها عالی است. حملات در گذشته هیچگاه چنین شدید و متمرکز نظیر حملات امسال، نبوده اند. امیدوارم همه شما در دفتر سیاسی و کمیته نظامی تندرست باشید.

توان

پس از سرکشی به ذخایر مهمات در ناحیه پشت میدان و برنامه ریزی برای نقل و انتقالاتی که در گرو لحظهٔ مناسب بودند، دین دوک تین از سمت غرب سلسله جبال ترونگ سون به مقر فرماندهی وارد شد. چندین روز می شد که او مشغول بازدید و بازه از تدارکات لجستیکی برای

آخرین مرتبه بود. روز نهم مارس در ساعت ۱۹ به تک تک واحدها بترتیب تلفن زدیم. واحدهایی که توپخانه با خود حمل می‌کردند و برای گذشتن از جاده ۱۴ و سپس برای عبور از رودخانه "سه - ر - پوک" مجبور به سوار شدن بر کلک هائی از نی خیزران بودند، به ویژه دچار اشکال شده بودند. کلیه واحدهایی که از جنوب باید به داخل شهر نفوذ می‌کردند، برای حمله، در ناحیه های مربوطه استقرار یافته بودند. واحدهای ضربتی هماهنگ شده که تا پیش از شلیک شروع باید در وسائل نقلیه خود مستقر می‌شدند و از یورش به قرارگاه های دشمن اجتناب می‌ورزیدند، آرایش شده بودند. کلیه فرماندهان، اراده را برای انجام ماءموریتشان تضمین کردند. من برای همگی آنان پیروزی های برق آسا، تلفات اندک، حملات سریع و به اتمام رساندن ماءموریت را آرزو کردم و قبل از اینکه عازم جبهه شوند، از ایشان خواستم درود مرا به جنگاوران جبهه ابلاغ کنند.

شب نهم مارس در مقر فرماندهی نشستیم و همچنان اوضاع را دنبال کردیم. و منتظر ساعت "ه" شدیم. هیچ یک از کادرهای ستاد که در اطراف نشسته بودند قادر به پنهان کردن هیجان و شادمانی خود از نزدیک شدن آن ساعت خطیر نبودند. سربازی که در جبهه نبرد به انتظار فرا رسیدن ساعت "ه" شب را می‌گذراند، همانند کسی

است که در شب پیش از عید، به انتظار تحویل سال نو می‌باشد. از افسران ارشد گرفته تا سربازان همگی سالها منتظر چنین شب تحویل سال نویی بودند. اگرچه شب در کوه‌های ترونگ سون آرام بود، لیکن ده‌ها هزار نفر در پی اهداف خود در جنب و جوش بودند. همه فرمانده ـ ها، برای بازبینی‌نهایی روی نقشه‌ها خم شده بودند. و تا این شب نیز تمامی مزدوران از سایگون گرفته تا تای نگوین مسلما "هنوز قادر نبودند در مورد اینکه ما در کجا وارد عمل خواهیم شد، حدس بزنند و یا تخمینی از نیروهای ما داشته باشند. ما آنها را از یک اشتباه به اشتباه دیگر کشانده بودیم. اطمینان داشتیم که وقتی ساعت "هـ" فرا رسد، برتری از آن ما خواهد بود. در این ساعت پایگاه پشت جبهه ما سخت گرفتار بود و بطور قطع رفقای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی بیدار بودند و اوضاع را در این جبهه دنبال می‌کردند. پایگاه پشتیبان ما به همه‌ی درخواست های خطوط جبهه برای یک حمله و یک پیروزی عظیم پاسخ داده بود. آن پشت جبهه قهرمان، آن پشت جبهه بزرگ!

من به ژنرال هوانگ مین تائو، فرمانده‌ٔ جبهه تلفن زدم و گفتم: "ما طبق برنامه ادامه می‌دهیم. هیچ چیز تغییر نکرده است. ما باید ارتباطات و فرمان خوب تضمین کنیم و بدین ترتیب است که از وضعیت مطمئن

خواهیم‌بود. به‌هرروش ممکن درتماس مداوم با من باش تا به موقع‌تبادل افکار کنیم‌وهرپیشامدی را در نظربگیریم. هنگامی‌که از وضعیت آگاه شدیم‌وتصمیمی گرفتیم، باید بدون معطلی فرامین را صادرکنیم‌تا سطوح‌پائین بتوانند قاطعانه و سریع عمل کنند. برایت پیروزی آرزومی‌کنم.

ضربه کاری به دشمن

راٴس ساعت ۲ صبح دهم مارس ،ما به روی فرودگاه "هوابین"- پایگاه پشتیبانی‌هنگ پنجاه وسوم ، فرودگاه شهروانبارتاٴمینات "می‌هاک دو" آتش گشودیم وپرده‌ی ابهام آمیزحمله به بان می‌توت را کنارزدیم . همزمان باآن ازطریق انوع‌توپخانه وموشک ،طوفانی ازآتش رادرمقرفرماندهی‌لشگر۲۳ بپاکردیم‌واین سد آتش راتاساعت ۶/۳۰ صبح‌هم‌چنان ادامه‌دادیم وبااین عمل مرکزعصبی‌دشمن راآشفته وفلج‌کردیم .قوای ویژه ما به‌همراه سربازان ،بابهره‌گیری ازشیوه‌های آزموده جنگی، بخش اعظم‌فرودگاه شهررا تنها درمدت‌یک ساعت به تصرف خوددرآوردندودریک چشم‌بهم‌زدن‌هفت فروند ازهواپیماهای دشمن رامنهدم‌ساختندوبخشی‌ازفرودگاه هوابین وتمامی‌انبارذخائر"می‌هاک دو" را تسخیر نمودند.

خودروهائی‌که‌توپخانه ،سلاح های ضد هوایی و هم چنین تانکها ،زره‌پوشها ،ونفرات ما راحمل می‌کردند، درزیرپوشش رعدآسای آتشبارها وصدای گلوله‌ها شهر سرا زیرشدند. ماکه‌درسرفرماندهی‌بودیم ، با شنیدن صدای آتشبارها به‌یکدیگرنگریسته ونفس‌راحتی‌کشیدیم.

زیرا این بدان معنی‌بودکه ما مرحله‌ای راکه به‌ویژه برای فرماندهان پرتنش بود- یعنی‌مرحله‌ی موضع‌-گیری نیروها برای حمله- را پشت سرگذاشته بودیم. حقیقتا "که مسئله بغایت بغرنج ومشکلی‌است. چگونه می‌توان یک شبه‌نیروی وسیعی‌شامل دوازده هنگ پیاده‌نظام وشاخه‌های فنی‌را بی‌خطروبه موقع‌درمواضع درست قرارداد؟ تعدادی ازواحد ها مجبوربودند مخفیانه درنزدیکی‌شهرموضع بگیرندوبدنه‌اصلی‌پیاده نظام‌مکانیزه وتانکها،که‌برای وارد کردن ضربات عمقی‌درجهات مختلف درمواضعشان انتظارمی‌کشیدند، می‌بایستی‌ازراه‌های متفاوت‌برای رسیدن‌به‌اهداف ازقبل تعیین شده‌درشهر ،حرکت کنند.

برخی‌ازواحدهای تانک مستقردرچهل کیلو متری بان می‌توت مجبورشدندازبرخوردبادشمن دوری‌کنند، قرارگاههای دشمن رادرطول جاده‌پشت سر نهند و سپس مستقیما "واردشهرشوند. دررودخانه سه- ر-پوک ،قایق های مدرن به‌آب انداخته‌شد. تانکها، زره‌پوشها ،سلاح های ضدهوایی‌وآتشبارهای مکانیزه روی قایق به‌یکدیگرفشارمی‌آوردند .کوه‌ها ودشتهای تای نگوین ازطوفان آتش به‌لرزه‌درآمده‌بودند .از آنجائی‌که هماهنگ کردن عملیات سازمان‌یافته‌بود، ما پشتیبانی‌کافی دراختیارداشتیم‌وکنترل‌وفرماندهی

درارتباط بودند، هرزوبین حمله در زمان مناسب پرتاب شد. بدین ترتیب نخستین پیروزی بردشمن دربان میتوت بدست آمد.

آسمان تدریجا "روشن میشد. مواضع دشمن در شهربرابرچشمان افرادتوپخانه ماآشکارا ظاهر شد. درساعت ۷/۱۵ صبح، گروههای توپخانه با دادن علامت به هم پیوستندوهریک برای هدف قراردادن مقرسر- فرماندهی لشگر ۲۳، فرماندهی بخش ومحوطه واحد های زرهی، با یکدیگربه رقابت برخاستند. پیش از آن، هنگامی که هنوزآسمان تیره بود، دوگردان پیاده نظام مخفیانه ازجنوب به داخل شهرپیشروی کرده وتعدادی ازهدف ها را تسخیرکردند. آنان با استفاده ازحمله آتشبار، به سرعت چهارراه شش وجهی مرکز شهر را کوبیدند، پس ازآن تا قرارگاه نظامی دشمن جنگیدند، ودرغرب مقرسرفرماندهی لشگر ۲۳ موضع گرفتند. دشمن هواپیماهای بمب افکن وتفنگداران پیاده خود را مأیوسانه برای ضدحمله اعزام داشت تا ما را وادار به خروج کند. این نبردبغایت از روی نومیدی صورت میگرفت. درساعت ۹ صبح پیاده نظام هماهنگ شده با تانگ را برای حمله به پست فرماندهی بخش، مرکزعصب فرماندهی نیروهای امنیتی وگاردغیرنظامی دراستان روانه کردیم. دشمن سرسختانه دست به مقاومت زد و

ما برای انجام موجی از حملات پی‌درپی مجبور به گسیل نیروهای ذخیره بیشتری شدیم. ساعت ۱۳/۳۰ بود که قوای ما توانست از دروازه مقرفرماندهی بخش بگذرد قوای دشمن درپاسدارخانه همچنان به مقاومت ادامه داد، ولی ما کلیه گروههای مقاوم دشمن را مغلوب کردیم. درساعت ۱۷/۳۰ کنترل کامل مقرفرماندهی بخش، استان دارلاک را دردست داشتیم.

پس از مراقبت از مقرفرماندهی بخش، نیرویی به مرکز اطلی اداری حکومت سایگون اعزام داشتیم تا آن را منهدم ساخته وهرچه بیشتر از مقامات حکومتی را زنده اسیر کند. کار را ادامه دادیم، محوطه پلیس نظامی را گرفتیم ویک گروهان دشمن را درشمال شرقی فرودگاه شهرواداربه تسلیم نمودیم. قوای ما درجناح شمال غربی، هماهنگ با حملات قوای شمال شرقی ما به سرعت تپه‌ی "چوبوا"(۱)- نقطه مهار و استحفاظی خارج شهر- را تصرف کرده وبه دنبال آن با استفاده از پیاده نظام هماهنگ شده با تانک به محوطه واحد های زرهی، آتشبار و پایگاه پشتیبان گردان اول از هنگ ۴۵ دشمن، حمله برده وآنرا تصرف کرد.

تا ساعت ۱۵ کنترل کامل این هدفها بدست آمد.

(۱ Chu Bua

تقریبا "همه قوای دشمن متواری شد. واندک بقایای
آن به مقرفرماندهی لشگر ۲۳ گریختند. درجناح جنوب
غربی، یکی ازپیکان های محوری ما برای نفوذ عمقی
متشکل ازپیاده نظام وتانک، درحالی که دشمن هنوز
بشدت آشفته وسردرگم بود ازانبار مهمات میهاک
دو، خیز برداشت وضربه زد و مرکز ارتباطات را تسخیر
کرد وراه را از سمت غرب برلشگر ۲۳ دشمن بست. دشمن
برای دورساختن ما، بمب افکن بکار برد وموج ضد-
حملات را ترتیب داد عملی که نتیجه اش براه افتادن
مسابقه طناب کشی[1] برسرهرساختمان وهرگوشه خیابان
بین ما ودشمن بود. درآنروز ما قسمت اعظم شهر، بجز
ناحیه مقرفرماندهی لشگر ۲۳ وچندهدف در شرق مقر
فرماندهی بخش را تسخیر کردیم. دشمن به طورغیر
منتظره مورد حمله قرارگرفته بود وگیج وسردرگم به آتش
ما پاسخ میداد. آتشبار وادوات زرهی آنها ازهمان
آغاز فلج شد. با این وجود دشمن بشدت مقاومت میکرد
وهشتاد بمب افکن محاصره شکن را برای متوقف کردن
ما به پرواز درآورد به هرفرصت برای دست زدن به ضد

---

۱) مقصود مبارزه پرکشمکشی است که بایدبا زورآن
چه را که در دست حریف است، (فرضا "طناب) تدریجا" به
سوی خودکشید.

حملات مذبوحانه، چنگ می‌انداخت. لیکن تقریباً همه ضدحملات دشمن شکست خورده و آنان مجبور شدند به مقر فرماندهی لشگر ۲۳ عقب بنشینند.

علیرغم شکست‌های دردناک، دشمن از ذهنی‌گرائی دست برنمی‌داشت. آنان تصور می‌کردند که این حمله ما در سطح حمله بهار ۱۹۶۸ است و نتیجتاً "اگر سه یا چهار روز تاب بیاورند، خواهند توانست اوضاع را به حال عادی برگردانند. گذشته از گروه تکاور بیست و یکم دشمن، که بعداز ظهر ۱۰ مارس به داخل شهر فرستاده شد، دشمن برای ادامه ضدحملات خود تلاش کرد تا هنگ ۴۵ از پلی‌کو را به خدمت بگیرد.

آنشب پس از شنیدن گزارش کلی عملیات، با تلفن به هوانگ مین تائو چنین اطلاع دادم: "در نختین روز حمله به شهر پیروزی‌های بزرگی بدست آورده‌ایم، دو هدف از سه هدف مهم- فرماندهی بخش و فرودگاه شهر- در تصرف و کنترل ماست و فرودگاه هوا بین نیز مهار شده است. تمامی یورش‌ها به خوبی انجام شده است، یورش جنوبی دچار مشکلات بیشتری شد اما مأموریتش را انجام داد. ما تنها اندکی از نیرویمان را بکار برده‌ایم و روشن است که اکنون و پیش از آن که دشمن قوای جدیدی را به خدمت گیرد، ما می‌توانیم مقر فرماندهی دشمن و دیگر هدف‌های باقیمانده را تسخیر

کنیم. شما فوراً باید به کلیه واحد ها دستور دهید، نواحی تسخیر شده را حفظ کرده و بقایای دشمن را دنبال کنند؛ با دقت تمام آماده باشند تا صبح ۱۱ مارس هنگامی که توانستند هدفشان را به روشنی ببینند، برای پایان دادن به کار مقر فرماندهی لشگر ۲۳ حمله را آرایش دهند. تمام لشگر ۱۰ را از دوکلاپ به شمال شرقی شهر هدایت کنید تا این لشگر آماده پاکسازی ضد حملات دشمن گردد. و هنگامی که واحد ها وارد شهر می‌شوند، سیاست های ما را به درستی پیش ببرند."

این را هم بگویم که در ۱۰ مارس دشمن به خود آمد و دریافت که هدف ما تصرف بان می توت است. ولی دیگر بسیار دیر شده بود. جاده چهار رده قطع شده بود و به این علت هنگهای لشگر ۲۳ دشمن در پلیکو جرئت حرکت در جاده را نداشتند و دشمن هم تا آن زمان امکان انتقال آنان را به منظور کمک از طریق هوا نداشت. دشمن کاملاً به هراس افتاد و دودل بود، زیرا اکثر خانواده‌ها، همسران و فرزندان آنها در بان می‌توت زندگی می‌کردند. ما فرودگاه پلیکو را شدیداً به توپ بستیم و تلاش های دشمن برای آوردن قوا از راه هوا به بان می توت را مانع شدیم.

صبح روز ۱۱ مارس گزارشی دریافت کردیم مبنی بر اینکه توپخانه سنگین ما در ساعت ۷/۲۰ صبح مقر

فرماندهی لشگر ۲۳ را زیر آتش گرفته و تانکها و پیاده نظام در راه تسخیر مقر فرماندهی لشگر ۲۳ هستند. دشمن از زور مصیبت زوزه می‌کشید! سی دقیقه بعد تانکها و پیاده نظام ما از چهار جهت به سوی مقر فرماندهی سرازیر شدند. قوای دشمن دستور داشت تا آخرین نفس دفاع کند.

در ساعت ۸/۱۵ صبح اطلاع یافتیم که جانشین فرمانده لشگر ۲۳ و کارکنان بخش اول از مقر فرماندهی لشگر گریخته‌اند. ما به حمله ادامه دادیم و مبارزه حاد و مأیوس کننده شد. ما دو انبار زیرزمینی را کشف کردیم و سرهنگ نگوین ترونگ لوات [1]، استاندار و فرمانده بخش دارلاک و دستیار جانشین فرمانده لشگر ۲۳ را دستگیر نمودیم. هنگامی که بقیه انبارها کشف شدند، سیزده نفر دیگر اسیر گشتند و همچنین چهار سروان جانشین فرمانده لشگر، سرهنگ "وتی کوانگ" را در یک مزرعه قهوه دستگیر کردیم. در این هنگام بسیاری از مواضع دشمن پرچم سفید را بالا برده بودند.

در ساعت ۱۰/۳۰ صبح گروه ۲۱ تکاورسایگون این خبر را به فرماندهان خود مخابره کردند: "در حال حاضر فرماندهی دسته، گروهان تجسس ۲۳ و توپخانه در

---

۱) Nguyen Trong Luat

وضعیت بسیار در مانده‌ای می‌باشند. مقر سرفرماندهی بخش دارلاک و مقر سرفرماندهی لشگر ۲۳ هم مدتی پیش از بین رفته‌اند. پایگاه پشتیبانی گروه ۲۱ از دست رفته است. پایگاه پیشروی گردان ۲۴ هم از دست رفته است. گردان های ۷۲ و ۹۶ اکنون در پشت پاسگاه فرماندهی بخش مستقر هستند، جائی که تانکهای بسیاری از ویت کونگ ها وجود دارد. گروه ۲۱ نیروی کمی دارد ونمی‌تواند به مقر فرماندهی لشگر ۲۳ کمک کند. ما تقریبا "فاقد مهمات و تنها دو عراده توپ و ۱۰۰ قطار فشنگ برای شلیک موجود داریم. اگر نتوانید ما را تاءمین کنید وضع بسیار خطرناک خواهد شد."

پس از تصرف مرکز فرماندهی لشگر ۲۳ ما به پایگاه پشتیبانی هنگ ۴۵ رهسپار شدیم. سپس متوجه محوطهٔ پلیس نظامی، پلیس و آموزش نیروهای محلی ارتباطات شدیم. قوای ما از کلیه جهات در مقر فرماندهی لشگر ۲۳ به یکدیگر رسیدند. واحد عملیات ویژهٔ ما وارد بان می‌توت شده بود. ما در حقیقت تا ساعت ۱۰/۳۰ صبح روز ۱۱ مارس ۱۹۷۵، بان می‌توت را وادار به تسلیم نمودیم.

کلمات قادر به بیان شادی ما نبودند. سربازان به وجد آمده بودند. حمله ما فقط در عرض سی و دو ساعت به نتیجه کامل رسیده بود. اکنون دیگر دشمن قادر به

مها رمانبود. یکی از رفقای مقرفرماندهی گفت "واقعا" باورنکردنی است، گرفتن بان می‌توت آنهم در یک شبانه روز. یازده سال است که در این جبهه هستم. در حقیقت این بار با دقت خاصی تدارک دیدیم وقوا با روحیه عالی به نبرد رفتند. چه لذتی! این نخستین بار بودکه برای حمله از کامیون ارتشی استفاده کردیم. در ۱۹۶۸ حمله به پلی‌کو بسیار پرزحمت بود. ما تنها فرستنده رادیو را توانستیم تصرف کنیم وسه روز بعد عقب نشینی کردیم. این بار، آنهم درچنین شهر بزرگی، به‌راستی‌تمام‌کردن سریع کار واقعا "اعجاب انگیز بود."

ما برای درک بهتر وضعیت جهت دست زدن به حرکات بعدی، خواستار بازجوئی فوری از دوسرهنگ سایگونی شدیم. برای این کار، سرگرد مک لام از اداره آگاهی نظامی، شخصی با تجربه قابل توجه در بازجوئی برای پرسش از قائم مقام فرمانده لشگر، سرهنگ وتی کوانگ انتخاب شد. کوانگ به او گفت: "حمله شما را به بان- می‌توت ستاد کل ما وحتی آمریکائی‌ها پیش بینی نکرده بودند. ما پس از نبرد فوک لونگ حدس می‌زدیم که شما برای دوران بعدی ممکن است به تعدادی از شهرهای کوچک نظیر آن لوک وجیا نگیا ضربه بزنید ولی هنوز نخواهید توانست به شهرهای بزرگی مانند بان می‌توت، پلی‌کو وتای نین نفوذ کنید. وقتی که بان می توت

مورد حمله قرار گرفت ، ما باز هم فکر کردیم این یک کار انحرافی برای حمله برجیانگیاست . "اگر آنان بخواهند اکنون از سپاه دوم دفاع کنند، سایگون مجبور است "ناترانگ" را نگاه دارد . آنان در آنجا مقر سر-فرماندهی ثانوی برای سپاه دوم ، فرماندهی پنجم تا مینات ، یک فرودگاه و یک بندرگاه دارند . آنان برای حفظ گذرگاه "مودراک"[1] ، یک هنگ هم برای حفظ ناحیه از گذرگاه "کا" به پائین و یک هنگ برای دفاع از "ناترانگ"[2] لازم دارند . ناترانگ و "فان-تیت"[3] از "کی‌نون"[4] مهمترند . کی‌نون تنها زمانی اهمیت دارد که پلی‌کو و کانتوم را داشته باشیم . ممکن است لشگر ۲۳ ، پس از سه ماه تنها با ۵۰ درصد نیرو مجددا تشکیل شود . اگر شما هم اکنون به ناترانگ ضربه بزنید به نفع شما خواهد بود زیرا آنان ترسیده‌اند . شما باید مواظب آتشبارها ، که اکثرا "۷۶ میلیمتری و چند تایی ۱۲۲ میلیمتری اند ، باشید . نیرو هوایی در ناترانگ آسان تربه دست عمل می‌زند ، امانفرات چندانی ندارد . برای تمامی منطقه روزانه تنها سی بار حمله با هواپیماهای F - ۵ و A-۳۷ ، ممکن می‌باشد . تامین

---

۱) Mo Drac

۲) Nha Trang

۳) Phan Thiet

۴) Qui Nhon

قوا از طریق دریا آسان تر است ولی سربازان از نظر اخلاقی زبون گردیده اند و مواضع دفاعی هنوز ایجاد نشده اند. تکیه سایگون تنها بر چتربازو نیروی دریایی است. ولی نیروهای چترباز دچار عدم اطمینان بخود هستند. اگر شما هم اکنون آسیب های سنگینی بر نیروی دریایی یا چترباز وارد آورید، روحیه نیرو - های مسلح سایگون سقوط خواهد کرد."

می دانستم کوانگ زمانی شهردار "کام ران"[1] بوده است. از او پرسیدیم، وضعیت دفاعی دشمن در آن بندر چگونه است.

"در کام ران ابدا" دفاعی وجود ندارد. این شهر تنها از خارج محکم به نظر می رسد. ارتش همه ساختمان - هایش را مقابل دریا ساخته است تا نسیم خنک استنشاق کند. اینطور که شما می جنگید، در یک لحظه می توانید آنجا را تصرف کنید. اگر کام ران بخواهد خود را تجهیز دفاعی کند، حداقل سه ماه طول می کشد. ولی حتی اطمینانی نیست که آنان بتوانند خود را مجهز کنند، چرا که در بسیاری از موارد کمبود دارند. از زمان عقب نشینی یانکی ها به بعد، آنان فاقد کیسه های شن، سیم خاردار، سیمان و ادوات حمل ونقل هستند.

---

1) Cam Ranh

وضعیت آنان بسیار ضربه‌پذیر است."

اکنون دشمن را با وضوح بیشتری می‌دیدیم. صبح روز ۱۱ مارس تلگرافی بدین مضمون برای وونگوئین جیاپ فرستادم:

به رفیق شین:

کنترل کامل بان می‌توت در دست ماست. ما همه هدف‌های بزرگ نظیر مقر فرماندهی لشگر ۲۳، مقر فرماندهی بخش دارلاک، محل واحد زرهی و محوطه فرودگاه شهر را تسخیر کرده‌ایم. ما در تعقیب باقی‌مانده قوا که در شهر پنهان شده‌اند، می‌باشیم. طبق ارقام اولیه قریب ۱۰۰۰ اسیر جنگی و مقادیر زیادی غنائم جنگی گرفته‌ایم. ما از دوک لاپ تا داک سونگ را کنترل می‌کنیم. دوازده عراده توپ و نزدیک به ۱۰۰ تن مهمات توپخانه ضبط کرده‌ایم. در حال پیشروی برای پاکسازی کلیه هدف‌های اطراف هستیم - پایگاه هنگ ۴۵، پایگاه پشتیبان ۵۳، بون هو، بان دون - و نیروی امدادی برای تسخیر و امن کردن میدان فرودهوابین ارسال می‌داریم. روز یازده مارس کمیته اداری نظامی کار خود را اعلام خواهد کرد. ما پیشنهاد می‌کنیم که رفیق ی - بلوک به درجه‌ی سرهنگ ارشدی ارتقاء یابد و به عنوان صدر کمیته منصوب شود."

براساس این واقعیت که روحیه دشمن در تای ـ نگوین رو به سقوط است و دشمن تضعیف و منفرد شده است و با درنظرگرفتن اینکه نیروهای ما هم چنان قوی و دارای روحیه عالی هستند، با تاٴمین نیروی لوجستیکی و بررسی وضع هوا که هنوز به نفع ما ست، هدف اولیه مان را چنین بیان می‌داریم: ۱) هم‌تقویت بان می‌توت برای مقابله با ضدحمله های دشمن و هم چنین پیشروی به نواحی دورازشهر برای در دست گرفتن کنترل کامل استان دارلاک؛ و۲) ادامه حرکت به سمت شرق به جانب فوبون (درصورت امکان پاکسازی یا محاصره آن)، وپس از آن برای محاصره وپاکسازی پلی‌کو ومنفردساختن کانتوم برای عملیات بعدی، بازمی گردیم. ما می توانیم حرکت به سمت جنوب را به تعویق اندازیم. من درباره این مطلب با رفقا دین دوک تین، ولونگوک هین گفتگوکرده ام، هردوی آنها موافق هستند.

من پیشنهاد می‌کنم که شما این مطلب را درکمیته مرکزی نظا می‌موردمذاکره قرارداده و به دفترسیاسی گزارش دهیدوسپس ما را راهنما یی‌نمائید."

همان روزلی‌دوان به بعضی‌ازکادرها درکارگزاری ـ های ستادکل گفت که این مطلب را بررسی‌کنند که آیا نبردبان می‌توت می‌تواند نبردگشایش برای تعرض

عمومی بزرگ ما باشدیانه .

نبرد بان می توت مانند رعد و برق بر سر دشمن فرو آمد، آنها را گیج و سردرگم و فلج ساخت . پادو های سایگون می خواستند این شکست جدی را پنهان کنند و هر آنچه می توانستند کردند تا چنین نشان دهند که بان می توت هنوز در دستهای آنهاست .سخنگوی آنها یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کرد وگفت : "من به شما می گویم که از دست رفتن بان می توت صحت ندارد، این مطلب مطلقا "درست نیست ." روزنامه نگار فرانسوی پل لاندر ،که در گزارش خود گفته بود که ما در حقیقت کنترل بان می توت را در دست داریم ، فورا" توسط پلیس احضار شد و در اداره پلیس به قتل رسید. ما به کمیتهٔ مرکزی نظامی و فرماندهی کل توصیه کردیم که نیازی به گزارش فوری نبرد بان می توت در روزنامه ها و رادیوی مان نیست .ما می توانیم به دشمن اجازه لاف زدن بدهیم ،به هر حال نابودی در انتظار اوست . دادن اخبار به روزنامه و رادیو زمانی که تمام استان دارلاک را آزاد کنیم ، دیر نخواهد بود.

بعد از ظهر ۱۱ مارس هوانگ مین تائو به واحد- های ما دستور انجام برخی کارهای اضطراری را داد؛ اموری از قبیل یافتن پناهگاه زیرزمینی که هنوز در

شهروجودداشت ،یافتن وکمک رساندن به‌برادران وخواهران ماکه‌درزندان بان می توت در چنگال دشمن بودندوپاکسازی مواضعی‌نظیربون هو، سه‌ـ ر ـ پوک ،لاک تین ،بان دون، دوک خوین ـ وخان دونگ که‌اندکی‌با شهرفاصله‌داشتند. به‌ویژه‌دستور داده‌شد ،تا با آرایش نیروها به‌قوای امدادی دشمن که‌ازشرق به‌سوی بان می‌توت درحرکت بود، حمله نمائیم. همزمان با آن واحدهای ما بدون اتلاف وقت سازماندهی‌را تثبیت کرده‌وسلاحهای تکنولوژیک راتکمیل نمودند ،تا آماده‌پیشروی درجبهه‌گسترده ـ تری گردیم.

مسئله‌ای که‌یک فرمانده‌درآن اوقات باآن مواجه‌بود ،حداکثراستفاده‌ازفرصت ایجاد شده و پیشروی فوری برای کسب پیروزی بود .با پیشروی می‌توانستیم‌پیروزی بدست‌آمده‌را تحکیم بخشیم، فرصت هایی‌برای دست یابی‌برپیروزی های سریع‌تر ووسیع‌ترخلق ایجادکنیم. ولی‌چگونه‌باید‌پیشروی کرد ،درچه‌جهت ،درچه‌سطحی‌وبا چه‌نیروهایی؟ اینها مسائلی‌بودندکه‌بایددقیق وجامع‌سنجیده در نظر می‌آوردیم. این مسابقه‌ای با دشمن وآسمان‌برای بسط پیروزیمان بود. درآن هنگام‌دشمن درتای‌ـ نگوین هنوزیک نیروی اصلی‌بزرگ از سپاه‌دوم‌و

نیروهای محلی‌را که درکانتوم و پلی‌کو مستقر بودند، دراختیار داشت. از واحدهای اصلی سپاه دوم، دو هنگ - چهل و چهارم و چهل و پنجم- اعزامی از لشکر ۲۳، همچنان در پلی‌کو مستقر بودند. دشمن هم‌چنین تمامی لشکر بیست و دوم را برای مقابله با نیرو های ما در بین دین و گروه‌های تکاور در اختیار داشت. آنها می‌توانستند هر هنگی‌را برای نبرد به منظور باز پس ستانی‌بان می‌توت یا تقویت دفاع از مواضع و شهر- هایی‌که هنوز در تای نگوین داشتند، روانه کنند تا این نیروها راههای ارتباطی‌را گشوده و تا فرارسیدن فصل باران برای حفظ مواضع خود تلاش کنند. مورد دیگری که باید به حساب آورده می‌شد، این بود که دشمن چه بسا هنوز بتواند یک یا دو لشگر از جبهه‌های دیگر نبرد- که فعالیت‌های ما در آنجا ضعیف بود - اعزام دارد.

فقط دو ماه به شروع فصل باران در تای نگوین مانده بود. این مانع بزرگ بر سر راه فعالیت های سربازان ما، به ویژه واحدهای مجهز به سلاح‌های سنگین تکنولوژیک بود. ما باید حساب می‌کردیم که در آن دوره دو ماهه، چگونه سریعا "به حمله‌ای سراسری دست زنیم تا بدین وسیله پیروزی های کسب شده را **حفظ** نموده و پس از فصل باران بتوانیم به تعرض خود

ادامه دهیم .ویا اینکه درطی آن مدت با سربازان ما ن که هرروز روحیه شان بالاتر می‌رفت ،با توان فعلی که هرروز بیشتر می‌گردید وبا دشمنی که بطورفزاینده ای تضعیف می‌شد ،این چشم انداز را داشتیم که بی درنگ ازپیروزی های بدست آورده ازبرنامه ۱۹۷۵ پیش بیفتیم وحتی تمامی طرح ۱۹۷۶ را قبل ازفصل باران به انجام رسانیم. درشب ۱۱مارس وصبح ۱۲مارس دین دوک تین ،لونگوک هین وتعدادی ازرفقا درادارهٔ فرماندهی به مبادله نظریات وتخمین این مسئله پرداختیم. پیشنهادات عملیاتی خودواوضاع تای- نگوین را به دفترسیاسی وفرماندهی کل گزارش کردیم. درهمان موقع پیشنهاد کردیم که فرماندهی کل فرمانی صادرکرده وازجبهه تری تین بخواهدکه برای هماهنگ شدن با ما جسورانه به جاده ۱ حمله کرده ودشمن را در همانجا نگاهدارد ،به طوری که دشمن نتواندبه تای- نگوین قوا بفرستد.

این را هم باید بگویم که درهمین نبرد- نبردبان می توت- علاوه برپیشروی های عالی که آن پیروزی برق آسا را ممکن ساخت ،نقاط ضعف خودرا نیز کشف کردیم ونارسائی‌هایی که لازم بودنظیربدرازاکشیدن انجام امورپیش اززمان مقررشده وهمچنین کاربرد یک شیوه قدیمی رزمی، راسریعا "اصلاح کردیم.

لیکن آنچه که بیش از هر چیز فکر مان را مشغول می‌داشت و به تفکر درباره آن پرداختیم، این بود که اکنون دشمن در جبهه نبرد تای نگوین به چه اقداماتی دست خواهد زد. در سراسر جبهه جنوبی نبرد چه خواهد کرد؟ آمریکائی‌ها و سردسته‌های ارتش و دولت مزدور چه عکس العملی نشان می‌دهند؟ در آن زمان، دشمن در تای نگوین در برابر حمله پرتوان و سریع و سبک رزمی خطرناک ما، به سرعت ساقط شده بود. تنها در یک شب و یک روز دو مرکز عصبی مهم یعنی سیستم فرمان‌ـ دهی نیروهای محلی استان دارلاک و مقر فرماندهی لشگر ۲۳ را از دست داده بود. بی‌تردید دشمن برای بازپس گرفتن بان می‌توت دست به ضد حمله خواهد زد، لیکن بان می‌توت منفرد گشته بود. تمامی جاده ها قطع شده و میدان های بزرگ فرود تسخیر شده بود. اگر قوای متحرک از بدنه اصلی سپاه دوم را بکار می‌گرفتند و حتی اگر از ذخائر عمومی هم سود می‌بردند، از آنجائی که ما نیروهای محکمی را برای حمله به قوای امدادی پیش رونده دشمن، گسترده بودیم، تصرف مجدد بان می توت آسان نبود.

از دهم مارس کلیه جبهه های دیگر نبرد ما در جنوب فعالانه عملیاتشان را هماهنگ کرده بودند. بدین سبب دشمن مجبور بود جبهه نبرد را همچون یک کلیت

واحد درنظر آورد و بدین ترتیب دریابد که آیا دست آزادی برای تمرکز نیرو در باران می‌توت دارد یا نه. این مشکلات نظامی، با مشکلات سیاسی، اخلاقی و اقتصادی که ایالات متحده و سایگون با آن مواجه بودند، درهم آمیخته می‌شد. اطمینانی به کمک اضافی ایالات متحده نبود. و دستگاه اداری فورد درگیر مشکلات دیگری در خاورمیانه و در خود آمریکا بود.

اما در جناح ما، پیروزی سریع و بزرگی که در نبرد بان می‌توت بدست آوردیم، به تمامی واحدها و جبهه‌های نبردمان، اعتماد به نفس و شور و هیجان بخشید. واحدهای ما همچنان قوی بودند، ما اندکی از لوازم خود را مصرف کرده بودیم، ذخائرمان با آنچه از دشمن گرفتیم، تکمیل شد. دین دوک تین که در مورد وضعیت مهمات و غذا صحبت می‌کرد، دستهایش را از هم گشود و گفت "ما یک واحد سرمایه‌گذاری کردیم و سودی که به دست آمد نه چهار، بلکه ده بود. * ما به مقدار خیلی زیاد نه تنها آذوقه و مهمات برای مصرف تا فصل باران، بلکه برای مصرف در فصل خشک سالی بعد هم به

---

* طبق سنن اعتقادی ویتنامی‌ها، حداکثر سودی که شخص در سرمایه‌گذاری می‌تواند بدست آورد، سه یا چهار برابر از مبلغ اصلی بیشتر است.

حدکافی داریم. ما اکنون مقدار زیادی وسائط نقلیه و مهمات دشمن را در انبار ذخایر ،مای هاک دو" دربان می‌توت به تصرف درآورده ایم .بگذار ضربه‌ای بزرگ تر وارد سازیم- هرچه سریع‌تر ضربه بزنیم بهتر است."

مسئله این بود که باید به سرعت آماده می شدیم ، بدون اینکه به دشمن فرصت پاسخ دادن دهیم و پیش از اینکه فصل باران موانعی بر سر راه مان قرار دهد.

بنابراین ،مسابقه ما با دشمن و هم چنین با آسمان! از صبح روز ۱۱ مارس آغاز شد. اندیشه‌ها و نظرات همگی ما در مقر فرماندهی در یک نقطه مشترک شد :از حجم اصلی نیروهای عملیاتی برای حرکت به عقب در سمت شمال و در امتداد جاده ۱۴ استفاده می‌کنیم ،پلی‌کو را درهم شکسته و آزاد خواهیم ساخت و کانتوم را منفرد می‌سازیم. برای پیاده کردن این طرح مجبور به پاکسازی نواحی اطراف بان می توت از باقی مانده نفرات دشمن بودیم ،از یکسو باید تمامی استان دار-لاک را آزاد سازیم و از سوی دیگر باید برای ضربه زدن به نیروی امدادی دشمن که برای بازپس گرفتن بان می‌توت دست به ضد حمله می‌زد و برای حفظ منطقه آزاد شده ،زمینه سازی کنیم.

و در بان می‌توت ،کمیته اداری نظامی باید هرچه

زودتر در مقابل مردم ظاهر شود، از قوای سایگون و مقامات اداری بخواهد که خود را تسلیم کرده و سلاح ـ هایشان را تحویل دهند، دفاع ضدهوایی را سازمان دهد، محل را تخلیه کند، ارگان های اداری بنیادی ونیروهای دفاع از خود شهر را سازماندهی کرده و محل ـ های فعالیت های زندگی روزمره خلق نظیر بیمارستان ـ ها، مدارس، بازارها، نیروگاه های برق، آب، مغازه ها، کارخانه ها وغیره را به جریان انداخت.

بعد از ظهر ۱۲ مارس تلگرافی از وونگوئین جیاپ دریافت کردم. در این تلگراف چنین آمده بود که دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی از پیروزی برق آسا و اعجاب انگیز ما به هیجان آمده و برکادرها، رزمندگان، اعضای حزب، اعضای جوانان پیشاهنگ، کارگران دفاع ملی وخلق در جبهه ی تای نگوین گرم ـ ترین درودها را می فرستند. دفتر سیاسی وکمیته مرکزی نظامی طی جلسه ای که داشتند، بدین نتیجه رسیده اند که طرح های عملیاتی واستراتژیک تنظیم شده توسط دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی درست بوده ـ اند. پیروزی های بان می توت، دوک لاپ در امتداد جاده ۱۹ و در تمامی جهات دیگر بیانگر توانائی ما برای کسب پیروزی های عظیم تر با گام هائی تندتر از آنچه پیش بینی شده بود، می باشند. روشن شدن این نکته که

روحیه دشمن به شدت تضعیف شده ، این فوریت را پیش می‌آورد که ما جسارت بخرج داده و از این فرصت جدید برای کسب پیروزی های بزرگ ، بهره گیریم . لی ـ دوان ، لودوک توو ونگوئین جیاپ معتقد بودند که ما باید بقایای واحدهای دشمن در بان می توت را با فوریت تماما از بین ببریم ، در نواحی اطراف حرکت کرده و برای درهم کوبیدن نیروی امدادی دشمن آماده باشیم . و اینکه ما باید سریعا "به سمت فوبون حرکت کرده و تمامی ناحیه را از نیروهای دشمن پاک سازی نمائیم . باید بی درنگ مواضعی برای محاصره پلی کو ایجاد کرده ، سپس برای پاکسازی پیشروی کنیم . در مورد کانتوم ، ابتدا باید شهر را منفرد نموده ، سپس تصرف کنیم . حرکت به سمت جنوب گام بعدی خواهد بود .

چند دقیقه بعد تلگرافی مبنی بر آخرین اطلاعات از فرماندهی کل دریافت داشتیم . دشمن قصد داشت با تکیه بر نیروهای باقی ماندهٔ خود ـ یک رکن از هنگ پنجاه و سوم ، گروه ۲۱ تکاور ـ وهمچنین مواضع خود در مجاور بان می توت ، به ویژه بون هوو فوک آن و اعزام یک یا دو هنگ اصلی اضافی به همراه تکاوران و نیروی هوایی دست به یک ضد حمله زده و بان می توت را باز ستانند .

اطلاعات جدید از مقرفرماندهی روشن می‌کردکه گروه رزمی ۴۵ وفرماندهی اصلی لشگربیست وسوم سایگون با استفاده از هلکوپترازپلی کوبرخاسته و ظهر ۱۱ مارس دربون هوفرودآمده‌اندویک گروه رزمی دیگردشمن ۱۲ مارس درفوک آن پیاده خواهدشد. و بدین ترتیب نیروی هوایی دشمن درسطح بالایی بسیج می‌شد. پس اساسی‌ترین وظیفه ما گردآوردن نیروها وپاکسازی فوری واحدها وپایگاه های دشمن در اطراف بان می‌توت وانهدام قوای امدادی آنان بود.

این دوتلگراف قویا "باعث برانگیختن وبسیج ما شد. ادراک واصول بصیرانه، همکاری وهم‌رائی بین رهبری درسطح مرکزی وارگان فرماندهی درعرصهٔ نبرد، یکی ازضروریات تعیین کننده پیروزی در جبهه بود. ما به خاطرپیروزی های بدست آمده و مطمئن ازپیروزی هایی که درراه بود، سریعا "کارها را مرتب کردیم. لونگ وک هین فورا "به ملاقات فرماندهی جبههٔ تای نگوین رفت تا مذاکرات تکمیلی مشخصی را درباره جهت پیشبرد پیروزی های عملیاتی، به عمل آورد. دین توک تین مقرفرماندهی را ترک گفته وبرای سرکشی وراهنمائی درکارها به کارگزاری لوجستیکی وکلیه ایستگاه های امدادی وانبارهای

مخزن رفت.

ما حرکت مقرفرماندهی برای دنبال کردن اوضاع متغیر را موردنظر قرار دادیم. کادرهای ستاد در مقرفرماندهی اوضاع را سرا سر روز پی‌گیری کرده و هم زمان با آن به تحقیق درباره جاده ها و زمین های اطراف پلی‌کو پرداختند و شیوه های رزمی و آرایش قوا و قدرت آتش برای حمله به پلی کو را مورد بحث و گفتگو قرار دادند. آنان برای آگاهی از پیش بینی وضع هوا در ماههای آوریل و مه در تای نگوین، به هانوی تلفن زدند.

در ۱۲ مارس تیو به فرمانده لشگر دومش تلگراف زد و گفت "باید به هرقیمتی که می‌شود بان می توت را حفظ کنید. فرمانده لشگر ۲۳، مسئول فرماندهی مشترک این جبهه می‌باشد." حتی تا ۱۳ مارس دشمن هنوز بان می‌توت را آزاد شده تلقی نمی‌کرد. ایستگاه - های رادیویی غرب و بنگاه های خبری نیز در این باره در ابهام بودند. سپاه دوم دشمن در جستجوی راهی برای دادن پاسخ از طرف خود بود. هواپیماهای ۳۷ - A بان می‌توت را زیر بمباران همه جانبه گرفتند و هواپیماهای تجسسی دشمن در بالای ناحیه شرقی شهر دور می‌زدند. همانطور که پیش بینی کرده بودیم، هنگ ۴۵ از لشگر ۲۳ سایگون به وسیله هلی کوپتر به شرق

بان می‌توت آورده شده و در فوک آن ـ جائی که قوای
ما از پیش برای انهدام آنان سنگر گرفته بودند ـ
مستقر شدند. اکنون یک نبرد اساسی دیگر در تای ـ
نگوین در شرف آغاز بود.

درهم کوبیدن ضد حمله

از یازده مارس تا نخستین ساعات صبح چهارده‌ء مارس، جو مقرفرماندهی جبهه در جنب وجوش و تنش ولی آکنده از هیجان بود. کلیه واحدها اطلاعات مخابره می‌کردند و مرتبا "پیام های رادیوئی ارسال می شد. به مجرد خاموش شدن صدای تیراندازی در بان می‌توت مسابقه با دشمن با شور و اشتیاق شروع شده بود. غریو سلاح‌های قوای ما که حمله می‌بردند، به سرعت در امتداد جاده ۱۴، بون هو، بان دون، دات لی، در پایگاه هنگ ۵۳، در پایگاه پشتیبان هنگ ۴۵ و تا دورتر می‌پیچیدند. سلاح‌های تکنولوژیک ما به سوی کلیه هدفهای پیرامون بان می‌توت درجولان بود. لشگر ۳۲۰ نیرویی را در طول جاده ۱۴ به سمت جنوب روانه کرد تا این مسیر را پاکسازی کرده و بخش "بون هو" را آزاد کند، دشمن را به سوی دات لی عقب براند، این لشگر نیروی دیگری را برای کنترل یک مسیر ۸۰ کیلومتری در جاده ۱۴ تا پل یا لئوگسیل داشت. لشگر دهم به سمت شرق بان ـ می‌توت انتقال یافته و در مواضع خوبی، آماده برای کوبیدن قوای امدادی دشمن که برای شکستن محاصره بان می‌توت می‌آمدند، مستقر گردید. تا ظهر ۱۲ مارس

کارمحاصره‌ی بخش‌های اصلی‌وفرعی‌فوک آن راتمام کردیم. فرمانده‌سایگونی بخش، به همراه‌نیروی پلیس هردوگریختند.

واحدهای لشگر۳۱۶ وهنگ ب– ۹۵ پناهگاه‌های زیرزمینی‌راازدشمن پاکسازی کرده، خواهران و برادران ماراکه‌درزندان بان می‌توت اسیردشمن بودند،آزادنمودند،به‌محوطه‌ی مدرسه‌آموزشی‌لشگر ۲۳ پیشروی وآن راتصرف کردند، بقایای قوای دشمن راتعقیب کرده‌وتعدادی ازنفرات آنان‌راکه به‌جنگل کائوچودرغرب شهررسیده‌بودند،اسیرکرده وگروه‌های غیرنظامی‌و رسدهای نیروی محلی‌رافرا خواندند. قوای سربازما مستقردرنوارهوایی هوا بین ،واحدهای دشمن راکه‌ازپایگاه‌هنگ ۵۳ برای بازپس‌گرفتن فرودگاه‌آمده‌بودند،کوبیدوبه‌عقب راندند. واحدهای آتشبارما همگی‌هدفگیری غرب شهرواطراف فرودگاه‌هوابین رامتوقف کردند. واحدهای ضدهوایی‌مادرشرق شهرموضع‌گرفته‌وآماده درهم‌کوبیدن قوای دشمن که از هوا پیاده‌می‌شد، گردیدند.

واحدهای تانک وزرهی‌به‌محل تجمع‌گروهها آمدند وجاده‌های ضربتی‌جدیدی درامتدادشاهراه‌بان می توت به‌لاک تین وفوک آن تدارک دیدند. پس از

خاموش شدن صدای تیراندازی درشهر، مردم شروع به حفرپناهگاه‌های زیرزمینی‌دفاع‌هوایی کردندویادر خارج‌ازمحدوده‌ی شهراسکان‌گزیدند. واحدهای پلیس نظامی مستقر گردید و مردم رابرای ترک محل و رفتن به‌سوی غرب شهر، هدایت کردندودرهمین‌حال چهارراههائی‌راکه به‌سمت شرق امتدادداشت، بسته و مرتجعین لاعلاجی راکه می‌کوشیدندبگریزند، دستگیر کردند. ماپیش‌ازانتقال خانواده‌های بی‌چیز، به آنها برنج ونمک دادیم. شعله‌های آتش‌ضدهوایی ما چتری بربالای شهرتشکیل داده بود، به‌صورتی‌که هواپیماهای دشمن راکه‌برای بمباران با تجسس می‌آمدند، دورنگاهمیداشت. درقلمرواستان‌دارلاک دشمن حکم‌ماری راداشت که‌سرش راازدست داده‌باشد. دربان دون قسمت اعظم‌سربازان دشمن صفوف خود را ازهم‌گسیختندوبرخی‌مواضعشان رارهاکرده‌بودند. یک فرمانده‌سایگونی، فرمانده‌پایگاه‌پشتیبانی‌هنگ ۴۵ اجبارا "فرماندهی‌قوای خود و هم چنین فرماندهی بقایای هنگ ۵۲ رابعهده‌گرفته‌بود. فرمانده هنگ ۵۳ سایگون تلگرافی‌برای کمک به‌مافوق‌هایش‌ارسال داشت ودرخواست نمودکه‌باریختن بمبهای آتش‌زا بر روی تشکیلات ما فرصت فراربرای هنگ اوایجادنمایند. قوای مادرحین پیشروی درطول جاده‌دراطراف بان

ـ می توت ، راه را برگروه‌های ازهم‌گسیخته دشمن بستندوبدین طریق بسیاری ازوسائل نقلیه‌وعراده‌های توپ ۱۰۵ میلیمتری دشمن راضبط کردند.گروهی از هواپیماهای آ ـ ۳۷ دشمن برای بمباران بان می توت آمدندوهواپیماهای گشتی‌دشمن، فعالیت‌ـ هایشان رابربالای فوک آن ومیدان فرود هوابین افزایش دادند.

ما درمقرفرماندهی،نقشه‌ای که رویش کارمی‌کردیم پوشیده‌ازدایره‌های قرمزبادوخط مورب بود که نشانگرمکان های اشغال شده‌توسط نیروهای‌ما بود. پیکان قرمزنشانه‌جاده‌های پیشروی واحدهای ما و پیکان های سبزجاده‌های گریزدشمن دربیشه‌های دور ازشهررانشان می‌داد. تلفن لاینقطع زنگ می‌زد. شخصی‌که به تلفن جواب می‌داد ،اگرچه می‌کوشیدآرام و خونسردباشد ،ولی نمی توانست ازدریافت گزارش پیروزی های مادرهمه مناطق،ازسردادن خنده شادـ مانه‌خودجلوگیری کند. آنان که درمقرسرفرماندهی خدمت می‌کردند ،کارشان رابه‌آرامی‌انجام‌می‌دادند ، به‌نرمی‌راه می‌رفتندوازروی محبت سیگارهایی‌راکه ازپشت جبهه‌فرستاده‌شده‌بود ،برای کادرهای ستاد که به‌تلفن پاسخ می‌گفتند، می‌آوردند.

اوائل بهاربود. بیشه‌های "خوس" تای نگوین

هنوز برگ تازه نیاورده بودند و گرمای ظهر همچنان دم داشت. صدای انواع حشرات و فریاد طاووس های نر در پشت ساختمان، با انعکاس غرش توپخانه در دور دست، وزوزه هواپیماهای تجسسی "او.وی - ۱۰"، که در بالای سر ما در پی هدف بودند و با "غرش درهم آمیخته بود. این یکی "Z T - ۷۵" از مقر سرفرماندهی بود.

در بعد از ظهر ۱۲ مارس، زمانی که ضد حملات دشمن به حد اکثر شدت خود رسیده بود، ارتباط خطوط تلفنی با مرکز فرماندهی ناگهان قطع شد. ما نه صدای انفجار بمبی را شنیدیم و نه صدای هواپیمائی را. به اینجا و آنجا تلفن زدیم ولی جوابی نگرفتیم. کلیه فرماندهان کار را متوقف کردند، سرشان را تکان دادند و خاموش به یکدیگر نگاه کردند. کادرهای ارتباطات برای یافتن علت امر از پناهگاههای خود بیرون آمدند. در همین زمان، صدای شیپور زدن یک گله فیل که تدریجا "بلندتر می‌شد، از حدود ۳۰۰ متری مقر فرماندهی به گوش رسید.

گلهٔ فیلها که از آنهمه بمب و توپ در جبهه به ستوه آمده بودند، در حال "ترک مکان" از پهلوی مقر فرمان - دهی ما گذشتند و به طرف مرز ویتنام - کامبوج سرازیر شدند. واحد نگهبانی مقر فرماندهی به بیرون از ساختمان فرستاده شد تا فورا "جلوی این فیل های

وحشی‌را "با چنین سطح پائین آگاهی سیاسی" سد کند. ولی‌به‌آنان دستورداده‌شدکه‌برای رعایت مقررات حمایت ازحیوانات وحشی ارزشمندبه‌فیل ها شلیک نکنندوازخشمگین کردن آنها پرهیزنمایندتا فیلها هم‌درعوض مقرفرماندهی‌ما رالگدکوب ننمایند. به همه‌افراددستورداده‌شدبه‌پناهگاه مستحکم‌ـاـ بروند تادرصورت‌لزوم بتوانندبگریزند،زیرا "فرار از دست فیل ها هیچ اشکالی نداشت."

خوشبختانه گله‌فیل های وحشی ، با استفاده‌از "محاصره‌غیرفعال" قوای ما،ازیک سوی مقرفرماندهی گذشتند. تنهاکارکادرارتباطات که‌مجبوربودبرای تعمیرخطوط تلفن برودقدری مشکل شده‌بود.نه‌تنها خطوط قطع‌شده‌بودند، بلکه‌تمامی بخش‌های طولانی ازدست رفته‌بود. فیل هاآنها راپاره‌کرده بودند. شب‌های ۱۲ و۱۳ مارس‌نوبت‌خواب مابود وکادرها به‌نوبت ، وظیفه‌دنبال کردن اوضاع‌رادا شتند.جنگل درشب‌هنگام ، اغلب درسکوت‌کامل بود،ولی‌برای من خواب طولانی‌یاآرامامکان نداشت. غلت می زدم و این پهلووآن پهلومی‌شدم ، به‌یک مسئله‌فکرمی‌کردم بعدبه‌مسئله‌ای دیگر، تالحظه‌ای که‌بی‌اختیارپلکم بسته می‌شد و سپس‌ناگهان با صدای "غرش" تلفن می‌پیچید، یاصدای گوزنی درکنارجوی آب‌ویاگام‌های

پرشتاب کار وظیفه یی که برای گزارش می‌آمد بیدارم می‌کرد.

روز دوازدهم مارس یک تلگراف فوری از هانوی واصل گردید. به محض اینکه قسمت رمزنگاری بخشی از آن را از حالت رمز خارج کرد، برایم آورد، ونگوئین جیاپ، واکنش‌های دفتر سیاسی و کمیته مرکزی را درباره گزارشی که مخابره کرده بودم خبر می‌داد. آنان به ما اطلاع دادند که جبهه‌های نبرد اکنون عملیات هماهنگ شده خوبی را شروع کرده‌اند و به ما هشدار دادند که کار پاکسازی منطقه از واحدهای ضد دشمن را بررسی و سرکشی کنیم، هرچه بیشتر نیروهای دشمن را در بان‌می‌توت و نواحی اطرافش نابود کنیم و سریعاً ترتیب محاصره فوبون را بدهیم.

دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی پیش بینی می‌کرد که: اگرچنانچه بخش مهمی از توان قوای دشمن از دور خارج شود، اگر بان‌می‌توت و بسیاری از شهرهای بخش از دست برود و اگر جاده ۱۹ قطع گردد، آنگاه باقیمانده نیروهای دشمن در تای‌نگوین، در پلی‌کو گرد آمده و چه بسا دشمن حتی به یک عقب نشینی استراتژیک مجبور گردد و از تای نگوین دست بردارد بدین خاطر ما را راهنمایی کردند که فوراً پلی‌کو را محاصره کنیم، تمام جاده‌ها و راه‌های هوایی دشمن

را قطع نمائیم وتدارک پاک سازی دشمن را درهردو حالت ببینیم. آنان خیلی زود، عقب نشینی استراتژیک دشمن از تای نگوین را پیش بینی کردند. چرا که مواضع عملیاتی را که ما قبل از گشودن آتش روی بان می‌توت اشغال کرده بودیم، به صورتی انتخاب شده بودندکه از رسال نیروی امدادی دشمن برای کمک به تای نگوین پیشگیری کرده وبه دشمن اجازه نمی‌داد تا به سادگی از تای نگوین بگریزد.

پروازهای هلی کوپترهای دشمن برای پیاده کردن قوا درمنطقه فوک آن ودرغرب میدان فرودهوابین، همچنان ادامه داشت. هنگ ۴۴ ویک رکن ازهنگ ۴۵، به اضافه بقایای هنگ ۵۳ که به آنجا گریخته بود، لحظات پردلهره‌ای را می‌گذراندند. آنان حتی پیش از پیاده شدن، ازدیدن ضدهوائی ما به وحشت افتاده بودند، می‌دیدندکه چگونه همکاران شان دراثراصابت گلوله‌ها سرنگون می‌شوند. هنگامی‌که پایشان به زمین می‌رسید، پیش از متشکل شدن مجبوربه فرارمی‌شدند، چرا که آتشبارها وپیاده نظام ما مستقیما "آنان را به گلوله بسته بود. وآنگاه که دیدند چگونه زره پوش‌ها و تانگ های ما تشکلشان رادرهم می‌شکنند، وحشت شان به اعلادرجه می‌رسید.

واحدهایی که دشمن ازراه هوا واردکرده بود، یکی

پس از دیگری منهدم شدند. واحدهای باقیمانده، پراکنده شده و از شدت سردرگمی به هرسو می‌دویدند. و بالاخره همگی تدریجا " به‌سوی جاده ۲۱ عقب نشستند. قوای دشمن به‌هنگام فرار، نیروهای بومی واداری و تکاورهای سایگون را نیز به‌همراه می‌برد و مقادیر زیادی وسیله نقلیه، عراده‌های توپ، سلاح و مهمات برجای گذاشت.

واحدهای ما برای تعقیب موتوریزه دشمن، تغییر مکان داده ودرجهت جاده اصلی آنان را دنبال کردند وبرخی دیگر از واحدهای ما به‌جلوی ستون درحال فرار دشمن رسیده وبرای سدکردن راه و اسیرکردن بقایای نفرات دشمن، مستقر گردیدند. کادرهای ستاد عملیاتی و اطلاعاتی ما برای مشخص کردن موقعیت دشمن در روی نقشه، دچار اشکال شده بودند چراکه دشمن در سراسر میدان نبرد درحال گریز بود. رادیوهای آنان مرتبا "پیام - هائی کورمخابره می‌کردکه ما به‌درستی نتوانستیم فرستندگان خبرها را که تقاضای کمک می‌کردند از طرفهای مقابلشان تمیزدهیم وهواپیماهای دشمن که درارتفاع زیادی دربالای سرما دورمی‌زدند قادربه حمایت از قوای گریزان دشمن نبودند.

دراوائل صبح ۱۴ مارس، ازگزارش خلاصه افسر وظیفه شب چنین نتیجه گرفتیم که نیروی اصلی لشگر ۲۳ سایگون، به‌انضمام هنگ‌های ۴۴ و ۴۵ درطی

یک عملیات دوروزه ازناحیه شرق بان می‌توت پاک سازی شده‌اند. واینکه بقایای هنگ پنجاه وسوم وگروه بیست ویک تکاوردشمن نیزبه سرنوشت مشابه‌ای دچارشده‌اند، ضدحمله سپاه‌دوم دشمن درتای‌نگوین درهم شکسته‌شد ودشمن بازهم بیشتردرباطلاق موضع شکست خورده ومنفعل خودفرورفته‌است. برطبق طرحی که‌داشتیم ویه‌تصویب دفترسیاسی‌وکمیته مرکزی نظامی رسیده‌بودبه‌کارمان ادامه‌دادیم. درروز۱۴مارس، پس ازگفتگوبااعضای ستاددرمقرفرماندهی، تلگرافی به‌دفترسیاسی وکمیته‌مرکزی نظامی مخابره کردم مبنی براین که‌تمامی تلگراف‌های آنان‌رادریافت داشته‌واز اصولی‌که‌آنان‌برای پیشبردعملیات اتخاذ کرده‌اند، همگی بسیاردلگرم شده‌ایم. ماقول‌داده‌ایم که‌درسازماندهی عملیات تکمیلی چنان‌کوشاباشیم که‌خواست برترمان یعنی پیش افتادن ازبرنامه زمانی مشخص‌شده برای نیل به‌پیروزی‌وهمچنین به اتمام رسانیدن عملیات‌تای نگوین در طی چند ماه در ۱۹۷۵- که‌اتمام آن برای ۱۹۷۶ پیش بینی‌شده‌بود- تحقق یابد. برای اینکه‌دفترسیاسی وکمیته‌مرکزی درک بهتری ازوضعیت ما داشته باشند، چگونگی نخستین روزهای عملیات رابه‌آنان گزارش‌کردیم، گفتیم که‌چگونه‌دشمن رابرطبق خواسته‌های خود

راهنمائی کردیم و وباعث برداشت غلط آنان ازجبهه اصلی حمله برآنان شدیم و چگونه این برداشت ودرک نادرست را درآنان تقویت کردیم ، تا نهایتا به هنگام آغاز حمله اصلی ، عنصر غافلگیری را کاملا رعایت کرده باشیم. ما از روزهای یکم تا نهم مارس ۱۹۷۵، پیش از یورش به بان می‌توت، در مواضع عملیاتی مستقر شدیم ، توجه دشمن را به کانتوم وپلی‌کومعطوف داشتیم ،جاده‌ها را قطع کردیم وهدف اصلی‌مان را منفرد نمودیم .بدین‌خاطر تنها زمانی‌که ما به روی بان‌می‌توت آتش گشودیم ، که دشمن به وجود ما پی برد. آنان زنگ‌های خطر را به صدادرآوردند و درصدد افزایش نیروهای خودبرآمدند ولی دیگرخیلی دیرشده بود ،آنها درتله افتاده بودند.

درگزارش خود اضافه کردیم که :" حملات ما به هدف‌های اصلی دربان می‌توت ،شامل عملیات هماهنگ شده‌ای بودکه توسط شاخه‌های ویژه تلفیقی در چهار جناح درهماهنگی با واحدهای ویژه و واحدهای پیاده نظام انجام گرفت . واحدهای ما که مخفیانه پیشروی می‌کردند و ازقبل آرایش یافته بودند، ازقرارگاه‌های دشمن درحومه بان می‌توت دوری کردند وبااستفاده از نیروهای موتوری وسیع ،جاده‌های اصلی را با سرعت زیاد طی کردند و مستقیما برای خردکردن دومرکز عصبی

فرماندهی دشمن - مقرفرماندهی لشگر ۲۳ و مقر فرماندهی بخش - به داخل شهرنفوذنمودند.

دوگردان پیاده نظام پیشرونده خود را درمنطقه جنوبی شهرگستردیم، یک گردان برای حمله به مقر فرماندهی لشگر۲۳ودیگری برای حمله به مقرفرماندهی بخش. همزمان با آن دوجناح دیگرما هریک شامل پیاده نظام، تانک، آتشبار وسلاح ضدهوایی ازسمت غرب وشمال شرقی به مرکزشهر نفوذ کردند. به علاوه یک پیکان حمله ما مرکب از یک گردان پیاده ویک گروهان تانک برای زدن ضربه به طورهمزمان به هدف اصلی، ازجنوب غربی سازمان یافتند. یک گروهان پیاده نظام با زره پوش به همراه گروهان تانک روانه شدودوگروهان دیگرپیاده نظام پیشاپیش درحدود دو کیلومتری هدف اصلی - مقرفرماندهی لشگر ۲۳- آرایش یافتند. آنان منتظررسیدن واحدتانک شدند تا به اتفاق دریک پیکان حمله هماهنگ شوند. به این ترتیب یک گردان کامل پیاده نظام با تانک وزره پوش، درست هنگامی که توپخانه ما ازآن هدف نقل مکان کرده، مستقیما "به هدف ضربه زد. دشمن نتوانست به موقع یک دشتش را حرکت دهدودیگرنیروهایش را فرماندهی کند.

نبردبان می توت بیانگربسیج به سبک رزمی

جسورانه، وغیرمنتظره‌ای بود، سبکی که به واسطه پیچیدگی‌اش به راستی‌نیازمندسازماندهی‌درست تمامی واحدهای هماهنگ بود. ما درکاربست آن کوشیده بودیم ،ولی‌پس ازخردشدن دشمن،برخی‌نقاط ضعف در واحدهای گوناگون آشکارشدکه‌لازم‌بودفوراً ترمیم گردند. ما با توجه به شناختی که از وضعیت داشتیم، قاطعانه وبموقع‌پیشروی نکردیم .در این شرایط جدید که‌چیزی بیش از سبک های کهنه موردنیاز بود،ماهنوز درگیرهمان سبک قدیمی‌با جلسات طولانی وکش دار بودیم. تا آن زمان هیچ کس شتاب وتعجیلی در گرفتن تصمیمات وسازماندهی عملیات نداشت. در پاره‌ای ازاوضاع‌به‌پیاده‌نظام‌دسترسی نبود. آنها رادیوهای مخصوص میدان داشتند ،ولی‌بجای استفاده ازآن ،به‌وراجی‌وکشیدن سیم‌های تلفن مشغول بودند. آنها وسائل نقلیه‌ای دراختیارداشتند که ازدشمن گرفته بودندواسرایی که می‌توانستندآنها رابرانند، لیکن جراءت استفاده‌ازآنان رابرای قوای خودی نداشتندوبه‌جای آن پیاده‌به‌راه افتادند. دشمن، آن دشمنی‌که‌سازمان یافته‌با دفاع مجهز،منتظر ما باشدنبود. قوای دشمن ازهم پاشیده، وچند پاره شده‌بود، با این وجودبه‌هنگام‌فرارسیدن زمان‌حمله هنوزمنتظرمذاکرات مفصل وخواستارآماده‌شدن در

شب برای حمله در صبح بعد بودیم. حملات هوایی دشمن با محدودیت و در ارتفاع با لا صورت می‌گرفت و به هنگام پائین ریختن بمب ها، هدف گیری دقیقی نداشتند. با این وجود با زهم ما قوای خود را در روز به نبرد نفرستادیم، تا دیر وقت صبر نمودیم و وقت تلف کردیم. ما مجبور بودیم به کرات با این مسائل برخورد کرده و به رفع این نارسائی ها بپردازیم.

مسائل بزرگ سریعا" درهم شکسته می‌شد و همه روزه فرصت های بیشتری برای کسب پیروزی‌های جدید ظاهر می‌گشت. کمیته‌های محلی در برخی سطوح، اینک غرق در انجام امور ضروری بودند. روش قدیمی تفکر، سازماندهی و عمل، در برابر نیازهای وضعیت بالنده جدید قرار گرفت. ما باید در مقیاسی بزرگتر و باشتابی بیشتر کار می‌کردیم. و این شاید نه تنها وضعیت موجود در تای‌نگوین، بلکه در همه‌ی جبهه ها ی دیگر نبرد نیز بود. داشتن چنان برداشت وارزیابی از دشمن ناشی از سبک تفکر و چگونگی عمل ما بود، سبکی که هنوز با شرائط جدید سازگار نگردیده بود. اینک ما ضرورتا" باید سریع، پویا و چالاک می‌بودیم تا بدین ترتیب در وقت صرفه جویی کرده و همزمان با آن توانایی فرماندهی و سازماندهی خود را بالا ببریم. رهبران ما پس از مشخص شدن وظایفشان باید روح قضاوت و پذیرش

مسئولیت - "روح عمل ، درجرات مسئولیت قبول کردن" - داشته باشند ونه اینکه "تماما می‌دهکده" همه مردم را درمسئولیت سهیم بدانند. پس از این عملیات سربازان وکادرهای تای‌نگوین گام غول آسایی به سوی بلوغ برمی‌دارند، گامی که تماما "به واسطه وضعیت جدید عملکرد آنان می‌باشد.

ما برای آموزش یک سبک عمل زنده و پویا به سربازان وپرورش وتوانائی های سازماندهی وفرماندهی نبرد طاقت فرسای اضطراری به زمان بیشتری نیاز داشتیم. آموزش کادرها ورزمندگان برای رانندگی با وسائل نقلیه دشمن واستفاده از رادیوهای خودی و دشمن ضروری بود. شاخه‌های تخصصی به مطالعه برای فراگیری چگونگی کاربست سلاح‌ها ، تکنولوژی وادوات دشمن نیاز داشتند. چراکه ماخیلی زود مجبور به استفاده از سلاح‌ها وادوات دشمن برعلیه خودوی می‌شدیم.

ما بامراحل تبلیغاتی که درتلگراف وونگوئین جیاپ ذکرشده بود، کاملاموافق بودیم. ازآنجائی که دشمن هنوزازتاکتیک های مزورانه وفریب دهنده استفاده می‌کرد، ما نیزبایدوظائفی را به موقع ودرحد کمال انجام می‌دادیم. زمانی که پایه‌های آزادی استان دارلاک را فراهم کردیم، می‌توانستیم گزارشات مربوطه را درروزنامه وراديواعلام داشته وبه همراه آن بیانیه

کمیته اداری نظامی دارلاک ، ترکیب کمیته ،نتایج نبردوبیانیه‌های اسرای جنگی را به اطلاع همگان برسانیم.

نقطه عطفی در جنگ

درروز ۱۵ مارس پاسخی ازدفترسیاسی به امضای لی‌دوک توو تلگراف دیگری ازطرف کمیته مرکزی نظامی به امضای وونگوین جیاپ، برای من‌مخابره شد. هر دوهیئت درجلسه ای که درهانوی برگزارشد، تلگرافی راکه در۱۴مارس‌ازجبهه فرستاده بودم بدقت خواندیم، باتشخیص‌ما توافق داشتیم وپیشنهادهایمان را پذیرفته بودند. کمیته مرکزی نظامی‌بخش هائی‌ازگزارشی را که تجربیات ما رادرفعالیت های انحرافی برای فریب دشمن، شیوه‌های حمله، روش های آموزش کادرها و جنگاوران برای استفاده ازسلاح‌های تکنولوژیک بدست آمده ازدشمن ونقاط ضعف عملکردفرماندهی را تشریح می‌کرد، به‌ستادکل فرستاده بود، تافورا برای کلیه‌جبهه‌ها ارسال گردد. دفترسیاسی وکمیته مرکزی نظامی باکارمجددروی پیشنهادات وطرح‌های مربوط به‌هماهنگ‌کردن جبهه‌های نبرد، آن را بصورت دستورالعمل هائی درآورده وبرای اجراء به تمام مناطق نظامی ارسال داشتند.

پس‌ازدریافت این پاسخ‌ها، ماجلسه ای برای تکمیل

طرح‌های مربوط به حرکت به سمت شمال، برپایهٔ آخرین وضعیت درتای نگوین، تشکیل دادیم. فرماندهی جبهه تای‌نگوین کاملا با طرح موافقت داشته ومصمم بودکه تمامی تلاش‌های خودرا برای انجام آن متمرکز کند، زیراپس ازاین سال‌ها نبردبا ایالات متحده، آنان بیش ازهرکس دیگری ازپیروزی‌های اخیربه هیجان آمده وبه پیروزی‌هایی که درراه بود اطمینان داشتند. مادرسال‌های ۱۹۶۸ و۱۹۷۲، حملات بزرگی علیه تای‌نگوین داشتیم، ولی هیچگاه پیروزی‌هائی برق آسا واعجاب انگیز، همانند پیروزی‌های امسال نداشتیم. نیروهای مادرآن زمان به قدرت کنونی نبوده و ساختار لوجستیکی وسیستم راه‌ها هنوزمناسب نبودند درآن زمان پشتوانهٔ دشمن برقدرت به غایت قوی آتش وحمایت لوجستیکی ایالات متحده بودوبدین ترتیب درنواحی دیگرمی‌توانست برای رویاروئی باما متمرکز گردد. مااکنون چشم‌اندازروشنی برای آزاد کردن تای‌نگوین داشتیم. اگرسریع وخوب تحمل می‌کردیم، ممکن بودبتوانیم در ۱۹۷۵ قبل ازفصل باران، کار راتمام کنیم. بدین خاطرهمه افراد مسئولیت‌هایشان را دراین وظیفه عظیم وپرافتخار به روشنی درک می‌کردند؛ درست به همان روشنی که همگی پرغرور و سرفرازبه چشم اندازهای بلافاصله آن می‌اندیشیدند.

هوانگ مین تائو غالبا" محرمانه به ما می‌گفت "دربین علل بسیار، یکی ازعلل پیروزی های کنونی انقلاب جنوب این است که کنترل قسمتی از تای نگوین رادردست گرفته ایم وخلق قهرمان وتسلیم ناپذیر تای نگوین با ارائه نیروی کارخود، سهم عمده ای در پیروزی انقلابی ما درسراسرطول دومبارزه مقاومت علیه فرانسه وایالات متحده، داشته اند. من شب وروزدرآرزوی آزادی کامل تای نگوین هستم .باشدتا تمامی میهن پرستان ازهرگروه وقومی هرچه زودتر به آزادی دست یافته وازرنج ،فقرو گرسنگی رهائی یابند".

درروز ۱۵ مارس وصبح روز ۱۶ مارس، برخی پیامهای وتفسیرهای کوتاه رادیوهای غربی را دریافت کردیم .این اطلاعات اگرچه پراکنده وناقص بود ولی، ازنظرآگاه شدن ما به وضعیت دشمن درتای نگوین درآن زمان، اهمیت بسیارزیادی داشت. برای مثال، یک بنگاه خبری آمریکایی گزارش کرد که قیمت بلیط ازپلی کوبه ساگون به ۴۰٫۰۰۰ پیاستر رسیده است. چرا درروز ۱۵مارس مردم برای خرید بلیط سایگون، هجوم برده اند؟درظهر ۱۶ مارس، مطلع شدیم که هواپیماهای نیروی هوایی دشمن که از پلی کوبرخاسته بودند، یک دیگررا برای فرود در

درناترانگ فرا می‌خواندند. چرا هواپیماهای دشمن ازیک مکان بلند می‌شوند و در مکان دورتری می‌نشینند، درحالی که تا صبح ۱۶ مارس ما هنوز میدان فرود پلی‌کو را زیر آتش توپخانه سنگین نگرفته بودیم؟ در ساعت ۱۵ روز ۱۶ مارس تلفنی ازهانوی به ما خبردادند که مقرفرماندهی پیشروی سپاه دوم سایگون و کنسول امریکا به ناترانگ نقل مکان کرده‌اند. ساعت ۱۶ همان روز ازتوان مان خبری دریافت داشتیم مبنی بر این که ایستگاه تجسسی ما درپل یالئو، یک کاروان بزرگ از وسائط نقلیه راکه از چهار راه می‌تان بطرف فوبون حرکت می‌کردند، مشاهده کرده است. ما در روی نقشه بجای آن که توجه خودرا تنها به بان می‌توت معطوف داریم، منطقه پلی کو، کانتوم، جاده ۱۴ و جاده ۱۹ را به ویژه موردبررسی قرار دادیم. هرخبری درباره پلی‌کو درباره سپاه دوم و یا درباره راه‌های استراتژیکی که به سوی دشت‌ها امتداد داشتند، موردتوجه خاص ما قرار گرفت.

حدود ساعت ۱۹ روز ۱۶ مارس، پس از دریافت کلیه اطلاعات فوق، بحث داغی درمقرفرماندهی بین همه کادرهای ستاد درگرفت. اگرچه به نتیجه ای نرسیدیم هیچ کس یقین نداشت، با این وجود همه احساس می‌کردند که دشمن پس از دو بار شکست دردناک در یک

تهاجم - دربان می‌توت ودرضدحمله‌ی به لشگر ۲۳- به انجام کاری درتای نگوین مشغول بود.

یکی ازرفقا اظهارداشت که، امکان دارد دشمن بقایای قوای خوددرتای نگوین را، درناترانگ متمرکزکرده وسپس به همراه ذخائراستراتژیک عمومی خوددرامتدادجاده ۲۱، دست به یک ضدحمله زده و بان می‌توت را بازپس گیرد. رفیق دیگری اشاره کرد که تلگراف کمیته مرکزی نظامی، حاوی سه نکته بوده است: نخست، این امکان وجوددارد که دشمن مشغول تجدیدقوا وضدحمله باشد؛ دوم اینکه اگر دشمن موردحمله قرارگیرد، ممکن است به پلی‌کوعقب نشینی کند، پس بایدفوراً" کمربندی ازقوا به دورپلی‌کو ایجادنمائیم ؛ونکته سوم احتمال عقب نشینی دشمن را دربرداشت. بدین ترتیب اطلاعاتی‌که امروزدریافت کردیم ، حاکی ازامکان تجدیدقواوضدحمله‌ی دشمن بود، ولی امکان عقب نشینی به طرف ناترانگ هم وجودداشت.

اگردشمن عقب نشینی کند، آیا تمامی سپاه دوم هم عقب نشینی خواهدکردویا اینکه تنها فرماندهی سپاه به مکان امنی خواهدگریخت؟ درصورت عقب نشینی ، چگونه ودرچه جاده‌ای این کارامکان می‌پذیرد؟ بدون تردید، حرکت دشمن درامتدادجاده ۲۱ودست

زدن به یک ضدحمله برای بازگرفتن بان می‌توت ، آسان نمی‌بود! روبه‌روشدن نفرات دشمن با قوای شکست خورده خودکه درطول جاده ۲۱ به‌سوی‌ناترانگ می‌گریختندبرای تخریب روحیه گروه‌ضدحمله کافی بود.

بسیاری‌ازرفقای دیگربر این عقیده‌بودندکه دشمن درحال فراراست ، زیرا تلگراف کمیته مرکزی نظامی این سه‌امکان را مطرح کرده‌بود ، ولی‌ما از نظرعملی‌قوای ضدحمله رادرهم‌شکسته وآماده انجام مجددآن کارنیزگشتیم واکنون مشغول مذاکره‌برای تدارک انتقال‌نیروهای مان برای محاصره‌پلی‌کو ، بودیم .وشایدهم دشمن پس ازدریافت دوشکست عمده سخت آسیب دیده وقادربه گسیل قوای امدادی نبود وبدین ترتیب احساس می‌کردکه درهرحال یارای مقاومت نخواهدداشت ، پس هیچ راهی به جزگریختن از تای نگوین نداشت . بدین خاطردووظیفه‌را باید به‌خوبی انجام می‌دادیم :پاک سازی سریع منطقه‌از قوای ضدحمله دشمن،وبسیج فوری نیروهایمان‌برای انتقال آنان به‌مواضع عملیاتی ماازقبل آماده شده وجاده‌های استراتژیک همگی قطع شده‌بودند؛ اگردشمن قادربه‌پیشروی نبود ، راهی برای عقب نشینی نیزنداشت .

ما درباره این گزارشات اندیشه بسیار نمودیم و بحث ها را به دقت شنیدیم . به راستی که دفتر سیاسی وکمیته مرکزی نظامی و ما ،جملگی هرسه این امکانات را درست پیش بینی کرده بودیم .زمانی که کار انهدام دشمن دربان می‌توت را تمام می‌کردیم ،آماده درهم شکستن نیروی امدادی دشمن نیز ، نه تنها برای یک بار بلکه به دفعات ، بودیم .ما نه تنها برای حمله به سپاه دوم سایگون آماده بودیم ،بلکه قادر به نبرد با نیروهای ذخیره عمومی دشمن که از هوا یا راه زمینی به میدان فرستاده شوند نیز بودیم ، چرا که ماجاده های استراتژیک ۱۹، ۱۴ و ۲۱ را کاملا" دردست داشتیم وبدین ترتیب از ورود دشمن به منطقه وهمچنین عقب نشینی آنان جلوگیری می‌کردیم .

اکنون امکان داشت که شرائط به سرعت تغییر نماید چرا که دشمن مورد حمله قرار نداشت وغافلگیری آغاز حمله هم مطرح نبود ، بنابراین ،شاید دشمن بعد از این دونبرد به هراس افتاده وروی فرضیات مغشوش تری کار نماید . اگر آنها یک نیروی امدادی را برای ضد حمله می‌فرستادند کارشان هرچه بیشتر مشکل می‌شد ، آنها درباتلاق فرو می‌رفتند و حتی شدیدتر منهدم می‌شدند .ولی اگر می‌گریختند ، بازهم مرگ درانتظار - شان بود وسقوط شان سریع تر می‌شد .

اگرچه ما هنوز اطلاعات اندکی داشتیم ولی بر اساس همین اطلاعات بود که به تفکر و عمل پرداختیم. سیستم ـ های ارتباطات و ایستگاه های دریافت اطلاعات دشمن مورد وارسی مجدد قرار گرفت. برای آگاهی به اوضاع عمومی و تمامی عرصه نبرد با هانوی تماس گرفته شد و رادیوها را برای دریافت گزارشات خبری روزانه از سراسر دنیا روشن نگاه داشتیم. از فرماندهی تای نگوین خواستیم که اوضاع هنگ های ۲۵ و ۹۵ لشگرهای ۳۲۰ و ۱۰ دشمن در جاده ۱۹ ، ۱۴ و ۲۱ را دقیقا" دنبال کند و برای تقویت هنگ ۲۵ در جاده ۲۱ آماده باشد.

درساعت ۲۱ روز ۱۶ مارس افسر وظیفه اطلاع یافت که دشمن درحال گریختن از پلی کو است. کاروانی از چهارراه می تان به سوی جاده ۷ در حرکت بوده، انبارک مهمات دشمن در پلی کو منفجر شده و بسیاری از نقاط شهر در آتش می سوخته است.

ما در مقر فرماندهی شروع به کار کردیم، نقشه شبکه راه های تای نگوین روی میز گسترده شد و ما با چراغ قوه و ذره بین در پی نقاطی از جاده ۱۹، ۱۴ و ۷ بودیم که با استفاده از آن ها بتوان جاده های محاصره شده را حفظ نمود و به دشمن حمله کرد. آنگاه ما بین نزدیکترین واحد با جاده ۷ را از روی نقشه اندازه

گرفتیم تا زمان هرعملیات را محاسبه نمائیم .

من تلفن را برداشته ومستقیما" با کیم‌توان که در آن زمان فرمانده لشگر ۳۲۰ بود صحبت کردم .پیش از اینکه به بان می‌توت حمله کنیم به کرات درباره جاده ۷ سوال کرده بودم وچنین گزارش شده بود که : جاده ۷ ازمدت ها قبل به حال خود رها شده است، پل ها کنده شده وهیچ قایقی برای استفاده دشمن موجود نمی‌باشد .دوروزقبل مجددا" ازکیم‌توان درباره این جاده پرسیده بودم ، واوهم همان جواب را داده بود. وهم اکنون که می‌شنیدم دشمن درامتداد جاده ۷ درحال عقب نشینی است ولی واحد او هنوز هیچ تسلط مشخصی برجاده نداشته وتا آن زمان به تعقیب فوری دشمن پرداخته است با شخصی که بالاترین مسئولیت درواحدراداشت ، بسیارتندصحبت کردم . دوباره به کیم‌توان تاکیدکردم "این کوتاهی ومسامحه کاری شایسته توبیخ است . دراین زمان اگرشما تنها ذره‌ء ی مرددودودل باشید ، درست به همان اندازه سهل انگارهستید ، اگراندکی مرددباشید ،درست به همان اندازه کارازکارمی‌گذرد ، شما اینکارراسرهم بندی کرده‌اید .اگردشمن ازچنگ ما بگریزد ، این جنایتی بزرگ خواهدبودواین شما هستیدکه باید مسئولیت آن را بپذیرید" .

درچنین اوقاتی من نمی‌خواهم افراد زیردست من برای کم‌کوشی خود بهانه بیاورند، تنها از آنان می‌خواهم که مأموریتشان را صریحاً و به طور کامل به انجام رسانند. من با شرکت در نبردها و عملیات بسیار به همراه افراد، در رویارویی با پیچیده‌ترین و اضطراری ترین اوضاع، همواره به عنوان فرمانده از افراد خود انجام وظائفشان را صریحاً طلب می‌کردم و آنان نیز مرا درک می‌کردند، بدین ترتیب هنگامی که فرمانی را دریافت می‌داشتند، همگی مصمم به انجام آن بودند و معمولاً موفق می‌شدند. پس از اتمام گفتگوی تلفنی، تصاویر عقب نشینی‌های دشمن در جنگ های ضدفرانسوی و امریکایی را در مغزم مرتب کردم - صحنه - های فرار "چارتون" و "له‌پاز" درجاده ۴، درطی عملیات آزادسازی مرزبه سال ۱۹۵۰، گریختن هنگ تفنگداران دریائی آمریکا درجاده‌ٔ "خدسان" در ۱۹۶۸ صحنه گریختن لشگریکم، تیپ های چتربازسایگون و تیپ دریایی درجاده ۹ درجنوب لائوس در ۱۹۷۱، و آن دیگری، صحنه فرار لشگر ۳ سایگون درکوانگ تری در سال ۱۹۷۲. دشمن به دفعات از برابر ضربات تعرضی ما گریخته بود و معمولاً انواع گوناگون حیله های عقب - نشینی را به کار می‌بست ولی اکنون اگر تمامی نیروی اصلی سپاه سایگون با سرعت تمام در حال گریز بود،

پس چرا سراسر تای نگوین - مهم ترین ناحیهٔ استراتژیک - را به حال خودرها می‌کرد، علت چه بود؟ به دستور چه کسی؟ آیا دو ضربهٔ رعدآسائی که در جنوب تای نگوین بر دشمن وارد آوردیم، وی را چنین سخت تکان داده بود؟ حقیقتاً "این ضربه از پا درآورنده بود، ضربه‌ای که تنها چند روز بعد آغاز به انهدام کامل دشمن کرد. دشمن گیج و مختل شده بود. این اشتباه استراتژیک بزرگ دیگری از طرف دشمن بود.

اگر فرمان عقب نشینی سپاه دوم توسط حکومت مرکزی در سایگون صادر شده بود، پس موضوع از محدوده‌ی این عملیات به خصوص گذشته ابعاد استراتژیک یافته بود. برای نخستین بار در جنگ هندوچین، در چهار- چوب یک عملیات، یک سپاه دشمن با تجهیزات مدرن مجبور به ترک یک ناحیه مهم استراتژیک و گریختن می‌گردید. این وضعیت می‌توانست به انکشافات مهم دیگری منجر شود، انکشافاتی که می‌توانست به پیروزی سریع ما در پایان دادن به جنگ، بیانجامد. ولی دفع این شرائط برای دشمن، کار آسانی نخواهد بود. این وضعیت یک واکنش زنجیره‌ای سیاسی و نظامی را باعث خواهد شد که دامنه آن به امریکا نیز خواهد رسید. وحتی ایالات متحده نیز قادر به سروسامان دادن به این آشفتگی نخواهد بود. فرصت بزرگ برای ما فرا

رسیده بود . اگرما خواستار سود جستن کامل از این فرصت بودیم ،نخستین کار ما باید ،پاکسازی قوای گریزان دشمن ودرصورت امکان انهدام آنان،همین جا درعرصه نبردتای نگوین وجلوگیری ازگریختن آنان به بیشه ها باشد . ما بایددشمن را خیلی سریع و تماما" ازپای درآوریم تا رونددگرگونی سریع در وضعیت جنگی ،تسریع گردد . ما باید به خاطر آوردن وقایع گذشته وتفکردرباره وقایع حاضر ،هم خوشحال و هم بی طاقت شده باشیم . درشب ۱۶ مارس به فعالیت - های شدید انتقالی لشگر ۳۲۰ فوریت بخشیدیم وبه فرماندهی تای نگوین دستوربسیج زره پوشهاووسائل نقلیه بیشتر ،آتشبار ومصالح بیشتری رادادیم تا بدین وسیله تعقیب وپاکسازی دشمن توسط لشگر ۳۲۰ تضمین گردد . درهمان حین به فرماندهی پیشروی منطقه ۵ دربین دین فرمان داده شدنیروهای محلی ازفوین رابرای بستن جاده ۷ به منظورجلو گیری ازفراردشمن به سوی توی هوا روانه سازد . لشگر ۹۸۶ هم ماء مورشدفورا" به پلی کوپیشروی کرده،با گرفتن مواضع جهنده درامتداد جاده ،هرچه بیشتربه ستون درحال فراردشمن نزدیک شده وازپشت به دشمن حمله کند .فرماندهی نیروی ۵۵۹ لشگرمهندسی ۴۷۰ رابرای اداره کانتوم وپلی کو ،خاموش کردن

آتش ،هدایت مردم به مکان های امن وعهده دار شدن اداره انبارهای ذخائری که از دشمن به جای مانده بود ، فرستاد .

ما ازلحظه صدور دستورات تا زمانی که درواحد ها به اجرا درآیند ،به ویژه دستور مبنی برتعقیب و پاک ـ سازی دشمن درحال فرار ،همگی به نهایت بی قرار بودیم ،درانتظار اخبار جدید بودیم واحساس می کردیم که زمان کندتر از همیشه به پیش می رود .درواقع لشگر ۳۲۰ ،پس ازدریافت دستورات ،درشب ۱۶ مارس با حداکثرسرعت به اجرای وظیفه خودپرداخت . تا صبح ۱۷ مارس یک واحدبه سرعت ازجنگل میان برزده و جاده ۷ را مسدودکرده ،دشمن رادرشرق فوبون متوقف ساخت . دشمن درشرق وغرب فوبون تقلامی کرد .

درروز۱۸ مارس نیروی بزرگی ازما دشمن را به تله انداخت ،با دشمن درگیرشدوشهرفوبون راآزاد ساخت ،نفرات دشمن راکه دراین ناحیه گردآمده بودند ،درهم شکست ونبرد را به سوی کونگ سون ادامه داد . همزمان باآن دوگردان محلی پیاده نظام ما ازفوبون پیشروی کرده وپل هواسون را قطع کردندو به همراه لشگر۳۲۰ واردکونگ سون شده واین شهررا آزادکردند .

قوای دشمن هراسان منهزم شد . تقریبا "تمامی

شش گروه تکاوروسه هنگ زرهی دشمن، به علاوه کلیه دفاترسپاه دوم، نابودشده ودشمن تانکها، آتشبارها، ساختمان ووسائل نقلیه خودرا ازدست داد.

سرهنگ سایگون، فام دوی تات، فرمانده سه تکاور وابسته به سپاه دوم، اظهارات ذیل را درموردعقب ـ نشینی قوای سایگون درتای نگوین به ما ابراز داشت:

"بعدازظهر ۱۴ مارس، وقتی برای بازدیدکلیه واحدها درمورداوضاع دفاعی پلی کو می رفتم، فرماندهی سپاه مرا به جلسه ای دردفترفام وان فو، فرمانده لشگرفرا خواند. فو به ما گفت که ازجلسه ای درکام ران، با ونگوین وان تیو، تران تین خیم، کائو وان وین و دانگ وانگ کوانگ، می آید. به گفته فو، تیوازوین پرسید "آیا هیچ نیروی ذخیره برای تقویت سپاه دوم دارید؟" ووین پاسخ داد "هیچ چیزباقی نمانده است". سپس تیوروبه فوکردوپرسید "بدون قوای امدادی چه مدت می توانیدددوام بیاورید؟" اوجواب می دهد که: ممکن است بتواند یک ماه مقاومت کند، به شرطی که حداکثرحمایت هوایی، عرضه موادلازم ازطریق هوا، سلاح ومهمات دراختیارداشته باشدوبه شرطی که قوای اضافی کافی برای جبران خسارات سنگین اخیرداشته باشد. اواضافه می کند "من درپلی کوخواهم ماندتا بجنگم ودر همانجا بمیرم."

آسیب های سنگینی بر آنان وارد آورد.

"برطبق نقشه، فرماندهی سپاه دوم و کلیه واحدهای رزمی باید خطوط دفاعی در فوبون بوجود می آوردند تا واحدهای سنگین مکانیزه و ارکان تخصصی بتوانند از جلوی آنها عبور کنند. در ۱۶ مارس، هنگامی که به فوبون رسیدند، کاملاً" خسته و کوفته بودند، به همین علت در این ناحیه توقف کردند و نتوانستند به پیشروی خود ادامه دهند. آنها نه تنها وارد شهر گردیدند، بلکه افراد و وسائل نقلیه خود را در سراسر جاده های اطراف شهر به صورتی پراکنده رها کردند. رفت و آمد در شهر دچار اشکال شد و راه بندان های بسیاری ایجاد گردید زیرا تعداد زیادی از سربازان و وسائل نقلیه ارتشی به داخل شهر هجوم آورده بودند. سربازان شهر را غارت کرده و به تخریب آن پرداختند و باعث وحشت و هراس شدید اهالی شهر شدند.

"در روز ۱۶ مارس، ارتش آزادی بخش به یک واحد از گردان ۲۳ تکاور در گذرگاه "بان بلچ" حمله برد و آسیب های سنگینی بر آن وارد کرد. در روز ۱۷ مارس ارتش آزادی بخش مقر فرماندهی بخش فوبون را به توپ بست و آسیب های قابل ملاحظه ای برگروه ۲۳ را باعث شد. در همین زمان واحدهای نیروهای محلی وابسته به فوبون پراکنده شدند، نفرات واحدها صفوفشان را

ازهم گسستند و گریختند، وبدین ترتیب اوضاع شهرا باز هم آشفته ترکردند.

ارتش آزادی بخش مجددا "دست به حمله زدوجاده را ازشرق فوبون تاگذرگاه "توتا" بست، ودرنتیجه سقوط سریع دفاع فوبون راباعث گردید. بعدازظهر ۱۷ مارس گروه هفتم ازنیروی هوایی تقاضای پشتیبانی کرد. هواپیماهای آ- ۳۷ به کمک آنان آمدند وبمبهایشان را روی قوای خودی ریختند وبدین ترتیب یک گردان ازآنها عملا "پاکسازی شد. صبح روزبعد، هنگامی که این گروه مجددا "موردحمله ارتش آزادی بخش قرار گرفت، آسیب های جدی دیده وتنها چندنفرازآنان از حلقه محاصره گریختند. ارتش آزادی بخش پیشروی کرد وفوبون رابه تصرف خوددرآورد.

"فوبه مادستورداد کلیه سلاح های سنگین وادوات نظامی را رها کرده وبه فوبون بگریزیم. من به قوا دستورداد م کلیه آتشبارها ووسائط نقلیه را رها کرده ودراطراف جنگل حلقه ای ایجادکنندوازگذرگاه رد نشوند. هنگ زرهی سوم نیزکلیه وسائل حمل ونقل خود را به جای گذاشت وپس ازاینکه موردمحاصره و حملات مکررارتش آزادی بخش قرارگرفت، به داخل جنگل گریخت.

"بقایای نیروها مجبوربودند ازگذرگاه تونا، تا

بخش سون‌هوا ،راازطریق جاده بگریزندوسپس به جنگل واردشوند. ولی‌افسرها وسربازان خانواده‌هایشان رانیزبه‌همراه‌آورده‌بودند و به این خاطرصدها و هزاران نفردرپشت آنها صف کشیده وآن چنان سر و صدائی براه انداختندکه‌هدف را مشخص می‌ساخت. ارتش آزادی بخش درتعقیب آنان بود،ومرتبا "از پشت حمله می‌کرد،پس پراکنده شدیم وسخت آسیب دیدیم. سربازان درهم‌کوفته وبدون‌فرمانده،سلاح ها وخودروهای خودرادرجاده رهاکرده وبهرسومی‌دویدند. قوای مستقردربخش فوتوک وکلیه قرارگاه‌های محلی یاگریخته ویاصفوف خودراگسستندودرنتیجه ،تمامی آن مکان ها به‌دست ارتش آزادی بخش افتاد.

"گروه ششم‌تکا ورعقبدا ربودوهدایت بقایای کلیه واحدهای دیگربه‌سون هوا رابه‌عهده داشت .صبح ۲۰ مارس ارتش آزادی بخش به‌طورغیرمنتظره حمله به واحدهای نخست گروه شش‌راآغازنمودوتلفات سنگینی برآنان واردآورد. فراردرطی‌روزهای‌بعدنیزادامه داشت ولی‌درتمام‌مدت هم‌چنان تحت تعقیب ارتش آزادی بخش‌بود وشمارناچیزی ازنفرات به توی - هوا رسیدند. حرکت سریع‌ارتش‌آزادی‌بخش به شرق شهرفوبون ،بستن جاده تاگذرگاه‌تونا،عوامل تعیین کننده درشکست برنامه‌ی گریزقوای‌سایگون ازتای -

نگوین بود ."

بدین ترتیب روشن می‌شود که نبرد بان می‌توت و درپی‌آن حمله ما به قوای امدادی ازلشگر ۲۳ درشرق بان می‌توت ــ که حملاتی بسیار سریع ودقیق بودند ــ دشمن را نه تنها درسطح لشگروسپاه بلکه تا سطوح بالا، یعنی‌تا سطح حکومت مزدورسایگون گیج وهراسان نمود. دشمن پس ازاشتباهات تاکتیکی و عملیاتی، دراثرضربات خردکننده ما ،مرتکب اشتباهات استرا ــ تژیکی‌شد . حکومت به وحشت افتاد ،سایگون‌دستور تخلیه قوا ازتای نگوین وپناه گرفتن دربیشه ها را صادرکرد ،تا بدین ترتیب نیروهاومنطقه راحفظ نماید. ولی‌کدام نیرورا به کجا می‌توانست ببرد و چه سطحی از قلمرو‌خودرا می‌توانست حفظ کند! راههای‌فرارآنان راکاملا"پاکسازی کرده بودیم . دشمن پس ازاین اشتباه استراتژیک ،بایددرانتظارشکست حتمی در جنگ می‌بود . اکنون تنها زمان مطرح بود .

ما دشمن را به آن اشتباهات رهنمون ساختیم .ما دانستیم چگونه فرصت ها را خلق کرده ونگاه داریم ، فرایندشکست دشمن را شتاب بخشیم واین نقطه چرخش درجنگ را بوجودآوریم . اگربازهم سریع تر ، بازهم مصمم‌تروبازهم جسورتر می‌بودیم ،اگرهم چنان ابتکاررا دردست می‌گرفتیم وبرای پیشروی ازپیروزی های‌مان

دست زدند، بخش می‌لین را به زانو درآوردند و یازده واحد ازسی تا ۴ سیسات مورد حمله آنان منهدم گردید و در یک ناحیه گسترده شامل پنجاه و سه دهکده با جمعیتی بیش از ۲۰/۰۰۰ نفر، دست به کار تبلیغی زدند.

پس از شکست جدی دشمن در تای نگوین، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی، دستورالعمل های بجایی به منظور شناخت روشن فرصتی که ایجاد شده بود و برای تغییر دادن زمینه حملات به فرماندهی جبهه تری تین و سپاه دوم ارسال داشت. با پیش بینی اینکه ممکن بود دشمن عقب نشینی کرده و هو را ترک کند، لشگر یکم پیاده خود را به دانانگ برده و در جنوب گذرگاه "های وان" مواضع دفاعی اختیار کند، در روز ۱۸ مارس فرماندهی کل منطقه تری تین که ژنرال لوتو دونگ فرمانده و افسر سیاسی آن بود و سپاه دوم را رهبری نمود تا در یک یورش جسورانه، برای بریدن جاده ۱ و بستن راه هو، از خطوط خارجی دفاع، بگذرند. هدف ما پیش از هرچیز از پای درآوردن لشگر یکم پیاده دشمن و ممانعت از عقب نشینی آنان به دانانگ و سپس آزاد کردن هو و تمامی تری تین بود.

در ۱۹ مارس نیروهای مسلح محلی کوانگ تری با استفاده از فرصت برای حمله و آزاد ساختن شهر و تمامی استان کوانگ تری حرکت کردند. شکاف های بزرگی

بهره می‌گرفتیم، بدون تردید پیروز می‌شدیم.

بهره‌گیری از پیروزی

زمانی که در جبهه تای نگوین آتش گشودیم، قوای مادرتری تین نیز عملیات هماهنگی را با این جبهه آغاز کرد و دشمن را هم در مناطق مرزی و هم در بیشه ها مورد حمله قرار داد. نیروهای مسلح ما پایگاه های دشمن را در ناحیه وسیعی محاصره کردند، آنها را درهم شکستند و وادار به تخلیه تعدادی از قرارگاههای خود نمودند و همزمان با آن حملات شدید خود را بر پایگاه - های پشتیبانی و نواحی ذخائر دشمن افزایش داده و جاده های ارتباطی را قطع کردند. نیروهای سپاه دوم ما در خط جنوب غربی هو در نوی بونگ - ناحیه نوی نگه - دست به حمله زدند، تعدادی از پایگاه های دشمن را پاکسازی کرده و ضد حملات آنان را به دفعات درهم کوبیدند، قوای مکانیزه دشمن را بی‌اثر کرده و اجازه عقب نشینی به تری تین را به آنان ندادند. هفت گردان نیروی محلی، همراه با یکصد جوخه مسلح ویژه متخصص، ضربه ئی عمیقا نفوذی به منطقه دشمن در بیشه زارها وارد آورده و به همراه نیروهای مسلح بومی وخلق درهشت بخش به مجموعه ای از یک سری حملات

که درخطوط دفاعی شمالی دشمن پدید آمده بود ، درهم شکسته شد و دشمن به خطوط دفاعی جنوب رودخانه می شان عقب نشست .

در آن هنگام نگوکوانگ ترونگ ، ژنرال که سپاه اول سایگون را فرماندهی می کرد ، در رادیوی هو حاضر شد و با نمایش بزرگی از لاف زدن درباره شجاعت و دلیری خود گفت "من در خیابانهای هو خواهم مرد . ویت کنگ ها برای ورود به این مرکز باستانی ، فقط باید از روی جسد من عبور کنند ." وتیو در رادیوی سایگون خودستایی می کرد که : "ما کانتوم و پلی کو را بدین خاطرها کردیم که نیروهایمان را حفظ کنیم ، لیکن ما دانانگ ، هو ، سپاه سه و سپاه چهار را تا به آخرنگاه خواهیم داشت ."

در ۲۱ مارس نیروهای منطقه ٔ تری تین و سپاه دوم با دریافت دستورات فرماندهی کل ، به مجموعه ای از حملات از شمال ، غرب و جنوب دست زدند ، با یک جهش از خطوط دفاعی دشمن عبور کرده و مواضعی تعرضی را برای محاصره هو ، ایجاد نمودند . نیروهای ما ، تلفات سنگینی بر لشگر یکم پیاده سایگون و تیپ دریایی ۱۴۷ دشمن وارد ساختند و ارتباط هو با دانانگ را در امتداد جاده ۱ از "موی نه" تا "بای سون" قطع کردند . هزاران وسیله نقلیه که تخلیه افراد از هو

تا دانانگ را به عهده داشتند، با مشاهده صحنه‌های دهشتناک نبرد، مجبور به بازگشت شدند. آتشبار دور زن ما "بردونگ دا" و پایگاه‌های "مانگ کا" را در هم‌کوبید و خسارات سنگینی به میدان فرودتوبای واردساخت. جاده‌ها قطع‌شدند. راه‌های هوایی مسدود گردیدند. تنها راه‌فرار برای دشمن راه‌دریا از طریق مصب‌های "توان آن" و "توهین" بود. جاده "هو-توان آن" آخرین امیددشمن بود، ولی‌درواقع به‌جاده مرگ بدل شده‌بود.

نیروی توپخانه‌ما که از نیت فرار دشمن کاملا" آگاه شده‌بودند، مصب "توان‌آن" را مسدودکردتا بدین وسیله کشتی‌های دشمن را ازتخلیه‌دسته‌ی درحال عقب نشینی بازدارند و همزمان با آن آتش توپخانه‌را بر ستون‌هایی‌که هنوز به‌صورتی‌متشکل درمصب رود خانه‌های "توان آن" و "توهین" مستقربودند، متمرکزنموده و آسیب‌های سختی‌برآنان واردآورد. قوای پیاده‌نظام ما نیزبرای مسدودکردن مصب "توان آن"، به مین‌گذاری آن جا مبادرت ورزید. تانکها، زره‌پوش‌ها، کامیون‌ها ودهها هزارسربازدشمن - مانندخیل انبوهی که‌تمامی‌جاده را پوشانده‌بودند - برای فرار از آتشبار ما یکدیگررا لگدکوب کردندوبرای گشودن راه‌خودبه هم‌شلیک می‌کردند.

درروز ۲۰ مارس کلیه جناح های قوای ما ، درست سروقت به یکدیگر پیوستند تا بقایای نیروهای درحال عقب نشینی را در مصب های "توهین" و "توان آن" محاصره کرده و آنان را متفرق یا منهدم کنند. همزمان با آن قوای ما "هو" را از بسیاری جهات درهم کوبیدند. دقیقا" درساعت ۱۰/۳۰ صبح پرچم انقلاب از میله پرچم مقابل دروازه "نگومون"، دروازه اصلی شهر کهن امپراطوری ـ بالا رفت. شهرهو تماما "آزاد شد و مردمش پس از هفت سال انتظار، از زمان تت ما تان (سال میمون) در ۱۹۶۸، توانستند مجددا "پرچم انقلاب را که مغرورانه درمقابل باد به اهتزاز در آمده بود، ببینند. از آنجا که سربازان ما درجریان حمله، محاصره، سرکوب و تعقیب دشمن بودند، توده مردم به پیشواز آنان آمده وسربازان را راهنمایی می‌کردند. مردم جاده هایی را که دشمن برای فرار انتخاب کرده بود، به قوای ما نشان دادند، بدین ترتیب قوای ما می‌توانست به تعقیب آنان بپردازد و دشمن را از مخفیگاه خود بیرون کشد. مردم قوای ما را درگذشتن از رودخانه و دستگیری جانیان سایگون یاری دادند تا بدین ترتیب سقوط دشمن را با زهم تسریع نمایند.

لشگر یکم پیاده سایگون که آمریکائی ها از آن به عنوان یک تیپ نخبه یاد می‌کردند، پراکنده و منهدم

شد. درپاکسازی منطقه از این لشگر و آزاد کردن هوو تمامی تری تین، ضربه سنگینی بر طرح تشکل دوباره نیروها که یک طرح استراتژیک دشمن بود، وارد آوردیم و سپاه یک دشمن را تضعیف کرده و تحت فشار سنگین قرار دادیم.

در بعد از ظهر ۲۶ مارس، من در پناهگاه فرماندهی بودم و طرح اجرائی دستورات فرماندهی مبنی بر استقرار سپاه دوم و سازماندهی نیروها برای حمایت از تای-نگوین آزاد شده را مرور می‌کردم. با خود می‌اندیشیدم که چگونه باید واحدهای تای نگوین را به پیش ببریم و اینکه چگونه باید طرح های انتقال لوجستیکی و واحدهای تجسسی به شرق نام بور آماده نمائیم. در این هنگام "نگوین توین" وارد شد و خبر داد که هوکا ملا" آزاد شده است. من نتوانستم احساسات خود را مهار کنم. هو برای همیشه آزاد شده بود، آری برای همیشه و نه تنها برای بیست و پنج شبانه روز ماه یوسانه آنطور که در تت ماتان، در سال ۱۹۶۸ اتفاق افتاده بود، بل که تحت کنترل ما قرار می‌گرفت.

تران وان کوانگ، لوکوانگ دائو، تران کوی های و کلیه برادران ما در فرماندهی جبهه، همراه با تمام واحدهای ارتش که در تعرض عمومی و قیام در جبهه خه سان کوانگ تری - هوجاده ۹، در بهار ۱۹۶۸ شرکت داشتند،

همگی باید پس از شنیدن این خبر، به طور وصف ناپذیری خوشحال شده باشند. سیگاری روشن کردم. مدتها قبل توتون را "لعن" کرده بودم ولی هرگاه مسئله پیچیده‌ای را حل می‌کردم، به پیروزی بزرگی دست می‌یافتم و یا خبر پیروزی برجسته‌ای را دریافت می‌داشتم، سیگاری روشن می کردم.

درعملیات هماهنگ شده ما با جبهه‌ی تای‌ـ نگوین، نیروی مسلح منطقه ۵ به‌فرماندهی ژنرال دو ستاره "شوهوی مان" و "وچی کونگ"، افسر سیاسی، علاوه بر به خدمت گرفتن لشگر سوم برای حمله به دشمن وقطع جاده ۱۹، تین فوک و "فوک لام" را آزادکرده وقوای ضدحمله دشمن رامنهزم ساختند. و همچنین دشمن را مجبوربه تخلیه "سون‌ها" و "ترا ـ بونگ" کرده وتقریبا "تمامی منطقه مرزی را آزاد نمودندوهمزمان باآن حملات خودبرعلیه تلاش های دشمن برای آرام سازی مناطق سفلی بخصوص در کوانگ نگای وبین دین راافزایش دادند. پس از پیروزی بزرگ ما در تای نگوین، کمیته حزبی منطقه ۵ و فرماندهی جبهه آن، دریک تصمیم هوشیارانه برای استفاده از فرصت جدید، نقشه‌ی پیشروی بدست جنوب را رهاکرده وجهت حملاتشان رابرای تثبیت شرایط

آزادکردن دانانگ ،به‌سوی شمال تغییردادند .پس از۱۸ مارس ،کمیته مرکزی نظامی وفرماندهی کل دستورالعملی‌نیزبه منطقه ۵ ارائه‌نمود ،مبنی‌براین که‌آنان سریعا "دشمن رادرامتداد مرزبین دومنطقه درهم‌شکسته ،برای قطع‌جاده ۱ ،بین "دانانگ"و "تام کی" حرکت کنندولشگردوم‌پیاده‌سایگون را منهدم کرده وازبازگشت این لشگربه دانانگ‌جلوگیری نمایند. این نیروها دستورداشتندکه‌استقرارتوپخانه برای حمله‌به‌دانانگ راسازمان داده‌وبه‌تدارکات فوری وفعالی‌برای نبرددانانگ مشغول شوند .

درانجام این دستورالعمل ها ،یک هنگ ازلشگر دوم‌مادر۲۱ مارس "توان دونگ" راتسخیرکردوجاده رااز"تام‌کی"به‌سوی دانانگ مسدود نمود. آنان تلفات سنگینی‌برهنگ پنجم‌ازلشگردوم‌سایگون وارد آوردند ،تام‌کی‌رازیرفشارگذاشتندوبرای نابودکردن لشگردوم‌سایگون این لشگررااز"کوانگ نگی"بیرون کشیدند. وبااستفاده‌ازآن فرصت ،نیروی دیگری‌را دریک یورش برق آسابرای آزادکردن کوانگ نگی، به‌کارگرفتند. کمیته مرکزی نظامی وفرماندهی‌کل باتشخیص اینکه‌دشمن درحال تخلیه‌هومی‌باشد و این که‌ما نمی‌توانیم‌این امکان راکه‌دشمن دانانگ را هم‌ترک کند ،درنظرنگیریم، در۲۲ مارس منطقه ۵،

ماء مورتهیه نقشه های مشخص برای حمله به دانانگ ، همانطورکه قبلا" طرح شده بود ، گردید .

با درک روشن وکامل این رهنمودها وبا توجه به وضعیت تری تین که با شتاب رشدوگسترش می یافت ، کمیته دائم کمیته حزب منطقه ۵ میتینگ وسیعی در روز بعد برگزارکرد ومصوبه جدیدی را به تصویب رساند : "همه شاخه های حزبی وتمامی مردم منطقه را درکوتاه ـ ترین زمان ممکن ، برای مبارزه ای مشتاقانه جهت آزادکردن تمامی منطقه ۵ بسیج نمائید ."

درروزهای ۲۴و۲۵ مارس ، لشگردوم منطقه در هماهنگی با نیروهای محلی ، هنگ های ۴و۵ از لشگر دوم سایگون را مجبوربه فراروپراکنده شدن نموده و "تام کی" و "توان دونگ" راآزادساخت . نیروهای محلی "کوانگ نگای" درهماهنگی با توده ها برای آزاد کردن قسمت شمالی استان ، قیام نموده ودست به حمله زدند . ما همچنان پیشروی می کردیم ، پایگاه های چولای را موردحمله قرارداده وبه تصرف خود درآوردیم ودر همان زمان ، نیروهای سیاسی ونظامی "کوانگ نگای" قیام وحملاتشان را برای آزادکردن تمامی استان کوانگ نگای ، ادامه دادند . آزادشدن "کوانگ نگای"، "تام کی" و "توان دونگ" ، وتلاشی نیرو های دشمن در این مناطق ، فشاربیشتری برخطوط دفاعی دشمن در

دانانگ گذاشت. درسایگون تیوپیمان بست که: "تالحظه‌ی مرگ ازدانانگ دفاع کند" وایالات متحده وپادوهایش هم قصدداشتندکه درصورت ناتوانی درحفظ دانانگ، دست به یک عمل "به تاءخیرانداختن" سقوط شهربرای یک یادوماه بزنند. چنین کاری به آنان اجازه می‌دادتا زمان کافی‌برای آرایش مجدد مواضع دفاعی‌خودکه به تکه‌های بزرگ تقسیم‌شده بود، بدست آورندوهمزمان باآن یک میلیون نفرازمردم را از شهرتخلیه نمایندتا بدین وسیله نفوذسیاسی‌نامطلوبی رابرماااعمال نمایندودرعین حال فعالیت‌های دیپلوماتیک خودرابرای تحت فشارگذاشتن ماجهت متوقف کردن تعرض، بیفزایند. سرتیپ سایگونی "نگوین خوان ترانگ"، جانشین ریاست ستاد کل، دستوراتی‌با اولویت فوری دریافت داشت، مبنی‌بر اینکه‌برای بررسی‌اوضاع‌به‌دانانگ رفته و ۲۰/۰۰۰ قبضه سلاح راازرادخانه "لونگ بین" به‌دانانگ منتقل نمایدتا تسلیحات دردانانگ تکمیل گردد. هدف طرح‌دفاعی‌دشمن برای کوانگ نام و دانانگ، کاهش سرحداتی‌بودکه بایدازآن دفاع می‌شدوهمچنین متمرکز نمودن تفنگداران دریائی، لشگرسوم‌پیاده وکلیه سلاح - هاوشاخه‌های تخصصی‌خوددراین منطقه بودتابدین وسیله ازدانانگ دفاع کند.

در ۲۵ مارس کمیته مرکزی نظامی وفرماندهی کل بدین نتیجه رسیدندکه دشمن پس‌ازازدست دادن هویه، تام‌کی، کوانگ نگای وچولای دیگرقادربه حفظ دانانگ نمی‌باشدحتی‌اگربه تلاشی‌سخت دست زنند. بنابراین تصمیم‌براین گرفته شد که تعرض به‌دانانگ راتحت این اصول راهنماآغازنمایندو: "دربهترین فرصت مناسب، بابیشترین شتاب، بیشترین جسارت، بیش ترین غافلگیری‌واطمینان کامل به‌پیروزی." طبق این طرح سپاه‌دوم‌ونیروهای منطقه ۵ بایدجسورانه وبه‌طورغیرمنتظره‌عمل کرده‌وبدین ترتیب فرصت واکنش‌نشان دادن رابه‌دشمن‌ندهند؛ نیروهای خودی وبه‌ویژه‌لشگردریائی‌ولشگرسوم‌رابرای نابود کردن نیروهای بزرگ دشمن دردانانگ متمرکزنمایند؛ در این نبردتعیین کننده‌پیروزی های بزرگی کسب کنندوشرائط نوینی رابرای پیروزی استراتژیک ایجادنمایند."

برای رهبری این نبردمهم، کمیته مرکزی نظامی ودفترسیاسی‌در ۲۵مارس‌تصمیم‌گرفتندکه‌یک فرماندهی جبهه برای "کوانگ دا" متشکل ازژنرال ترونگ تان، به عنوان فرمانده و ژنرال چوهوی مای به‌عنوان افسرسیاسی ایجاد نمایند. لوترونگ تان ازهانوی به‌جیولین پروازکرد. درهمان زمان

چوهوی مان درجایی‌بسیاردورازآنجا ـ بین کوانگ تین وکوانگ نگای ـ جناحی‌ازنیروهای مارافرمان ـ دهی‌می‌کرد. آنان برای رهبری حمله به‌دانانگ، مجبوربودندمقرفرماندهی‌شان رادرغرب دانانک بنا کنند. پس ازورودبه‌کوانگ تری، لوترونگ تان با شتاب به‌سوی آ ـ لوی،درابتدا دراه شرقی‌جبال ترونگ سون حرکت نمود،سپس دراطراف غرب دانانگ حلقه‌زد. با برپائی‌یک‌ایستگاه‌ارتباط تلفنی،درابتدادجاده از آن برای‌تماس‌باکلیه‌جناح های قوااستفاده‌کرد. از آنجائی‌که‌اوضاع‌رابشدت اضطراری می‌دید،برای‌کاربا چوهوی مان ،برای رسیدن به‌توافق دربار‌ه‌شیوه‌های عملیات رزمی،ازرادیواستفاده‌کرد. بدین ترتیب فرماندهی‌جبهه‌کوانگ دا ،وکمیته‌حزبی تاآن زمان هنوزملاقاتی رودرروندا شتند.

در این روزها من هم نگران اوضاع درمنطقه ۵ بودم . من که درفاصله دور ازآن منطقه‌بودم وقادربه‌درک مشخص اوضاع‌آنجانبودم، تلگرافی‌به هوانگ وان تای ،جانشین رئیس ستاد کل مخابره کردم‌مبنی‌براینکه‌رهبری سپاه‌دوم ،شامل لشگرهای ۳۰۴، ۳۲۴و۳۲۵ را به‌دست‌گیرد ،آتشبارهای دورزن‌را برای دردست‌گرفتن کنترل فرودگاه‌ها و بنادر دانانگ موضع‌بندی نمایندوبرای پاکسازی واحدهای

دشمن که به سوی دانانگ درحرکت بودند، سریعا "به نیروهای منطقه ۵ بپیوندد. اگراین کارعملی می‌شد، کارهابرای نبرددرنام بودرمرحله بعدی بهبود می‌یافت. ومن اظهارداشتم که آنان بایدفرماندهی برای این رزم مهم راافزایش دهند.

پس از ۲۵ مارس، شهردانانگ دچارآشوب شد. نیروهای ما به سرعت پیشروی نمودندتا شهر را زیر فشارقراردهند. دشمن مجبورشدازطرح‌های فراخوانی نیروهایش به دانانگ منصرف گردد و بااستفاده ازبوئینگ های ۷۲۷ وهلی‌کوپترتخلیهٔ مستشاران آمریکائی وبخشی‌ازنیروهای سایگون راآغازنمود.آنان برای سوارشدن به هواپیما به نزاع با یکدیگر پرداختندوهیاهوی بسیارودادوهواردرفرودگاه سر دادند. بعضی ازآنها به هنگام فرار درزیرچرخ‌های هواپیما له شدند، وبرخی‌دیگردرزیراسکی‌های فرودهلی کوپترها رفتند. سربازان مزدورواافسران وخانواد - هایشان برای فراربا آرنج به پهلوی یکدیگرمی- زدند. لشگردریایی‌دشمن پیش ازگریختن، به غارت، تیراندازی به مردم وتجاوزبه آنان پرداخت. درحدود ۳/۲۰۰دانشجوی‌افسری درمرکزآموزشی‌هواکام دست ب شورش زدند، ازخدمت گریختند یا به انقلاب پیوستند یا به خانه‌هایشان رفتند. آتشبارسنگین ما فرودگا

دانانگ ، پایگاه هواخان که فرماندهی لشگرسوم سایگون درآن جای داشت ،بندرسون ترا ومقرفرمان - دهی لشگرنون نوک را زیرآتش خودگرفت وباقی مانده نفرات دشمن درشهررا با زهم بیشتربه هراس افکند. برادران ماکه درزندان نون نوک اسیردشمن بودند قیام کردندوبا درهم شکستن زندان خودراآزادساختند. لشگردوم ازمنطقه ۵، به فرماندهی سرهنگ نگوین شون، قهرمان ارتش* پس ازآزادکردن تین فوک ،فوک لام و تام کی، ازجنوب به سمت دانانگ پیشروی نمود .در ۲۹ مارس ،پیاده نظام وتانکهای وابسته به سپاه دوم به همراه نیروهای مسلح منطقه ۵،ازشمال ،شمال غربی وجنوب سریعا "ضرباتی برشهروارد آوردند ومستقیما" به داخل شهرنفوذکردند ،فرودگاه دانانگ ودیگرمواضع مهم ،به ویژه شبه جزیره سون ترا ،را متصرف شدند . هم زمان باآن ،یکی ازهنگ های مستقل منطقه ۵ به نون نوک ومیدان فرودنوک مان حمله کرده وآنها را تسخیر کرد. تعدادی از اعضای پایگاه انقلابی ماوقوای عملیاتی ویژه ما درشهرپل "ترین مین نه" را تسخیر کرده وپرچم را بربالای تالارشهربرافراشتند ،گاردهای داخلی ومردم ،سربازان را برای اشغال سریعترمواضع

---

* قهرمان ارتش ،بالاترین نشان افتخارجنگی، درارتش انقلابی است .

دشمن وتعقیب بقایای نفرات دشمن، راهنمائی می ـ کردند. ما درمدت سی‌ودوساعت، بیش از ۱۰۰/۰۰۰ قوای دشمن رادردانانگ منهدم ومتفرق کردیم، پایگاه مستحکم نیروهای مرکب راتسخیرکرده ودانانگ ـ دومین شهربزرگ جنوب راآزادساختیم. ما با آزاد ساختن دانانگ، روندانهدام وپراکندن تمامی سپاه یکم دشمن رابه پایان رساندیم واین سپاه راازروی نقشه محونمودیم وشرائط رابرای سقوط پرشتاب وکامل قوای دشمن تثبیت کردیم. نگوکوانگ ترونگ، پس ازگریختن ازمرگ دریک میتینگ درپایگاه دریائی سون ترا، خودرا با هلی‌کوپتربه‌یک ناوجنگی‌رساندو مستقیما "به‌سایگون گریخت ودرآنجا به‌بیمارستان کونگ هوا منتقل گردید.

این پیروزی بزرگ‌درعملیات هویه ـ دانانگ اهمیت به‌غایت مهم استراتژیک داشت. این پیروزی همراه با پیروزی تای نگوین، توازن استراتژیک نیروها راتماما "به‌نفع ما تغییرداد، طرح استراتژیک دشمن مبنی‌برگردآوری نیروهایش را شکست داد، سایگون را تضعیف کردوشرائطی‌رابه وجودآوردکه مابتوانیم‌فشار نیروهایمان رادرمیدان گاه نبردقطعی ونهایی متمرکزکنیم.

همچنین درنامه‌ای که‌ازتران وان ترافرمانده

نیروهای نام‌بوومنطقه ۶ (که به‌نام بی- ۲ نیزمعروف بود) به ما رسید، اخباری ازجبهه نبردنام‌بودریافت داشتیم. ما پس ازآزادساختن دین گوان، هوی دوک وجیارای، قسمت اعظم لشگر ۷ را به‌همراه تانک‌ها و توپخانه به‌سوی لونگ خان وجاده ۲۰ فرستادیم‌تا به‌لام‌دونگ حمله‌بردندوآن راآزادکنند.

لشگرهفتم ازسپاه‌چهارم ما برای نخستین‌بارازشاخه‌های تخصصی مرکب که به‌صورت متشکل پیشروی می‌کردند، استفاده‌کردند، بازره‌پوش‌هایی‌که درپیشاپیش حرکت می‌کردندوبه‌دنبال آن تانک‌ها، پیاده نظام، آتشبارولوجستیک روان بود. آنان‌هرجا که‌دشمن را می‌یافتند، باروحیه‌ای آنچنان نیرومند وعالی که‌پیش ازآن دیده‌نشده‌بود، با او می‌جنگیدند. گروه‌های سربازدشمن که درامتدادجاده‌ایستاده بودند، وحشت زده‌آنان‌رامی‌نگریستند. برخی‌می‌گریختند. دیگران به‌بالای تپه‌ها می‌دویدندتاحرکت قوای ما را تماشاکنند. لشگرهفتم‌باشتاب به‌حرکت خود ادامه داد، استان لام‌دونگ وشهرباثولاک راآزادساخت.

تران‌وان‌ترا فقط متاءسف بودکه‌چرا نیروهای بیشتری نداردتاپس ازآزادی لام‌دونگ بتوانندبرای آزادساختن لین خانگ، درانگ ودالات حرکت کنند. ما پس ازیاکسازی بخش داتینگ ومواضع‌بن سوی، نهراونگ

هونگ ،سوخوی وچها رراه‌های دات‌ست درجاده بین ایالتی۲۶، جاده ۲۲ را قطع‌نمودیم، تای تین را منفرد کرده‌ونیروهای اصلی سایگون را به‌منظور انهدامشان بیرون کشیدیم ،وآنچنان شرائطی‌ایجاد نمودیم‌که‌قوای ما به‌مجردرسیدن لحظه‌ی مناسب به تای تین ضربه‌زده‌وآن راآزادکنند .قوای لشگرپنجم وسوم‌ماکاربازکردن جاده‌ی منطقه ۸دردلتای مکونگ رابه‌پایان رساندوسپس برای ازپای درآوردن لشگر پیاده‌وهنگ چهارم‌زرهی‌دشمن درموک هوا ،مسیر خود راتغییرداد. وپس‌ازآن حمله‌به‌مقرفرماندهی‌بخش موک هوا راتدارک دیدند. ما منطقه‌شمالی کای بی (دراستان می‌تو) راتاکین فونگ شرقی ودرامتداد ترعه‌ی نگوین وان تیپ‌گسترش دادیم. درمنطقه ۹ غرب نام‌بو ،وین لونگ خوب می‌جنگید، ولی مبارزه هوجیانگ هنوزازروی دست پاچگی‌بود. به‌طورکلی، دشمن بازهم‌نفرات زیادی درنام‌بوداشت .شکستهای بزرگ سپاه‌یک دشمن روحیه‌آنان راتحت تأثیرقرار داده‌بود. بااین وجودما هنوزبه‌پیروزی آنچنانی درآن ناحیه‌دست نیافته‌بودیم‌وبه‌همین دلیل‌دشمن هنوزکاملاًساقط نگردیده‌بود. مابرای ایجادلحظه مناسب باچندین نبردسهمگین‌به‌دنبال پیروزی های بزرگ می‌شتافتیم ،ضربات غیره منتظره‌ای که‌دشمن راشدیدا"

تکان دادو وی را به گریختن وا می‌داشت، براو وارد آوردیم و همزمان با آن چیزی برای گرد آوری وراهی برای عقب نشینی‌اش باقی نگذاشتیم. یک اصل اولیه در جنگ، درهم شکستن وپراکندن نیروهای دشمن هم از لحاظ انسانی وهم از نظر مادی می‌باشد. دشمن نیروهای گوناگونی داشت، انواع نیروها را. وما تنها اگرقوای مناسب برعلیه آنان را انتخاب می‌کردیم- وبه نیرو- هایی‌که بیشترین جنبه محوری را داشتند، ضربه می‌زدیم- می‌توانستیم دشمن را سریع فلج نمائیم و بدین وسیله توازن نیروها را به سود خود تغییر داده و یک واکنش زنجیره‌ای را که هر روز گسترده‌ تر گردد، ایجاد کنیم. اکنون حریف اصلی‌ما، واحدهای نیروی اصلی‌سایگون وبه ویژه مرکزعصبی‌یعنی‌فرماندهی آن بود. اگراین مرکز منهدم می‌شد، تمامی‌سیستم دفاعی وادارات دولتی‌حکومت دست نشانده، درتمام‌عرصه‌های نبرد، بدون دفاع وضربه‌پذیر می‌گردید. اگر ما با ضربات مرگبار با دشمن برخورد نمی‌کردیم وسریع، سخت ومکرر اورا زیرحملات خود نمی‌گرفتیم، دشمن زبون نمی‌شد ونمی‌گریخت. درروز ۱۸مارس، درحالی‌که دشمن از تای نگوین می‌گریخت، ما درمقرفرماندهی‌جبهه تای نگوین مشغول مذاکره درباره آنچه قوای ما درتای- نگوین، باید پس از آن انجام دهند، بودیم. ما وضعیت

خودودشمن را دقیقا "تحلیل کردیم وبدین نتیجه رسیدیم که پیروزی ما در تای نگوین اثرات شدیدی بر آرایش استراتژیک ووضع رزمی دشمن داشته است. حملات سنگین وجنبش پرشتاب ما آنان را درمانده کرده بود. دشمن برای جلوگیری ازمنفرد شدن و محاصره شدن درمناطقی که دیریا زودکاملا "منهدم می-شد، ناگزیربه عقب نشینی عجولانه از تای نگوین گردید. منظوردشمن ازعقب کشیدن نیروهایش از تای نگوین، حمایت ازاستان های سفلی بودکه لشگر دوآنان درحفظ آنها غفلت ورزیده بود. آنها دربین دین لشگر ۲۲ را داشتند، ولی درتمام دیگراستان ها تنها نیروهای امنیتی وگاردهای غیرنظامی دراختیار - شان بود. دراطراف سایگون دشمن همان نیرو-های پیشین خودرا حفظ کرد ویا شاید آنان را تقویت نیزکرده بود. درسراسرجنوب، سپاه دوم دشمن، سپاهی بودکه بخش اعظم نیروهایش را ازدست داده بود. آنها مجبوربه ترک تمامی ناحیه استراتژیک تای نگوین - با پنج استان - گردیده بودند. واین درتاریخ جنگ ویتنام بی سابقه بود. ازآنجائی که سپاه دوم سایگون، دلسردترین سپاه دشمن بود، شانس کمی وجودداشت که این سپاه بتواندضدحمله سریعی را علیه تای نگوین، به طورعام وبان می توت به طور

خاص، سازماندهی کند. شکست های دشمن در تای -
نگوین و در دیگر عرصه های نبرد، حکومت تیو را بشدت
متزلزل ساخته بود؛ شکست های نظامی بیش تر می -
توانست منجر به سقوط آنها شود.

پیروزی ما در تای نگوین اعجاب انگیز بود، این
پیروزی نه تنها نقشه های ما را به انجام رساند، بلکه
آنها را پشت سر گذاشت. و ما باز هم شرائط خوبی برای
بهره گیری از پیروزی داشتیم. دشمن گیج شد و تشکل
خود را از دست داد و ما شدیداً او را تعقیب می کردیم.
نیروهای ما به طور فزاینده ای در طول رزم ساخته
می شدند و روحیه شان به مراتب قوی تر شده بود.

عملیات لوجستیکی ما موجودی مقدار مهمات
تخمینی در طرح را تضمین می کرد و به علاوه ما با
این عملیات می توانستیم غنائم بیش تری از دشمن
بگیریم. جاده های استراتژیک به وسائل نقلیه ی
ما اجازه می داد دورتر و تندتر از سابق حرکت کنند.
هنوز حدود یکماه و نیم از فصل خشک برای ادامه فعالیت
باقی مانده بود. در تمام عرصه های نبرد در سرتاسر
جنوب، هماهنگی خوبی در اعمال وجود داشت.

مسئلهٔ بلاواسطه ما این بود که از کدام طریق باید
نیروهای تای نگوین را با اطمینان از حد اکثر استمرار
و سرعت حرکت داد تا بیشترین رشد توانشان فراهم

گردد وبیشترین وقت را برای عمل باقی گذارد.
هدف از چنین کاری غلبه برنیروهای بزرگ دشمن ازنظراستراتژیک وتقسیم قلمرویی‌که به‌وسیله حکومت تیودرجنوب به‌طورموقت کنترل می‌شد،چه از نظرداری وچه‌ازجنبه‌نظامی،وهم چنین برهم‌زدن آرایش قوای استراتژیک دشمن واوضاع استراتژیک اوودامن زدن هرچه‌بیشتربه‌زوال نظامی‌وسقوط‌سیاسی تیو بود. اگرما متوقف می‌شدیم و یادرجهت دیگری دست به‌حمله می‌زدیم،دشمن می‌توانست دوباره‌قوای خودراگردآوردومتشکل سازد.
ماپس‌ازگفتگوهای بسیار،چنین توافق کردیم‌که‌برای اجراء عملیات،بهترین سمت حرکت نیروهای تای‌ـ نگوین،مشرق است. به‌طوردقیق تر، قوای ما به همراه‌نیروهای منطقه ۵ به‌سوی نواحی‌ساحلی حرکت می‌کنندواستان‌های‌بین دین وفوین وقسمتی‌ازخان‌ـ هوارا‌آزادخواهندکردوهرچه‌بیشترازنیروهای‌دشمن رانابودکرده‌وبیش‌ازیک میلیون‌نفررا‌آزادخواهند کرد. دراین زمان قوای ما شادمان‌ازپیروزی‌هایش به‌خاطرپیشروی فوری به‌جلگه‌ها،هیجان‌وشورفراوانی داشت. مردم‌نواحی ساحلی سخت‌سرگرم ساختمان و تعمیرجاده‌ها بودند. برنج‌ومهمات حمل می‌کردند و بااشتیاق برای استقبال ازقوای اصلی انتظار

می‌کشیدند .ما برای پیشروی به‌جلگه سه‌جاده‌ی استرا ـ تژیک را تصرف کرده وحفظ می‌کنیم ،جاده‌ی ۱۹۰۷و ۲۱ که‌کوه‌های جنگلی‌را به‌بیشه‌ها وکرانه‌ٔ دریای پر ـ جمعیت درمنطقه ۵را به‌ناحیه‌کم‌جمعیت تای نگوین وصل می‌کرد. هدف ازپیشروی به سوی دشت‌ها تماد کردن کار لشگر ۲۲ سایگون ، تنها نیروی باقی مانده‌ازسپاه‌دوم‌وقوای محلی‌وتکاور دشمن در بین دین ، فوین وخان هوا ، آماده شدن برای در هم شکستن دویا سه‌هنگ دشمن ازسپاه‌یک یا سه درصورتی که‌به‌عنوان‌قوای امدادی روانه‌گردند‌ـبود .اگرما در انجام این امرموفق می‌شدیم ، به‌طوراساسی‌سپاه‌دوم دشمن را تماماً درهم‌می‌شکستیم وحوزه‌این‌سپاه راآزاد می‌کردیم‌وتمامی سیستم‌دفاعی دشمن رادرجنوب به دوتکه‌جدا ازهم‌تقسیم‌می‌نمودیم‌وسپاه‌یک را تاشمال منزوی می‌ساختیم .سپس اهداف خود را چنین پیش گرفتیم‌که‌پس ازاتمام‌کارآزادساختن خان دونگ ،از طریق جاده ۲۱ به‌گذرگاه‌مودراک رفته و شرائط را برای آزادکردن تین هو فراهم آوریم. سپس‌برای آزادکردن ناترانگ وکام ران پیشروی خواهیم‌کرد.

دراین زمان مجبوربه‌حل دومشکل بودیم :نخست ، مسئله‌ی مستحکم‌کردن سریع‌ارتش، تجهیزکلیه‌واحدها با سلاح های بیشتر ، ودوم‌آموزش‌شیوه های رزمی

به‌آنان . درمورد لوجستیک نگران نبودیم ،زیرا سه جاده استراتژیک به‌دشت ها را دراختیار داشتیم و می‌توانستیم قوا ،سلاح ومهمات ،کالاها ومواد غذایی را تماما "توسط وسائل موتوری حمل کنیم .دفتر کل سیاسی کادرهای بسیاری به‌آنجا فرستاده بود ، اینان نه‌تنها برای افزایش توان رزمی ارتش ما ، بلکه برای ادای سهم فعالی در توسعه پایه‌های حکومتی در مناطق جدیدا "آزاد شده ،آمده بودند . اداره کل فنی ۳۰۰ مهندس وکارگر دیگر را برای تعمیر و به راه انداختن صدها تانک ،کامیون وعراده‌های بجا مانده از دشمن به‌جبهه اعزام داشت .

در ۱۹ مارس ،من با "بوی سان" و "نگوین توان تای" از کمیته دائم کمیسیون حزبی منطقه ۵ و هوین وان مان عضو کمیته منطقه ۵ وهمچنین دبیر کمیته ایالتی دار - لاک ،کار کردم . اوضاع در شهر و در نواحی اطراف تدریجا "مرتب می‌شد . تقریبا "تمام مردم شهر برده انقلاب بودند . بازارها دایر و بیمارستان ها به‌کار مشغول بودند . آبرسانی شهر پس از دو روز تامین شد . همه‌ی طبقات مردم در گردهمایی‌ها که برای تبریک آزاد شدن خاکشان بود ، شرکت می کردند . محافل کارگری وجوانان ودانشجویان پرشورتر از همه بودند . بسیاری از آنان داوطلب نظافت خیابانها

تعمیرایستگاه رادیو، سیستم‌های آب وبرق وشرکت درحفظ نظم وامنیت، بودند.

درهرمیتینگ، مردم شهر سوءال های بسیاری را مطرح می‌کردند. اینک امرامرارمعاش مردم چگونه ادامه‌خواهدیافت؟ آیا ما می‌توانیم‌هرروزبرای کار به‌عرصه‌ی جبهه‌ها برویم وتاغروب درآنجا بمانیم؟ می توانیم برای قطع درختان به جنگل ها برویم؟ می توانیم‌پولی راکه‌دربانک ها پس اندازکرده‌ایم بیرون بکشیم؟ آیاکارمندان غیرنظامی ومعلمین حقوقشان رادریافت می‌کنند؟ مدارس مجددا "باز خواهندشد، ازچه‌نظام آموزشی‌استفاده‌خواهندکرد؟ من این سوءالات را با کادرهای بومی موردبحث و گفتگوقرار دادم‌وفرماندهی تای نگوین را برای حل برخی ازمشکلات بزرگ راهنمائی کردم، مسائلی مانندساختن یک حکومت پایه‌ای و نیرو های مسلح محلی، پیاده‌کردن خط مشی‌اقتصادی، فرهنگی‌وتربیتی، سازماندهی ملزومات برای ۱۰۰/۰۰۰ نفردرداخل و خارج بان می‌توت وبیش از ۵۰/۰۰۰ پناهنده‌درنواحی دورازمرکزوانجام‌صحیح سیاست های مادرقبال‌گروه - های مختلف قومی، بورژوازی وخارجی ها. ناحیه دچارکمبودکادربودوبازگشت فوری کادرهای جوانی که‌درانستیتوی ملیت ها درهانوی تحصیل می‌کردند،

وهم‌چنین آمدن کادرهای کمکی از سراسر کشور، برای انجام وظائف لازم بود. ما در وهله نخست، کمیسیون نظامی محل را به منظور مراقبت از وظائف اداری و نظامی وهم‌چنین برای رهبری همه‌جانبه استان تای نگوین، تاسیس کردیم. اعضای کمیته نظامی محل، کادرهای نظامی وغیرنظامی، کادرهای اداری وحزبی بودند. این سازمان در انظار عمومی ظاهر نمی‌شد، اما مستقیما "کار حمایت، احیا وساختمان اقتصاد تای نگوین را رهبری می‌کرد. آنها امیدوار بودند که در عرض چندسال بتوانند ده‌ها هزار هکتار زمین بیشتر، بهره برداری کنند. یکی از رزمندگان با خرسندی گفت "عبور از سراسر بان می‌توت و دیدن زمین، عجب لذتی دارد! با داشتن چنین خاکی دیگر نمی‌توانیم سخن از کوچک وفقیر بودن خود، به میان آوریم."

با تصرف جاده‌های ۷، ۱۹ و ۲۱، حملات تعرضی ما به سوی دشت‌های ساحلی مرکزی، از اوائل مارس تا اوائل آوریل ۱۹۷۵ ادامه یافت. قوای ما با روحیه‌ای عالی به عرصه نبرد وارد می‌شدند. لشگر ۹۶۸ در امتداد جاده ۱۹ به داخل بین دین پیشروی کرد وبه همراه لشگر سوم از منطقه ۵، لشگر ۲۲ سایگون را در فوتونگ، لای نگی وفوکات، درهم شکست وپراکند. اهالی

کی‌نون قیام کردند و بهمراه نیروهای مسلح محلی، شهر و شبه جزیره‌های فوک لی و فوک های را آزاد کردند. و از ورود کشتی‌های دشمن که برای تخلیه نفرات باقی مانده خود می‌آمدند، جلوگیری نمودند. ما در همان روز، میدان فرودگوکان را تسخیر نمودیم، ۱۰۰۰ سرباز دشمن را اسیر کردیم و ۳۰ فروند هواپیمای کاملاً سالم را ضبط نمودیم. بدین ترتیب، تلاش دشمن را برای فرار از کی‌نون و استفاده از قسمت‌هایی از هنگ ۴۱ و ۴۲ برای تقویت دفاع نا ترانگ، بی‌اثر نمودیم. در سواحل شنی کی‌نون، هزاران سرباز دشمن که نتوانستند به موقع به کشتی سوار شوند، اسیر یا فراری شدند. بدین ترتیب تمامی استان بین دین آزاد شد.

در جاده ۷ لشگر ۳۲۰ کونگ سون را آزاد کرد، سپس سریعاً "برای آزاد کردن شهرهای توی هوا، توی آن، پیشروی نموده و سراسر استان فوین را آزاد ساخت.

در ناحیه نا ترانگ، فرماندهی سپاه ۲ تکاور سایگون، که دستوری مبنی بر تجدید سازماندهی فوری دو گروه را دریافت کرده بود، به مجرد اینکه گردان ۷۲ منظم گردید، مأموریت یافت که سرتیپ چتر باز در خان دونگ را تقویت کند. عناصر باقی‌مانده که به تازگی در کام ران پیاده شده بودند، از ژنرال له نگوین خانگ، جانشین رئیس ستاد سایگون دستور

گرفتندکه برای تقویت خان دونگ که زیرحملهٔ سنگین
بود ،متشکل گردند. ژنرال فام وان فو، فرمانده
سپاه دوم سایگون، مجدداً اظهار داشت که "از ناترانگ
تا لحظهٔ مرگ دفاع می کنیم." همزمان با این
اظهارات کنسولگری ایالات متحده مشغول تخلیه
پرسنل خودبود! سربازان وافسران دشمن برای فرار
زن ها وفرزندانشان تلاش می‌کردندو ۳۰۰۰ نفراز قوای
دشمن درمرکزتعلیماتی لام‌سون – مدرسه‌ای برای
درجه‌داران – به شهرگریختند ،درست همان کاری که
پلیس محافظ بازداشتگاه کرد .دوهزارسربازسایگونی
زندانی‌گریختند ،سلاح ها رادزدیدندوبه تیراندازی و
غارت وحشیانه درشهرپرداختندوبه وحشت و هراس در
شهردامن زدند. درهمین زمان ، ولانگ ، ونگوین
هیپ به همراه لشگردهم ،دشمن راکه به‌سوی دریا می–
گریخت ،تعقیب کردند. ولانگ برای بازگشت وآزاد
ساختن تین هوا – جائی‌که بیست ونه سال قبل در آن
رنج کشید وعلیه متجاوزین فرانسوی درارتش مرزی
جنوب جنگیده بود ،بی‌قراری می‌کرد. ولی‌زمانی‌که به
گذرگاه فونگ هوانگ رسید ،دستوریافت به مقرفرمان
– دهی کل بازگرددووظیفه‌جدیدی رابه‌عهده گیرد.
لشگردهم‌پس ازآزادی خان دونگ ونین هوا ،به‌داخل
ناترانگ پیشروی کرد. مردم‌شهروتعدادی ازافراد

پلیس با دوچرخه برای خوشامدگفتن به قوای ما آمده وآنان را برای تصرف مواضع نظامی ودفاتر اداری دشمن ،راهنمایی وهدایت کردند. قوای ما به منزل فام وان فویورش بردند ،سینی‌های برنج تازه چیده شده بود. او پیش از فرار فرصت صرف غذا را نیافته بود. تعدادی از نفرات دشمن از نا ترانگ گریخته وبه کام ران رفتند. واز آنجا عازم فان رانگ بودند که درساعت ۱۵ روزدوم آوریل تیو به فرماندهی سپاه دودستورداد: "دفاع کام ران را به فرماندهی ساحلی منتقل کنید." لشگردهم با استفاده از پیروزی هایی که بدست آورده بود ،به شهریورش برده وکام ران را آزادساخت وبا این پیروزی مهم وبزرگ نظامی تمامی استان خان هوا آزادگردید.

فام وان فو به فان تیت گریخت ودرآنجا به قائم مقام فرماندهی سپاه سه گفت "تیو درحال ضمیمه کردن دواستان از جنوبی‌ترین استان های مربوط به لشگر دو ،تین توآن وبین توان ،به سپاه سه می‌باشد تا یک خط دفاعی خارجی دراطراف سایگون تشکیل دهد." بدین ترتیب سپاه دوسایگون از روی نقشه حذف شد.

این را هم بگویم. ما زمانی که دیدیم هنوز نیروی ذخیره بزرگی درتای نگوین داریم ،یک واحد را ماء مور حمله وآزادکردن دالات نمودیم. بااین عمل توانستیم

جاده را باز کرده و سربازان را برای تصرف میدان فرودتان سون (درفان رنج) بفرستیم ـ این میدان فرود یک پایگاه هوایی مهم دشمن بود که پیشروی قوای ما از سمت شرق به داخل نام بور را سد کرده بود. ما، یک هنگ سرباز ساده را برای این مأموریت بکار گرفتیم. دالات تنها به واسطه داشتن سبزیجات، گلها، و میوه معروف نبود، بلکه این شهر میعادگاه علوم و یک مرکز علمی و فرهنگی نیز بود. در دالاک وسائل تحقیقات اتمی و همین طور تعدادی مدرسه و انستیتو وجود داشت. بدین خاطر سربازانی که به دالات حمله کرده بودند، باید روحیه انضباطی عالی می داشتند و دیگر این که ادامه‌ی کار ادارات را به خوبی سازمان می‌دادند تا کلیه تجهیزات و منابع و تمامی تأسیسات حفظ، حمایت و اداره شود. هنگ ۱۹۸ سرباز، به فرماندهی سرگرد تران کین ـ مجهز به توپخانه موتوری، از استان کوانگ دوک و شهر جیانگیا ـ که توسط قوای وابسته به نیروی اصلی به تازگی از شرق نام بو آزاد شده بود، عبور کرد و به قوایی از منطقه ۶ پیوستند تا برای آزاد کردن دالات حرکت نمایند. یک کادر ستاد در فرماندهی جبهه در آن هنگام شکایت می‌کرد که: "برای کشیدن نقشه‌ها نمی‌توانم به سرعت کافی خود را با قوایمان همگام کنم!"
کلیه جبهه‌های نبرد، برای بهره‌گیری از پیروزی‌ها

به جنب وجوش درآمده بودند .

لحظه‌ای مناسب و تازه ، تصمیمی استراتژیک و تازه

در ۲۰ مارس ، درحالی که نیروهای ما درتای – نگوین درامتداد جاده استراتژیک به سوی دشت ها درحرکت بودند ، تلگرافی دریافت کردیم مبنی‌براین که کمیته مرکزی نظامی‌ودفترسیاسی‌برای کسب نگرشی جامع ازاوضاع به‌تازگی‌جلسه داشته‌اند . پیروزی های اعجاب انگیزاخیرما ، اهمیت استراتژیک داشت ، نقطه‌عطفی درجنگ جنوب بشمارمی‌رفت ، تکامل بسیار تازه‌ای ازکل اوضاع وگامی جدیددرجهت ساقط‌کردن امریکائی‌ها ومزدوران‌شان محسوب می‌شد . دشمن قصد داشت که با یک گردآوری استراتژیک نیروهای‌خود در مقیاس بزرگ ، به منظورتمرکزنیروهایش درناحیه سایگون وقسمتی‌ازدلتای مکونگ ، ودرصورت امکان دردانانگ وهم‌چنین درکامران ، موضع نسبتاً" پایداری رابرای خودتثبیت نمایدوبدین وسیله به هدفش‌یعنی استفاده از یک راه‌حل سیاسی‌یا ائتلافی‌یا تقسیم‌جنوب جامه‌ی عمل بپوشاند . بدین‌علت ما باید حتی‌الامکان دروقت صرفه‌جویی‌می‌کردیم ، وبا استفاده از زمان جهت نیروهایمان مطلقا " غیرمنتظره عمل می‌کردیم ، تا

پیروزی مان تضمین گردد. درپرتو چنین تحلیلی دفترسیاسی کلیه جنبه ها را سنجیدو نتیجه گرفت که سایگون بایدزودتراززمان پیش بینی شده آزادشود. دفترسیاسی در۲۸ مارس لی‌دوک تورابرای ملاقات با مادرتای نگوین وتشریح جزئیات مصوبه ماءمور نمود. همزمان باآن،هانوی دستوری به مام‌هونگ وتران وان ترادرنام‌بو،ووچی‌کونگ وچوی هوی‌مان درمنطقه ۵، مخابره کردمبنی‌براینکه فورا"درتای- نگوین به من ملحق شوند واز تصمیمات و بحث های مربوط به انجام طرح آگاه گردند.

دریچه تازه ای به روی اوضاع باز شده بود.یک ماءموریت جدیدبرپایه واقعیات مبارزه وخلاقیت ذهن حزبی‌درحال شکل گرفتن بود. فرصت بزرگی‌فرا رسیده بود. مابی‌صبرانه منتظرورودلی‌دوک‌توودستور - العمل های مطلقا"محوری دفترسیاسی بودیم.

در۲۵ مارس،دفترسیاسی مجددا"جلسه داشت ودر آن اجلاسیه تاریخی تصمیم‌گرفت:"تعرض همه جانبه استراتژیک ما بایدباعملیات تای نگوین آغازگردد. فرصت استراتژیک جدیدی فرا رسیده است وشرائط کنونی کاربست قطعنامه مارا مبنی‌برآزادکردن جنوب پیش ازموعدمقررممکن می‌سازد. مقررمی‌داریم که: نیروهای ما باشتاب هرچه بیشتر،همراه با سلاح های

تکنولوژیک ومصالح، برای آزاد کردن سایگون، پیش از شروع فصل باران، متمرکز گردند. از این فرصت عالی، زمانی که نیروهای دشمن به عقب نشینی استراتژیک دست زده اند، سپاه اول سایگون منهدم شده و سپاه دوم آنان ضربات سهمگینی نوش کرده، استفاده کنید و به دشمن اجازه ندهید قوایش را حول سایگون متمرکز کنند.

برپایه تحلیل علمی اوضاع، وتوجه کامل و دقیق به خصوصیات ویژه شرائط جدید، دفترسیاسی لحظه‌ی مناسب را کشف نمود و اقدام به تعرض همه جانبه برای کسب پیروزی کامل را تصویب نمود. همانطورکه دفتر سیاسی به خوبی دریافته بود، وضعیت به شدت متغیر بود- هرساعت وهردقیقه- دشمن دچار آشفتگی وبی - نظمی بود. درچنین فرصتی ما بایدسریعا "عمل می - کردیم و آن چنان ضرباتی بردشمن واردمی آوردیم که قادربه جبران آنها نگردند. اگر دشمن می‌توانست تا فرا رسیدن فصل باران به مقاومت بپردازد، اوضاع بغرنج می‌شد. در ۲۵ مارس، دفترسیاسی تلگرافی به ما مخابره کردمبنی براینکه تصمیم گرفته است سه لشگراصلی وآن دسته از واحد هائی را که سلاح های تکنولوژیک دارند، از جاده ۷ و ۲۱ خارج کرده، در منطقه بان می‌توت متمرکز نماید. آنگاه این نیروها

جاده ۱۴ منتقل شده بود، جلسه‌ای به منظور بررسی رهنمودهای جدید و چگونگی اجراء آن داشتیم. همگی سخت به هیجان آمده و در توافق کامل با رهنمودها و مصمم به اجرای صریح آن بودند. ما چگونگی اجرای دو وظیفه مهم‌تر را که برنامه‌ریزی برای برگرداندن قوا، برای تقویت و آرایش آنها و سازماندهی ارسال فوری بیش از ۵۰/۰۰۰ نفر ورده‌ها هزار تن ملزومات از تای نگوین به بام بو مورد گفتگو قرار دادیم. در رابطه با تصمیم فرماندهی کل، من تشکیل سپاه سوم را که سپاهی شامل لشگرهای ۱۰ ، ۳۲۰ و ۳۱۶ به فرماندهی ژنرال رولانگ و سرهنگ نگوین هیپ به عنوان افسر سیاسی بود، اعلام کردم. لشگر ۹۶۸ و کلیه هنگ های مستقل در تای نگوین به منطقهٔ ۵ بازگردانده شدند. هوانگ مین تائو در اصل جانشین فرمانده منطقه ۵، که وظائف خود را به عنوان فرمانده عملیاتی ستاد در تای نگوین به انجام رسانده بود اینک به منطقه ۵ باز می‌گشت تا یک جناح از نیروها را شامل لشگرهای ۹۶۸ و ۳ مستقر در جلگه، رهبری کند. این جناح باید به کام ران می‌رفت و لشگرهای تای نگوین را مرخص می‌کرد تا این لشگرها به انجام دیگر وظایف محوله بپردازند. ما یک بخش فرماندهی سبک با ادوات ارتباطات را سازمان دادیم تا هوانگ

پیشروی قوای تای نگوین پس از اجرای این طرح به نفع ما باشد، این نیروها باید به سرعت تقویت و متمرکز شده وبرای خردکردن مراکز عصبی دشمن، بر طبق تصمیمات استراتژیک جدید، به سوی نام بو حرکت نمایند.

به هنگام سازماندهی پیشروی قوایمان به سواحل با وظایف تازه وکاملا" پیچیده‌ای درگیر بودیم. قبل از هم چیز باید کمک به استان های تای نگوین را در نظر می‌داشتیم. کمک هایی برای سازماندهی نیروهای مسلح محلی، ساختن هنگ ها وگردان های وابسته به نیروی محلی با تجهیزات وسلاح کافی به صورتی که این نیروهای محلی بتوانند پس از خروج قوای اصلی ما از استان های آزاد شده خود محافظت نمایند. برای حفظ جاده ۲۱ به هنگ بیست و پنجم آتشبار سلاح‌های ضدهوایی اضافی داده شد. هنگ ۲۹ برای حمایت از بان می توت واستقرار هنگ نیروهای محلی در دارلاک وبان می‌توت اعزام گردید. به نیروهای تای نگوین مسئولیت پشتیبانی از کانتوم وپلی‌کو داده شد ویک گردان از نیروهای محلی مسئل فوبون گردید.

در ۲۷ مارس، در رابطه با وضعیت جدید ودستورالعمل ـ های فوق از دفتر سیاسی وکمیته مرکزی نظامی با فرماندهی جبهه تای نگوین که به تازگی به غرب

خودرا به انجام رسانند. درنبردهایی که به تازگی ازسرگذرانده بودیم، لشگرهای ما درتای نگوین در تمامی نبردهای اخیر به شهرها حمله کردو سریعا "به کسب پیروزی های بزرگ نائل شده بودند، آنان در هیچ یک ازنبردهایشان وقت را تلف نکردندوبدین دلیل مابه این قوای با تجربه اطمینان کامل داشتیم.

من این ملاحظات را به دفترسیاسی گزارش کردم و پیشنهاددادم که واحدهای تای نگوین برای چندروز بیشتر به سمت دشت ها همچنان پیشروی نمایند، چرا که قوای ما به عقب دارهای دشمن رسیده بودندوآکنده ازروح پیروزی بودند. دشمن گیج وسرگردان می گریخت وبدین ترتیب ما می توانستیم هرچه بیشتر آنان را نابودنمائیم وهمچنین چندناحیه دیگر راهم برای اجتناب ازاشکالات آتی درجبهه نبردنام بو وهم به خاطردورکردن دشمن ازامکان یافتن ردنیروهایمان آزادنمائیم. اکنون ما می توانستیم اجرای طرح دفترسیاسی رابرطبق برنامه ریزی این دفترآن ـ چنان تضمین نمائیم که وظایف آتی به خوبی انجام گیرند.

با دریافت تلگراف دفترسیاسی وکمیته مرکزی نظامی که این طرح عملیاتی مان را مجازمی ساخت، ما بی اندازه خرسندشدیم، با اشاره به این که: حتی اگر

دیگردراین شورا عضویت داشتند.

بادریافت تلگراف دفترسیاسی، مابه بررسی بهترین راه ممکن برای انجام آن پرداختیم. آیا باید لشگرهای ۱۰ و ۳۲۰ دست ازتعقیب دشمن بردارند وبلافاصله به نام بونقل مکان کنند؟ ویا اینکه بگذاریم به تعقیب دشمن تادشت های سفلی ادامه دهند. استان های فوین وخان هوا را آزاد کنند، وتا نا ترانگ وکام ران پیشروی نمایندوآنگاه به لشگر ۳۲۰ دستوردهیم که درا متدا دجاده ۷ به سوی تای نگوین حرکت نماید و لشگر ۱۰ نیزازطریق جاده ۲۰ به سمت نام بوپیشروی کند؟ اگرارتش ما نخواهدفرصت را ازدست دهد، باید دشمن را تعقیب کرده وهرچه بیشترازنفرات دشمن را از بین ببردوکارنابودی سپاه ۲ دشمن رابه پایان رساند، وبدین ترتیب شرائط پرباری را برای گام بعدی ایجادنماید- گام قاطعانه جنگ آزادی بخش درسایگون جیادین.

مابه دقت زمان انجام ماءموریت، منابع وزمان لازم برای حرکت دادن قوا، انتقال ملزومات، تدارک میدان نبردواینکه لشگر ۳۲۰ برای آزادکردن فوین ولشگر ۱۰ برای تسخیرکام ران به چه مدت زمانی احتیاج دارند محاسبه کردیم تاپیش ازفرارسیدن فصل باران و بروزهرنوع اشکالی درپیشروی مابه سوی نام بو، ماموریتهای

را سریعا "تجدیدسا زما ن دا ده وبرای تدا رک خمله به سایگون وآزا دکردن این شهرآما ده نماید. تمامی آنچه لازم بودانجام شودبا یدبدون فوت وقت انجام می‌شد، تا بتوان درعرض یکماه این تصمیم دفترسیاسی را به انجام رساند. درادامه تلگراف آمده بود:
"بدین ترتیب ما تا آن زمان برنامه‌ی آزاد کردن سایگون را درخلال فصل خشک پیاده خواهیم کرد، زیرا نزدیک به دوماه به شروع باران های سنگین مانده و به مجرداینکه نیروهای مابرسایگون مسلط شدند، آن وقت حتی اگربه فصل بارانی برخوردنمائیم، مانع عظیمی درپیش روی نخواهیم داشت. بایددرجستجوی تمام ملزومات برای فائق آمدن برمشکلات باشیم. اوضاع درحال تغییراست وباید دست به اقداماتی نوین وسرشار ازخلاقیت زد... اینک وضعیت باشتاب درحال تحول است. این جهش بزرگی است، صرفه جویی دروقت وچنگ زدن به فرصت ها هم اینک تعیین کننده می‌باشد."

دفترسیاسی هم چنین تصمیم گرفت که شورائی برای حمایت ازعرصه نبردتاءسیس نماید و نخست وزیرمحبوب ما فام وان دونگ درصدرآن قرارگیرد. قائم مقام نخست وزیرلی‌تان نگی، معاون هیئت رئیسه وجانشین نخست وزیرفان ترونگ تووتعدادی

مین تا ئوبتوا ند مستقیما "با ما تماس دا شته با شد .
با هوا نگ مین تا ئودست دا دیم وا ورا درآغوش کشیدیم .پس ا زآن پیروزی های بزرگ درجبهه تای نگوین ،جدا شدن ا زیک دیگر مشکل بود. برای یک دیگرتا پا یا ن پیروزی کا مل آرزوی سلامتی همیشگی کردیم .
سپا ه سوم ما وقتی پا به عرصه وجودگذا شت که جنگ به یک نقطه چرخش نزدیک می‌شد. تا ٔ سیس سپا ه سوم ، درشرا یطی که حملات همچنا ن ا دا مه دا شت ،نما یا نگر مشخصه جدیدی بود :ا ینک ما درروندنبرد عملیا تی هما نقدرقوی می‌شدیم که درروندتعرض ا سترا تژیک . درگذشته ،ما پس ا زهردورنبردیا پس ا زهرعملیا ت مجبوربودیم :یک دوره زما نی برای ا سترا حت دا شته با شیم ،ا رتش را تقویت کنیم ،تجربیا ت ما ن را جمع بندی کرده وخودرا برای عرصهٔ نبرد ، لوجستیک و غیره آما ده سا زیم .ما هرگا ه قوای ما ن را به عملیا ت بعدی می‌فرستا دیم ،آنها معمولا"قوی ترا زعملیا ت قبلی عمل می‌کردند. ولی درمحدوده‌ی یک عملیا ت وا حد ، ما هرگزپیش ا زا ین شعا رقوی ترشدن درحین رزم ،را عملی نسا خته بودیم .درعملیا ت ضدحمله روی جا ده ۹ در ۱۹۷۱ ، پس ا ز چهل وسه روز عملیا ت جنگی مجبوربه متوقف کردن عملیات شدیم ونمی‌توانستیم

به سوی خه سا ن پیشروی نما ئیم .ا گرچه با زهم فرصت دا شتیم .درعملیا ت تا بستا نی - بها ره ۱۹۷۲ در تری تین ، پس ا زآزا دکردن کوا نگ تری حملات ما ن را فقط تا رودخا نه می شا ن گسترش دا دیم وپس ا ز آن ا جبا را " متوقف شدیم .ولی در ۱۹۷۵ وضعیت تغییر کرده بود. پس از رزم در چند عملیا ت موفقیت آمیزآشکا را با جنگ بیشتر ، قوی ترشدیم .نیروها ی تا ی نگوین ، دربدو ا مرتنها نیروئی حاصل ا زگرد - آوری هنگ ها ولشگرها بودولی درکمترا زیک ما ه رزمیدن ، به شکل یک سپا ه متحرک قدرتمند، با شا خه ها ی کا مل تخصصی تکنولوژیک سازمان دا ده شد . نیروها ی مسلح ما درتری تین ، منطقه ۵و نا م بو نیزدرحا ل رشدوبلوغ بودند ،آنان هم ا زنظرنیروها ی ما دی وهم ا زنظرروحیه ، سطح توا نا ئی رزمی، و درسا زما ندهی فرما ندهی رشد می یا فتند و برای نخستین با ردرتا ریخ برپا ئی نیروهای تای نگوین، هرگردا ن ما با بیش ا ز ۴۰۰ سربا زکامل شده وهرلشگر ما قدرت آتش عظیم ترا زدشمن دا شت .

فرصت آزا دکردن سا یگون ، هرروزبیش ا ز روز قبل منا سب ترمی گردید. دفترسیا سی با روح دقیقا ا نقلابی وبا درنظرگرفتن مفهوم حملۀ فعال ، وظا یف را به طورعلمی وبا بصیرت تجلیل نمودواین تحلیل

را در تحولات تازه به‌کاربست. این دفترکه مترصد استفاده ازهرفرصت مناسب برای به پیش راندن حملات تعرضی ما بود، بی‌درنگ نسبت به مسائلی که با اقدامات پرجوششی مطرح می‌شد، واکنش نشان می‌داد. دراین زمان، تردید، دودلی وتنبلی درعملیات به معنای ارتکاب اشتباهاتی بزرگ بود.

در ۲۸ مارس، ژنرال ویاند، رئیس ستاد ارتش ایالات متحده - مردی که‌دوسال قبل پرچم امریکا را به‌هنگام خروج آخرین واحد امریکائی از جنوب ویتنام، جمع‌کرده‌بود- برای ارائه مستقیم طرح دفاعی به پادوها، به‌سایگون واردشد. پس از آنکه قوای ما تمامی کامران بای شمالی راآزاد کرد و سپاه اول ودوم رژیم‌سایگون منهدم ومنهزم‌گرداند، ویاندبی‌درنگ به‌قوای سایگون دستورایجادیک خط دفاعی مستحکم درفان رنج راداد تابدین ترتیب قوای ما رادرفاصله‌ای دورمتوقف سازد. ویاند تلگرافی به ایالات متحده مخابره‌کرد تاآنان کمک اضطراری برای حکومت مزدورارسال دارند. پرزیدنت فوردیک خط‌هوایی‌برای‌حمل سلاح‌ازبانگوک و تایلند به سایگون دائرنمودوبا استفاده‌ازهواپیمای باری غول پیکرسی- ۵ گالکسی، صدها عراده‌توپ‌ومقادیر انبوهی اسلحه‌ومهمات ازایالات متحده به‌تان سون

نات ، انتقال یافت .فوردچهارکشتی بزرگ باری ال ـ اس ـ تی ، همراه باناوهواپیمابرهانکوک ، پانزده هلی کوپتربزرگ و ۳۰۰ تفنگداردریایی‌برای مستقرشدن دردریای شرقی روانه‌داشت .

درآن‌هنگام ایالات‌متحده وسایگون چنین می‌انگاشتند که ما پس ازآزادساختن استان های تحت‌نفوذ سپاه یک ودو ، مجبورمی‌شویم‌که‌چندواحدارتشی را برای نگاهداری ازاین نواحی‌ حداقل یک هنگ برای هر استان به‌خدمت گیریم .ازاین روحداکثرنیرویی که ما قادریم برای تقویت نام‌بوشرقی‌اعزام‌کنیم ،یک سپاه‌خواهدبودواین‌کاردستکم‌به‌یک ماه‌زمان، برای حرکت دادن نیروها بدان منطقه‌نیازدارد .چرا که حتی آنان ، باتمامی هواپیماها ، کشتی های‌حمل ونقل وکامیون هایشان ، برای نقل مکان چنین نیرویی به‌یک ماه‌زمان نیازداشتند .

دشمن درآخرین ساعات حیات نیزدست از ذهنی گرایی خودبرنداشت وفرض‌های کاملا" نادرستی از حرکات ماداشت . طبیعتا" دیگربرای دشمن دوراز انتظارنبودکه‌ما درسرتاسرویتنام‌جنوبی دست به حملات پرطاقتی بزنیم ،ولی‌مسلما" هنوزجهت و زمان بندی‌اعمال ما ، نیروهایی که‌به‌کارخواهیم برد ، سبک رزمی یا مقاصداستراتژیک‌یا تلاش های‌فوق‌العاده

- ای که برای بهره‌گیری از این لحظه مناسب جدید به کار می‌بردیم ، بر آنها آشکار نبود. اگر دشمن در تای نگوین کاملا" غافلگیر شد و مجددا " درهویه و دانانگ نیز چنین وضعیتی داشت، درسایگون - جیادین باز بیشتر یکه خواهد خورد.

در ۲ آوریل ،کائو وان وین، رئیس ستاد نیروهای سایگون ،لاف می‌زد که او "مصمم به حفظ قلمروی باقی مانده است و می‌کوشد تا از فان رنج ،به سمت جنوب دفاع کند." وفرماندهی جبهه‌ی سپاه سه را ،با نگوین وین نگی، ژنرال مزدور، به عنوان فرمانده درفان رنج مستقر نماید.

دونگ وان خوین درمیتینگ ستاد کل سایگون گفت : " طبق دستورات تیو ،ما باید تلاش کنیم تا به هرقیمت از استان ینن توان به پائین دفاع کنیم و درصورت لزوم ،تمام نیروهایمان را برای ادامه مبارزه تا به آخر ،به آنجا خواهیم فرستاد ". فرماندهان سایگون جبهه فان رنج را با یک تیپ چترباز ، گروه تکاور وتعدادی واحدهای آتشبار روزرهی ،تقویت نمودند . درپائین ساحل گروه کشتی های جنگی را برای دادن حمایت ارتش درصورت نیاز مستقر کردند و نیروی هوایی آنها به ماموریت های بمباران درحمایت از حفظ فان رنج اولویت داد. درسوم آوریل ،نگوین وین

نگی با فرماندهان عالی رتبه نیروی هوایی، چتر باز وتکاور، وفرماندهان بخش ینن توان ملاقات نمودتا طرح دفاعی فان رنج را تشریح کرده و بر اهمیت دفاع ازفان رنج ـ خط دفاعی دورسایگون ـ تاکیدورزد.

دشمن به کلیه جبهه های خوددستورداد، که تا فرا رسیدن فصل باران ـ تا شروع ژوئن ۱۹۷۵ـ مجدانه به مقاومت ادامه دهند. وبا فرا رسیدن این فصل دیگر قادربه عمل نبوده وآنان تدارک بهتری خواهند دید. مراکزآموزش نیروهای مسلح آنان در۱۵ ماه مه می توانست تعدادقابل توجهی ازنفرات را برای شرکت درنبردها تامین نمایدوبدین ترتیب دشمن می توانست تعدادی ازلشگرهای منهدم شده خود را مجدداً تشکیل دهد. ستادکل سایگون برنامه یی داشت:

۱ـ سربازگیری را بیشترکرده وسربازان باقی مانده را درواحدهای سپاه سه ،برای تشکیل چهارلشگرتکاور، ادغام کندوبه فوریت تمام ،لشگر۱۰۶و۱۰۱ را برای موضع گیری حرکت دهد. ۲ـ هشت هنگ زرهی دیگررا ازطریق فشرده کردن دوره آموزش سازماندهی نماید ۳ـ سه لشگرپیاده ودریایی را تجدیدساختمان کنند. ۴ـ لشگرهای نیروی هوایی وواحدهای دریایی را برای پیشگیری استفاده از بنادر توسط ما و

افزایش ناوگان ساحلی درناترانگ‌به‌پائین به منظور حمایت آتش متقدم ازآتشبارنیروی دریایی، برای بخش‌های ین‌توان ، بین توان و بین توی پخش نماید. آنها همچنین تصمیم گرفتندکه‌کلیه‌دانش‌آموزان کلاس‌های آموزشی رابیش اززمان معمول‌فارغ التحصیل کنندوازایالات متحده‌تقاضای ارسال فوری، تانک زره پوش وتوپخانه‌نمایند.

ازآغازعملیات تاکنون قوای مادرهرجاکه‌جنگیده بود، پیروزشده بود، ازضربه برق آساعلیه بان می‌توت تاحملات تعرضی به دشمن که‌سپاه ۱و۲ آنان رادرهم شکسته‌بود. بدین سبب روحیه نیروهای ما بالاو بالاتررفت وکسب پیروزی همانقدرآسان‌شده بود که‌شکافتن درخت کائوچو. ولی‌مااگرگمان می‌بردیم‌که درنواحی باقیمانده نیزدشمن به‌همان آسانی‌زبون شده وسقوط می‌کند- درسپاه سه‌وچهارکه‌مرکزدستگاه رهبری دست‌نشانده آمریکابود- واینکه‌می‌توانیم بدون تدارکات دقیق ویابدون نیروهای برتر به دشمن حمله‌بریم،مرتکب‌اشتباه‌فاحشی می‌شدیم.سایگون آخرین لانه‌دشمن ، آخرین مکان بزرگی که‌آنان قادر به گردآوری نیروهای خوددرآن بودند، سنگر دفاع نهایی برای یک دشمن مطلقا" مرتجع‌وسرسخت بود. این همان عرصه نبردنهایی ونبردآخری خواهدبودکه

فاتح را درمبارزه بین انقلاب وضدانقلاب ،بین خلق
ماوامپریالیسم یانکی ،تعیین می‌کند. این آزمون
قاطع نیروها ، بیشترین عینیت را درتحلیل‌هایمان
طلب می‌کرد. پیروزی هایی که اخیراً اندوخته بودیم
نبایدما راازخودبیخودکندویادشمن را چنان ساده
انگاریم که‌گویی اوهم‌اکنون نیزهمان‌دشمن درحال
فرارو آشفته است.

ما به دفترسیاسی وکمیته مرکزی نظامی پیشنهاد
کردیم‌که‌یک یادولشگراضافی ، به‌انضمام واحدهای
مکمل متخصص رابرایمان اعزام‌داردتا این قوادر
هماهنگی بانیروهای منطقه ۵، درامتدادجاده ۱و
جاده ۲۰ ،به‌عنوان‌ذخائراستراتژیک مابرای عملیات ،
منتظردسترارت مستقرشوند . تیررس هواپیماهای
جنگنده دشمن درمیدان فرودتان سون درفان رنج ،
تنها ۴۰۰ کیلومتربودوبدین سبب نمی‌توانستند به
دانانگ یاکانتوم دسترسی یابند ، پس ماباید بی
محاباازهواپیماهای باری وکشتی برای انتقال قوا
وانواع مصالح خودبه دانانگ وپلی کو استفاده
می‌کردیم . فرماندهی کل بایدقوای اضافی خود را
مستقیماً " به جبهه تعیین کننده سایگون بفرستد ،
تری تین ومناطق دگربه‌نیروی کمکی‌نیازنداشتندچرا
که می‌توانستندنیروهای محلی رابسیج نمایند

ما برای بازرسی مواضع قدیم دشمن وجاده‌های قابل پیشروی قوایمان درعملیات اخیر به بان می توت ، فوبون وبون هوا رفتیم . جبهه تای نگوین ، جائی که نقطه چرخش درجنگ آغاز شده بود ، کاملا' آرام بود . با دیدن میدان قدیم نبرد جائی که تمامی سیستم دفاعی دشمن درآن منهدم شده وپرچم‌های پیروزی قوای ما اینک دراهتزاز بود ،شناخت بهتری ازدشمن، دشمنی که باید درآینده نزدیک به مبارزه می‌طلبیدیم ، بدست آوردیم . ازرهبری به موقع ،مصمم فعال وروشن بین دفترسیاسی وکمیته مرکزی نظامی درکارسازماندهی کادرها درتمام سطوح برای انجام صریح وخلاق دستورات درمیدان نبردواز قهرمانی انقلابی بی نقص نیروهای مسلح خلق ، لبریز از غرورشدیم . ما بدون اتلاف وقت به مطالعه اظهارات افسران اسیردشمن درتای نگوین واسناد نظامی دشمن پرداختیم تا ازاین اطلاعات در نبرد آینده بهره گیریم .

برای دیدن زندان بان می‌توت رفتیم . نگوین چی تان ، نگوین شان وتوهو ،به همراه بسیاری دیگر دراین زندان تحت بازداشت وآزارقرارداشتند ، ولی خوش بینی انقلابی وخوشروئی خودرا همچنان حفظ کرده بودند . بان می‌توت ،این همان جبهه‌ای

بودکه بیست وپنج سال پیش ، تعدادی از رفقای من از اولین دوره فارغ التحصیلان مدرسه نظامی، به هنگام اشغال این شهر توسط فرانسوی ها، قهرمانانه زندگی ـ شان را فدا کردند.

محل جلسه را برای لی دوک توحاضر کرده بودند تا قطعنامه دفترسیاسی را برای کادرهای مسئول آنجا توضیح دهد. این محل ساختمانی موقتی بودکه از کاه وچوب وخیزران ساخته شده ودرچولئو، پشت جاده ۱۴، درغرب توان مان، قرارداشت. پس از آن که به تغییر پرشتاب اوضاع پی بردیم، وبه ویژه اینکه سراسر ترونگ بو مرکزی آزادشده بود، تلگرافی به دفترسیاسی مخابره کردیم مبنی براینکه بهتر است این ملاقات درتای نگوئین صورت نگیرد، بلکه ما مستقیما" به نام بورفته ودرآنجا منتظر لی دوک تو بمانیم. در ۲۸ مارس، لی دوک تو هانوی را با هواپیما به سوی دونگ هوا ترک نمود. او آن چنان شادوسرزنده سفرمی کردکه گویی به جشن می رود و در نخستین شب اقامتش درکوانگ بین ، چندخط شعر برای لی دوان نوشت:

به من اخطارکردی :بروو پیروز برگرد
درچنین لحظات پرجوششی چه می توان گفت ؟
کلمات تو، صدای تمام میهن است.

فرسنگ ها، سلسله جبال ترونگ سون ، آیا مانعی توانند بود؟
چه اخبار خوشی است درراه جبهه.
فریادهای شادمانه پیروزی در هر کجا به گوش می رسد.
پاهای مرا درجاده بلندشتابان به پیش می کشد.
زمان موعودفرارسیده است.
در ۳۱ مارس ، لی دوک تو که درحین سفر از سلسله جبال ترونگ سون می گذشت وهم من که دربان می توت بودم ؛تلگراف های ناگهانی ازلی دوان دریافت کردیم :
" ما بایددروقت صرفه جویی کرده وبی درنگ عمل کنیم. به این خاطررفیق توان بایدفورا"برای ملاقات رفیق بای کونگ (فام کونگ) به نام بو برود.رفیق (سالی دوک تو) برای جلسه به آنجا خواهدآمد. رفیق بای کونگ و رفیق تونگوین (تران وان ترا)دیگربه تای نگوین،نمی آیند."
وچی کونگ وچوهوی مان ازطریق دفترسیاسی اطلاع یافتندکه نبایدبرای جلسه به تای نگوین بیایند. درواقع ،چی کونگ درست پس ازآزادی تای نگوین، زمنطقه ۵ به کانتوم آمدوبادیدن تغییراتی در وضاع واینکه نیروهای مادرزمین های سفلی منطقه

۵ فرصت مناسبی برای انهدام فوری دشمن دارند، بدون درنگ برای دادن دستورات به موقع بازگشت. هنگامی که او به منطقه ۵ بازگشت تلگرافی به او مخابره شد که برای ملاقات لی‌دوک تو، به تای نگوئین بیائید. بوی سان، پس از کار با من در بان‌می‌توت شتابان به کانتوم بازگشت تا وچی‌کونگ را ملاقات کند. آن دو تنها برای مدت کوتاهی قبل از جدا شدن باهم کار کردند، زیرا وضعیت به شدت اضطراری بود و مسائل انباشته شده بود. درست پس از آن، لی‌دوک تو وچی کونگ را در بن جیانگ در غرب کوانگ نام بر سر راهش به نام بو ملاقات کرد و مصوبه دفتر سیاسی را برای آزاد کردن جنوب، قبل از فصل باران، به او ارائه داد. وچی کونگ ونگوین خوان هو (بای هو) از طرف کمیته حزبی منطقه ۵ وتمامی شاخه حزب در منطقه ۵ قول دادند که هر آنچه در توان دارند برای ادامه آزادسازی ایالات باقیمانده در منطقه ۵ به کار گیرند و آماده پاسخ گویی به هر تقاضایی از سوی جبهه نهایی تعیین کننده سایگون ـ جیادین باشند. در سطح رهبری تمام رفقا متوجه بودند که از این فرصت جدید باید نهایت استفاده بشود. به علاوه، تمامی حزب و ارتش وخلق شدیداً به هیجان آمده وجملگی آماده کاربست توان جسمی وفکری خود برای انجام

هرگونه وظیفه‌ای که ممکن بود به آنها محول شود ، بودند . شعار ،همه چیز در خدمت جبهه ، همه چیز برای پیروزی ! در این نقطهٔ غلیان مرحله نهایی مقاومت ما علیه ایالات متحده ،برای نجات کشور ،به واقعیت بدل شده بود .پشت جبههٔ قهرمان، شمال سوسیالیستی به سرعت تمامی توان انسانی و مادی خود را برای میدان ـ گاه نبرد در خطوط عظیم جبهه‌ی جنوب در طبق اخلاص نهاد. قوای ما شب و روز، خروشان به پیش می‌رفتند، با سرعتی برق آسا ، با روحیه‌ای عالی و سرشار از اطمینان به پیروزی ،به سوی نام بو پیشروی می‌کردند.

****



۳ـ افسران وسربازان نیروهای آزادیبخش دردانانگ



۵- سکنه بومی به سربازان ارتش آزادیبخش درفوکوک ،
جزیره زندان خوشامد می‌گویند .



۸ـ دوستان وخانواده دخترسرباز از او استقبال می‌کنند .



۱۲– یک سرباز به نیروهای امنیتی محلی، طرز کار سلاح را می‌آموزد. آوریل



۱۵- وسائط نقلیه استتار شده در مسیر هوشی‌مینه.



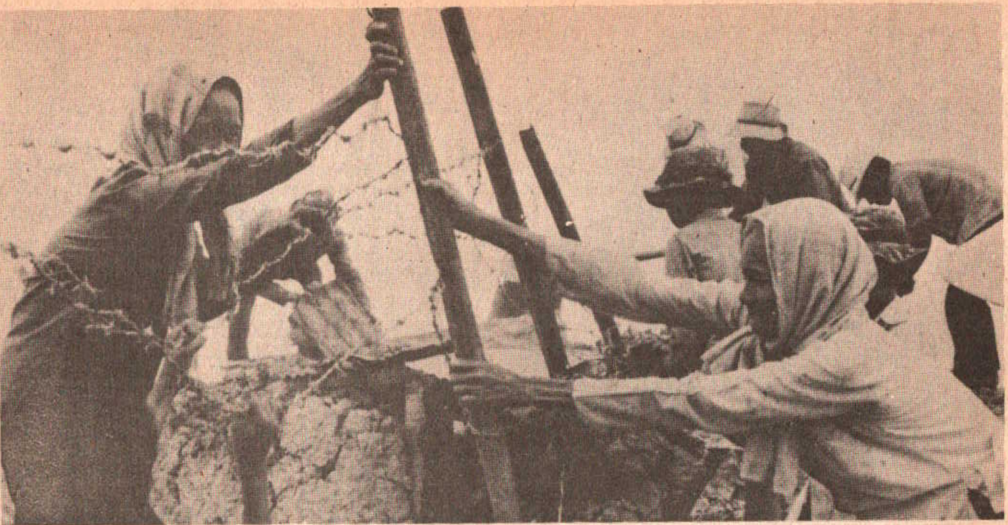
۱[illegible]– اقلیت‌های قومی در تای نگوین، پیروزی خود را جشن گرفته‌اند.



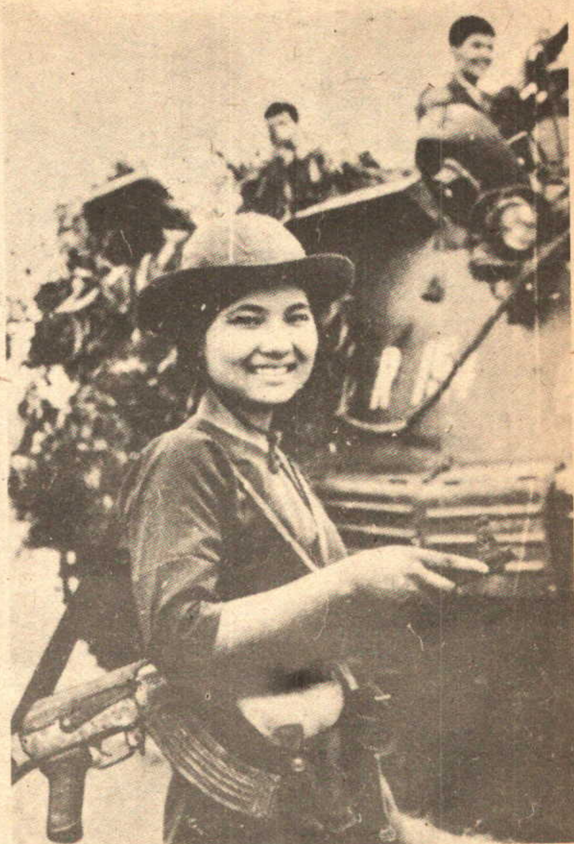
۱۸– غیرنظامیان در کی‌نون از نیروهای آزادی بخش حمایت می‌کنند. آوریل



۱۹- دانش آموزان پلی‌کو به نیروهای حفاظت از شهر می- پیوندند. آوریل



۲۳– روستائیان یک "سنگر استراتژیک" را خراب می‌کنند تا خانه بسازند.



۲۵- زن سربازقوا را بسوی فرودگاه تان‌سون‌نات راهنمایی می‌کنند.

به سرعت برق

اگر فعالیت انفرادی در جنگ ، مبارزه سرسختانه بین مرگ و زندگی است ، پس نبرد قاطع استراتژیک نهایی، همیشه عالی ترین نقطه در آزمون نیروهای بین دو طرف متخاصم میباشد. این نبرد نمایانگر منتهای تلاش دو طرف ، از مرحله دادن دستورات تا انجام آن است.

صبح روز ۳۱ مارس ، دفتر سیاسی طی اجلاسیه‌ای گزارش کمیته مرکزی را درباره وضعیت انکشاف یابنده حملات قوای ما در طی سه هفته گذشته ، به ویژه در روزهای اخیر، شنید. دفتر سیاسی متفقا متوجه شد که با دنبال کردن پیروزی در منطقه ۹ و شرق نام بو برای آزاد کردن استان فوک لونگ و با پیروزی اعجاب انگیز ما در عرصه تای نگوین، در واقع تعرض همه جانبه استراتژیک ما آغاز گردیده و مدتی کوتاه به پیروزی هائی بس عظیم دست یافته است . ما بیش از ۳۵ درصد نیروهای دشمن را از بین برده و یا پراکندیم و برای نخستین بار، دو سپاه دشمن را منهدم نموده و از صحنهٔ نبرد خارج کردیم. دشمن بیش از ۴۰%

از سلاحهای مدرن تکنولوژیک خود را از دست داده بود. ما بیش از ۴۰ درصد مصالح و شالوده ی لوجیستکی قوای دشمن را منهدم کرده و متصرف شده بودیم، دوازده استان را آزاد ساخته و جمعیت کل مناطق آزاد شده را به ۸ میلیون رساندیم.

نکته قابل توجه این بود که در نبرددانانگ، هماهنگی بین حملات نظامی و قیامهای توده‌ای، به روشنی آغاز گردیده بود. در شرایطی که خشم‌توفنده خلق علیه دشمن به اوج خود رسیده بود و خلق ما تنها در انتظار زمان مناسب برای قیام بود، اکثر افسران و قوای دشمن، روحیه رزمی خود را از دست داده بودند. بدین خاطرتنها در مدت‌سی و دو ساعت از زمان شروع آتش، ارتش و خلق ما با نیروئی به مراتب کوچکتر از نیروی دشمن یکی از پایگاه‌های نظامی مرکب طراز اول و بزرگ سایگون رادرجنوب، جسورانه از پای درآورد.

نیروهای مسلح ما با خیزشها و جهش‌ها در رزم، قوی تر و بزرگ‌تر شده بودند. تعداد سربازان ما که جانشان را فدا کرده یا مجروح شدند، در مقایسه با پیروزیهای بدست‌آمده، بسیار اندک بود. سلاحها و مهمات مصرف شده ما ناچیز بود. با بهره گیری از موضع‌گیری استراتژیک

و نیروهای سیاسی و نظامی در فرماندهی،ما توان آن داشتیم که دشمن را تحت فشار قرارداده و به تسلیم واداریم. اینکار استراتژیک تماما" در دست خلق و ارتش ما بود، در حالیکه دشمن منفعل و تشکل نیافته بود. با رسیدن به پایان خط، هم از نظر تاکتیکی و هم از نظر استراتژیکی، دشمن هنوز نامنظم و متزلزل بود. اکنون ناتوانی و عجز کامل ایالات متحده، آشکار شده بودوحتی اگر بر کمک های خود نیز می‌افزود، باز هم قادر به جلوگیری از سقوط مزدورانش نمی‌گردید. در چنین شرایطی جلسه دفتر سیاسی در روز ۳۱ مارس بدین نتیجه رسید که: "نه تنها جنگ انقلابی درجنوب وارد مرحله‌ی رشد خود بصورت خیزش و جهش شده است بلکه زمان برای تعرض همه جانبه و قیام عمومی درلانه دشمن، مساعد است. از این لحظه نبرد قطعی و نهایی خلق و ارتش ما آغاز گردیده است. هدف آن به پایان رساندن انقلاب دمکراتیک در جنوب و برقراری صلح و وحدت در سرزمین اجدادی است.

آهنگ انقلاب در کشور ما چنان جوشان وشتابان است که هرروزش به مثابهٔ بیست سال است. ازاین رو دفتر سیاسی، تصمیم دارد که فرصت استراتژیک

را باز هم پیگیرتر غنیمت شمرد و با درک وکار بست مفاهیم راهنما : مانند حمله برق آسا ، جسارت ، غافلگیری و پیروزی مسلم ، تعرض وقیام عمومی را در زودترین زمان ممکن - بهتر ازهمه در ماه آوریل - انجام دهد . تعرض نباید به تاخیر افتد .

" برای تضمین پیروزی مسلم و رعایت عنصر غافلگیری صرفه جوئی در زمان ضروری است ،حمله بدشمن باید در شرایطی که وی ناتوان و نا منظم است انجام گیرد و نوک حمله نیروها باید بر روی هدفهای اساسی متمرکز شود .

" ما باید این محتوای استراتژیک را عمیقا" درک کنیم که بسط توان سه ضربه‌ای استراتژیک از طریق هماهنگ ساختن تعرض ها با قیام ، نفوذ از خارج به داخل و از داخل به خارج ،ممکن گردد . باید نیروهایمان را در هر سو و در هر زمان برای زیر فشار گرفتن و پراکندن قوای دشمن متمرکز کنیم ، فرصت های جدید را سریعا" ایجاد کرده و از آنها بهره گیریم تا پیروزی های ممتد ، همیشگی گردد .

" ما موظفیم نیروهای خودرا در غرب سایگون افزایش دهیم ، ارتباط سایگون را با غرب قطع

کرده و به محاصره استراتژیک شهر بپردازیم،سپس به سایگون نزدیک تر شده و جاده ۴ را مسدودکنیم. همزمان با این عملیات بایدنیروهای خودرا برای تصرف هدفهای مهم و تکمیل محاصره، در شرق شهر متمرکز کرده و سایگون را از باریا و کیپاو، کاملا" منفرد نمائیم. نیروهای اصلی به همراه سلاحهای تکنولوژیک خود باید آماده فرا رسیدن لحظهٔ مناسب باشد تا به مجرد فرا رسیدن زمان هدفهای مهم و محوری در مرکز شهر " سایگون‌را زیر آتش بگیرند".

با نگاهی به وضعیت موجود، در آن زمان، هر کس می توانست ظهور دو مشخصه عمده، و تقریبا" متناقض را ملاحظه نماید - فوریت فوق العاده فرصت استراتژیک جدید، و نیاز به تدارک دیدن یک نیروی پر قدرت، برای شرکت در نبردی قاطع و نهایی که در مقیاسی بزرگ و منطقه‌ای گسترده صورت می گرفت و شیوه‌ای جدید و منحصر بفرد را برای حمله به کار می بست. مشخصه اول انجام تدارکات را در کوتاه ترین زمان ممکن طلب میکرد، در حالی که دومی خواستار زمانی نسبتا" طولانی برای رسیدن به نتایج خوب، هم از نظر کمی و هم کیفی، بود. در این شرایط، ایالات متحده و

مزدورانش در جستجوی هر وسیله برای استفاده از وضعیت و مجبور کردن ما به طولانی نمودن تدارکاتمان برای حمله به سایگون ـ جیا دین، بودند.

دفتر سیاسی چنین تصمیم گرفت که برای نیل به پیروزی در این نبرد تعیین کننده تاریخی، رهبری و نیروها را متفقا" بسیج نماید. کلیه مناطق نظامی، تمام نواحی بومی و تمام سطوح دولتی در سرتاسر کشور دستور داشت اولویت نخست را به احتیاجات این نبردبحرانی، اختصاص دهند. کلیه سرویس های فرماندهی کل شب و روز در فعالیت بودند تا هم اداره نواحی جدیدا" آزاد شده را جهت دهند، و هم به تدارک نبردی که در راه بود بپردازند.

حزب ما، خلق و نیروهای مسلح ما توان خودرا برای تحقق این تصمیم جدید استراتژیک دفترسیاسی، به خدمت گرفت. در اوائل آوریل۱۹۷۵ در تمّامی راههای ارتباطی کشور ـ شاهراهها، رودخانه ها، قایق روها، راههای آهن و خطوط هوایی ـ خلق مادر مهیج ترین و پرغوغاترین روزها به سر می برد. تمامی ملت ما در این بهار تاریخی، در یک سفر مقدس بود.

تمامی ملت ما ارتش را با شعار " سرعت برق آسا،

جسارت ، غافلگیری، پیروزی مسلم" بدرقه کرده بود. قوای ما همانند رودی خروشان به حرکت در آمد و کامیونها چنان می‌رفتند که گویی تنها یک جهت را بلد بودند، سمت جنوب را. انواع وسائل نقلیه شب وروز از شمال به ما می‌رسید و تمامی ایستگاهها برای حمل افراد و تدارکات به جبهه نبرد بسیج شده بودند. قوای ما هنگامی که به دونگ ها می‌رسید، به‌دو شاخه تقسیم می‌شد، یک شاخه بسوی شرق و غرب جبال ترونگ سون می‌رفت و شاخه دیگر جاده ۱ درجنوب هویه رادنبال کرده و در پی قوای در حال پیشروی ما به دانانگ،کوانگ نگای و کی نون حرکت می‌کرد. در امتداد جاده سرخ خاک ترونگ سون ـ که گرد و غبار آن در آخرین روزهای باقی مانده از فصل خشک چشم را بشدت می‌آزرد ـ خطوط وسایل نقلیه بی‌وقفه بسوی جنوب روان بود، از دوک لاب و بوجماماپ گذشته و آنگاه جهت حرکت خود را به سمت دونگ فوا ولوک بنن تغییر می‌داد، سپس دربیشه‌های کائوچوی ـ دائوتینگ ، در داخل منطقه جنگی دی ،در امتداد کرانه رودخانه سایگون، رودخانه بی و شرق رودخانه وام کو، پخش می‌شد. دیدن این سیلاب سربازان انقلابی که در تمام مدت روز و شب از

مناطق آزاد شده می‌گذشتند، دیدن سربازان جوان، شاد و سلامت ما، دیدن آتشبارها، ضد هوایی و موشکها، واحدهای تانک و زرهی و وسائل نقلیه، ذوحیاتین ، هم میهنان جدیدا" آزاد شده گروه‌های قوی ساکن در تای نگوین در طول جاده ۱۴، را غرق در شادی نموده و شگفتی آنان را بر انگیخت. این مردم به واسطه تبلیغات عوام فریب و تحریف شدهٔ سایگون و ایالات متحده‌که برای مدت زمانی طولانی به آنها القاء شده بود هرگز نمی‌توانستند تصور کنند که سربازان عموهو، این همه عراده توپ و وسایل نقلیه داشته باشند ویا اینکه سربازان ما آنقدر جوان و خوشرو، مهربان و با نشاط باشند. این مردم با دیدن موشکهائی که بر روی کامیونها حمل میشدند به شگفت آمده و موشکها را " هواپیماهای بدون بال" میخواندند.

صدها هزار وسیله نقلیه با ظرفیت کامل روزو شب در حرکت بودند. گرد و غبار آنچنان جاده ها را در بر گرفته بود که خودروها مجبور به روشن کردن چراغهایشان بودندو مرتبا" بوق های خود را به صدا در می‌آوردند. با حرکت خودروها ابری از گرد و غبار به اطراف پراکنده میشد و پیش از اینکه روی جاده بنشیند، آنها رفته بودند،

از جنگلهای متراکم تای نگوین، تپه‌های سرسبز و دره‌های عمیق بوپرانگ گذشته و بیشه‌های خیزران بوجیاماپ را، پشت سر نهاده بودند.

در گردنه بلندی که در محل تلاقی جاده های ترونگ سون غربی و شرقی قرار دارد فونگ تی تای جانشین رئیس‌ستاد به همراه کادرهای ساختمان و حمل و نقل و پلیس‌نظامی در تمام مدت شبانه روز واحدهای در حال پیشروی ما را به پیش هدایت می‌کردند، آنان را به جاده‌های مربوطه، درست در زمان تعیین شده راهنمائی می‌کردند، مشکلات وموانع راه را برطرف نموده و اولویت های هر واحد، هر وسیله نقلیه و هر شاخه تخصصی را تعیین می‌نمودند. فونگ تی‌تای و کادرهایش هفته‌های‌متمادی به‌انجام همین کار مشغول بودند و در کنار آنها این کلمات در روی تخته‌ای نوشته شده بود: "سرعت برق آسا، سرعت برق آسا، جسارت، بازهم جسارت". این افراد با همکاری خود ده‌ها هزار وسیله‌نقلیه، حامل صدها هزار تن کالا و هزاران نوع مواد جنگی را هل می‌دادند، به بالای گردنه می‌کشیدند و در جهت تعیین شده حرکت می‌دادند تا بدین ترتیب نیروها و ملزومات جنگی‌به موقع به جبهه نبرد برسند، همگی در تلاش بودند تا کار را پیش از فرا

رسیدن فصل باران درتای نگوین به‌پایان رسانند.

برخی از مبارزین که رانندگی کامیونها را بر عهده داشتند و فونگ تی تای را نمی شناختند، رفیقی را می‌دیدند که فدائی و بشدت مصمم بود، متخلفین را سخت توبیخ می‌کرد و مصرانه از تراکم خودروها و بسته شدن راه جلوگیری می‌نمود، در نتیجه رانندگان این مضمون را برای هشدار به یکدیگر ساز کردند:

گوش کن، اگر آقای سرعت برق آسا را دیدی.
که داره بر عملیات نظارت می‌کنه.
بهتره زودتر بجنبی
اگه نمی‌خوای کارت زار بشه ...

و از اینجا بود که تمام مبارزین جبهه اورا آقای سرعت برق آسا و آقای ناظر عملیات می نامیدند.

در امتداد جاده ۱، گذشته از وسایل نقلیه خود ما و آنهایی که از دشمن گرفته بودیم، اتوبوسها و کامیونهایی متعلق به دولت و مردم وجود داشت که از شمال، از استانها و شهرهای کوچک و بزرگی که به تازگی آزادشده بودند بسیج شده و به آنجا فرستاده شده بودند. منطقه ۵، کاروان ویژه‌ای را برای حمل ضروری‌ترین انواع

سلاحها و مهمات که به تازگی از دشمن به غنیمت گرفته بودند و همچنین سلاحها و مهمات سربازان خودشان که در آزاد کردن دانانگ و استان های جنوبی مورد استفاده قرار نگرفته بود، سازمان داده و برای این نبرد نهایی گسیل داشت، این قافله که مستقیما" تحت فرماندهی ژنرال وتو، جانشین فرمانده منطقه ۵ قرار داشت، از زمینهای سفلی در منطقه ۵، به سوی تای نگوین حرکت کرده و سپس به سمت نام بو شرقی می‌رفت.

میدانهای فرود جیالام، وین فو، دونگ هوی، فوبای، دانانگ و کانتوم، به طور غیرعادی شلوغ بود. تمامی انواع هلی کوپترهای سبک وسنگین، کلیه اقسام هواپیماهای باری و حتی هواپیماهای مسافربری ما بسیج شده بودند: نه تنها برای حمل افراد، مهمات، سلاح، کتاب، روزنامه، فیلم، نقشه‌های ترسیم شده، صفحه موسیقی و غیره...، بلکه برای حمل چندین تن نقشه سایگون-جیادین، که به تازگی در بخش نقشه کشی ستاد کل درهانوی چاپ شده بود.

بنادر کشتیرانی رودخانه سرخ، روخانه چیان، رودخانه ما، رودخانه هان و بنادر های فونگ، کوهوا، نوان آن و دانانگ نیز شب و روز پر از

جنب و جوش بودند. انواع کالاهای گوناگون درست به موقع از کشتی‌ها تخلیه می‌شدتا بوسیله کشتیهای وزرات حمل و نقل و کشتی‌های نیروی دریایی خلق و از طریق آبروهای دریایی که به بنادر جدیداً آزاد شده ماننده کی‌نون و کام‌ران، گشوده بود حمل گردند. استفاده از تمامی این راهها وتجهیزات برای حمل فوری این کمیت عظیم سرباز و مواد بی سابقه در انقلاب میهن ما ـ به جبهه ضرورت داشت.

تمام رنجها و سختی‌هایی که خلق ما متحمل گردیده بود، صرفه جویی و امساک آنان، کلیه تدارکات صبورانه نیروهای ما در این همه سال، جملگی همانند خیزابهای کوچکی بودند که امروز میرفتندتا به‌یکدیگر پیوسته و آبشار پرخروش و عظیمی را بسازند،آبشاری که برای شستن آخرین مواضع و سنگرهای استعمار جدید در سرزمین ما، جاری شده بود. ویتنام، این فودونگ ۱۹۷۵ (*)

---

* فودونگ قهرمان افسانه‌ای ویتنام است که در دوره پادشاهان هونگ، قریب ۴۰۰۰ سال پیش، می زیسته است. او تا سن ۳ سالگی نه قادر به سخن گفتن بود و نه راه رفتن. لیکن به هنگامی ⟵

اکنون دست‌های خود را باز کرده و قادربه‌تکان دادن سپهرو جنباندن زمین بود، او می‌توانست بر پشت اسبش جست زند و چهار نعل به‌پرواز در آید، چرا که می‌دانست بهایی برای یک لحظه مناسب متصور نیست، و آن لحظهٔ مناسب خودتمامی‌نیروها را دربردارد.

ستاد کل در صدد طرح‌های عملیاتی و نیروها در سطح جبهه نبرد، جا گرفته و همه روزه از وضعیت هر انبار ذخیره مهمات در کشور آگاه میشدٔ حمل و نقل سریع انواع مهمات را برای برآوردی

(بقیه زیرنویس از صفحه قبل) :
که مهاجمینی از طایفه "آن" کشور را مورد تهاجم قرار دادند، او ناگهان لب به‌سخن گشودو به خادم پادشاه فرمان داد تا اسبی آهنین و غول پیکرو دیگر ملزومات رزمی را نزدوی آورند. پس از اجرای فرمان، او به غولی بدل شد و بر اسب آهنین نشست، آنگاه در اسب جان دمیده شد و فودونگ سوار بر اسب به هر سو روان شد ، ارتشی گرد آورد و مهاجمین را در هم شکست.

کامل و بی وقفه هر تقاضا از کلیه قوا در جبهه سایگون، هدایت ونظارت می‌کرد. ستاد کل به ویژه برای فرستادن مهمات کافی به سپاه اول و نیروی ۲۳۲، - متشکل از کلیه لشگرهای مستقل وهنگهای ناحیه و منطقه ۸، تحت فرماندهی ژنرال لودوک‌ان و ژنرال لووان تونگ (لوشان)، افسر سیاسی بود، نیرو گذاشت. در آن هنگام، نگرانی سراسر جبهه تهیه گلوله توپ، خشاب سلاح‌های بدون عقب نشینی، گلوله خمپاره‌انداز و مهمات ضد هوایی بود.

قوای مهندسی و مردم نام بو به سرعت جاده ها را از "دونگ خوا" تا "کی‌گائو" و "بن بائو" تعمیر کردند و پل "تاییچ" و تونل های "مادا" و "بن بائو" را نیز مرمت نمودندو بدین ترتیب جاده‌های لازم برای واحدهای آتشبار ما به منظور نزدیک شدن به سایگون و همچنین مسیرهای حرکت پیاده نظام مکانیزه ما برای نفوذ عمقی به مرکز شهر آماده گردید.

در ۲۵ مارس، سپاه اول به فرماندهی ژنرال نگوین هوا و ژنرال هوانگ مین تای، افسر سیاسی که در پنن پین سد سازی می‌کرد، دستور یافتند که برای شرکت در نبرد سریعا "به

سوی جنوب پیشروی موتوریزه نمایند. سپاه اول جاده ۹ را قطع کرد و جاده‌های ۱۲، ۱۵ و ۱۴ را از طریق پلی کو و بان می نوت دنبال نمود، ۱،۷۰۰ کیلومتر را پشت سر گذارد و درسومین هفته آوریل وارد نام بو شد. سپاه دوم تحت فرماندهی ژنرال نگوین هوان و افسر سیاسی، ژنرال لولین، سریعا" از دانانگ، در امتداد جاده ساحلی به سمت شرق نام بو، حرکت نمود. در طول مسیر ۹۰۰ کیلومتری آنها پلهای بسیاری خراب شده بود. تنها شش پل در امتداد دانانگ-کوانگ نگای کار گذاشته شد. این سپاه بر سر راه خود مجبور شد با دشمن در فان رنج و فان تیت بجنگند. این قوا دستوراتی اکید و صریح داشتند مبنی بر اینکه باید در عرض هجده روز به "بین هوا" و "باریا" وارد شوند. گذراندن ۲۰۰۰ وسیله نقلیه سپاه از شش رودخانه بزرگ، اگر از اجبار به جنگ با دشمن در طول راه صحبتی نکنیم، سازمان‌دهی پیچیده و فرماندهی عالی طلب می‌کرد. در سال ۱۹۶۲، هنگامی که لشگر ۳۰۸ تنها با ۴۰۰ وسیله نقلیه مانور می‌داد، آنچنان تراکمی از خودروها در طول جاده ایجاد شد که امکان حرکت از قوا سلب گردید. این بار قوای ویژه ای در

داخل ستونهای در حال پیشروی سازماندهی شدند ؛ مهندسین در ستون اول قرار داشتند تا پل ها و جاده‌های خسارت دیده را فورا" تعمیر کنند، و تانک ها به دنبال آنان بودند، تا در صورت برخورد به دشمن آماده نبرد باشند. هر ستون پیشروی دارای یک هنگ ضد هوایی برای پشتیبانی از آن و پیاده نظام و آتشبار در پشت ستون بود. سپاه مقادیری برنج و غذاهای دیگر را که برای جیره یک ماه نفرات کافی بود و همچنین ذخیره مهمات را حمل می‌کرد، بدین ترتیب به مجرد رسیدن به جبهه می‌توانستند نبرد را آغاز نمایند. فرماندهی کل ژنرال لوترونگ تان و ژنرال لو کوانگ هوا را به سمت فرماندهی این جناح " ساحلی" منصوب کرد. کادرهای بسیاری از کارگزاری‌های فرماندهی کل برای بررسی عرصه نبرد در پیشاپیش سپاه همراه با رهبران بومی ، در امتداد جاده حرکت می‌کردند تا عرضه گازوئیل و بنزین و برنج، نمک و دیگر مواد غذایی اضافی را برای سپاه تدارک ببینند. در کنار جاده چه بسیار پیرزنان و پیرمردان و مادران و کودکان، برای مدت طولانی ایستاده انتظار می‌کشیدند که به سربازان چای، نارگیل و آب نبات بدهند. لیکن

سربازان در کامیونها، که شعار " سرعت برق آسا و جسارت " را به کلاه خود هایشان آویخته بودند، نمی‌توانستند حتی برای یک دقیقه هم برای گفتگو با مردم، بایستند. آنها همچنان که سریعا" از کنار مردم میگذشتند، تنها یک چیز در ذهنشان داشتند، به سوی جبهه می‌رفتند و دست تکان می‌دادند.

در ۱۳ آوریل، سپاه به نزدیکی فان رنج رسید، دشمن هنوز مقاومت می‌کرد و شعارش " دفاع تا پای جان " بود. روز بعد، لشکر سوم پیاده از منطقه ۵ که توسط هنگ ۲۵ پیاده تای نگوین تقویت شده بود، این قرارگاه دفاعی را که جلودار سپاه سوم سایگون بود به زیر آتش گرفت.

پس از دو روز نبرد سنگین، قوای ما تنها موفق به تسخیر چند قرارگاه بیرون شهرشده بود. دشمن ما را با استفاده از هواپیماهای خود وحشیانه بمباران می‌کرد و به مواضعی که از قبل برای یک مقاومت مایوسانه تدارک دیده بود متکی بود. در مواجه با این وضعیت، لوترونگ تان و لوکوانگ هوا تصمیم گرفتند که یک بخش از سپاه دوم را برای افزایش نیروی ضربتی ما به کار گیرند. ژنرال بریگاد نام لونگ، قائم مقام مدیریت

آکادمی نظامی نیز به همراه تعدادی از کادرهای سیاسی ولوجستیکی از فرماندهی کل، برای تقویت فرماندهی به این جناح اعزام شدند. در نخستین ساعت صبحدم ۱۶ آوریل با بهره گیری ازپشتیبانی آتشبارهای پر قدرت ، یک نیرو از لشکر ۳۲۵ سپاه دوم که با تانگ و زره پوش تقویت شده‌بود، به همراه لشگر ۳ و هنگ ۲۵ از سه جهت به مرکز فان رنج و میدان فرود تان سوی پیشروی نمود.

قوای دشمن که با فشار سنگین آتشبار ها و ضربات نفوذی جسورانه واحدهای پیاده و زرهی ترکیبی ما مواجه شدند به‌وحشت افتادند فرار را بر قرار ترجیح دادند. در نتیجه فرماندهی جلو دار سپاه سوم دشمن منهدم گردید و فرمانده آن ژنرال نگوین و ین نگی، وهم چنین فرمانده لشگر ۶ هوایی فام نگوک سانگ که نامزد درجه ژنرالی بود اسیر شد و فرماندهی لشگردوم‌پیاده دشمن در هم شکسته شد. به علاوه قوای ما بریگاد دوم چترباز، گروه ۳۱ تکاور و یک هنگ جد یدا " بازسازی شده از لشکر دوم را از پای در آورد و بسیاری از افسران عالیرتبه را اسیر کرده ونزدیک به چهل هواپیمای سالم دشمن را به چنگ آورد.

دشمن به محض اینکه دریافت سپاه دوم ما از

جنوب در امتداد جاده ۱ در حال پیشروی است ،به هر وسیله برای متوقف ساختن آنان توسل جست ، و پروازهای پیاپی و بسیاری را برای بمباران راه پیشروی آنان ترتیب داد. کشتی های جنگی دشمن از دریا به روی قوای ما آتش گشودند، و یک گروهان از نیروهای ویژه دریایی دشمن در بخش توی فونگ واقع در شمال فان تیت پیاده شدند. قوای پیاده سپاه دوم و قوای تجسسی ما فورا" به تعقیب آنان پرداخته و تنها دو ساعت بعد تمامی آن دسته را محاصره نمودند. سپس واحدهای آتشبار ما درکنار جاده مستقر شده و سلاحهای خود را به سوی دریا نشانه رفتند و یک کشتی دشمن را به آتش کشیدند. با استفاده از این پیروزی، سپاه دوم درهماهنگی با نیروهای منطقه ۶، به فان تیت حمله برد وتا آزاد کردن هام تان، به نبرد ادامه داد.

ما درظهر روز ۲ آوریل ۱۹۷۵ تای نگوین را به سوی نام بوشرقی ترک گفتیم. من پیش ازحرکت برای بازدید لشکر ۳۱۶ رفتم و با فرماندهان آن ملاقات کردم. سرهنگ ارشد دام وان نگوی، قهرمان ارتش و فرمانده لشکر برای بازدید از قوایش رفته بود. سرهنگ هاکوک توان، افسر سیاسی و سرهنگ های بانگ جانشین فرمانده لشکر، تدارکات مربوط

به این ماموریت جدید را به من گزارش کردند. قرار بود این لشکر به همراه یک بخش فرماندهی سبک از فرماندهی سپاه سوم زودتر از سایرنیروها حرکت کند. با شنیدن گزارش فرماندهان لشکردرباره اوضاع و بازدید مستقیم از واحدها، بازدید از تمام تجهیزات و ادوات لشکر و با دیدن اینکه این واحد چه سریع رشد کرده و قدرتمند شده بود، آسوده خاطر شدم. من آنان را در چند مورد که باید پیش از حرکت خود سریعا" انجام می دادند، راهنمایی کردم. درهمین لشگر بود که برخی از نفرات پیش از حرکت برای عملیات تای نگوین، نگران بودند و فکر می کردند که عرصهٔ جدید نبرد کاملا" پیچیده و ناآشناست و این نخستین بار است که در واحدهای مرکب بزرگ با استفاده از انواع سلاحهای مدرن و علیه شهری بزرگ خواهند جنگید. آنها نمی‌دانستند که آیا قادر به خوب‌جنگیدن خواهندبود یا نه. سیروقایع نشان دادکه این لشگر می‌تواند به خوبی بجنگد و ماموریتخود را به خوبی انجام دهد. امروز که آنان آماده حرکت به سوی نام بو می‌شدند، روحیه تمامی لشگر قوی وجنگنده بود، عزمشان استوار و از پیروزی خود مطمئن بودند. و اینک که آنها به انبوهی

از سلاحهای ضروری مجهز بودند، شتابان به مرحله بلوغ رسیده بودند. مسیر پیشروی لشگر ۳۱۶ در امتداد جاده ۱۴ از بان می توت به سوی شمال - شرقی سایگون بود. لشکر ۳۲۰، به فرماندهی سرهنگ ارشد کیم توان و سرهنگ بوی هوی، افسر سیاسی، دستور داشت که پس از آزاد ساختن توی هوا و تمامی استان فوین، در امتداد جاده ۷ دور بزند و از جاده ۱۴ به سوی شرق نام‌بو حرکت نماید.

فقط برای لشگر ۱۰، به فرماندهی سرهنگ ارشد " هودو " و سرهنگ ارشد " لانگوک شائو " افسر سیاسی، استفاده از جاده مشرف به نام بو، فوق- العاده مشکل بود. این لشگر پس از آزاد کردن گذرگاه فونگ هوا و مودراک و پیشروی برای حمله به ناترانگ و کام ران، جاده بین ایالتی ۲ راکه به جاده ۲۰ منتهی می‌شد دنبال کرد و سپس از شمال غربی به سوی سایگون پیچید. جاده در وضعیت بدی بود و یک واحد مهندسی مجبور شد که برای تعمیر جاده و زدن چند پل شتابان در پیشاپیش لشگر حرکت کند. در این اثنا، دشمن موفق شد نقل و انتقالات لشگره ۱ را کشف کند و برای متوقف کردن این لشگر تمامی تلاش خود را بکار گرفت. هواپیماهای

دشمن سراسر جاده را وحشیانه بمباران کردند و آتشبار کشتی‌های جنگی دشمن لشگر ۱۰ را زیر آتش خود گرفت. لشگر ۱۰ مجبور بود که درحین پیشروی برای باز کردن راه نیز با دشمن بجنگد.

دین دوک تین شب و روز در کار سازمان دهی لوجستیکی و بویژه ملزومات جدید برای پیشروی سپاه سوم را تاء مین میکرد. او همانند دهقانان جنوب، لباس "با - با" برتن داشت و با همان کسوت به بازرسی و سرکشی کلیه واحدها و انبارهای ذخایر میرفت. یکبار، هنگامی که به یک کامیون پارک شده در نزدیکی دوک لاپ رسید، دو راننده را دید که شلخته‌وار لباس پوشیده به تعمیر کامیونهایشان مشغول بودند. از آنها پرسید "بگوئید ببینم شما از کدام واحد هستید؟ فکر نمی‌کنید این طرز لباس پوشیدن برای قوای پیروزمند زشت و نامناسب است؟ رانندگان جواب دادند "ما اسرای جنگی هستیم، قربان"! در این هنگام در تمامی عرصه نبرد و در کلیه واحدها، سربازان ما از اسرای نیروهای مسلح سایگون، برای راندن و تعمیر انواع وسایل نقلیه استفاده می‌کردند. سربازان ما برای تحقیق و بررسی و مطالعه نحوه‌ی استفاده از انواع سلاحهای امریکائی و وسایل مدرن جنگی، بایکدیگر

رقابت داشتند. در ستونهای جلودار ما، استفاده از زره پوش‌های ام - ۱۱۳، تانک های ام - ۴۱ و ام - ۴۸، توپ‌های ۱۵۵ و ۱۰۵ میلیمتری و رادیو های پی.ار.سی - ۲۵ امریکائی تدریجا "معمول میشد در این ستونها به ویژه هواپیماهای جنگنده آ - ۳۷ و اف - ۵ که از دشمن به‌غنیمت گرفته شده بود، وجود داشت و خلبانهای جنگی ما مشغول فرا گیری پرواز با آنان بودند. امکانات ما در گذشته برای تصرف ذخایر دشمن به منظور جنگیدن با خوداو هرگز همانند این عملیات غنی نبود. با بهره‌گیری از این امکانات عظیم بالقوه، قدرت آتش ما تداوم بیشتری یافته و هر چه سهمگین تر دشمن را می‌کوبید و آهنگ پیشروی قوای ما مداوما" افزایش می‌یافت. از زمان پیروزی تای نگوین تغییرات بسیاری در جاده شرق نام بو داده شده بود. اکنون امکان داشت که مسیر جاده ۱۴ را از طریق بان می‌توت، دوک لاپ، بوپرانگ و بوجیاماپ، به لوک بتن، دنبال نمود. این جاده در امتداد بوپرانگ و لو جیاماپ کاملا خوب بود و هر نوع وسیله نقلیه می‌توانست به آسانی در آن حرکت کند. این طول از جاده را جاده آ - ۱۴ می‌نامیدند. پس از آزادشدن جیانگای و سراسر استان کوانگ دوک، انواع وسایط

نقلیه می توانستند از دوک لاپ ، کین دوک میان بر زده ، به دون لوان بروند ، و در شون تان به جاده ۱۳ برسند. برای رفتن از بان می توت به لوک تین با استفاده از خودروهای کوچک حدودا " به یک روز زمان احتیاج بود.

در سالهای نخستین جنگ با ایالات متحده ،قوای ما برای عبور از میان این ناحیه رنج بسیاری را متحمل می‌شدند. آتشبارهای دشمن مدام درحال آتش بودند ، هواپیماهای ب - ۵۲ بر طبق طرحهای دشمن این جاده را بمباران می کردند و نیروهای ویژه آنها انواع مختلف مین را در طول جاده کار می گذاشتند. این جاده آب نداشت و پر از پشه‌های خطرناک ناقل مالاریا بود. با دیدن حفره‌هائی که بمبها در تمام طول دو طرف جاده ، ایجاد کرده بودند و اسکلت اوراق شده کامیونها و لوله‌های توپ ، با علامت ساخت امریکا وانبوه سیم‌های خاردار زنگ زده که در بالای پایگاههای قدیمی در هم پیچیده و انباشته شده بود،عملیات " تعقیب و انهدام " و " آنسوی مرزی"امریکائیها و متحدینشان را به یاد آوردیم ، عملیاتی که به وسیله قوای ما در ۱۹۶۵، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۰ شکست خورد.

بر بالای برخی از بلندیهای آفتاب‌گیر تپه ها و در امتداد حواشی خشک و بلند درختان، هنوز خاکریزهای بزرگی قرار داشت‌که آرامگاه پاره‌ای از رفقای ما بود. کسی چه می‌دانست که دراین عرصهٔ غمباردورافتاده و بیرحم، چه‌تعدادبسیاری از رفقای ما، کادرها و رزمندگان، برای گشودن راه پیش‌رفتند و جان خود را فدا کردند تا در اینجا این جاده پهن و گسترده بسوی نام بو ودرانهدام‌تمامی قرارگاههای دشمن در این‌منطقه سهمی داشته باشند. و این چنین بود که ما امروز می توانیم به سوی نبرد قاطع و نهائی استراتژیک، گام برداریم. جانفشانی و روح رزمندگی آنان، سرمشق های بارز و درخشانی برای ما که در آستانه نبرد نهائی قرار داشتیم‌بود، نمونه هایی که آنچنان پیروزی هائی را در پیش داشت که شایستهٔ رفقای به خاک افتاده‌مان مان باشد.

بهار پر سر و صدا به تپه‌های سرسبزوکوههای آفتاب‌خورده بازمی گشت. تا آنجا که چشم کار می‌کرد بیشه‌های کائوچو با برگهای تازه روئیده گسترده بودند. گلهای ثعلب بر درختان‌کهن جنگل شکفته بودند. این جنگل های کائوچو که در دو

طرف جاده قرار داشتند قرارگاه بسیار خوبی برای نیروی های ما بودند. تانکها، زره پوش ها و کامیونهائی که آتشبارها را بدنبال خود حمل می کردند، به خوبی و در امنیت کامل میتوانستند در زیرچتر برگهای درختان پنهان شوند. درکناره نهرها، آشپزخانه‌های "هوانگ کام" *، برپا شده بود. ردیف‌های ننوها به صورتی منظم به‌درختان آویزان شده و رزمندگان ما پس‌از یک شب راهپیمائی خسته کننده، در ننوهای خودبه خواب رفته بودند.

برای مخفی کردن سلاحهای تکنولوژیک و کاهش تراکم خودروها در روی جاده، ایستگاه‌هائی در طول جاده برای نظام دادن و بازرسی وسائل‌وجود

---

* آشپزخانه هوانگ کام، یک آشپزخانه‌نظامی است‌که برای دور کردن دود آشپزخانه و بدین ترتیب، جلوگیری از اکتشاف و شناسائی محل آشپزخانه، از یک شبکه دودکش‌های زیر زمینی استفاده می کند. هوانگ‌کام نام رزمنده ای است که در طی جنگ مقاومت علیه فرانسوی‌ها، این آشپزخانه را اختراع نمود.

داشت. این ایستگاهها تشکل در عملیات وشیوه‌های استتار بر سر هر تقاطع جاده، انبوهی از علائم راهنما، در هر نوع شکل و اندازه، حروف و رنگ وجود داشت که راه را به واحدها و سرویس‌ها و کلیه جناح های قوا نشان می داد. اگر بیگانه‌ای به یکی از این تقاطع‌ها می‌رسید، برای درک علائم و اینکه مفهوم هر کدام چیست به تلاشی سخت نیاز داشت. رشته سیم‌های تلفن به سرعت از میان جنگل ها کشیده شده و در طول جاده امتداد می یافت. هیچ کس نمیداند که چه بسیار بودند اسرار این نبرد تعیین کننده استراتژیک که از میان سیمهای تلفن عبور می‌کردند؟

دیدن صحنه‌ی پر سر و صدای عبور کامیون ها و آتشبارها در طول جاده، و آنهائی که در دوطرف این راه که به سوی نام بو می‌رفت مستقر بودند، سالهای جنگ مقاومت علیه قوای استعمارگرفرانسه در منطقه‌ای که در پشت سر دشمن، در دلتای باک بو، قرار داشت را به یادم آورد. در آن زمان، من به همراه دیگر جنگاوران بریگاد دلتا، پیراهن قهوه‌ای دهقانی پوشیده و کلاه مخروطی از برگ نخل به سر داشتم، و با کمک عصای راه پیمائی از قسمت هائی پر از گل ولای جاده پیش می‌رفتیم.

و آنگاه یک به یک از مرزهای کوتاه کرت های برنجکاری و پرچین های خیزران، در ناحیهٔ ها نام نین بین، به صورت خزیده می گذشتیم. زمانی را به یاد می‌آوردم که ما شب ها در کرجی خیز رانی نشسته و از میان "دهکده‌های تحت کنترل" فرانسه، در دشت های تای‌بین و نام دین، زیر نور فشنگهای رسام و شلیک های بی هدف توپهای دشمن، از میان دریائی از اصوات گوشخراش و پرآشوب میدانگاه، عبور می کردیم. در هنگام روز به واحدهای کوچکی تقسیم شده و به داخل دهکده‌هائی که در شبکه ی مقاومت قرار داشت می رفتیم. قایق هایمان را به زیر آب فرو برده و پنهان می کردیم، در صورت لزوم هر لحظه آماده برای رزم بودیم. خواهران و برادران چریک به پاسداری می ایستادند و مادران به دنبال تهیه آب و برنج می رفتند تا ما سربازان استراحت کنیم. و شب هنگام عملیات را دوباره آغاز می کردیم.

در سی سال گذشته خلق ما شاهد و شریک عملیات بسیاری برای استقلال و آزادی سرزمین اجدادی خود بوده است ـ کسی نمی‌داند چه تعداد عملیات ـ تاکنون حتی یک روز هم خلق و ارتش ما دست از عمل نکشیده است از جنوب تا شمال، از شمال تا جنوب، مردم و

رزمندگان ما سراسر میهن را زیر پا گذاشته‌اند، به هر کجا که سرزمین پدری به آنها نیاز داشت، رفته‌اند. " هر کجا دشمن هست، ما به‌آنجا خواهیم رفت". در بهار ۱۹۷۵، دررکاب خودروها وتوپ- خانهٔ در حال پیشروی به سوی جبهه سایگون، و همچنین در هر دهکده‌و هر بار انداز و در هر گودال جنوب، تمیز دادن اهالی جنوب از اهالی شمال، ناممکن بود. آنها تنها ویتنامی‌هائی‌بودند که عهده‌دار وظایفی برای نبرد نهایی علیه امپریالیسم امریکا و پادوهایش، برای دست- یابی به استقلال کامل، آزادی، صلح و وحدت‌کشور بودند. تمامی کشور شتابان به پیش می‌رفت. بهار زمین و آسمان و بهار ملت‌ما، در این ماه‌آوریل سال ۱۹۷۵،باشتاب به‌یکدیگرنزدیک می‌شدند.

عملیاتی با نام عمو هو

در ظهر روز ۳ آوریل، من در محلی حدود پنجاه کیلومتری شمال بوجیاماپ، سرهنگ می وان فوک (توفوک) نماینده ریاست اداره لوجستیکی محلی در نام بو شرقی را که برای دیدن ما آمده بود، ملاقات کردم. در بالای تپه‌ای که نشانهای بسیاری از نبردهای متلاطم "آنسوی مرزی" ایالات متحده در سال ۱۹۷۰، در اطرافش داشت، ایستادیم و دستهای یکدیگر را فشردیم، برق شادی درچشمهایمان می درخشید. دستخوش هیجان شده بودیم زیرا این نخستین بار بود که روی زمین نام بو میایستادیم بر این خاک استوار، این خط جبهه قهرمان که فاصله‌ای بسیار از مرکز در هانوی داشت. عموهو همیشه این قسمت میهن را با تالم به یاد می آورد، و به حزب، ارتش و خلق آموخته بود که سهم خودرا برای آزاد ساختن جنوب به طور کامل ادا کنند. به مناظر اطراف نگاه کردیم. درودهای پر از احترام ما به جنوب؛ این عرصه پر رنج نبرد سرزمین پدری که پیش از همه رفت و آخر از همه باز می گشت. درودهای ما به تمامی رزمندگان ومیهن

پرستان نام‌بو که دلیریشان دهها سال پیاپی همچون طلا و فولاد پردوام بود، آنانکه پیروزمندانه با ستمکارترین وثروتمندترین دشمنان جنگیده ونمونه‌ای بارز از سلطه ناپذیری، خوش بینی انقلابی وحمله‌ی مداوم را ارائه نمودند.

ما برای استراحت بعد از ظهر به محوطه نیروی ۷۷۰ ـ ایستگاهی بر سر راه اداره لوجستیکی محلی رفتیم. جاده این ایستگاه به خوبی استتار شده بود، و اثر چرخهای خودروها بر جاده دیده نمی‌شد. خانه‌ها محکم بودند و با ردیف‌هائی ازسبزیجات، باغ موز، لایه‌های گل، ثعلب‌های پر شکوفه و حتی گله‌ی حیوانات، استتار می شدند. در اطراف خانه گودالهایی برای ارتباطات، مخفی گاه‌های پنهانی و قرارگاههای دیده‌بانی قرار داشت. اگر چه در اینجا همه چیز در مقیاس کوچکی بود لیکن این ایستگاه بازنمایانگر عشق به خاک خود، پایداری و مقاومت هر چه بیشتر، روح اتکاء به خود درزندگی روزمره و آمادگی رزمی در سرویس‌ها و واحد های نام بو شرقی ـ یکی از رنج کشیده ترین و یکی از استوارترین نواحی پایگاهی جنوب بود.

برای رسیدن به دفتر فرماندهی محلی، از جنگل های کائوچو که آثار فراوانی از بمباران های

هواپیماهای دشمن را در خود داشت، از میان انبوهی از فلفل و بلوط خودرو، پیچک ها وردیفهای درختان نارگیل که به تازگی غرس شده بود گذشتیم.

آنجا در مقابل ما شهر لوک نین قرار داشت. شهری که هنوز نشانهایی از جنگ به چهره خود داشت. لیکن تغییرات گوناگونی که در طی ۳ سال پس از آزاد شدن شهر ایجاد شده بود به روشنی مشهود بودند. جاده‌ها تعریض‌شده و خانه های کاهگلی جدید، که در دو سمت جاده ساخته شده بودند، کشتزارهای برنج و مانیوک*، جلوه‌سبز رنگی داشتند که سلامتی را در ناظران القاء می کردند. کارگران مشغول کاشتن درخت در بیشه های کائوچو بودند، علف های هرز را می چیدندو شیره درختان را جمع می کردند. شهر لوک بنن‌که در ۱۹۷۲ آزاد شده بود، به همراه تمامی استان فوک لونگ‌که در اوائل امسال آزاد گردید، به

---

* حدود ۸۰ گونه از این گیاه شناخته شده است. از گونه‌های مختلف این گیاه کائوچو استخراج می کنند و ریشه‌های غده‌ای شکل آن به مصرف تغذیه می رسد.

پایگاه بسیار مهمی برای ما بدل شده و سهم عظیمی در پشتیبانی و کمک رسانی به نبرد آینده ما در سایگون به عهده داشت.

در جاده قافله‌های درازی از سربازان را دیدیم که شاد و سرحال راهی جبهه بودند. مردان‌وزنان چریک لوک نین درانشعاب جاده نگهبانی‌می‌دادندو هر وسیله نقلیه‌ای را که به سوی ناحیه پایگاه می آمد، دقیقا" بازرسی می کردند. ما به‌تمامی شما رفقا درود می‌فرستیم، شما ای رزمندگان مصمم، جانفشانیهای شما در آن سالهای نبردبی رحمانه تا دور دست شناخته شده و غرور وتحسین ما را برانگیخت. من با دیدن کشتزارهای‌پهناور، بیشه‌های کائوچو، باغات میوه و تپه‌های سرخ خاک لوک نین، بیاد قطعه شعری از هیو افتادم بنام "این سرزمین هزار فرسنگی -

آه بین لانگ، اینجا در نام بوی ما،
امروز صبح برای نخستین بار باتو روبروشدم.
کلوخی از خاک سرخ تورا دردست فشردم
گویی که قلبم از شرابی مردافکن سرمست شده بود.
آنگاه که ای برادر آزادی تو را درآغوش کشم،
رویای من دویدن تمامی راه از اینجا تاکشتزارهای کامائو خواهد بود."

با فرا رسیدن شب ۳ آوریل به دفتر فرماندهی محلی واقع در غرب لوک نین بازگشتیم. بیشتر رفقای ما از "دفتر مرکزی برای جنوب ویتنام" (COSVN) وارد شده بودند. دین توک تین مستقیما به دفتر بخش لوجستیکی رفت و من نیز برای دیدن فام هونگ، دبیر شعبه جنوبی حزب، بیک خانه دور دست در میان انبوه درختان، رفتم. در زیر نور لامپ سیاه شده به داخل خانه نگاه کردم، او را دیدم که پشت میزی نشسته بود و دکمه های پیراهنش را تا روی سینه باز کرده و بادبزنی در دست داشت. "ما منتظر شما بودیم". با هم دست دادیم و یکدیگررا در آغوش کشیدیم، زمانی که به او گفتم که ما با چه جهش های پر شتابی به پیروزی رسیده‌ایم، طوری که من زودتر اززمان مقرر در هانوی، به آنجا رسیده‌ام، خوشحالی زائد الوصفی به او دست داد. من ادامه دادم و گفتم: سایگون نیز مطمئنا" در زمانی که دفتر سیاسی تعیین کرده است، آزاد خواهد شد. آنگاه ازپیروزی های مان در تای نگوین و جلگه های ساحلی منطقه ۵ گفتم، و همچنین درباره وضعیت واحدهای اصلی ما که عازم جبهه بودند. پس از آن، دستور جلسه که مربوط به روزهای آتی بود مورد بحث قرار

گرفت وسپس لی دوک نو وارد شد.

دفتر فرماندهی محلی در مقابل محل زندگی و کار نیروی آ - ۷۵ برپا شده بود. تعدادی ساختمان چوبی، که سقف آنها با برگ پوشانیده می شد به سرعت بر پا گردید. پناهگاههای زیرزمینی بیشتری برای در امان بودن از حمله هوایی حفر شد. تعدادی چادر در اطراف همان محل برای کادرهایی که بعدا می آمدند، تدارک دیده شد. شب هنگام، جنگل پر بود از صدای ژنراتورها و موتور انواع خودروها که جلو و عقب می رفتند که تدریجا " با صدای رادیوهای درون کلبه‌ها درآمیخته و صحنه را شلوغ کرده بود. این نخستین شبی بود که ما روی خاک نام بو شرقی به خواب می رفتیم.

تران وان ترا، که برای بازرسی هواپیماهائی که باید به خوان لوک حمله می کردند، به سپاه چهارم رفته بود و در آنشب بازگشت و به محض روشن شدن هوا به محل اقامت من آمد. ما شادمانه حکایاتی از نبردهای اخیر در جبهه‌های گوناگون را برای یکدیگر نقل کردیم و به طور کلی نحوه سازماندهی کار بین نیروی آ - ۷۵ و ستاد محلی را مورد بحث قرار دادیم. صبح زود در ۴ آوریل، با کوشش های مجدانه گردان ارتباطات که تازه در

اوائل ۱۹۷۵ سازماندهی شد برای تامین ارتباطات کارفرماندهی در سراسر مدت عملیات آزادسازی تای نگوین، به آن ناحیه اعزام شده و وظایف محوله را به خوبی انجام داد. پس از عملیات فوق به کلیه کادرها و رزمندگان این گردان دستور داده شد تا برای شرکت در نبرد نهائی، در هماهنگی با دیگر واحدهای ارتباطات و منابع محلی، به نام بوعزیمت کنند. سرهنگ هوانگ نیم، جانشین فرمانده قوای ارتباطات، شب و روز درگیر سازماندهی ارتباطات برای مقرهای فرماندهی و آموزش مبارزین قسمت ارتباطات بود که جدیدا" به جبهه نبرد اعزام شده بودند.

موتور سیکلت ها، وسیله ای بی همتا برای حمل و نقل در اینجا، شب و روز مداوما "کار می‌کردند. راننده‌ها ما را به دفاتر گوناگون وابسته به مقر فرماندهی محلی، که برای رعایت احتیاط در مقابل حملات هوایی دشمن در ناحیه گسترده‌ای ـ پراکنده بودند، انتقال می دادند. زمانیکه هنوز در تای نگوین بودیم، فرماندهی بی-۲ (که نام بو و منطقه ۶ را می‌پوشاند) یک واحد موتور ـ سیکلت را برای وظیفه ویژه کمک به ما اختصاص داد، و اکنون این واحد با کاروان ما به نام بو شرقی

بازگشته بود. راننده‌ها با شالهای رنگارنگی که
به دور گردن خود پیچیده با تفنگهای اتوماتیک
قنداق تاشو که به روی شانه حمل می‌کردند، قافله
ما را که اینک برای گرفتن تماس با خودرو های
جلودار بی باکانه و با سرعت به پیش می‌رفت و
گاه برای رسیدن خودروهائی که آهسته می‌آمدند یا
عقب می‌افتادند، تامل می‌کرد، آنها را همراهی کرده و راه
رانشان می‌دادند. آنها هرشب تلگراف هایی را از
جاده پر پیچ و خم و پر دست انداز جنگلی به
کامیون رادیو - ارتباطات می رساندند. این
قسمت ارتباطات معمولا" شب‌ها کار می کرد زیرا
روزها در راه بود. این کامیون همیشه دورتر از
ما توقف می کرد تا امنیت و مخفی کاری فرماندهان
و سیستم رادیوئی کاملا" رعایت شده و از تجسس
الکترونیک هواپیماهای دشمن و نیروهای ویژه، در
امان باشیم.

آنهایی که در COSVN و کمیته نظامی محلی،
سال ها در عرصه‌ی نام بو کار کرده و از دشمن،
از خود، و هم چنین از اوضاع سایگون درک عمیقی
داشتند، ما را در کسب درک سریعی از اوضاع
آوردگاه در نام بو به طور عام و اوضاع
سایگون - جیادین به طورخاص، یاری دادند.

پس از چند روز شنیدن گزارشهای رفقای ستاد محلی، در ۷ آوریل با COSVN و کمیته نظامی محلی جلسه داشتیم. همراهان ما در این اجلاس عبارت بودند از: فام هونگ، نگوین وان لین (مدی کو)، تران نام ترونگ، تران وان ترا، فان وان دانگ (های وان)، و وان کیت (سودان)، نگوین وان خو (های خو)، به اضافهٔ ژنرال لی‌دوک ان جانشین فرمانده‌ورئیس ستاد فرماندهی محلی، ژنرال لووان تونگ (های له) جانشین افسر سیاسی سر فرماندهی محلی، ژنرال دونگ وان کونگ، جانشین فرماندهی ناحیه، ژنرال لونگوک هین، سرهنگ ارشد لونگ وان نو، و تعدادی از کادرهای ستاد سیاسی ولوجستیکی. ژنرال دین دوک تین نیز در این جلسه شرکت داشت. فام هونگ، دبیر COSVN و دیگران، همیشه سبک رفتار ساده‌ای داشتند و خوش بینی فراوان و اراده‌ای آهنین برای کسب پیروزی. اطاق جلسه همیشه آکنده از خنده‌های بی اختیار و آرام بخش بود. کنفرانس با دقت وضعیت نام بو، و به خصوص اوضاع سایگون‌را مورد بررسی دقیق قرار داد، به بحث درباره مسیر پیروزمندانه ما در شکست دادن دو سپاه دشمن،

و آزاد ساختن سراسر استان، شهرهای کوچک وبزرگ
واقع در حوزه‌ی سپاه یک و دو، پرداخت. کنفرانس
رهنمودهای دفترسیاسی و کمیته مرکزی نظامی را
مطالعه کرد و به بحث پیرامون اقدامات لازم
برای انجام آن پرداخت. برای کسب پیروزی های
جدید و ایجاد شرایط مناسب برای تعرض همه جانبه
و قیام به منظور آزاد ساختن سایگون و تمامی
دلتای مکونگ افزایش فعالیت‌های سیاسی و نظام
ضرور بود. زمانی که درباره مسئله تضمین
لوجستیک گفتگو می‌کردیم، فام هونگ پرسید چه
تدارکاتی برای مهمات دیده‌ایم. دین دوک تین در
این رابطه یک جدول آماری ارائه نمود که مقادیر
مهمات موجود و سازوبرگی که درراه بودند، نشان
می‌داد. ومی‌گفت: "بگذارید به اطلاع شما برسانم
که ما آنقدر مهمات داریم که سه نسل آنان را
بترسانیم." فام هونگ سپس برای رفع مشکلات
درباره آنچه که باید پیش از عملیات آماده
می شد وهنوز کمبودی وجود داشت، دستورالعملهایی
صادر کرد.. گاهی اوقات انعکاس کلمات دین دوک
تین - اطمینان حاصل کنید که همه چیز به مقدار
کافی است و آنقدر کافی است که "در سه نسل
آنان ترس ایجاد کنیم" -- حاضران در جلسه

را، به قهقهه می‌انداخت.

گردهمآیی COSVN و کمیته نظامی محلی در جوی پر از هیجان و خروش که صفت مشخصه سراسر ناحیه بود، برگزار گردید. در نخستین روزهای آوریل ۱۹۷۵، تمامی بخش‌ها واستان‌های منطقه ۸ و ۹ گزارش اتمام کارهای ساختمانی و رزمی را مرتبا" ارائه می‌نمودند. تراوین به اطلاع ما رساند که در گذشته، نیروی محلی آنها تنها به دو گردان محدود می‌شد درحالی‌که اکنون این نیرو را به ۵ گردان افزایش داده‌اند.

راش‌گیاه گزارش داد که ۲۰۰ کارآموز نظامی را برای تشکیل یک گردان ایالتی اضافی درمدت یک روز بسیج کرده است و اینکه هر دهکده اکنون یک گروهان چریک داشت. نیروهای محلی درمنطقه ۹ موفق به تسخیر قرارگاه کای ون، واقع در شو گاتوی لونگ‌ان، گردید و منطقه آزاد شده‌را به سرعت گسترش داده بودند.

در بعد از ظهر ۷ آوریل هنگامی که ما جلسه داشتیم، مرد لاغر و بلند قامتی که پیراهن آبی آسمانی و شلوار گشاد خاکی به تن داشته و یک کلاه خود سربازی بر سر داشت، با موتورسیکلت وارد محوطه قرارگاه شد، او یک کیف چرمی بزرگ

و سیاه رنگ را بر شانه حمل می‌کرد. اولی‌دوک تو بود و ما فورا" او را شناختیم. شور وهیجان فراوان، همه حاضران در جلسه را در بر گرفت، همگی به پا خاستیم و با شوق تمام او را در آغوش کشیدیم. در طی سی سال گذشته، از زمان ورود نام‌بو به جنبش مقاومت ضدفرانسه و ایالات متحده این سومین ماموریت لی‌دوک توبه نام‌بو بود. در آن دفعات او پیاده به‌راه می‌افتاد و از جاده‌های دور افتاده جنگی عبور می‌کرد و معمولا" چند گلوله برنج و جیره خشک با خود حمل می‌کرد. ولی این بار او با هواپیما، ماشین و حتی موتورسیکلت این راه را طی کرده بود.

لی‌دوک تو، شادمانه از رویدادهای داخلی کشور، واکنش جهانی در برابر پیروزی‌های ما، از پشت جبهه ـ شمال سوسیالیستی ـ و چیزهایی که در طول راه اتفاق افتاده بود سخن گفت. قبل از عزیمتش، دفتر سیاسی و عموتون (پرزیدنت تون دوک تانگ) به او هشدار دادند " اکنون که قصد رفتن داری، نمی‌توانی بدون پیروزی باز گردی."

روز ۸ آوریل، در اجلاسیه کامل COSVN، کمیته نظامی محلی و فرماندهی ب ـ ۲، ودرحضور

کادرهایی از ستاد کل، لی‌دوک تو قطعنامه جلسه ۲۵ مارس دفتر سیاسی در هانوی را تشریح نمود. در این گرد هم‌آیی، لی‌دوک تو، نظر دفتر سیاسی را درباره وضعیت ما و دشمن در عرصه نبرد، درباره چگونگی برخورد امریکا و مزدوران سایگون به شکست‌های اخیر و سقوطی که آنان را تهدید می کرد، بیان داشت. او سپس از قطعنامه استراتژیک دفتر سیاسی سخن گفت و بر مفاهیم راهنما برای انجام موفقیت‌آمیز این قطعنامه تاکید نمود. در پایان جلسه او تصمیم دفتر سیاسی را مبنی بر استقرار یک سرفرماندهی برای عملیات سایگون - جیادین به اطلاع ما رسانید. طبق این تصمیم، فام هونگ افسر سیاسی و تران وان ترا و لی‌دوک آن جانشین فرماندهان این سرفرماندهی بودند. لی‌دوک ان مسئولیت فرماندهی یک جناح از قوا در جنوب غربی سایگون - قوای ۲۳۲ - را نیز بعهده داشت. ژنرال لوترونگ تان که فرمانده جناح شرقی قوای ما بود، به جانشینی فرماندهی در مقر فرماندهی برای عملیات آزاد ساختن سایگون منصوب شد. دین دوک تین جانشین فرماندهی، مسئولیت لوجستیک را به عهده داشت و باید به ژنرال بوی فونگ، ریاست بخش لوجستیکی

محلی ، کمک می‌نمود. ژنرال لوکوانگ هوا ، که به عنوان مسئول در بخش فنی جناح شرقی قوا خدمت می‌کرد، به سمت جانشین افسر سیاسی ورهبر سیاسی مقر فرماندهی عملیات منصوب گشت.لونگوک هین، بعنوان کفیل ریاست ستاد با مسئولیت ویژه برای عملیات رزمی تعیین شد.

اداره‌ی سرفرماندهی به‌عهدهٔ دفاترلوجستیکی، ستاد و سیاسی آن ناحیه بود. سرفرماندهی به وسیلهٔ تعدادی کادرهای نیروی آ_ ۷۵ که به تازگی ازتای نگوین وارد شده بودند و همچنین جمعی از کادرهای اعزامی از ستاد کل ، شامل ژنرال دوان تو، فرماندهٔ توپخانه ، سرهنگ ارشد نگوین چی دیم، فرمانده قوای ویژه سرهنگ ارشد لوکوانگ و، جانشین ریاست بخش آگاهی نظامی سرهنگ ارشد نگوین کوانگ هونگ ، فرمانده جانشین نیروی دفاع هوایی سرهنگ ترونگ دین ما ،قائم‌مقام ریاست بخش آموزشی قوا سرهنگ لوخوان کین، نماینده فرمانده قوای تانک و غیره ، تقویت شد.بدین‌ترتیب دفتر مرکزی جنوب ویتنام و کمیته نظامی محلی و سرفرماندهی، به انجام مسئولیت‌های پیشین خود برای سراسر ناحیه ادامه دادند. و تنها تنی چند از کارکنان آنها مستقیما در سرفرماندهی عملیات

آزاد ساختن سایگون شرکت داشتند.

در این نبرد استراتژیک قاطع ونهایی ، سه عضو کمیته مرکزی برای به عهده گرفتن مسئولیت مستقیم رهبری جبهه و کسب مستقیم دستورالعمل های دفترسیاسی انتخاب شدند. از ۸ تا ۲۰ آوریل ، دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی و همچنین خود ما که در جبهه بودیم، پیشرفت هر لشگر پیاده ، هرکاروان لوجستیکی، هر هنگ توپخانه یا گردان ضدهوایی را به سوی نقطه تجمع ،درهرساعت و هر روز دنبال می‌کردیم. در مذاکرات روزمره‌ای که داشتیم سوالهایی از این قبیل پیش می‌آمد: اکنون آن لشگر در کجاست؟ چند وسیله نقلیه باری دارد؟ ان هنگ چند عراده توپ را حمل می‌کند؟ از چه راهی خواهند رفت؟ چند گلوله توپ ۱۳۰ میلیمتری داریم؟ تاکنون چند محموله از گلوله‌های ۱۰۰ میلیمتری تانک به دست ما رسیده است؟

برای هر جاده‌ای که درگیر عملیات می شد ، گروههائی از کادرها برای نظارت بر واحد های طلایه دار بازرسی وسایل لوجستیک و راهنمایی‌آنان به محل ذخایر از پیش تعیین شده و همچنین‌هدایت واحدهای تازه واردی که برای تقویت واحد ها پیش از شروع به عملیات می‌آمدند ،انتخاب شدند.

لی‌دوک‌تو شعری سرود که بیانگر روحیه‌واحساس همه ما به هنگام آغاز نخستین بارانهای فصل بارانی بود.

بانگ فاخته‌ای به گوش می‌رسد.
اکنون صبح در جنگل لوک‌نین فرا رسیده است.
سراسر شب را نخفتم،
دراز کشیده، می‌شمردم قطرات باران را که
فرو می بارید.
نگران برای برادران ارتشی‌مان که در جاده های
گل‌آلوده به گل نشسته‌اند،
نخست تانکها و سپس قایقها می‌آیند، کاش هیچ
اثری از ابرها نمی‌ماند.
عرصه نبرد هر لحظه انتظار می‌کشد.
آه باران، دیگر نبار!
بگذار جاده شتابان خشک شود
تا بارکش‌های‌مان به مقصد برسند.
در این نبرد تاریخی نهایی،
غرش تفنگ ها چندی است که آغاز گشته است."

ما به ویژه نگران لشگر ۱۰ بودیم. این لشگر هنوز در ناحیه کام ران بوده و بر سر راه خود به سوی نام بو شرقی با قوای دشمن روبروشده‌بود. با توجه به جاده طولانی و دشواری که لشگر ۱۰باید

طی می‌کرد، ما نمی‌دانستیم که آیا این لشگر می‌تواند در زمان تعیین شده به محل موعود برسد یا نه. ما تلگرافی به هوانگ مین تائو در منطقه ۵ مخابره کردیم مبنی بر اینکه آنان فورا" قوایی به کام ران فرستاده و لشگر دهم را از درگیری برهانند و همچنین تلگراف مستقیمی نیز به فرماندهی لشگر دهم ارسال داشته و خواستار آن شدیم که روزانه سه بار پیرامون وضع صف بندی در راهپیمائی، پیشروی روزانه و تخمین پیشروی در روز بعد و همچنین اوضاعی که در طول راه با آن برخورد می کنند، به ما گزارش دهند. پیامی به دونگ سی نگوین مخابره کرده و گفتیم که وسایل نقلیه بیشتری برای انتقال فوری تمامی لشگر ۱۰ ارسال دارد و در صورتی که با کمبود وسیله نقلیه روبرو باشید راهی را برای تامین آن به فرماندهی منطقه ۵ پیشنهاد نمایند و یا با نفرگیری از مردم، لشگر دهم را در این امر یاری دهند.

زمان ما را به شتاب دعوت می‌کرد. دفترسیاسی از ما خواسته بود با حداکثر فوریت کار کنیم تا بتوانیم تعرض عمومی به سایگون را، هرچه زودتر آغاز نمائیم. پس از بررسی اوضاع و مشاهده اینکه تمامی لشگرهای نیروی اصلی نمی‌تواند در فرمان

تعیین شده به آنجا برسند و با توجه به این خواست که تعرض باید در وهله نخست هم ازنیروی کافی و هم از ذخایر کافی برای ادامه حمله تا پیروزی برخوردار باشد، دفتر سیاسی وقت بیشتری برای تدارکات به ما داد و تعیین کرد که تعرض همه جانبه به سایگون را نباید دیرتر از هفته آخر آوریل ۱۹۷۵، آغاز کنیم.

ما در پی گیری فعالیت‌های دشمن در این زمان، توجه ویژه‌ای به گسترش و تکامل اوضاع درونی سیاسی در حکومت تیو و ایالات متحده نموده‌واین اوضاع را هر روز و هر ساعت دنبال می کردیم. طبیعتا" ما همچنان در صدر فعالیت‌های نظامی دشمن نه فقط در حوزه سایگون بلکه در سرتا سر نام بو و جنوب شرقی آسیا، بخصوص تایلند و فیلیپین قرار داشتیم. ما تغییر و تبدیلاتنظامی را در عرصه نبرد کامبوج، در روزهای اول آوریل ۱۹۷۵ دقیقه به دقیقه دنبال نمودیم واگرچه تعهد نداشتیم همکاری نزدیک خود را در سطوح استراتژیک و عملیاتی با دوستان مان بر قرار نمودیم.

دفتر سیاسی تلگرافی دیگر به ما مخابره‌کرد.

طرح حمله همه جانبه باید تضمین کند که به‌مجرد

آغاز عمل، حملاتی مداوم و پرتوان یکی پس از دیگری تا پیروزی کامل انجام خواهد گرفت. در این طرح باید اصل رزمیدن از داخل به خارج و از خارج به داخل رعایت شود. حملات مبتکرانه در نواحی دور از شهر انجام گیرد و نیروها آماده بهره گرفتن از فرصت برای نفوذ عمیق به مرکز سایگون، از سمت های بسیار باشند. ایجاد شرایط برای قیام توسط میهن پرستان نیز باید برنامه ریزی شود. در وضعیت فعلی این است نحوهٔ رسیدن به سرعت برق آسا، جسارت و غافلگیری. این رهنمودی است بنیادی که پیروزی را مسلم می‌سازد. شما باید دیدی وسیع داشته و تدارکات لازم را برای رویاروئی با نبردی که ممکن است مدتی به درازا کشد، تامین کنید.

فرماندهی شاخه‌های مختلف، سرویس‌های تخصصی و سپاه آرتش، یکی‌پس از دیگری، برای مشخص‌شدن وظایف شان به سرفرماندهی می‌آمدند، فرماندهی تا تعیین وظایف سپاه چهارم، سپاه دوم و لشگر ۳ از منطقه ۵ که در جناح شرقی و در فاصله قابل ملاحظه‌ای از سر فرماندهی درگیر نبرد با دشمن بود، به عهده سرهنگ ارشد لونگ وان نو (های نا) که در آن زمان جانشین ستاد بود گذاشته شد. او شخصا "

نسخه‌ای از دستور رزمی به امضای من و فام‌هونگ را برای رساندن به لو ترونگ تان با خود برد. این دستور صریحا " چنین بیان می‌داشت که کلیه واحدها در جناح شرقی تحت فرماندهی له فرونگ تان قرار داشته و در انطباق با طرح واحد سر فرمانده‌عملیات عمل می‌نمایند.

وظیفه جناح جنوب غربی (نیروی ۲۳۲)، پس از بحث و تصمیم گیری در سرفرماندهی عملیات، مستقیما " توسط لودوک ان دریافت شد. و لانگ فرمانده و نگوین هیپ افسر سیاسی از سپاه سوم، در ۱۲ آوریل برای مشخص شدن وظایف شان به سر فرماندهی عملیات آمدند. دو روز بعد وظایف نگوین هوا فرمانده و هوانگ مین تی، افسرسیاسی از سپاه اول که با ارسال تلگراف به جلسه دعوت شده بودند مشخص شد.

آنها گزارش کردند که سپاه اول دستوراتشان را مبنی بر شرکت در عملیات در ۲۵ مارس دریافت کرده است. در ۲ آوریل لشگر ۳۲۰ نخست به سوی جبهه حرکت کرد و به همراه آن کلیه شاخه های وابسته به سپاه یکی پس از دیگری به راه افتادند. و بالاخره آخرین واحد باید تا ۷ آوریل حرکت کند. طبق برنامه زمانبندی شده کلیه واحدهاباید

تا ۲۵ آوریل در ناحیه تجمع می بودند.

پس از ذکر ویژگی‌های دشمن و مشکلاتی که در این نبردگاه جدید باید بر آنها فایق می‌آمدیم و پس از مشخص شدن وظایف هر سپاه، من مجددا " بر این نکته تاکید نمودم که کلیه فرماندهان باید با شتاب واحدهایشان را تا روز تعیین‌شده حرکت دهند، فرماندهی و ارتباطات را سازمان داده و پنهان کاری را در یکایک اعمال واحد- هایشان تا روز شروع آتش، حفظ کنند. آنان باید توجه خاصی به تربیت قوایشان در رابطه با اهمیت ویژه این عملیات مبذول دارند تا بدین وسیله پیروزی در جنگ، نیاز به حفظ انضباط آهنین واجرای سریح تمامی سیاستهای ما پس از ورود به شهر، تامین گردد".

پیش از آنکه فرماندهان سپاه برای تنظیم طرح به واحدهای خود بازگردند فام هونگ با لحنی صادقانه و موثر به آنان گفت: " رفقا زمانی‌که آن دسته از ما اینجا، در ب-۲، ناظر پیروزی بزرگی که در تای نگوین و ترونگ بو مرکزی به دست آورده‌ایم بودیم بسیار خوشحال شدیم .ومتوجه شدیم که لحظه‌ی مناسب برای آزاد کردن تمامی جنوب، امسال فرا خواهد رسید. زمانی که جنوب

را آزاد کنیم و وحدت مجدد را به‌کشور بازگردانیم، امپریالیست‌های امریکائی هرگز قادر به‌بازگشت نخواهند شد. شما به همراه ما، COSVN ،کمیته نظامی محلی، ارتش و خلق جنوب، رسالت به‌انجام رساندن انقلاب دمکراتیک ملی خلقی درسراسر کشور را خواهید داشت. این پرشکوه‌ترین ساعت، از زمان تاسیس حزب ما است. در گذشته کوانگ‌ترونگ هم برق آسا به قوای مهاجم حمله برد ولی متوقف شد. * امروز، به اتفاق تمامی واحدهائی که از شمال برای هماهنگی با کلیه نیروهای جنوب به اینجا آمده‌اند، ما در هیچ مکانی متوقف نخواهیم شد. در هر جا که بجنگیم پیروز خواهیم شد. ضربه را سریعا" وارد می‌سازیم و پیروزی بزرگی بدست خواهیم آورد. توان حزب، مردم میهن پرست و نیروهای مسلح ما بس عظیم است. حزب ما دارای سنت وحدت است، خلق و ارتش ما سنت وحدت دارند، شمال و جنوب یک خانواده است و ویتنام یک کشور واحد است. این اصول بنیادین پیروزی مارا تضمین

---

* کوانگ ترونگ که به نگوین هو، هم معروف است، قوای ویتنام را بر ارتش تجاوزگر چین، در اواخر قرن هجده، پیروز گردانید.

می کند.

" ما از پیروزی‌های اخیر شما استقبال‌می‌کنیم، حضور بجای شمارا در جبهه جنوب خوش آمد می‌گوئیم و از آمادگی شما برای شرکت در این نبرد تاریخی، استراتژیک و قاطع که بر آخرین دژ استعمار نو در کشور ما ضربه می‌زند، استقبال می‌کنیم. بگذارید برای همگی تان آرزوی پیروزی کامل بنمایم".

فام هونگ با لحنی سرشار از تاثر به‌همه یادآوری کرد " مطمئن باشید که این بار تولد عمو هو را در سایگون جشن می گیریم." *

سپس لی‌دوک تو به تمامی سپاه هشدار داد :

" مرکز به شعبه جنوبی حزب‌وکلیه نیروهای مسلح، مسئولیت آزاد کردن کامل سایگون را واگذار کرده است. سپاه‌های موجود نیروهای قدرتمندی هستند که با شاخه‌های تخصصی هماهنگ شده مجهز به‌ادوات مدرن، و در هماهنگی با کلیه‌نیروهای محل و حمایت کلیه شاخه‌های تخصصی دیگر، به میدان‌نبرد خواهند رفت. شما باید ماموریت خود را به‌خوبی انجام دهید. ما زمانی به سایگون ضربه می زنیم که دشمن در حال تلاشی است. و دیگر در موضع قدرت

---

* در تاریخ ۱۹ مه.

قرار ندارد. این آخرین لانه آنهاست. راهی برای فرارندارند. آنها بازگردهم می‌آیند و عکس العمل نشان می‌دهند. آنها پنج لشگردارند، ما بدون ذکر نیروهای ذخیره‌ای استراتژیک، پانزده لشگر داریم. بنابراین نبرد ما تنها برای پیروزی است. مرکز هم با همین شیوه به مسئله می‌نگرد. هنگامی که من به اینجا آمدم رفقای دفترسیاسی گفتند: "شما باید پیروز شوید. تا اینکار را نکرده‌اید، برنگردید. این است رای دفترسیاسی".

او پس از تحلیل اوضاع اعلام داشت:

" امپریالیست های امریکائی مطلقا" قادربه بازگشت نیستند. در حال حاضر کلیه اخبار رسیده از ایالات متحده این مطلب را تائید می‌کندوحتی اگر آنان خطر کرده و مداخله کنند، امکان چرخش و تغییر وضعیت وجود ندارد. آنها تنها رنج شکست سنگین تری را باید متحمل شوند. پیروزی ما مسلم است. در نبردهای ده سال واندی‌گذشته خلق ما درسهایی که لایق دشمن بود به آنان داده است. وضعیت فعلی بی‌اندازه به‌نفع ماست. امکانات وافری موجود است. باید فرصت راغنیمت شمریم، سریع و با اطمینان عمل کنیم".

لی‌دوک تو همچنین هشدار داد که سپاه باید

نقشه نگاری را به دقت مورد تحقیق قرار دهد. زیرا لشگرها تازه وارد بوده و با عرصه نبرد آشنائی ندارند، وبنابراین باید چگونگی خیابان بندی پیچیده ساختمانها در سایگون، شیوه‌های سازماندهی ارتباطات در طول عملیات، روشهای سازماندهی دفاع ضد هوایی برای قوای اردوگاه و قوای پیشرو، و غیره را مورد بررسی قرار دهند. او بر عنصر غافلگیری تاکید نمودو به کلیه واحدها اخطار کرد تا بکوشند هر چه بیشتری برای دشمن غافلگیری بوجودآورندو هدف خود را زدن ضربهٔ نفوذی مستقیم به نقاط حساس، و مراکز عصبی دشمن قرار دهند. او از ته‌قلب سخن می‌گفت، بعدتصاویر دوطرف رزم را مجسم ساخت و گفت: "حتی اگر دشمن هنوز هم قوی باشد، ولی ما ضربات درهم کوبنده‌یی را به صورتی غیر منتظره وارد اوریم، دشمن بی‌درنگ سقوط خواهد کرد." او فراموش نکرد تا به سپاه‌یادآوری کند که مردم سایگون خود دارای جنبش هائی سیاسی و سنت مبارزه انقلابی می‌باشند و اینکه اگر چه آنان موقتا" در بند بوده‌اند، ولی اگر حمایت حملات سریع، قدرتمند و موفق نیروهای نظامی‌خارج را دارا باشند، توان بالقوه عظیمی برای قیام،

ازخودنشان خواهندداد. درموردزمان‌بندی کارزار اوخاطرنشان ساخت که‌فصل بـاارانی آغـاز می‌شود ونیـروهای مـا باید ماموریتشـان را سریـع و پیروزمندانه پیش‌از آغاز فصل باران ودرصورت امکان در طی ماه مه به پایان رسانند.

پایگاه جنگلی لوک نین آکنده بود از غرش مداوم قافله‌های تانک و کامیون که توپخانه را درجاده حمل می‌کردند، وزنگ دهها تلفن وگفتگودر کلیه دفاترستادسیاسی ولوجستیکی به‌گوش می‌رسید. شب هنگام سربه‌زمین گذاشته ومی‌اندیشیدم ،بخاطر می‌آوردیم آموزش‌های عمو هو را آنگاه که‌هنوز زنده بود و سپس نصایح گرانقدر وصیتنامه او را بروشنی به یاد آوردیم. زندگی او از مقابـل چشمانمان گذشت ، او در زمان حیات همه چیز را فدای انقلاب کرد، به یاد آوردیم زمانی را که نام عمو هو به عملیات شهر سایگون داده شد ، سرفرماندهی عملیات یکپارچه توافق نمود کـه تلگرافی به دفتر سیاسی فرستاده و پیشنهادنماید که این بزرگترین، و مهم‌ترین عملیات در جنـگ رهائی بخش ملی، **عملیات هوشی مین** نام گیرد.

در ساعت ۱۹، چهارده آوریل ۱۹۷۵ ،دفترسیاسی تلگراف شماره ت.کی/۳۷ را به جبهه فرستاد:

موافقت می‌شود، عملیات هوشی مین نام گذاری شود. زیرپیام امضای لی‌دوان، دبیراول محبوب کمیته اجرایی مرکزی حزب قرارداشت.

مواضع نبرد شکل می‌گیرند

سایگون ـ جیادین، شهر بزرگی با ۳/۵ میلیون نفر جمعیت بود. وسعت شهر با احتساب بخش های حومه آن بالغ بر ۱/۸۴۵ کیلومتر می‌شد، شهری با ساختمان هایی محکم و بلند و خیابان بندی کاملا پیچیده. در اینجا، مراکز عصبی ارتش و حکومت مزدور، و همچنین ذخایر مهم و پایگاههای پشتیبان دشمن، متمرکز شده بودند. این شهر مرکزسیاسی، نظامی و اقتصادی مهمی برای دشمن ـ آخرین لانه آنان ـ بود.

محیط طبیعی پیرامون سایگون بسیار پیچیده است. جریان های آب و رودخانه‌های جنوب شهر، در همه جا، جاری است و نواحی باطلاقی فراوان است. جنوب غربی شهر نیز مرداب‌های بسیاری دارد، ولی در نزدیکی حومه شهر، زمین ها بلند و برای حرکت نیروها مناسب است. از شمال و شمال غربی به خصوص شرق شهر، پل های بزرگ بسیاری به شهر کشیده شده‌اند از جمله پل های بونگ، سانگ، بین فوک، بین تریو، و ـ گن، پل شاهراه رودخانه دونگ نای و پل شاهراه ـ

رودخانه سایگون. ما خبری داشتیم مبنی براینکه دشمن قصد دارد کلیه این پلهای مهم را مین ـ گذاری کرده و برای فرو ریختن دهانه‌ی پل ها ، جهت سد کردن راه پیشروی قوای ما آماده است . اگر این پلها را سریعا" تسخیر نمی کردیم ، تانک ، آتشبار و سلاحهای سنگین تکنولوژیک ما ، با اشکالاتی برای ورود به داخل سایگون روبرو می شدند. فصل باران در این ناحیه ، در اواسط ماه مه آغاز می شود و اگر واحدهای بزرگ قوای ما در جاده‌های اصلی حرکت می‌کردند ، با موانع بسیاری روبرو می‌شدند. سایگون شهری که یک صد سال تحت سلطه استعمارگران فرانسوی و سپس استعمارگران امریکائی قرار داشت ، با رژیم جمهوری دمکراتیک ویتنام در مدتی کمتر ازیکماه از استقلال بهره‌مند گردیده بود. از زمانی که امپریالیست های ایالات متحده قوایشان را برای تجاوز مستقیم به جنوب فرستادند ، سایگون وتمامی جنوب کشور ما به یک نومستعمره بدل گردید. آنان از طریق اعمال و سیاست هایشان ـ بی شرمانه ولی با ظرافت ، پراگماتیک ولی خائنانه ـ سلاح و دلارهای خود را به جنوب سرازیر کردند وکوشیدند تا مردم سایگون را از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و

فرهنگی، به بردگی کشند. امریکائی‌ها ورژیمهای گوناگون سایگون، بنیاد کهن و اخلاقیات خوب خلق ما را نابود ساختند. فحشاء، قمار، بزهکاری، مواد مخدر، دزدی و قتل، در همه‌جا گسترده شد. تقریبا از هر خانواده، یک نفر با فریب یا زور، مستقیم یا غیرمستقیم، به ماشین جنگ، اختناق و بندگی کشانده شد. آنان پول وکالاهای خود را سیل آسا به آنجا سرازیر نمودند تا یک بورژوازی کمپرادور و مقامات نظامی ثروتمند شده وبادکرده را روی خون و استخوان خلق ما ایجاد کنند، آنها آنچنان اقتصاد و جامعه مصرفی را برای ما به وجود آوردند که تماما" به دلار و کشور خارجی وابسته بود. دستگاه جاسوسی سپاه و ماشین جنگ فیزیکی آنها شب و روز به تحریف، فریب وترور مشغول بود، آنها کوشیدند تا مردم را به مخالفت با انقلاب و مقاومت و یا حداقل ترس از آن وا-دارند.

لیکن خلق سایگون - جیادین، در میهن پرستی و ایستادگی در برابر امپریالیسم وغلامان حلقه به گوش او صاحب سنت است. چه بسیارند جان-فشانی‌های پر شکوه، چه بسیارند داستان های قهرمانی خلق که در هر گام زندگی، در کوچه‌ها و

خیابانها ، نهرها و رودخانه‌های سایگون ـ جیادین ثبت کرده‌اند. شعبه حزبی در سایگون، در جبهه‌ای اکنده از خشونت عمل می‌کرد. دشمن دائما" در تلاش بود تا جنبش را از ریشه بر کند. اینک این شاخه حزب ، استوار و پابرجا ، منبع گرانبها و به راستی پربهائی برای ظفرمندی کامل حزب ما بود. آن دسته از رهبران جنبش شاخه سایگون که با ما دیدار داشتند ، حقیقتا" تجسم مبارزه پر رنج لیکن پرشکوه سایگون بودند. در چشم ها و صدایشان، الهامات خلقی می‌درخشید آنسان که می خواست دست به طغیان زند ، رژیم وحشی ووابسته به امریکا را در هم شکند و به صلح،استقلال و آزادی دست یابد.

سایگون ـ جیادین ، راسخ و سرکش ، شجاع و وفادار به مبارزه پر خروش علیه امپریالیستها ، اینک در آستانه به عهده گرفتن مسئولیتی تاریخی بود ، مسئولیت نگارش فصل درخشان و نهایی این حماسه ، در هماهنگی با نیروهای اصلی در سراسر کشور. در مقر سرفرماندهی عملیات ، هرگاه نمایشات مضحکی راکه امریکائیان و رژیم‌سایگون بازیگرانش بودند و نیز صحنه‌هائی از زندگی نکبت بار مردم را بر صفحه تلویزیون تماشامیکردیم

قلبمان بیشتر و بیشتر به تپش می افتاد تا روز گشودن آتش و آغاز نبرد را به پیش بیاندازیم.

در رهنمود تازه‌ای از دفتر سیاسی و لی‌دوان در رهنمود تازه‌ای از دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی به سرفرماندهی هشدار داده بود که تدارکات را چند روز بیشتر ادامه دهیم تا تمامی سپاه اول و سپاه سوم، به اضافه پیاده نظام وواحدهای سازوبرگ تکنولوژیک واردشوندو سپس حملات بزرگ را آغاز نمائیم. از هم‌اکنون تاآغاز زمان تعرض مقیاس بزرگ، جناحهای غربی و جنوب غربی باید فعالیت‌هایشان را افزایش دهند، جاده ۴ را قطع کنید، دشمن را وادار سازید نیروهایش را برای پاسخ به حملات ما پخش کند و مشکلاتی‌برای دشمن ایجاد کند تا دشمن از نیات ما آگاه‌نشود و همزمان با آن بر بی نظمی و اختلال در داخل سایگون بیفزایند. به همراه این عملیات، باید سربازان ساده و نیروهای عملیات ویژه را سریعا به داخل شهر بفرستیم تا بدین ترتیب عملیات‌قوی تری را در کلیه جهات به منظور تثبیت شرایط مناسب برای تعرض بزرگ، اجرا نمایند.

در همان اوقات که کلیه واحدهای بزرگ از شمال، تای نگوین و از ترونگ‌بو مرکزی یکی پس‌از دیگری به سوی نام بود پیشروی می‌کردند،

مقادیر متنابهی مواد و ملزومات، شبانه روزبه مخازن ذخیره و کلیه واحدها حمل شده و حمله قاطعانه به سایگون تدارک دیده می‌شد. واحدهای رزمی جنوب از این لحظه مناسب استفاده کرده و فعالیت‌های پر جنب و جوشی را با مفهوم تازه‌ای از حرکت، آغاز کردند، آنان تجربیات جدید را به کار بسته و تلاشهای عظیمی را به منصه ظهور رساندند. واحدهای منطقه ۸ و منطقه ۹، واحدهای سرباز ساده و جوخه‌های عملیات ویژه. دست به حملات دامنه داری بر علیه دشمن در حومه وداخل شهر زده و خسارات قابل ملاحظه انسانی و مادی، بر دشمن وارد ساختند. این بخش از نیروهای ما چند ناحیه مهم را آزادساختند. پایگاه های پراکنده ما در پشت خطوط دشمن، در لونگ ان، گوکونگ، بن تروچی تو، را به هم مرتبط ساختند و راهروهای متعددی از نام‌بو شرقی، از میان نیزارها، به داخل نام‌بو غربی، باز نمودند. آنان کنترل جاده‌های مهم ارتباطی در امتداد ترعه‌ها و رودخانه‌های مناطق مرزی را به دست گرفتند و از آنها برای حمل و نقل نیرو ها و سلاحهای تکنولوژیک بیشتر، به عنوان نیروی امدادی سود بردند. تمامی استانها هم درگیر

نبرد و هم مشغول صف‌آرایی نیروهای خود بودند. تعدادی از بخش‌ها و استان‌ها نیز سربازگیری را در سطح محلی تشدید کرده و در سطح استان گردان های نیروی محلی ذخیره‌ای و در سطح بخش گروهانهای نیروی محلی تشکیل دادند. دهکده‌ها رسد های چریکی خود را توسعه دادند و برخی از دهات حتی گروهانهای کاملی داشتند. با سلاح و مهمات اضافی که به سطوح محلی فرستاده شد و همچنین مقادیر زیادی سلاح که از دشمن گرفته شد، تمامی واحدهای جدیدا" تاسیس شده، به موقع تجهیز شدند. این گونه فعالیت‌های پی در پی تعدادی از واحدهای اصلی دشمن از هنگ چهار را به خود مشغول نموده و آنان را از دور خارج کرد و همچنین برخی از فعالیت‌های نیروی هوایی و دریایی دشمن را منحرف نمود.

سپاه چهارم که واحد اصلی ما در ناحیه بود، از ۱۰ مارس یک رشته حملات را که در هماهنگی تنگاتنگ با واحدهای تای نگوین بود آغاز نمود. این قوا بسیاری از نفرات دشمن را نابود کرد، بخش فرعی دائوپتنگ، ان لوک و شوفان تان را آزاد نمود، ناحیه بسیار پر ارزشی در شمال ـ سایگون را گسترش داد، لشگر ۲۵ دشمن در ناحیه

ترانگ‌لون ـ تای نین را در تنگنا قرار داد و لشگر ۵ دشمن را که از ناحیه لای خه ـ بن کات، دفاع می کرد تحت فشار گذاشت. از هفته آخر مارس تا اوائل آوریل، سپاه چهارم ما نیروهای خود را از شمال و شمال غربی سایگون سریعا" به مواضعی در شرق دین توان انتقال داد، لام‌دونگ ـ دی لین را آزاد ساخت، آنگاه نیروهایش را متمرکز نموده و حمله بزرگی را بر علیه لشگر ۱۸ دشمن در خوان لوک واقع در استان لونگ خان آغاز کرد.

در ۵ آوریل تیودستور تقویت فوری خط دفاعی فان رنج را صادر کرد و آن دسته از ژنرال‌هایش را که نظر مساعدی به گردآوری پیشرس قوا در اطراف سایگون ـ جیادین داشتند، بعنوان هزیمت جو توبیخ نمود دراین هنگام آرایش دفاعی دشمن در سپاه سه، هنوز به شکل خطوط بسیاری بود که از خارج به داخل نوسان داشتند. لشگرهای پیاده آنها تقویت شده بود. زره پوشها وآتشبار های آنان که با مین، سیم خاردار، و سنگر های ضد تانک، تقویت شده بود کلید دفاعی مناطق را در دست داشتند. همه اینها به همراه سیستم امنیتی و قرارگاههای نیروی دفاع از خود به

صورت یک تار عنکبوت ضخیم، هماهنگ شده بود. بدین ترتیب آنان امیدوار بودند که قوای ما را برای برداشتن هر گام در این مسیر به صرف نیرو و تلاش بی اندازه مجبور نمایند و نتیجتاً به هنگام رسیدن به حومه شهر قوای ما کاملا تحلیل رفته باشد.

در نخستین روزهای آوریل ۱۹۷۵، شهرخوان لوک که سایگون را از شرق حمایت می کرد، به خط دفاعی حساسی برای سپاه سه دشمن بدل گردید، این شهر یکی از استحکامات موجود در پیرامون خط دفاعی امریکا ـ سایگون بود. دشمن تلاش می‌کرد تا خوان لوک را برای سد کردن جاده‌های ۱ و ۲۰، دو جاده از جاده‌هائی که قوای ما برای پیشروی به داخل سایگون می توانستند مورد استفاده قرار دهند، در دست خود نگاه دارد. در آن هنگام قوای ما در جاده ۱ تقریباً تا نزدیکی فان رنج پیشروی کرده بود. نیروهای ما در جاده ۲۰ پس از آزاد کردن لام دونگ، دالات و توین دوک، به کیم تان نزدیک شده بودند. دشمن برای دریافت کمک های امریکا که از راه دریا به سایگون می رسید کوشید جاده ۱۵، از سایگون به ونگ‌تائو را حفظ کند، و این جاده یکی از همان جاده‌هائی

بود که چندی بعد دشمن برای گریختن از آن استفاده نمود. اگر آنها خوان لوک و لونگ خان را حفظ می کردند، خط " بین هوا - نان تراش - باریا - ونگ "، تحت فشار مستقیم قرار نمی‌گرفت و میدانهای فرود بین هوا و تران سون نات، بازهم می‌توانستند عمل کنند. بدین سبب دشمن می کوشید تا این منطقه را به هر قیمتی حفظ کند. سپاه سوم آنها و به ویژه لشگر ۱۸ دشمن، هنوز دست نخورده باقی مانده و هنوز ضربه شدیدی را دریافت نکرده بود. مزدوران سایگونی و ایالات متحده تمامی قوایشان را برای حمایت از خوان لوک - تنها به امید طولانی تر کردن روزهای احتضار - گرد آوردند. آنان آرزو می‌کردند که قادر باشند خوان لوک را حفظ کنند همه چیز را از دست ندهند، کاملاسقوط نکنند و به طور مطلق شکست نخورند.

در ۹ آوریل سپاه چهارم ما، شامل لشگر ۷، لشگر ۳۴۱، لشگر ۶ و نیروهای منطقه ۷، تحت فرماندهی ژنرال هوانگ گام و ژنرال هوانگ تی تین افسر سیاسی، خوان لوک را به زیر آتش گرفت، واحدهای سپاه چهارم ما با تمامی تجربیات رزمی شان، برای نخستین بار با دشمنی مقابله می‌کردند که به انتهای خط رسیده و حاضر

بود جانش را به مخاطره اندازد.

کلیه قوای لشگر ۱۸، نیروی امدادی ازبریگاد سواره سوم و یک رکن از لشگر ۵ که از جاده ۱۳ دفاع می‌کرد و همچنین گردانهای توپخانه مستقیما وابسته به آن، گروه‌های چترباز از سپاه سه و گروه‌های چترباز ازسپاه یک ودوکه فلج شده ولی فرصت تجدید سازماندهی نداشتند، عجولانه وبصورتی نامرتب به خوان لوک اعزام شدند. این آزمون قوا و ژنرال ها به وسیله آمریکا و سایگون بود که در آستانه خطر سقوط قرار داشت.

این هنوز کافی نبود. دشمن، بریگاد یکم چترباز خود را نیز به جبهه خوان لوک فرستاد وبقایای نیروی هوایی را از بین هوا، تان سوت نات وکان تو در بالاترین سطح ممکن بسیج نمود تا بدین — وسیله روز نابودی خود را به تعویق اندازد.لیکن تمامی اینها بازهم کافی نبود. ایالات متحده و سایگون دستگاه جنگ روانی و تبلیغاتی خود رادر قلمروی کشوری و هم در جهان غرب، برای جلب توجه همگان به سایگون و خوان لوک و به منظور " تقویت روحیه " سربازان و فرماندهان خود،به راه انداختند. لومین دائو نامزد درجه ژنرالی و فرمانده لشکر ۱۸ سایگون اعلام داشت که :

" ما نبردی ممتاز و تحسین برانگیز را به پیش برده و به دنیا نشان می‌دهیم تا کمک بیشتری از امریکا دریافت داریم" . لومین دائو به یمن قلمهای گزارشگرانی که به دلار بیش از شرافت احترام گذاشته و امضاء خود را در زیر مقالات گوناگون و بی سر و ته قرار می دادند، دفعتا" به یک " شخصیت قهرمان " - ناجی رژیم تیو- بدل گردید.

نبرد خوان لوک ، از همان روزهای نخستین، خشن و بیرحمانه بود. لشگرهای ۷، ۶ و ۳۴۱ ما مجبور به سازماندهی یورشهای بسیاری بر شهر شدند، آنها شهر را زیر ضربات مداوم خود گرفته و تا انهدام یکایک هدفها به کار خود ادامه دادند و بسیاری از ضد حملات دشمن را دفع نمودند. هنگ ۴۳ دشمن بطور جدی فلج شد. آتشبارهای اردوگاه و واحدهای توپخانه لشگرهای ما ، بایدمقادیر بسیار زیادی از مهمات و گلوله توپ را به مصرف می رساندند. تعدادی از تانک ها و زره‌پوش‌های ما آسیب دیده و برخی دیگر اجبارا" به ایستگاه بازگشتند تا سوخت و مهمات بیشتری بردارند.

طرح های اولیه سپاه چهارم برای ضربه زدن به خوان لوک، نتوانسته بود گسترش و تکامل این

وضعیت پیچیده را پیش بینی نماید و با لجاجت و سرسختی دشمن را ارزیابی نماید. این نبرد پرکشاکش و بیرحمانه تنها بر سر خوان لوک و لونگ خان نبود، بلکه بازتاب مبارزه مرگ و زندگی حکومتی دست نشانده بود. برای طولانی کردن روزهای احتضار خود. ما دیگر نمی‌توانستیم به شیوه‌های پیشین نبردها را سازمان دهیم و فرماندهی کنیم و مانند گذشته به انجام رسانیم. روش جنگی ما باید برای انطباق با اوضاع موجود، تغییر می کرد.

در طی همان روزهایی که سپاه چهارم ما، خوان لوک را زیر حملات خود گرفته بود ما باید به فوریت، طرح های حمله به سایگون و همچنین طرح های هدایت سرفرماندهی محلی و فرماندهی سپاه چهارم برای تغییر سبک رزمی خود را، تکامل بخشیم. ما همچنین سپاه چهارم را با هنگ ۹۵ تقویت کرده و برایشان مهمات و تجهیزات اضافی فرستادیم.

تران وان ترا، مجددا از لوک نین به سپاه چهارم رهسپار شد تا سبک جدید رزمی را به آنان ارائه داده و بر انجامش نظارت کند. ما چنین پیشنهاد کردیم که به مجرد اینکه دشمن قوای خود

را برای نجات خوان لوک گردآورد، ما دیگر نیازی به متمرکز نمودن نیروهایمان و ادامه حملات خود به دشمن نخواهیم داشت. ما باید قوایمان را برای ضربه زدن به واحدهای ضد حمله‌ی دشمن در پیرامون خارجی، جائی که خطوط دفاعی آنها ناکافی بوده و در هماهنگی تنگاتنگ با یکدیگر نباشندو پیش از اینکه دشمن بتواند کاملا" مستقر شود، تغییرمکان دهیم. ما باید از توپخانه دور زن، برای انهدام پایگاه هوایی بین هوا استفاده نموده و آنچنان کنترلی را بر آن اعمال می‌نمودیم که هواپیماهای جنگنده دشمن نتوانند از این فرودگاه بلند شوند.

پس از تصرف توک ترونگ و کیم تان و انهدام هنگ ۵۲ از لشگر ۱۸ سایگون، به پیشروی درامتداد جاده ۲۰ به سوی تقاطع دائوجیای ادامه داده و بخشی از جاده ۱ را کاملا" در اختیار گرفتیم، یک تانک دشمن را از کار انداختیم و تیپ ۳ سواره دشمن را که از بین هوا برای امداد روانه شده بود، عقب راندیم. اکنون خوان لوک از سایگون جدا شده بود. شهر و مقر فرماندهی هنگ ۴۸ دشمن هنوز زیر آتش توپخانه ما قرار داشت، و در بائوکا تیپ سوم سواره آنها همچنان در

محاصره قوای ما بود، و قادر به حرکت نبود. سپاه چهارم برای از کار انداختن تدریجی مواضع آتشبارهای دشمن، و پاکسازی هرعنصرهنگ ۴۸ و تیپ یکم چترباز که در همان موقع برای امداد روانه شده بود، از توپخانه خود استفاده کرد.

در ۱۹ آوریل، جناح شرقی قوای ما پیشروی خود را آغاز نمود و به همراه قوای منطقه ۶، نان تیت را آزاد ساخت. روز بعد قوای پیشاهنگ ما در جاده ۱ به رونگ‌لا، محلی در نزدیکی خوان لوک رسید. آنشب، ۲۰ آوریل، کلیه قوای دشمن در خوان لوک، که با خطر محاصره ونابودی کامل روبرو بودند، مجبور به ترک شهر شده و بصورتی نامرتب و غیرمتشکل از راه جاده بین ایالتی شماره ۲ به سوی باریا می‌گریختند. که در طول جاده مرتیا" با راه بندان و حملات ما مواجه می‌شدند، تعداد بیشماری از وسائل نقلیه و عراده توپ، به علاوه مقادیر زیادی سلاح و مهمات خود را به جای گذاشتند.

بدین ترتیب برخی روزنامه نگاران غربی‌اجبارا به سردبیران خود تلگرافاتی مخابره نموده و خواستار دور انداختن مقالاتی شدند که در عصر همان روز فرستاده بودند و این به اصطلاح برای

" وفق دادن اخبار با اوضاع " بود. ایستگاه رادیوئی نظامی سایگون ، بیشرمانه به تلاشهائی برای تقویت روحیه بقایای لشگر ۱۸ که در جنگل های ناحیه باریا پنهان شده بودند، ادامه می‌داد. ژنرال سایگونی نگوین وان توان ، فرمانده سپاه سه ، برای مذاکره پیرامون یک خط دفاعی از " کوشی " تا غرب ، به کوشی رفت و همزمان با آن قوایی را برای حفظ خط " بین هوا لونگ" ، " بین لونگ تان " به سوی شرق اعزام داشت.
اکنون خوان لوک آزاد شده بود. دروازه شرقی سایگون باز شده و آماده‌ی استقبال از نیرو های سپاه دوم و چهارم و لشگر ۳ از منطقه ۵، برای نبرد تعیین کننده استراتژیک و نهایی بود.

لشگر ۳، آماده‌ٔ پیشروی بطرف" باریا " و " ونگ تائو " شد. بدین ترتیب قبل از تاریخ آغاز تعرض همه جانبه به سایگون - جیادین ، جناح شرقی قوای ما ، سودمندترین موضع را برای حمله ما تثبیت نمود.

ما نیروئی را از جنوب غربی سایگون به ناحیه بن لوک در استان لونگ ان اعزام نمودیم تا مدخل هایی از تای نین و کین تونگ را بگشاید، کار باز کردن نواحی بن کائو ، بن سوی وکئوبا را

به پایان رساند، کنترل قسمت غربی رود "وام کو" را به دست گیرد و به پیشروی خود به سوی ناحیه تان آن ـ توتوا، ادامه دهد. این قوا، سپس باید به جاده ۴ نزدیک شده و خودروهای دشمن را که در این جاده حرکت می‌کردند مورد حمله قرار می‌داد، قرارگاههای کوچک حول و حوش را از وجود دشمن پاک می‌کردو منطقه‌ای را که باید به عنوان تخته پرش نیروهای ۲۳۲ ما برای حمله به سایگون از سمت جنوب غربی عمل می‌کرد، آزاد سازد.

تانک ها، وسایل نقلیه آب ـ خشکی، آتشبارهای ۸۵ میلیمتری با برد کم آتشبارهای خودکار ۱۲۲ میلیمتری و حتی آتشبار ۱۳۰ میلیمتری، به همراه گردان های ضدهوایی ، لشگرهای پیاده ۵، ۳، ۹ و ۸، هنگهای مستقل ۱۶، ۸۸ و ۲۴ و صدها تن مهمات و سوخت، به مکانهای تعیین شده وارد شدند. مواضع موشک انداز و خمپاره اندازها به سرعت در اطراف میدان فرودکان تو آماده گردید و در انتظار فرا رسیدن روز حمله به جائی که پس از بسته شدن تان سون نات و بین هو، آخرین پایگاه هوایی دشمن محسوب می‌شد، باقی ماندند.

استقرار مواضع ما در جنوب غربی سایگون به راستی کار برجسته‌ای از طرف خلق و ارتش ما در

نام بو شرقی به شمار می‌آمد، زیرا وضعیت جغرافیائی این ناحیه آرایش نیروی بزرگ، به ویژه سلاحهای سنگین تکنولوژیک را مشکل کرده بود. ما به دهها هزار گلوله‌ی توپ نیاز داشتیم، گلوله‌هائی که باید روی شانه و یا به وسیله قایق های کوچک حمل می‌شدند. جاده‌های معدودی برای عبور توپخانه موتوری وجود داشت، در واقع می‌توان گفت تنها راه، عبور آنها از زمین‌های باتلاقی روباز بود. آتشبارها باید در طرفین جاده‌ها، مستقر می‌شدند. تنها وسیله ارتباط سرفرماندهی عملیات با جناح جنوب غربی، رادیو بود. همچنانکه زمان به پیش می رفت وظیفه تثبیت مواضع برای جناح جنوبغربی باز هم فوریت بیشتری می‌یافت. تدارک پل ها، قایق ها و جاده‌ها، حمل و نقل ملزومات و غیره باید کاملا در خفا انجام می‌گرفت تا بتوان شبیخون بزرگی از این جناح بر دشمن زد.

در جنوب غربی سایگون، لشگر ۲۵ دشمن هنوز تای نین را حفظ کرده بود. در واقع آنها در موضعی قرار داشتند که اگر تای نین را حفظ می‌کردند مرگ در انتظارشان بود و اگر رهایش می ساختند، باز هم نابود می‌شدند. پلیس وکلیه دفاتر دولتمزدور در تای نین تمامی اسناد و

مدارک بایگانی شده را سوزاندند و جملگی به سایگون گریختند. ما برای تمام کردن کار تای نین به این شهر حمله نبردیم بلکه مجبوربودیم قوای دشمن در آن ناحیه را مشغول نمائیم تا نیروهای لشگر ۲۵ دشمن در این شهر پراکنده نشده و تدریجا" به نواحی اطراف سایگون عقب نشینی ننمایند. سپاه سوم ما برای عبور از رودخانه سایگون و قطع بخشی از جاده " تراو" و " بائو فائو " به گودائوها ، از یک هنگ لشگر ۳۱۶ استفاده نمود و به دشمن اجازه حرکت به سمت بالا وپائین را نداد. نیروهای محلی ما در تای نین واستان های بین دونگ ، قرارگاههای نیروهای امنیتی و نگهبانان غیرنظامی را محاصره نموده و دشمن را از پای درآوردند، و ترانگ لون را به توپ بستند. با شلیک ۲۰،۰۰۰ گلوله‌ی توپ ۱۰۵ میلیمتری و نزدیک به ۵۰۰۰ گلوله ۱۸۵ میلیمتری دریک حمله لشگر ۲۵ دشمن در امتداد جاده ۱ و ۲۲، پخش شده بود. واحدهای سرباز ساده و عملیات ویژه ما با صف بندی در شهر و حومه، به سایگون نزدیک تر شده و مخفیانه در مواضع تعیین شده ، جای گرفتند.

در همین زمان، پایگاه هوایی بین هوا، بدون

داشتن حتی یک روز استراحت ، به وسیله سربازان و خمپاره اندازها و آتشبارهای دورزن ما ، زیر حملات و آتش شدید توپخانه قرار گرفت و نتیجتا " دشمن برای فرار سیل گلوله های ما ، شبانه هواپیماهای خود را از بین هوا به تان سون انتقال داد. بدین ترتیب ما تدریجا " پایگاه هوایی بین هوا را فلج کردیم . سپس به سرعت قدرت آتش خود را برای ضربه زدن به آخرین دو میدان فرود باقی مانده ، تان سون نات و کان تو ، تغییر دادیم تا قابلیت رزمی نیروی هوایی دشمن را تضعیف نمائیم ، روحیه نفرات آنان را در هم شکنیم ، طرح های " پناهندگان " را خنثی کنیم و بالاخره شرایط مساعدی را برای حمله به سایگون - جیادین تثبیت نمائیم .

صبح ۸ آوریل مشغول کار بودیم که خبر رسید ، یک افسر خلبان میهن پرست ، با یکی از هواپیماهای اف-۵ ئی دشمن ، " کاخ استقلال " * را بمباران کرده و سپس به منطقه آزاد شده پرواز نموده و به سلامت در میدان فوک لونگ بر زمین نشسته است . او ستوان یکم هوایی نگوین تان ترونگ ، ازبن تر

---

* مقر حکومت دست نشانده تیو درسایگون .

بود، یکی از اعضای حزب ما که مدتی درازمخفیانه در نیروی هوایی سایگون کار کرده بود. اوفرزند یکی از اعضای کمیته حزبی بخش بود که زندگی‌اش را فدای مبارزه انقلابی کرده بود.

طبق گفته نگوین تان ترونگ، نیروی هوایی سایگون فقط ۱۲۰ فروند هواپیمای آ-۳۷ و ۷۰ فروند اف-۵ دراختیار داشت، و توانائی انجام ماموریت طبیعی این هواپیماها تنها دو سوم آن مقدار بود. دشمن با بسیج کامل هواپیماهای خود تنها ۱۲۰ پرواز در روز می‌توانست انجام دهد. او به ما گفت‌که در به توپ بستن پایگاه هوایی بین هوا نیازی به آتش لاینقطع نیست،یک شلیک در هر نیم ساعت‌کافی می‌باشد، زیرا پس‌از هر شلیک‌آتشبارها، نیم ساعت‌به طول می‌کشد تا خلبانها از پناهگاهها و هواپیماهای خود خارج شوند. بدین ترتیب ما، می‌توانستیم به نتایج خوب‌رسیده در استفاده از گلوله نیز صرفه‌جویی کنیم. در این زمان فکری به مغزمان خطور کردو به فرماندهی کل پیشنهاد کردیم که به مااجازه دهند نگوین تان ترونگ را فورا به دانانگ‌بفرستیم تا تعدادی از خلبانان جنگی ما را برای پرواز با هواپیماهای آ-۳۷ های آمریکائی - که‌چندین

فروند از آنها را از دشمن به غنیمت گرفته بودیم ـ آموزش داده و یک جوخه‌ی آ ـ ۳۷ را تشکیل دهد تا در صورت لزوم مورد استفاده قرار گیرد.

واحدهای نقب‌زن ما در جبهه سایگون ـ افرادی باهوش، زیرک و رزمندگانی دلیر که خدمات برجسته‌شان در سراسر میهن بازتاب وسیعی داشته پیش از آغاز عملیات، در شش گروه که تحت یک فرماندهی مشترک قرار داشتند تجدید سازمان یافتند. گروه ۱۰ مستقر در نابی و لونگ تائو آماده حمله به کشتی‌های دشمن و قطع راه دریایی از لونگ‌تائو به دریا بود. گروه ۱۱۶ در " نوک ترونگ " و "لونگ بین " مستقر شد. گروه ۱۱۳، در ناحیه "بین هوا" مشغول بود. گروه ۱۱۵ درلای تیو و کوان‌تر منتظر دستور برای ورود به سایگون بود. گروه ۱۱۷ درون توم وباو، بود انتظار فرمان حمله به سایگون از غرب را می‌کشید. گروه ۴۲۹ آماده‌ٔ حمله به مواضع توپخانه دشمن در مناطق ۸ و ۹ بود. رزمندگان عملیات ویژه ما در سایگون با شهرت به سزائی که در جنگ‌های مخفیانه و دلیرانه داشتند، به دفعات امریکائی‌ها ونوکرانشان را به وحشت انداخته بود. آنها به هتلهای امریکایی سایگون، مانند کاراول، برتیکز، ویکتوریا و

متروپل و اداره کل پلیس وسفارت امریکا حمله برده کشتی‌های دشمن در رودخانه سایگون را غرق می‌کردند و بارها " کاخ استقلال "، میدان فرود تان سون تات و جشن های " ملی " حکومت دست نشانده را گلوله باران کرده بودند. امروز نیروهای بزرگتر و قوی تر آنها در مواضع مستحکمی در داخل وخارج شهر قرار داشتند. در خارج شهر، چهار گردان و جوخه‌های عملیات ویژه بسیاری وجود داشت، و در داخل شهر نیز ۶۰ هسته عملیاتی ویژه، ۳۰۰ نفر غیرنظامی مسلح و نیرویی بزرگ از مردم که تحت سازماندهی و رهبری قوای عملیات ویژه قرارداشتند، موجود بود. نیروهای مسلح واحد شهری سایگون - جیادین نیز کاملا" نیرومند بودند. در نایی ، " بین شان " جنوبی، " بین شان " شمالی، " تان بین " ، " هونگ مون " ، " گو واپ " و بخش های دیگر، یک رسد از قوا در هر محل موجود بود ولی برای شرکت در این عملیات هر محل، نیروهای خود را به یک یا دو گروهان افزایش داده بود. تودوک یک گردان نیرو داشت : کوچی از آن هم قوی‌تربود. واحدهای شهری، شامل هنگهای اصلی که از قبل در جیادین موضع گرفته بودند نیز می‌شد. همه اینها بدون احتساب کادرها و مبارزینی بود که وظایف

ویژه‌ای را در طول سالهای متمادی در شهر بعهده داشتند، در ادارات دشمن فعالیت می‌کردند، اطلاعات و اخبار جالب و به موقعی را به‌ما می‌رساندند و همگی در انتظار روزی بودند که واحدهای بزرگ ما به شهر وارد شوند.

کمیته حزبی شهر سایگون ـ جبادین، صدها هزار جزوه چاپ و پخش می‌کرد و واحدهای تبلیغاتی پیشاهنگ تشکیل می‌داد. روحیه پرخروش توده‌ها، روحیه آشفته دشمن را، آشفته‌تر و متزلزلتر کرد و در ماشین کنترل ارکان دشمن، شکاف دیگری ایجاد نمود. ما در عرض چند روز، صدها کادر اضافی و اعضای مسلح واحدها را به مرکز شهر فرستادیم. در داخل سایگون دهها عضو کمیته حزبی شهری و کادرهای همردیف، اعضای کمیته‌های ویژه حوزه، صدها عضو حزب، هزاران عضو سازمانهای گوناگون توده‌ای و دهها هزار تن از مردم بودند که می‌توانستیم آنها را برای سرازیر شدن به خیابانها بسیج نمائیم. زیربنای سیاسی ما در هربخش شهر موجود بود، تعدادی چاپخانه بزرگ و کوچک را در اختیار داشت، صدها ماشین را با بلندگو مجهز نموده و آماده کرده بود و دهها هزار مترپارچه به خیاطها سپرده بود تا پرچم بدوزند. کادرهائی

که آماده اداره شهر می‌شدند، درست به حومهٔ شهر نقل مکان کردند.

برای انجام رهنمود دفتر سیاسی، COSVN و کمیته نظامی محلی، طرحهای تعرض‌عمومی و تدارکات مربوط به قیام تمامی ب-۲، را مورد بحث و تصویب قرار دادند. در همان زمان، ووان کیت، به سمت دبیر کمیته حزبی شهر سایگون - جبادین منصوب شد تا مستقیما به کار پرداخته و توجه خاصی به امر سازماندهی و رهبری طرح های یک قیام توده‌ای، در هماهنگی با حمله واحدهای اصلی ما به شهر مبذول دارد.

بدین ترتیب، پیش از اینکه نخستین گلوله در تعرض همه جانبه به سایگون شلیک شود، ما مواضع میدانگاه نبرد در اطراف شهر را از هر سمت وسو تثبیت کرده بودیم. از شرق، ما جاده ۱ را کاملا قطع کرده و به ترانگ بوم نزدیک شدیم و آماده قطع جاده ۱۵ و رودخانه لانگ تائو و تحت کنترل درآوردن ونگ تائو، بودیم. میدان فرود بین هوا را نیز از کار انداختیم. از غرب وجنوب غربی، نیروهای منطقه ۹ ما، به کای ون و جنوب کان تو، نزدیکتر شدند. مهمتر از همه، قوای ما به جاده ۴ - خط حیاتی سایگون به دلتای مکونگ - نزدیک

شدند. واحدهای وابسته به منطقه ۸، فعالیت‌هایشان را در لانگ آن جنوبی توسعه داده وآماده قطع جاده ۴ و ترعه "چوگائو" شدند. واحدهای بزرگ اردوگاه عملیاتی نیز تدریجا حرکت نموده و در مواضع خود مستقرشدند. سپاه چهارم پس از تصرف خوان لوک، به ترانگ بوم نزدیک شد و سپاه دوم ما به نزدیکی لانگ تان، ونگ تائو، نوک ترونگ و باریا در جنوب شرقی، نقل مکان نمود. نیروی ۲۳۲، به نزدیکی خط امتداد رودخانه وام کو شرقی و هوانگیا، پیشروی کرد. لشگر پنجم و هشتم در کنار جاده ۴ بین تان ان و کای لای، در نزدیکی می تو مستقر شدند و دو هنگ پیاده نظام ما در کان دوک و کان گیوک، در جنوب حوزه ۸ سایگون، جای گرفتند. از شمال غربی و شمال، منطقه آزاد شده‌ای را که از لوک نین تا فوک‌لونگ گسترده بود، توسعه دادیم. سپاه اول ما به نواحی تجمع در جنوب رودخانه بی و سپاه سوم به داخل ناحیه دائوتینگ پیشروی کردند.

مدخل های بین هر یک از جناحها در تمامی جهات، کاملا" باز بود. جاده های عملیاتی و استراتژیک بدون وجود شکافی عمیق به هم مرتبط بوده و حرکت سریع خودروهای ما را تضمین می‌کردند.

در دهه‌های مقاومت، این نخستین بار در نام بو، بود که کامیون های بخش لوجستیکی محلی و اداره‌های لوجستیک کلیه مناطق، می‌توانستند سرتاسر راه را از شرق به سوی جاده ۲۶ بین ایالتی در کوچی، طی کرده به سمت "بین کو" و "بین می" درشمال تان ین، حرکت نمایند و یا مستقیما" از طریق لونگ خان و باریا به راه خود ادامه دهند. نیروهای رهبری حزب و دولت انقلابی به نواحی خارج شهر رسیدند و برخی از عناصر برای تدارک قیام توده‌ای و اداره شهر پس از پیروزی، به‌شهر وارد شدند. خلق ما بر اوضاع سایگون مسلط بودو اوضاع شهر را روزانه به سرفرماندهی عملیات گزارش می‌کرد.

یک گروه از کادرها و مبارزین، در تمامی‌این روزهای پرجنب و جوش در جنوب، در تان سون، باقی ماند. این هیئت نظامی ما در کمیسیون مشترک نظامی دو حزب تحت فرماندهی ژنرال هو خوان ان (هوانگ ان توان) بود. آنها مرتبا گزارش اطلاعاتی روزانه را تهیه می‌کردند و در آن روزها ـ اگر چه ما نقشه‌هایمان را به آنان مخابره نکرده بودیم ـ خود حدس زدند که ما در فکر حمله به سایگون هستیم. آنان نزدیک به سه

سال در محاصره قوای دشمن زندگی کرده و موضع مبارزاتی‌شان را دلیرانه حفظ نمودند و هرگز به دشمن تسلیم نشدند. آنان کلیه رهنمودهای مافوق هایشان را سریعا" و دقیقا" به انجام رساندند و گزارشات به موقعی از اخبار محلی و احساسات توده مردم، از تمامی محافل خلقی و همچنین اطلاعاتی درباره دشمن ـ که از چندین طرق مختلف و همچنین از بازدید و تجسس شخصی آنان گردآوری میشد ـ به ما می رساندند. این هیئت، پس از ملاحظه هواپیماهای متعدد دشمن که از هر جا به تان سو بازگشته و درست در جنب مقر زندگی آنان بر زمین می‌نشستند، تلگرافی به ما مخابره کرده و پیشنهاد نمودند که ما میدان فرود را به توپ ببندیم. در قسمتی از تلگراف چنین آمده است:

ما پناهگاههای زیر زمینی حفر کرده و موضع جنگی خود را در اینجا با قدرت تمام حفظ خواهیم کرد. اگر دشمن سرسختی نشان داد، با توپخانه آنان را زیر آتش سنگین توپخانه خود بگیرید و ابدا" نگران حضور ما در اینجا نباشید. ما آماده‌ایم تا در راه پیروزی کامل عملیات، به خاطر پیروزی کامل انقلاب، قربانی شویم. این برای ما افتخاری بزرگ است.

اقامتگاه آنان، که توسط حکومت سایگون بنا شده بود، دارای ساختمان هائی بود با سقف ساخته شده از ورقه‌های فلزی، کف خاکی و دیوارهای چوبی، و در پیرامون محوطه ساختمانها حصاری از سیم خاردار وجود داشت. در چنین وضعیتی حفر تونل های فردی (اصطلاحا "سوراخ روباه" نامیده می‌شد) و سپس توسعه آن به تونل های ارتباطات و دالان های زیر زمینی رزمی بسیار مشکل بود. آنها مجبور بودند در شب به حفر دالانهای زیر زمینی بپردازند آنها بیل یا کلنگ نداشتند و باید از تیرهای حصار محوطه و چاقو برای این کار استفاده می‌کردند خاک خارج شده را یا روی کف ساختمانها پخش کرده و سپس آنرا می‌فشردند و یا در گونی ریخته و با البسه روی آنرا می‌پوشاندند و در انبارک ذخائرشان می‌گذاشتند. هنگامی که فرصت معاوضه تعدادی از کارکنان "کمیسیون مشترک نظامی" که در روز ضربه زدن به بان می توت به دام افتاده بودند به دست آوردیم، تصمیم گرفتیم برخی از رفقای هیئت را که واقعا "برای عملیات لازم بودند، از شهر خارج کنیم. بقیه افراد هیئت و از جمله سرپرست آن در همانجا باقی ماندند. و هنگامیکه طرح به توپ بستن تان سون نات را ترسیم می‌نمودیم

مکررا" به مسئولین درباره محل این هیئت اخطار کرده و خوارستا رعایت امنیت آنها شدیم. درسراسر جبهه نبرد که برای تدارک عملیات هوشی مین‌شکل گرفته بود، رفقای ما در تان سون نات وضعیت ویژه‌ای داشتندو باغرور و افتخار در انتظار دشمن موضع گرفته بودند. این موضع نه تنها سمبلی از انقلاب و ضرورت سیاسی آن بود بلکه حزب‌را یاری می‌داد تا درک بهتری از احساسات درباره آزادی‌به دست‌آورد و به ما کمک‌کرد تا دشمن را دربحبوحه روزهای مرگش بهتر درک کنیم. مطمئنا" درآن روزها و شبهای پرتلاطم، این رفقا با اضطرابی بیش از هر کس‌دیگر در انتظار ورود قوای ما به شهر بودند.

پس از حمله به سایگون در روزهای تت مائوتان در سال ۱۹۶۸، دشمن ما را به باد تمسخر گرفته‌و لاف می‌زد که : " ویت‌کونگ‌ها دیگر هرگز قدرت حمله به سایگون را نخواهند داشت". و امروزکه ما مواضع خود درمیدان نبرد را می‌نگریستیم و، قوائی که در هماهنگی نزدیک با نیروهای ما در داخل و خارج سایگون بودند و نواحی عملیاتی مستحکمی راکه‌تسخیرکرده‌بودیم می‌دیدیم، و همچنانکه هدف‌هایی که در وهله نخست باید زیر

آتش توپخانه‌ها قرار می‌گرفتند، تعیین می‌کردیم، زمان عملیات را محاسبه و وظایف نهایی پیش از فرارسیدن ساعت "هـ" - زمان شروع نبرد نهایی و همچنین مهمترین ساعت در تاریخ خلق ما در مدتی بیش از یکصدسال - را به انجام می‌رساندیم، بسی خرسند و شادمان بودیم و احساس غرور می‌کردیم.

جسارت غافلگیری پیروزی مسلم

در روزهائی که هنوز در تای نگوین بودیم، پس از اطلاع از مصوبه دفتر سیاسی مبنی بر آغاز حمله به سایگون پیش از فصل باران، ما به فکر بررسی شیوه‌های گوناگون برای حمله به سایگون افتادیم. در آن هنگام ما هنوز درک مشخصی از اوضاع دشمن، وضع پستی و بلندی زمین‌های منطقه و یا از شرایط سازمان‌های انقلابی و جنبش‌های موجود در شهر نداشتیم. با این وجود، در رابطه با این ماموریت، درسهای عمده و مهمی را که از تجربیاتمان در گذشته، از سر در گمی استراتژیک دشمن و روحیه به شدت تضعیف شده وی گرفته بودیم، کوشیدیم تا سبک حمله را در نظر خود مجسم کنیم، آیا سبک حمله، شباهتی به سبک مورد استفاده در بان می‌توت خواهد داشت یا نه، اگرچه مطمئناً می‌دانستیم که در این شرایط جدید، اوضاع پیچیده‌تر شده و عملیات در مقیاسی بزرگتر انجام می‌گیرد و بالطبع به سطح عالیتری از سازماندهی نیاز داشت. به خاطر نقش مهم و تعیین کننده این عملیات در جنگ انقلابی، به سبب تغییراتی در توازن نیروهای ما

و دشمن، و به خاطر عناصر حساسی که ظاهر شده بود، تدارکات باید در جبهه‌های متعدد و با بیشترین فوریت به انجام می‌رسید، به ویژه کار سازمان دادن فرماندهی و همچنین سازماندهی و هماهنگی تنگاتنگ و حقیقی در میان کلیه‌نیروهای شرکت‌کننده در این حرکت تعرضی، برای تضمین پیروزی قاطع ضرور بود.

طبیعتا" این حمله به سایگون، نمی‌توانست نسخه‌برداری مکانیکی از یک الگو یا مدل باشد. مهمات ما در کارها باید تکامل بیشتر وخلاقیت بیشتری می‌یافت. ولی اینکه این خلاقیت،تکامل بخشیدن به‌آن وسازماتدهی لازم چگونه‌باید می‌بود، ما مجبور بودیم بر جزئیات واقعی شرایط تکیه نمائیم.

این پرسش‌ها و افکاری از این دست به ویژه از روزی که نقشه سایگون را از قسمت تهیه‌نقشه دشمن در بان می توت به دست‌آوردیم، کاملا" در ما رسوخ کرده بود. ما گزارشات هفتگی‌وماهانه‌ای را از فرماندهی محلی و کمیته شهری حزب در سایگون دریافت می‌داشتیم، این گزارشات درباره اوضاع نظامی، سیاسی و اقتصادی وهمچنین وضعیت مبارزاتی تمامی طبقات خلقی برای‌کسب رفاه ،

دمکراسی و وحدت مسالمت آمیز بود. ما تمامی گزارشات واحدهایی راکه درسال ۱۹۶۸ به سایگون حمله کرده بودند و همچنین گزارشات اخیر سرهنگ ولانگ، کادر فرماندهی محلی که برای ارائه طرح های سرفرماندهی برای عملیات تابستانی - بهاره به تای نگوین آمده بود، مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به این اطلاعات، ما اساس بهتری برای درک اوضاع سایگون داشتیم، و بدین ترتیب تدریجا می‌توانستیم طرحهایی برای آزاد ساختن این شهر ترسیم نمائیم.

در راه خود بسوی منطقه ب-۲، درماشین نشسته و به شیوه‌های حمله فکر می‌کردم و هرگاه چیزی را به یاد نمی‌آوردم، ازهوانگ دوک می‌پرسیدم - مثلا اینکه عرض و عمق رودخانه‌های اطراف سایگون چقدر است، آیا جمعیت شهر به ۴میلیون تن رسیده است، یا اینکه ژنرال فرمانده لشگر ۲۵ در سایگون چه کسی است - از هوانگ دوک خواستم که وراً" تلگرافی به منطقه ۶ مخابره کند تا آنان خصی را برای تهیه نقشه‌های شهر سایگون وارسال ریع نقشه‌ها به منطقه ب-۲ و نیروی آ - ۷۵، ه دالات بفرستند. پس از رسیدن به ب-۲ وپس ز اینکه سه روز تمام به گزارشات مفصل ستاد

محلی درباره کلیه جنبه‌های اوضاع در سایگون گوش فرا دادیم و به خصوص پس از ملاقات با COSVN و کمیته نظامی محلی و استماع تحلیل عمیق و همه جانبه آنها از مشخصات ویژه سایگون، ما پایه و اساس مستحکمتری برای گفتگو درباب طرحهای تعرض عمومی، بدست آوردیم.

در تمامی مدت مذاکرات با افراد سرفرماندهی وکادرهای مسئول شعب گوناگون، زمانی که به تنهائی کار می‌کردیم، پیش از رفتن به رختخواب، و حتی هنگامی که در نیمه‌های شب بیدار می‌شدیم، وضع جغرافیائی و نقشه پستی و بلندی سایگون- جیادین به‌صورتی پایدار در ذهن مان بود. نقشه سایگون - جیادین با شبکه‌ی راه‌ها، رودخانه‌ها، ترعه‌ها، پل ها و دفاتر غیرنظامی رژیم وارتش دست نشانده تدریجا " در حافظه ما حک شده بود. بسیاری از ما در سرفرماندهی، از جمله خود من هرگز به سایگون پا نگذاشته بودیم ولی پس از یک دوره طولانی بحث و گفتگوی زیاد و پس از گذراندن روزهای بسیاری که چشمهایمان به‌نقشه‌های سایگون - جیادین دوخته شده بود - و حتی خیره شدن به نقشه‌هایی که برای فروش به توریست‌ها چاپ شده بود - نام بسیاری از خیابان‌ها، کلیه

پلها، نواحی پر ساختمان و دکانها، انبارها و بارانداز‌ها را بخاطر سپردیم و اگرچه هنوز دورنما، رنگهای مشخصه جاده‌ها یا معماری مخصوص ساختمانها را به درستی نمی‌شناختیم ولی می ـ توانستیم فواصل، طول و عرض، ناحیه و دیگر مشخصات این گونه مکانها را تشخیص دهیم. اکنون ما بدون مراجعه به نقشه می‌توانستیم در باره وضعیت سایگون گفتگو نموده و بر روی آن کار کنیم، در حالی که در بدو ورودمان به ب ـ۲ هرگز قادر به چنین کاری نبودیم. بررسی آرایش دفاعی دشمن در منطقه سایگون از روی نقشه و تلفیق این یافته‌ها با گزارشات روزانه ستاد و افراد بخش اطلاعات نظامی افکار مرا به خود مشغول داشته بود. موضع لشگرهای پیاده دشمن، از جمله لشگرهای ۵، ۲۵، ۷، ۱۸ و ۲۲ (این لشگر درست پس از شکست فضاحت بارْ آنها در بین دین، مجددا" تشکیل شده بود، و همچنین تیپ‌های چتر باز، تیپ ۴۶۸ دریایی، بریگاد ۳ زرهی سواره و محلهای سرفرماندهی‌های ستاد کل دشمن، سر ـ فرماندهی ویژه منطقه پایتخت، میدان فرودتان سون نان و غیره، اگرچه چیزی به جز علامات سیاه و سبز رنگی روی نقشه نبودند ولی ذهن ما را

اشغال نموده بود. با روشن تر شدن این اطلاعات من می‌توانستم موقعیت دشمن و حالات روحی وی را نزد خود مجسم کنم، و حتی از وضع زندگی و خصوصیات فردی ژنرالهای سایگون، افسرانی که واحدها را فرماندهی می‌کردند، آگاه شوم.

فرآیند گفتگو و تصمیم‌گیری در مورد طرح حمله به سایگون، فعالیت ذهنی شدیدی را برای سر - فرماندهی عملیات ما به همراه داشت، زیرا زمان باقی مانده کوتاه بود، اوضاع و شرایط شتابان دگرگون می‌شدو مسائل بسیاری وجود داشت که صرفا نظامی نبوده بلکه به جنبه‌های سیاسی،دیپلماتیک ، اقتصادی، فرهنگی، روانی و مسائلی از این دست مربوط می‌شد، مسائلی که به تفکر دقیق و محاسبه و سنجش همه جانبه نیاز داشت.

دومساله اساسی در طرح حمله به سایگون ، شیوه حمله و هدف‌های حمله بودند. دفتر سیاسی نیز درباره این دومساله تلگرافی به ما مخابره کرده و آن دسته از ما که در نزدیکی سایگون فعالیت داشته و در مقابل دفتر سیاسی حزب مشغول بودیم، شب و روز به آن فکر می‌کردیم.مامی‌دانستیم که در سایگون - جیادین، بیش از ۳/۵ میلیون تن از هم‌میهنان ما ، تحت سلطه رژیم استبدادی تیو

ـ آمریکا زندگی یکنواختی داشته و عموما" در آرزو و انتظار روز آزادی هستند. برخی ازمردم شهر، اگرچه تعدادی اندک ،تحت تاثیر شیوه زندگی در رژیم نو استعماری قرار گرفته بودند. بعضی از آنها عزیزانی در صفوف ارتش و دولت سایگون داشتند و در آن شرایط بشدت نگران و مضطرب بودند، و در این زمان که پایه‌های رژیم مزدور می‌لرزید و به سقوط نزدیک می‌شد، آنها به سرنوشت خود و عزیزانشان می‌اندیشیدند. وازآنجا که امریکاـ ئیان و نوکران آنها تبلیغات عوام فریبانه و تحریف شده‌ای را ارائه می‌دادند و بسیاری از حقایق را از مردم پنهان می‌داشتند، مردم قادر به تشخیص حقایق از دروغها نبودند. این مردم نگران زندگی خود و خانواده‌هایشان بودند، و هنوز قادر به درک انقلاب و سیاست‌های صحیح انقلاب نبودند. سیاست‌هائی که رهبران سایگون و ایالات متحده در واپسین روزهای سلطه خود، هرآنچه در توان داشتند برای تحریف و وارونه‌ـ جلوه دادن این سیاست‌ها با عناوینی همانند: " حمام خون "، " تلافی جویی "، " اردوگاههای کار اجباری " و " شستشوی مغزی "، بکار گرفتند. چگونه باید به سایگون حمله می‌کردیم تا به

پیروزی سریع و قاطع دست یابیم، رژیم ارتجاعی را تماما" سرنگون کنیم، سراسر نظام سازمانی ارتش و حکومتی را از مرکز تا پائین ترین سطوح در هم شکنیم، ماشین جنگی نوکران مزدور را که ماهیتا" جنگ طلب، ارتجاعی و علاج ناپذیر بود خرد کرده و خواستهای تجاوزکارانه امپریالیستهای ایالات متحده را تماما" نقش بر آب نمائیم؟ واینکه چگونه می‌توان بدین هدف رسید، بدون اینکه رنج و ویرانی بسیاری را بر شهر تحمیل نمائیم و میلیون‌ها تن هموطن ساکن این شهررا از آن زندگی نکبت بار آزاد نموده و بدون تحمل خسارات جانی و مالی زیاد، زندگی آنان را به حال عادی باز گردانیم؟

مشگل دیگر ما این بود که صدها هزار تن از سربازان سایگون همگی ویتنامی بودند. آنان جوانان، دانش آموزان، کارگران، دهقانان و صنعتگرانی بودند که اکثرا" از خانواده‌های کارگری بودند، خانواده و زندگی داشتند لیکن از آنجائی که رهبران مرتجع، آنان را فریب داده یا وادار به این کار کرده بودند، اکثرا" به راه غلطی افتاده، علیه هموطنان خود و انقلاب سلاح برداشته بودند. این سربازان خواستار صلح و گریزان از مزدوری و

و اجیر شدن بودند. آنها خواستار بازگشت به نزد خانواده‌هایشان بودند، می‌خواستند که با عزیزانشان یکی شوند و به سوی تحصیل و یا تولید بازگردند.

عمو هو آنگاه که هنوززنده بود گفت " این سربازان آلت دست نیز فرزندان ویتنا مند لیکن ناآگاهانه راهی نادرست را انتخاب نموده‌اند و بدین دلیل من ودولت آماده‌ایم افرادی راکه‌به زودی به اشتباهشان پی برده و به‌آغوش‌خانواده کبیر مقاومت بازگردند، ببخشیم." پس ما چگونه باید حمله می‌کردیم، آنچنان که سازمان مهیب این واحد از قوای دشمن درهم شکند و روحیه سربازان آنچنان تضعیف گردد که دیگرازدستورات رهبران خود برای ضدیت با انقلاب، پیروی‌ننمایند؟ ما باید با اراده‌ای راسخ رهبری سرسخت دشمن را که مخالف با انقلاب بود، بدون گذشت خود منهدم کنیم. ولی در مورد توده عظیم قوای دشمن، ما باید راه بازگشت به زندگی را برای آنان باز گذاریم و به مجرد اینکه اینان سلاحها را بر زمین گذاشته و به ما تسلیم شدند و از چنگ رهبران خود ـ این مزدوران و مزدبگیران امریکا ـ گریختند، از نابود کردن آنان بپرهیزیم. ما

کاملا" اطمینان داشتیم که آنها به عادلانه‌بودن مبارزه ما واقف شده و آموزش‌های حزب و دولت انقلابی را پذیرا می‌شوند و صدها هزار سرباز به خانه وخانواده خودبازمی‌گردند، تا شهر وندان ویتنام همگی متحد و یکپارچه گردند و سهم خود را با فعالیت در انجام وظیفه همگانی،ساختمان میهنی قوی و ثروتمند ادا کنند تا شادی و خوشبختی را برای خود و خانواده‌هایشان تضمین نمایند.

این بار هیچ چیز قادر به جلوگیری از حمله قوای ما به سایگون - جیادین نبود. برای این حمله‌ما پنج سپاه‌ازنیروهای اصلی به‌خوبی آموزش دیده‌بودندوآنان‌رابه‌همراه صدها هزار تن دیگر بسیج کرده بودیم و این قوا بدون احتساب نیروهای ذخیره استراتژیک دیگر و نیروهای‌محلی نام‌بو، که هرگز تا آن زمان بدین قدرت وبزرگی نبودند و بدون ذکر هنگها، تیپ‌ها و لشگر های وابسته به شاخه‌های تخصصی با سلاحهای بسیارمدرن و سطح بالای تکنیکی، مهارت‌های تاکتیکی،هزاران عراده توپ و خمپاره‌اندازها با انواع کالیبرها و هزاران سلاح ضد هوایی - آتشبارها و مسلسلها، صدها تانک و زره پوش، دهها هزار تن مهمات

برای آتشبارها و خمپاره‌اندازها بود. و تمامی اینها بدون احتساب کمیت انبوهی از بمب‌ها و موشک‌های دفاع هوایی، نیروی هوایی و تمام ابزار جنگی این نیرو که در عملیات به کار گرفته شده بود. کادرها و رزمندگان ما این گرانمایه ترین و عزیزترین فرزندان خلق، تاکنون در صدها نبرد شرکت کرده و تمامی مشکلات و خطرات گامهای راسخ آنان را کند نکرده بود و اکنون آنان آماده شرکت در این عملیات تاریخی بودند، عملیاتی که بنام عمو هو محبوب ما مزین بود، عملیاتی که همگی ما می‌دانستیم به جنگ پایان می‌دهد تا همگی بتوانیم به زندگی مستقل، آزاد و صلح آمیز، برای ساختن میهن بازگردیم. همهٔ ما از کوچک و بزرگ بی‌درنگ برای انجام این رسالت پرشکوه، آماده بودیم. آماده بودیم تا با فدا کردن جانمان در راه انقلاب، ملت‌مان به پیروزی کامل دست یابد.

ما با چنین توان روحی و قابلیت مادی، باید جهات و اهداف حمله نهایی برای واژگون ساختن دشمن را سریعا" انتخاب می‌کردیم. باید تصمیم می‌گرفتیم که چگونه، به شیوه‌ای مناسب نیروهایمان را به کار گیریم، از چه شیوه‌های رزمی استفاده کنیم، هماهنگی و فرماندهی در عملیات را چگونه

سازمان دهیم، چگونه سازماندهی را در کلیه جنبه‌های نبرد برای رشد تمامی توانائی های‌مان تامین کنیم، تلفات را در این روزهای نهایی جنگ در حداقل نگه داریم و همزمان با آن، سریع‌ترین و بزرگ‌ترین پیروزی را بدست آوریم.

انتخاب سبک نبرد و مشخص نمودن نهائی هدفها نیز با مسائل مربوط به لحظه مناسب زمان شروع حملات وبه انجام رساندند عملیات در ارتباط بود. اگر سبک حملهٔ ما غیرمنتظره، جسورانه ومناسب نمی‌بود، زمان نبرد به درازا کشیده، مواضع نبرد به این سو و آن سو کشیده می‌شد و فصل باران فرا می‌رسد. ما به خوبی می‌توانستیم گرفتاریهای سیاسی امریکائیان و دست نشاندگان آنان را هم درچهار چوب کشور، هم در سطح جهانی مشاهده کنیم. آنها می‌توانستند اینجا را تحت فشار قرار دهند، توافق هائی را ترتیب دهند و چوب لای چرخ ما بگذارند، " راهی برای فرار از تله باز کنند" و با استفاده از دلار و سربازان خود، تمامی موانع را از سر راه بردارند. آنها برای نجات رژیم مرتجع نگوین وان تیو، که ایالات متحده بر سر کار آورده بود و اینک از ریشه‌وبن می‌لرزید دست به اقداماتی می‌زدند. لیکن به مجرد اینکه

ما با کاربست مناسب‌ترین شیوه حمله و با کامل ترین تدارکات، تعرض همه جانبه را آغاز نمائیم، سریعاً" به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته و در زمانی کوتاه به کار آنان پایان خواهیم داد. چنین وضعیتی از نظر امکانات نظامی فرصتی مناسب بود و با آهنگ تغییر و تحولات سیاسی ودیپلماتیک هماهنگ خواهد بود.

در حقیقت با فرا رسیدن اواسط آوریل، آنگاه که سراسر ہای نگوین و ویتنام مرکزی آزاد شده بود و قوای ما راهشان را به سوی خوان‌لوک‌گشوده وتا حومهٔ سایگون پیشروی کرده بودند، دشمن تعدادی از لشگرهای اصلی ما را که به تازگی به نام بو شرقی رسیده یا به سوی این ناحیه در حرکت بودند کشف نمود. دشمن می‌دانست که ما دست اندر کار تعرض به سایگون می‌باشیم. در آن‌روزها حتی تعدادی از خبرنگاران خارجی در جنوب ویتنام، پیشگوئی‌هائی ــ صحیح تر از تحلیل های ستادکل سایگون ــ درباره نیروها و زمینه تعرض ما ارائه نمودند. اگرچه عنصر غافلگیری در مورد زمینه تعرض و نیروهای تعرضی ما کمتر شده بود، لیکن ما غافلگیری را در جنبه‌هائی دیگرایجادمی‌کردیم، غافلگیری‌های مهم‌تر در زمینه سبک حمله و زمان

حمله، در روند بحث پیرامون طرحهای عملیاتی که لونگوک هین ارائه نمود، لی‌دوک تو، فام هونگ، تران وان ترا، لودوک ان و دیگران، با دقت تمام به تحلیل آن مسائل پرداخته و هر یک از جنبه‌های مشخص را عمیقا" مورد بحث قرار دادند و کلیه جوانب را به صورتی همه جانبه سبک سنگین نمودند. این یک کار فکری جمعی بود، کاری آکنده از هیجان لیکن مشکل و حاد، چرا که اوضاع اضطراری گسترش می یافت، تدارکات به شدت پیچیده بود و لحظه مناسب با شتاب فرا می‌رسید.

در تمام سایگون ـ جیا دین بزرگترین شهرویتنام با صدها هزار تن از قوای دشمن که در خطوط دفاعی داخل و خارج شهر موضع گرفته بودند، ما تنها تصرف ۵ هدف از بزرگترین هدف‌ها را انتخاب نمودیم. این هدفها عبارت بودند از مزدورخانه سرفرماندهی ستاد کل، " کاخ استقلال" سرفرماندهی ویژه منطقه پایتخت، اداره کل پلیس و میدان فرود تان سون نات.

این هدف‌ها مهمترین مراکز عصبی ارتش سایگون و حکومت دست نشانده، ارکان اصلی ماشین جنگ و نهادهای ضد خلقی بودند که رهبری امریکائیان بر آنها اعمال می‌کرد. اینها مکانهائی بودندکه جوهر

رهبری وابسته ضد ملی را به پیچیده‌ترین شکلی در خود متمرکز نموده و خلق ما را مورد ستم‌خود قرار می‌دادند، جائی که در آن توطئه برای تداوم جنگ، اعمال اختناق بر توده‌های میهن پرست، انقلابی و مترقی و برای ادامه مبارزه "ضد – کمونیزم" تا به آخر، طرح می‌شد، جائی برای تداوم بخشیدن به برنامه‌های امپریالیست‌های امریکائی – از طریق تحمیل این جنگ نواستعماری – وپایگاهی اساسی برای تهاجم اینان به ویتنام بود، تان سون نات، آخرین راه بزرگ ارتباط هوائی دشمن با خارج بود.

اگر ما مستقیما" به‌آن پنج هدف ضربه می‌زدیم، تمامی رژیم دست نشانده به لرزه می‌افتاد. آنها مهمترین "نقاط محوری" در ارگانیسم زوال یابنده رژیم تیو – امریکا بودند. اگرما آن پنج هدف را منهدم می‌کردیم، ارتش وحکومت سایگون همچون ماری بی سر می‌شد. هرآنچه که از سیستم دفاعی واختناق باقی می‌ماند، خرد می‌شد، توده‌ها قیام‌کرده‌ودیگر هیچ نیروئی، هیچ "ابرمردی" باهر طرحی که ارائه نماید، قادر به متوقف‌کردن ما نمی‌گردید، نبرد قاطع و نهایی شتابان به نتیجه می رسید و سایگون فورا" آزاد می‌شد و اگر تنها این پنج

هدف را مورد حمله قرار می‌دادیم، زندگی بیش از ۳/۵ میلیون تن از هم‌میهنان ما که درسایگون ــ جیادین ساکن بودند بخطر نیفتاده و تاسیسات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خسارت نمی‌دید.

پس از انتخاب پنج هدف حمله، مسئله اصلی ما چگونگی شیوه حمله به این هدف‌ها بود، درشرایطی که پنج لشگر دشمن در پیرامون شهر صف‌آرائی کرده و مستقیما" در برابر واحدهای نیروی اصلی ما موضع گرفته بودند و طرحهائی برای عقب نشینی در امتداد آن خطوط دفاعی و گرد همائی مجدد برای "دفاع تا پای جان از سایگون" داشتند. زمانی که به بان می توت حمله بردیم، واحدهای بزرگ واصلی دشمن را به سوی کانتوم و پلی کو منحرف نموده، و مواضع عملیاتی را برای قطع جاده‌های کمکی مستقر ساختیم و بدین ترتیب بان می توت منفرد گردید. آنگاه از نیروهای مستقر در پیرامون شهر ــ که عمدتا" از نیروهای گارد غیر نظامی و امنیتی بودند ــ دوری جستیم تا مستقیما و به صورتی غیر منتظره، به دومرکز عصبی دشمن که عمیقا" در داخل شهر بود، ضربه نفوذی وارد آوریم. تنها زمانی که حمله بداخل شهر را به پایان رساندیم، یورش نهائی به مواضع

مستقر در پیرامون شهر را آغاز نمودیم
ولی اکنون واحدهای وابسته به نیروی اصلی دشمن
در محیط خارجی شهر مستقر بوده و هدفشان این
بود که ما را در سی تا پنجاه کیلومتری مرکز
شهر متوقف کنند، و تمامی قوای دشمن هم در
داخل شهر سایگون و هم درخارج شهر آماده اینکار
بودند. پیاده کردن طرح دوری جستن از نیروهای
دشمن مستقر در خارج شهر و حمله نبردن به آنها
بلکه در عوض نفوذ مستقیم به داخل شهرباستفاده
از واحدهای بزرگ مرکب ، کاری سخت بود. یا اگر
می‌توانستیم به شهر وارد شویم، آن پنج لشگر
پیاده دشمن برای کمک به داخل شهر عقب نشینی
می‌گردند و وضع ناپایداری در میدان نبرد ایجاد
می شد. ولی اگر پیش از حمله نیروهای مان به
هدف های تعیین شده نیروها را برای انهدام
۵ لشگر دشمن در پیرامون شهر متمرکز می‌نمودیم
مسلما" زمان عملیات به درازا می‌کشید. و بدین
ترتیب خونریزی بیشتر واستفاده از مهمات و
تجهیزات بیشتر حتمی بود و اجتناب از تلفات
نفرات و مردم و تخریب اموال خلق مشکل می شد.
پس اگر اجازه می‌دادیم لشگرهای دشمن به داخل
شهر عقب بنشینند، پل های بزرگ رودخانه دونگ‌نای

با ایجاد مواضع محکم و نیروئی پرتوان، شکستنهائی
قوای دشمن و پیروزی کامل ما را ممکن می ساخت.
ما به موثرترین سبک حمله برای کاربست تمامی
توان نیروهایمان احتیاج داشتیم. طبیعی بود که
ضربه اساسی برای پایان دادن به جنگ، با[illegible]د
ضربه‌ای نظامی، می بود.

نظر به شرایط دشمن، زمینه و ماهیـ[illegible]ربت،
با اتکاء به نیروهای موثر ما از نظر ک[illegible]یت،
نظرات، روحیه و فرماندهی و بر پایه نیازهای
نبرد قاطع نهایی و انکشافات جدید در شرایط
عینی، سرفرماندهی عملیات موافقت نمود که شیوه
حمله در این عملیات تاریخی استفاده از هر
نیروی لازم برای محاصره قوای دشمن از تمامی
جهات، منفرد کردن دشمن و جلوگیری از عقب –
نشینی آنان به داخل سایگون، پاکسازی ومتفرق
کردن لشگرهای پیاده اصلی دشمن درست درپیرامون
شهر در مواضع دفاعی شان، و استفاده از
بیشترین نفرات مان برای نفوذ سریع و تصرف
مواضع کلیدی در حومه شهر، می‌باشد. این شیوه،
راه را برای واحدهای مکانیزه ضربتی ما که به
صورتی منسجم سازمان یافته بودند، به منظور
پیشروی با شتاب در مسیر جاده‌های اصلی و ضربه

زدن مستقیم به پنج هدف انتخاب شده درداخل شهر، باز خواهد نمود. برای هماهنگی با این واحدهای ضربتی و فراهم آوردن شرایطی که این واحدهاسریعا به سوی ۵ هدف تعیین شده حرکت نمایند، سربازان ساده شهر، واحدهای عملیات ویژه، نیروهای مسلح امنیتی و واحدهای دفاع از خود و نیروهای توده‌ای سیاسی سایگون ـ جیادین، پلها و نقاط مهم را پیش از رسیدن آنان تسخیر خواهند کرد، واحدها را به داخل شهر راهنمایی کرده، خائنین را فلج نموده و توده‌ها را برای قیام بسیج خواهند کرد.

تمامی قدرت آتش عملیات برای ضربه زدن به هدف‌های اساسی نظامی مانند میدان فرود تان سون نات و سرفرماندهی ستاد کل سایگون، متمرکزخواهد شد و در صورت لزوم از نیروی هوائی برای بمباران میدان فرود تان سون، استفاده می‌گردد. آتشبار ضد هوایی و موشکها در شبکه دفاع هوایی دراطراف سایگون مستقر خواهند شد تا آسمانها را کنترل کرده و از تشکل های عملیاتی حمایت کنند. مسلما" این مناسب‌ترین سبک حمله بود. ما نمی‌توانستیم به دشمن اجازه دهیم پیشروی ما را در پیرامون شهر کند یا متوقف سازد، و نه اینکه به آنان فرصت عقب نشینی و گرد هم آیی مجدد با

نیروهای داخل شهر و ادامه مقاومت را بدهیم. ما با تمرکز حمله در هدف‌های اصلی و درهم شکستن قوای دشمن در پیرامون شهر، ارتباط قوای دشمن در داخل و خارج شهر را قطع کرده‌واجازه‌نمی‌دهیم که مواضع‌دفاعی خود را تا نواحی مسکونی گسترش داده و در جریان این کار مرگ را برای مردم شهر به ارمغان برند. مهمترین و اساسی ترین ویژگی این سبک حمله در هدف‌گیری عالی ترین اهداف عملیاتی که نام عمو هو را بر خود داشت بود، سبکی برای سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه نیل به پیروزی: آزاد کردن سایگون - جیادین. ساقط کردن دستگاه حکومت دست‌نشانده مرکزی، و سپس آزاد ساختن سراسر جنوب با کاربست اصول راهنمای دفتر سیاسی، جسارت، غافلگیری و پیروزی مسلم بود. ما آموزش‌های عمو هو را درباره نبردتا بیرون راندن امریکائیان، نبرد تا سرنگونی‌رژیم مزدوران دست‌نشانده، آزاد ساختن جنوب وبرقراری وحدت درسرزمین پدری‌مان، بکار خواهیم بست.

در حالیکه ما تعرض‌عمومی به سایگون - جبادین را طرحریزی می‌کردیم، سرفرماندهی عملیاتی ما نیز برنامه‌های مربوط به قیامهای توده‌ای، که در ارتباط با حملات نظامی و قیامهای نبردهای

سیاسی هماهنگ می‌شد، تکامل می‌بخشیدند. درحقیقت سایگون - جیادین در این زمان باید در تدارک و محاسبات فوری قیامی توده‌ای می‌بود و همزمان با آن مخفی کاری مطلق را رعایت می‌نمود. طرح باید به کلیه اعضای شالوده بسیج کننده سیاسی و خلقی ما در شهر، رسانده می‌شد. ما می‌دانستیم که ماشین سرکوبگر حکومتی بی‌اندازه بیرحم و خطرناک بود. سرویس مخفی خارجی و داخلی و سازمان های امنیت و اطلاعات دشمن دهها هزار آدمکش و خبره چین را با دلارهای امریکائی اجیر کرده بودند. آنها به لباس کلیه طبقات مردم درآمده و شب روز با بخش های مختلف مردم در آمیخته و جاسوسی می‌کردند، و هموطنان مترقی و میهن پرست ما را در سراسر جنوب، بطور کلی، و در سایگون - جیادین بطور خاص دستگیر کرده و تا سر حد مرگ به باد کتک می‌گرفتند. و این افراد بدون ذکر دهها هزار پلیس، پلیس جنگی و پلیس نظامی، و علاوه بر افرادی بود که شرایط نامساعد آنان را برای بدست آوردن لقمه‌ای برنج وپوشاک مجبور به برگرفتن اسلحه و چماق واجرای دستورات رهبران درنده خوی خود مبنی بر ضدیت با خلق و انقلاب کرده بود.

را که راه غلطی در پیش گرفته بودند، به مسیر درست ـ به سوی ملت ـ هدایت می کردند. تعدادی از رفقای ما دستگیر و کشته شدند ولی کسی چه می‌داند که روحیه انقلابی و فداکاری آنان چند نفر را که به نفع دشمن اسلحه برداشته بودند، بیدار و دگرگون کرد. اینان اکنون در انتظار لحظه مناسب بودند. به این خاطر در تعرض همه جانبه به سایگون، ما باید برای این تعداد انبوه سرباز، پلیس و کارکنان ادارات مزدور که برای کوبیدن گروه رهبری لجوج در کنار خلق و انقلاب قرار گرفته بودند، شرایطی فراهم می کردیم. سیاست های حکومت انقلابی در قبال اسرای جنگی و سربازانی که تسلیم شده بودند باید پیش از تعرض همه جانبه و در طی آن سریعا "تبلیغ" می گردید.

وظیفه اداره سایگون ـ جیادین، از اهم وظایف ما بود، وظیفه‌ای که نیازمند نیرو های قابل توجه و آرایش سریع آنان بود. COSVN، رفیقی را برای تصدی مستقیم این کار گمارد، همچنین نگوین وان نران، دبیر کمیته مرکزی حزب از طرف مرکزیت برای پیوستن به ما و تقویت نیروها منصوب گردید، وی بسیاری

از کادرها و کارکنان فنی از کلیه شاخه ها و وزارتخانه‌ها را انتخاب نمود تا سریعا" حرکت نموده و خود را به موقع، برای تعرض همه جانبه به سایگون - جیادین برسانند. این کار صرفا" اداری و فنی نبوده بلکه جنبه های سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت و محتاج رهبری مسئول و وقت شناس و هم چنین آموزش دقیق نیروهایی بود که به داخل شهر پیشروی می‌کردند. رشته سیاستهای حزب و حکومت انقلابی درباره مذهب، بورژوازی و خارجی ها، درباره نفرات دشمن و کارگران ادارات سایگون باید به موقع در بین تمامی اقشار خلق، تبلیغ می شد.

پس از مذاکرات فراوان و راهنمائی دفتر سیاسی و کادرهائی که از طرف دفتر مرکزی به جبهه اعزام شده بودند، لی‌دوک تو و فام هونگ مسئولیت تدارکات برای ادامه اداره شهر سایگون - جیادین را مستقیما" به عهده گرفتند. کمیته مرکزی نظامی نیز ژنرال جیاپ وان‌کونگ، جانشین رئیس ستاد را برای رهبری یک هیئت نظامی از کادرها و افراد فنی‌انتخاب نمود تا پیش از آغاز تعرض همه جانبه به ملاقات ما آمده

وظایف سازماندهی اداره مستمر ساختار نظامی را تحویل گیرند.

در این روزها، تران وان ترا، دونگ وان ـ کونگ، لونگوک هین، و من همگی، فعالیت‌های خود را بر روی مسائل سازماندهی ترکیبی‌وتصویب طرحهای عملیاتی و پشتیبانی از هر حمله تعرضی، درهرمنطقه،هرواحد،هرشاخه تخصصی و همچنین سازمان دادن کار نظارت بر امور، متمرکز ساخته بودیم. سرفرماندهی عملیات به راستی آکنده از جنب و جوش و فعالیت بود. "میهمانان" از هر سو برای تحویل گرفتن وظایف خود، گزارش اوضاع و یا هماهنگ کردن طرحهایشان به سر فرماندهی می آمدند.

هر رفیق خواستار این بود که خود و واحدش بهترین، بیشترین و به موقع ترین سهم را برای پیروزی این عملیات تاریخی ادا کند. آنان در رویاروئی با هر مشکلی، سخت می‌کوشیدند تا بر آن فایق آیند و درجه بالایی از وحدت اراده، اندیشه و عمل را در بین سطوح بالاتر و پائین‌ـ تر و در بین شاخه‌های تخصصی و نیروهای گوناگون به نمایش گذاشتند. هنگامی که دون تو وسرهنگ نگوین تام رئیس قسمت آتشبار در منطقه ۷ را

برای تعیین وظایف توپخانه ملاقات کردیم، دریافتیم که مواضع توپخانه ۱۳۰ میلیمتری برای گشودن آتش بر روی تان سون نات و دیگر هدف های انتخاب شده در شهر، قابل استفاده نمی‌باشند. آنها پیشنهاد کردند که از یک لشگر پیاده برای آزاد کردن - ناحیه‌ای اا از بین دونگ پیش از آغاز تعرض همه جانبه، استفاده شود و سپس آتشبارهای دوررزن خود را در این ناحیه مستقر سازیم. البته ما قادر بودیم که راه پیشروی خود را برای تسخیر این مواضع توپخانه بازنمائیم و این مواضع نیزبسیار مفید بودند لیکن با توجه به وضعیت کلی میدان نبرد و نیازمندیهای عملیات، ما اجبارا می‌بایست جسارت فردی و غافلگیری آتشبار را " فدا کنیم" اگرچه این پیشنهاد بسیار جالب و در عین حال جسورانه بود.

روزی که تدارکات را برای تضمین تحرک کلیه نیروها بازرسی می‌نمودیم، فان خاک هی، جانشین فرمانده نیروی ۵۵۹ اطلاع داد که این نیرو کلیه پلهای منهدم شده در جاده ۱ و جاده ۲۰ را تعمیر و بازسازی کرده است. پل نابیچ که در جاده ۱۴ بین دونگ خوا و شون تان قرار داشت، برای تحرک واحدهائی که از شمال و شرق به سوی سایگون

پیشروی می‌کردند و همچنین برای تضمین پشتیبانی لوجستیکی ازکل‌عملیات ، اهمیت بسیار داشت . رودخانه عمیق بوده و کناره‌های آن شیبی تند داشت . دشمن از نیروی هوائی خود برای منهدم ساختن پل استفاده می‌کرد وبدین سبب تعمیرات پل هنوز به پایان نرسیده و مانع بزرگی بر سر راه ما ایجاد نموده بود. بنابراین ما واحدهای ضدهوایی آن ناحیه را تقویت‌کرده و " فان — خاک هی " را برای فرماندهی مستقیم برعملیات تعمیر این پل، منصوب نمودیم .

ما باید طرح دشمن برای انهدام پلهای‌موجود بر روی رودخانه سایگون و دونگ‌نای و کلیه پلهای دیگر را به هنگام پیشروی بداخل سایگون در نظر می‌داشتیم . بدین سبب ، هنگامی که به اتفاق سرهنگ‌تران با تونگ ، افسر سیاسی هیئت مهندسی محل، طرحهای مربوط به تعمیر پل‌های آسیب‌دیده ، بر پا کردن پلهای موقتی واستفاده از وسایل نقلیه آبی را تحلیل می‌نمودیم ، بسیج کشتی‌ها ، قایق‌ها و کرجی‌ها را در امتداد آن رودخانه‌ها به منظور انتقال بخشی از قوا درطول رودخانه سایگون و یا برای گذراندن نیروها و سلاحهای تکنولوژیک از عرض رودخانه‌ها ، پیش‌بینی

کردیم. رفقای ما در COSVN ، به ویژه نگوین وان خو، نقش بسیار فعالی در موفقیت این طرح، به عهده داشتند.

آرایش موشک های ضد هوایی در عملیات هوشی مین، نیازمند تلاشی سخت از جانب قوای دفاع هوایی ما بود. این واحدها، همگی در عملیات تای نگوین شرکت داشتند و اینک در ستون های عملیات هوشی مین جای گرفته بودند. موفقیت ما در حفظ تحرک و تامین تکنولوژی این واحدها ، هنگامی که از شاهراه ترونگ سون به سوی نام بو حرکت می‌کردند، خود یک پیروزی بود. پس از اتمام کار ما به کوانگ هونگ و سرهنگ فام خا ،جانشین افسر سیاسی واحدهای دفاع هوایی محلی، پیش از آنکه با آرزوی پیروزی با آنان وداع کنیم، به شوخی گفتیم که نیروی هوایی دشمن تقریبا "فاقد منابع لازم برای لگد انداختن به سوی ما" است و ما تمامی انواع توپهای ضد هوایی خود را در مواضعی که از محل استقرار آن موشکها به سایگون نزدیک تر بود قرار داده‌ایم، بنابراین اگر خدمه پرتاب موشکها ، دستها وچشمهایشان را سریعا به بکار نیندازند خود را " بیکار " خواهند یافت.

روزی که با تران وان دان (باتران) درباره تعیین وظایف نیروهای سرباز ساده کار می‌کردیم، برنامه کاملا ویژه دیگری را نیز مورد بحث قرار دادیم: زمانی که به میدان فرود تان سون نات حمله بردیم، یک نیروی سرباز را برای پیشروی سریع به ناحیه‌ای که "کمپ دیویس" خوانده می‌شد - جائی که هیئت نظامی ما در آن زندگی می کرد - خواهیم فرستاد تا به رفقای ما در آنجا ملحق شده و هیئت را از آن محل خارج سازند.

روزهای نهایی تدارکات برای تعرض همه جانبه فوق العاده اضطراری و سخت بودند. برای نظارت بر کلیه جنبه‌های تدارکات، گروه‌های بسیاری از کادرها به تمامی جهات، به یکایک جناحهای قوا، همه نیروها و به کلیه شاخه‌های تخصصی رفته بودند همچنین به واسطه وجود یک سیستم ارتباطات که مداوما" با ثبات‌تر و کامل‌تر می‌شد و بخاطر اینکه کادرها و رزمندگان بخش رمزنگاری‌وارتباطات ما روحیه‌ای بسیار عالی داشتند، ما خواستیم بر اوضاع جبهه در تمامی جهات مسلط بوده وهمه‌روزه به طور منظم با هانوی تماس‌داشته باشیم.

سرهنگ ارشد نگوین خوان تانگ، فرمانده وافسر سیاسی نیروهای ارتباطات در محل، به همراه‌هوانگ

نیم، تمامی جنبه‌های امور ارتباطی ما را با بیشترین فوریت، مورد توجه قرار داده بودند.

امورلوجستیکی که نخستین و همچنین آخرین مرحله در هر عملیات و هر نبرد می‌باشد - غالبا دراین باره چنین می‌گویندکه لوجستیک پیش از همه می‌رود و آخر از همه بازمی گردد - بصورتی کاملا دقیق بازرسی شده و مبرم‌ترین نیازهای عملیات به آنان گوشزد گردید و همچنین تمامی تقاضاهای این واحد به وسیله پشت جبهه درشمال سوسیالیستی کاملا" برآورده گردید. متصدیان امورلوجستیکی به هنگام گزارش اتمام کامل تدارکات باخوشحالی گفتند:"ب- ۲ هیچگاه این چنین سرشار از شادی ومملو از نفرات نبوده است. ما در گذشته هیچگاه افتخار پذیرایی از یک " هیئت بازدید" صدها هزار تنی همانند این هیئت را نداشته‌ایم. این " میهمانان " با ماشین، هواپیما و کشتی‌سفر می‌کنند و وسایل گوناگونی را با خود می‌آورند، بدین سبب " میزبان " نگرانی کمتری از گذشته دارد."

داستان هائی که رفقای تازه وارد از هانوی بازگو می‌کردند، تصویری ازسرتاسرشمال سوسیالیستی را ارائه می‌نمود. آنان می‌رزمیدند و همزمان با

آن به سازندگی می‌پرداختند، در پی فایق آمدن بر عواقب جنگ ویرانگری بودند که ایالات متحده مستمرا" از ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۲ برپا داشته بودو همچنین آنان تنها در زمان کوتاهی مقادیر متنابهی از نیروهای مادی و انسانی را برای پیروزی جبهه بسیج و سازماندهی کرده بود.

شورای حمایت از میدانگاه نبرد از روزی که شروع به کار کرد، با فوریت تمام وبدون استراحت به حل مسائل بسیار مهم پرداخت و از نظرات و پیشنهادات اعضای دفتر سیاسی و دبیرخانه مرکزی حزب درباره نحوه افزایش کار پشتیبانی از جبهه نبرد بهره گرفت. ما می‌دانستیم که در روز های اخیر تمامی مقامات مسئول در کلیه دفاتر حزبی و دولتی و در شهرها و استانهای شمال، شبانه‌روز برای پاسخگوئی کامل، سریع وبا بیشترین اولویت به نیازهای عملیات هوشی مین کار کرده بودند. هنگامی که به ما خبر رسید گروههای قومی در مناطق خودمختار تای باک و ویت باک به مرکز پیشنهاد کرده‌اند که برنامه تدوین شده برای حمل برنج و نمک به نواحی آنان را معوق کنند وبه جای آن واحدهای کامیون و محموله‌های گرانبهای‌شان را برای فرستادن به موقع به نام‌بو برای

تعرض همه جانبه ذخیره کنند، ما بشدت متاثر شدیم همچنین شنیدن این نکته که بسیاری طرح‌های ساختمانی، خدمات و کارخانه‌ها ۳۰ تا ۵۰ درصد افرادشان را برای شرکت در انواع کارهای تضمین کننده موفقیت برای عملیات هوشی مین، از سازمانهایشان بیرون کشیده‌اند، براستی تکان دهنده بود.

نیروها و مردم منطقه ۵ نیز از صمیم قلب و با تمام قوا از جبهه سایگون حمایت می‌کردند. شورائی برای پشتیبانی از جبهه در منطقه ۵ تاسیس گردید که وچی کوتگ در صدر آن قرار داشت. رهنمود وچی کونگ برای سرتاسر منطقه چنین بود: " همه در خدمت جبهه سایگون " " همه در خدمت عملیات هوشی مین". منطقه ۵ سازماندهی یک بخش از خط جبهه پرداخت. این بخش که ژنرال هوانگ مین تائو، ژنرال وتو، و ژنرال لوجیانگ در آن فعالیت داشتند، برای توجه خاص به تامین نیازهای جناح غربی و شرقی نیروهای حاضر در عملیات، متمرکز کردن عمده‌ترین قسمت نیروهای منطقه و منابع مادی برای خدمت به واحدهایی که به سوی جبهه درحرکت بودند، و همچنین بسیج وسایط نقلیه برای نزدیک به ۲۰۰۰ سفر، به منظور حمل نیروها و ۴۰۰۰ تن تجهیزات

برای جبهه سایگون سازماندهی گردید.

منطقه جدیدا" آزاد شده‌ای که از تری‌تان تا فان‌تیت گسترده بود تدریجا" تثبیت می‌گردید و ساکنین این نواحی نیز سخت می‌کوشیدند تا سهم خود را در عملیات هوشی مین ادا کنند. بخش‌های بهداشت، تجارت، فرهنگ، تعلیم و تربیت و آموزش از شمال سوسیالیستی به آن مناطق آمده بودند تا بر مسائل مادی و معنوی بجای مانده از دشمن ما را یاری دهند. به ویژه گروههای بسیاری از نیروهای امنیتی به همراه وزیر تران‌کوک هوان از شمال سوسیالیستی بسیج شده و همگی درامتداد جاده ۱ مستقر گردیدند تا در زمان مناسب به تقویت نیروها بپردازند. آنها به همراه قوای محلی و نیروهای امنیتی وظیفه پر ارزش حفظ نظم و امنیت منطقه را به عهده گرفتند. گروه‌های تسلیم نشده دشمن را بی اثر کردند و بدین ترتیب نه تنها شرایط مسالمت‌آمیزی برای زندگی مردم تامین نمودند بلکه شرایط امنی را برای پیشروی نیروهای مسلح ما و آزاد ساختن سایگون به وجود آوردند. پشت جبهه ما از شمال سوسیالیست تا ناحیه وسیع تازه آزاد شده‌ای در جنوب توسعه یافت و بر توان و استحکام خطوط جبهه افزود.

ما از تلاشهای عظیم و سخت‌کوشی‌های هم‌میهنان و رفقایمان در پشت جبهه به خوبی آگاه بودیم، هر یک از آنان با چنان روحیه‌ای کار می‌کردندکه به تنهائی کار دو تن و حتی بیشتر را انجام می دادند تا بدین ترتیب جایگزین آن دسته از ما که افتخار اعزام به جبهه را داشتیم، گردند. ما اطمینان داشتیم که بسیاری از اینها نیز خواستار آن بودند که در این ساعات تاریخی بخت اعزام شدن به جبهه را داشته باشند. همچنانکه ما کادرها، رزمندگان و کارکنان دفاتر ستادکل متجاوز از بیست سال در طی دو جنگ در کنار یکدیگر کار کرده و آشکارا تمامی جزئیات، هیجان و تنش، روح دقت و کمال را درک می‌کردیم و نیز کلیه رفقای ما، به ویژه آن دسته‌ای که در بخش‌های عملیات رزمی، نظامی، اطلاعاتی و رمز- نگاری و در فرماندهی ارتباطات فعالیت داشتند باید برای تسلط بر اوضاع و گزارش به موقع اخبار و اطلاعات و نظریاتشان به کمیته مرکزی نظامی و دفتر سیاسی، این شرایط دشوار را حس می کردند.

تمامی ملت و ارتش قهرمان ما تحت رهبری، سرپرستی و سازماندهی حزب، همانند کارخانه‌ای

عظیم بود که با ظرفیت کامل با بالاترین شمار
حرکات انتقالی و با بیشترین میزان تولید آن -
چنان کار می‌کرد که بتواند در کوتاه‌ترین زمان
ممکن زیباترین محصول عصر ما را خلق کند :
عملیات هوشی مین .

در خلال تعرض عمومی فزاینده استراتژیکی ،حزب ما از نزدیک زوال دشمن را دنبال میکرد، و با کشف شواهدی مبنی بر تلاشی آنها ، به موقع گامهای مثبتی برای بهره گیری از این اوضاع برداشت. یک نیروی کوچک ، با وارد آوردن ضربه درست در لحظه مناسب ، قدرتی از خود ارائه میدهد و یک نیروی بزرگ ، قدرتی بس عظیم تر خواهد داشت. براستی که لحظه مناسب، خود نیرو و قدرت است.

تغییر توازن نیروهای نظامی و اوضاع سیاسی منجر به ایجاد نقطه چرخشی در اوضاع، تماما" به ضرر دشمن تمام شده بود. راکفلر، معاون رئیس ـ جمهور ایالات متحده جبرا" متوجه این مطلب شده و در ۲ آوریل اظهار کرد : " اکنون دیگر هیچ کاری برای بازگشت به اوضاع پیشین از ما ساخته نیست". با این وجود لجاجت و فریب کاری همیشه از خصایص بنیادی امپریالیست های آمریکائی و سرسپردگان آنها بوده است. دولت های آمریکا و سایگون که به جنون جنگ دچار بودند همچنان به

تلاشهای خود برای طرح هر توطئه تازه‌ای ادامه دادند تا از این وضع نجات یافته و از ایجاد یک " واترلو دوم " که می‌توانست اعتبار وحیثیت سردسته فتنه‌جویان امپریالیسم ایالات متحده را کاملا" نابود کند، پیشگیری نمایند.

همچنان که زمان می‌گذشت، عرصه نبرد تنگ تر می شد. آن دسته از سربازان و فرماندهان دشمن که در نبرد شکست خورده بودند به سایگون گریخته و با این کار نفراتی را که باقیمانده بودند، باز هم بیشتر ترسانده و عصبی نمودند. فورد و کیسینجر هر دو تواما" با حالتی پر از همدردی و تاثر به تیو و همراهانش چنین گفتند : " ما در غم شما شریک بوده و از این عقب نشینی های لازم " متاسف هستیم" و سپس چنین وعده دادند : " امریکا شدیدا از جمهوری ویتنام پشتیبانی خواهد نمود ". فورد و کیسینجر کوشیدند کنگره امریکا را مجبور سازند تا کمک اضطراری به رژیم تیو را به ۷۲۲ میلیون دلار افزایش دهد و از کنگره تقاضای کسب اجازه برای استفاده از نیروهای مسلح برای آنچه که " تخلیه و حمایت از تخلیه " نامیده می‌شد، نمودند.

تیوی دست نشانده با راهنمائی قیم‌های خود که

موتبا" وی را تشویق می‌کردند، دستوراتی برای دفاع از زمین های باقیمانده از فان رنج به پائین، صادر نمود. آنان تا روز نابودی کامل خود همچنان در این تصور واهی بودند که امپریالیست‌های ایالات متحده اربابان قابل ـ اعتمادی بوده و آماده‌اند تا دستشان را برای بیرون کشیدن آنان از لجنزاری که در آن فرو رفته بودند، دراز کنند. "سفیر" ایالات متحده، مارتین همانند طبیبی که بربالین طفل بیمار و نزدیک به مرگ خود ـ تیو ـ نشسته باشد وی را با آن تصور واهی زنده نگاه می‌داشت.

ولی قوای سایگون به خود قبولاندند که "دیگر فرصت زیادی برای اجرای طرحهای دفاع تاپای جان و یا برای تثبیت یک حلقهٔ دفاعی در یک سوم باقیمانده از ویتنام جنوبی ندارند." تعرض استراتژیک همه جانبه ما که با شتابی بسیار توسعه و گسترش می‌یافت، به نقطه اوج جدیدی نزدیک می‌گردید. در همین زمان قوای آزادیبخش کامبوج به پنوم پن نزدیکتر می‌شدند. لون نول پنوم پن را ترک گفته بود. وی در هنگام فرار به همراه اربابان امریکائی‌اش تنها توانست یک کیف دستی را با خود ببرد. پنتاگون عملیات

" عقب نشینی عقاب" - عقب نشینی امریکائیان - را اجرا کرد. درهمین حین جان دین "سفیر" امریکا در پنوم پن، با هواپیما به تایلند گریخت و پرچم امریکا را که در سفارت پائین کشیده بود، درون یک کیسه پلاستیکی با خود حمل می کرد. دار و دسته مستشاران و رهبران دغلکار آنان برای گریختن از پنوم پن با یکدیگر رقابت می‌کردند. در ۱۷ آوریل ارتش آزادیبخش وارد شهر شد ودست نشاندگان کامبوجی بی قید و شرط تسلیم شدند. ایالات متحده از ورود دوباره به جنگ برای نجات مزدورانش مطلقا" درمانده و ناتوان بود و این نه به خاطر نداشتن نیرو، بلکه بدین دلیل بود که آنان می‌دیدند هر مقدار پول یا سلاح برای این منظور کافی نخواهد بود. حتی اگر امریکا خطر کردن در استفاده از نیروهای نظامی برای تهاجم به کامبوج و جنوب ویتنام را مجددا" می‌پذیرفت، باز هم نمی‌توانست اوضاع را تغییر دهد و تنها شکست عظیم‌تری نصیبش می‌شد. افکار عمومی جهان برآن بودکه خروج ایالات متحده از کامبوج تمرین فرار برای عقب نشینی از جنوب ویتنام است.

آزادی پنوم پن، آزاد شدن کامبوج یک پیروزی بزرگ و حماسه‌ای از دلاوریهای ارتش و خلق کامبوج

بود. این واقعیت نشانگر ضعف رقت انگیز امپریالیست‌های یانکی در شبه جزیره هندوچین بود و نیز مدخلی برشکست کامل و همه جانبه آنها و دست‌نشاندگانشان در جنوب ویتنام. دستگاه حکومتی سایگون با هراس و آشفتگی آشکار اوضاع کامبوج را زیر نظر داشتند اکنون با سوء ظن و بدگمانی به اربابان امریکائی خود می‌نگریستند.

وضعیت انقلاب لائوس نیز به خوبی بسط و گسترش می‌یافت و این، کادرها و رزمندگان ما را درجبهه باز هم بیشتر برمی‌انگیخت. در بسیاری از محلها مرتجعین مافوق راست لائوس به وسیله خلق لائوس تقبیح و مجازات می‌شدند. توده‌ها به انقلاب، به "حزب انقلابی خلق لائوس" و "جبهه میهن‌پرستان لائوس" روی آورده و خواستار تشکیل حکومت دمکراتیک خلقی بودند.

امریکائی‌ها و تحت‌الحمایه‌هاشان از راهی بن‌بست به تله افتاده و با ظاهر سازی تمام فریاد برمی‌آوردند که تا پای مرگ ایستادگی می‌کنیم ولی در باطن بر خود لرزیده و به شدت هراسان بودند. "کاخ استقلال" تیو به یک دژ دفاعی بدل گردید و با گماردن نگهبانانی در هر سی تا چهل متر فاصله - نگهبانانی که مسلسل -

هایشان را به سوی بیرون کاخ نشانه رفته‌بودند -
نیروی حفاظت از کاخ به سه برابر افزایش یافت.
درست در جلوی کاخ یک هلی‌کوپتر درانتظار پرواز
بود و در همان حال تانکها در زیر درختها و در
محوطه کاخ مستقر شده بودند. در گزارش مورخ ۱۸
آوریل تران وان دون وزیر دفاع سایگون، پس از
بازرسی از تعداد مواضع دفاعی با لحنی درمانده
و متاثر گفت: "کشور حقیقتا در وضعی پرمخاطره
قرار دارد. دنباله بقای آن را تنها با روز و
هفته و نه با ماه می‌توان محاسبه‌نمود".

مارتین "سفیر" امریکا، در ۱۹ آوریل گزارش
مخفیانه‌ای درباره وضعیت مایوس‌کننده اوضاع به
واشنگتن فرستاد واظهار داشت‌که: "واحد های
نیروی مخالف از تمامی جهات و همزمان بایکدیگر
در ناحیه سایگون گردهم می‌آیند، نیروی ذخیره
آنها به مراتب بیشتر از نیروهای حکومتی است.
آنها می‌توانند طی یک یا دو هفته دیگر، این
شهر را محاصره کرده و منفرد سازند. اگرچه ممکن
است حکومت بتواند با فراخواندن نیروهای خوداز
نواحی می تویاکان تو در دلتای مکونگ یک یا دو
جبهه را تقویت‌کند ولی این نیز بیش‌از حدو د
یک هفته بر بقای سایگون نخواهد افزود زیرا

قوای حریف قادر است بلافاصله با نیروئی دوبرابر این نیروی تقویتی ما مقابله کند".

در دانانگ، کوی نون، ناترانگ، و برخی از نواحی دیگر آمریکائیها پیش از دست نشاندگان خود و سریعتر از آنان گریخته بودند. با فرا- رسیدن ساعت سیاه برای دشمن راهنمایان امریکائی این "تخصص" خودرا تکامل بخشیده وبا شتاب بیشتر به کار گرفتند. حکومت فورد - کیسینجر، چه بلندپروازیها که در سر نمی پروراندند، ولی اکنون دیگر راهی برایشان باقی نمانده بودزیرا هر اندازه هم خود را به مخاطره می‌انداختند باز نمی‌توانستند کمکی به تغییر اوضاع نمایند. آنها تنها می‌توانستند به دور خود چرخیده و سر خود را در تونلی بن بست فرو برند که در اینصورت نیز شکستی بزرگتر نصیبشان می‌شد.

از سی و شش استراتژی موجود، بهترین استراتژی، "حریف را برزمین زن"* بود.

در ۱۸ آوریل فورد و کیسینجر دستوراتی مبنی بر تخلیه فوری امریکائیها از سایگون صادر

---

* این ضرب المثل سنتی ویتنام اشاره به‌کسی دارد که به بن بست مطلق رسیده است.

نموده و دین براون مسئول یک نیروی ویژه شدکه هدایت عملیات تخلیه را به عهده داشت. در ۲۱ آوریل بخش بزرگی از نیروهای هوائی و دریائی امریکا شامل سی و پنج کشتی جنگی و چهار ناو هواپیمابر - تقریبا" یک سوم از کل نیروی امریکا - و صدها نوع مختلف از هواپیما ها، گیج و سرگردان عملیات عقب نشینی را آغاز نمودند. در گردباد آشفتگی تخلیه، که در روزهای آخر عملیات به عملیاتی ویژه " افرادی که بیشتر در معرض خطر هستند " بدل گردیده بود، هلی کوپترهای امریکائی با حالتی عصبی درآسمان سایگون جولان داده و روی بالشتک فرود سفارت امریکا و تعدادی مکان دیگر فرود هلیکوپتر، فرود می‌آمدند تا افراد خود را که به یکدیگر چسبیده و در روی بام ساختمانها انتظار می‌کشیدند همراه ببرند. سربازان آلت دست پس از مشاهده صحنه‌های فرار امریکائیان بازهم بیشتر نا امید می‌شدند. دیگر نمایش پرهیبت عملیات " تعقیب و انهدام " در کار نبود، تنها چیزی که در جریان بود فرار " پرمخاطره "امپریالیستهای ایالات متحده امریکا بود.

چه بسیارند صحنه‌های دردناک آکنده از خون

و اشک که آنان پیش از گریختن خود برای خلق ما بوجود آوردند. آنها هزاران کودک را برای بردن به ایالات متحده و دیگر کشورهای خارجی ربودند. هدف فوری آنان از این کار برانگیختن افکار عمومی و گرفتن کمک بیشتر برای سایگون و هدف دراز مدت آنان وادار ساختن این کودکان به فراموش کردن زاد بومشان و ضدیت با آن بود. این روانهای لطیف، این قربانیان بازی تبهکارانه آمریکا، با فریادهائی دلخراش و تکان دهنده وادار به ترک خانواده و سرزمینشان گردیدند. هنگامی که یک هواپیما، اندکی پس از بلندشدن از میدان فرود سقوط نمود، صدها کودک کشته شدند. اعمال وحشیانه امپریالیست های امریکائی تنها خشم و نفرت آن دسته از ما را که درجبهه نبرد بودیم بیشتر نموده و ما را در نیل به پیروزی سریع و همه جانبه ثابت قدم تر ساخت.

اگرچه آنان میدان نبرد را رها کرده وگریختند ولی همچنان به دامن زدن به جنگ روانی برای فریب، تحریف و ترساندن مردم و برای کشاندن دهها هزار تن به اصطلاح پناهنده به دنبال خود ادامه دادند. اعمال جنایتکارانه، زخمهای عمیق جدائی را بر پیکر شمار بسیاری از خانواده وارد

آورد. هدف از عملیات تخلیه که تحت نظر امریکائیها انجام می‌گرفت، تبلیغ درباره عدم تبعیت خلق از انقلاب، استفاده از " مغز " تعدادی از روشنفکران و کارکنان فنی و استفاده توطئه‌آمیز از تعدادی افراد در طرح های پلید و سیاه خود در آینده بود. به راستی که چه ترحم‌انگیز و بی‌مقدارا ند آنان که فریب خوردند و ما چه خشمگین بودیم از آنان که آگاهانه از امریکائیان پیروی کردند و تمامی اصول بنیانی خلق ویتنام را به فراموشی سپرده و سرزمین پدریشان را ترک کردند.

روزنامه ارتش سایگون " تین توین " در یک سرمقاله درشت چنین نوشت : " جمهوری ویتنام هرگز به کمونیست‌ها تسلیم نخواهد شد." ولی در ۲۱ آوریل " ویانه" با وضع رقت‌باری اعلام داشت : " وضعیت نظامی نا امید کننده است". در روز ۲۳ آوریل، فورد در نطقي در دانشگاه نیوا ورلنان با لحنی پراندوه اظهار داشت : تا آنجا که به امریکا مربوط می‌شود، جنگ تمام شده است. ما دیگر نمی‌توانیم به ویتنامی‌ها کمک کنیم. آنها باید با هر سرنوشتی که در انتظارشان است مواجه شوند.

امور داخلی قیم راهنما اسفناک و بهم‌ریخته

بود، و امور داخلی تحت الحمایه آنها درسایگون نیز به یک بحران بغایت شدید دچار می گردید. سیاست نواستعماری ایالات متحده معمولا" به شیوهٔ چند اسبه عمل می‌کردو به جلو رانده می شد. در اوضاع عادی این خط مشی مفید واقع می‌شد زیرا پادوهای رنگارنگ مواظب یکدیگر بوده و نمائی از یک دموکراسی دروغین را برای فریب توده‌ها وپنهان داشتن اعمال حاکمیت ایالات متحده ،ارائه می‌نمودند. لیکن به هنگام شرایط مصیبت بار، این سیاست آشفتگی به بار می‌آورد. دسته‌های گوناگون‌شیادان صرفا" به برکشیدن فریادهای " ضد کمونیزم " و جلوگیری از شکست مبادرت نورزیدند بلکه‌ازشکست به عنوان سلاحی علیه یکدیگراستفاده می‌نمودند، برای یکدیگر حساب باز می‌کردند و برای‌امریکائی " تمام عیار " بودن به رقابت و چشم وهم چشمی می‌پرداختند و دستگاه حکومت دست نشانده راباز هم ضعیف‌تر می‌کردند. در برابر ناتوانی تیو، تران تین خیم که برای مدتی دراز دستیار تیو بود، " کنفرانسی از ژنرالهای‌رهبری " ترتیب داد تا تیو را وادار به استعفا نماید. نگوین کائوکی، ژنرال کابوی که مدتها از تیو فریب خورده بود نیز به کائو وان وین پیوست تا با

دست زدن به یک کودتا ، تیو را ساقط کند. تضاد های درون رهبری بر روحیه متزلزل و به شدت تضعیف شده ژنرالها ، افسران و سربازان سایگون اثر گذاشت. آنها به سوی یکدیگر تیراندازی می کردند. از جمله ژنرال سایگونی نگوین وان توان، فرمانده سپاه سوم دشمن ، فرمانده جانشین خود ژنرال نگوین وان هیو را با شلیک گلوله کشت و سپس گفت : " هیچ دستوری به غیرازدستورتخلیه را نخواهم پذیرفت ."

ما بیشترین توجه را به اوضاع دشمن، بویژه اخبار عملیات علیه ایالات متحده مبذول میداشتیم در بعد از ظهر روز ۲۱ آوریل، درست پس از آنکه لیدوک تو ، فام هونگ و من جلسهٔ بررسی نهایی تدارکات برای عملیات هوشی مین را به پایان رساندیم، نگوین وان تیو با چشمانی پر از اشک اعلام نمود که از مقام باصطلاح ریاست جمهوری ویتنام کناره میگیرد.

بدین ترتیب کارنامه سیاسی پر از فساد یک خائن مطلقا" درمانده دربرابر ملت ویتنام بسته شد ، کسی که بنده زرخرید امریکائیها بود وهیچکس نمیدانست که وی تا چه حدجنایات وحشیانه ای علیه میهن پرستان ما در سرتاسر میهن مرتکب شده

بود. او از نافرجامی سرنوشت خود شکایت کرد، به اربابان خود حمله کرد ونوکران خود را با لحنی همانند لحن یک لژیونر فرانسوی دشنام داد. آنچه که بیش از همه چیز برای وی تاسف‌آور بود، این بود که باندازه کافی او را یاری نداده‌اند و مداخله نظامی ایالات متحده برای طولانی‌تر کردن جنگ ادامه نیافته بود. وی آنگاه امریکائیان را مخاطب قرار داده واظهار داشت که اگر به راستی کشوری خوب ومتعهدهستید برای ادامه جنگ با " ویت‌کنگ‌ها " به‌ویتنام بازگردید.

سقوط تیو بیانگر در هم شکستن توهم امریکا بود. برنامه آنان استفاده از تیوی نوکر به عنوان وسیله‌ای برای ادامه سیاست" ویتنامی کردن " جنگ بود.

سقوط تیو بدین سبب نبود که آن سال، سال گربه بود و وی در سال موش* متولد شده بود.

---

* خواننده توجه دارد که ملل خاوردور (چین، ویتنام...) هرسال را به‌نام یک حیوان می‌نامند. منظور موءلف در اینجا، کنایه از خورده شدن موش به وسیله گربه است.

همچنین بدین دلیل نیز نبود که صاعقه‌ای به صخره تیغ مانند جنب بتکده باشکوهی که او در نیمه راه کوه دائو در فان رنج بنا کرده بود، برخورده‌است. (او برای ساختن این بتکده از یک گردان مهندسی استفاده کرده بودویک گروهان از قوای امنیتی محافظت آن را در تمام مدت به عهده داشت، تا مادر وی بتواند بعنوان "راهبه‌ای عبادت کننده" در آنجا زندگی نماید).

او سقوط کرد زیرا سیاست تجاوز کارانه امپریالیست‌های آمریکائی با اراده خلق برای استقلال و آزادی مستقیما" روبرو شده و تماما" شکست خورده بود.

ایالات متحده تران وان هونگ، یک پادوی لایق تر امریکائی را با تیو تعویض کرد. تفاوت بین تیو و هوانگ، تنها تفاوت بین یک خائن نظامی گرای وحشی با یک خائن غیرنظامی مکاربود. آنها هر دو علاج ناپذیر بوده وهدفشان ادامه جنگ و ضدیت با سرزمین پدری و خلق بود. حکومت هونگ همان حکومت تیو، بدون تیو بود.

همه می‌دانستند که امریکائیها تیو را درون سطل زباله پرتاب کرده‌اند ولی گروه تیو در سایگون هنوز قدرت داشت و خود وی همچنان در

پشت سر هونگ جای گرفته بود تا "برادران کوچکش" را ارشاد کند. این نوکران سعی داشتند تا روحیه یکدیگر را با این جملات تقویت کنند : "قصه‌هائی درباره اینکه ده لشگر ویت‌کنگ، کمتر یا بیشتر فرقی ندارد، در حال محاصره سایگون می‌باشند تنها دروغهای بچه‌ترسانی است‌که مخالفین ساخته و پرداخته‌اند " و یا : " چگونه ده لشگر و یا بیشتر از لشگرهای ویت‌کونگ می‌توانند به‌سایگون برسند؟ حتی اگر چنین چیزی درست باشد، نیروی هوایی ما آنقدر نیرومند است‌که تمامی آنها را نابود کند. یک واحد از بمب‌های خوشه‌ای (سی بی یو) که ما در اختیار داریم برای محو ونابود کردن کامل یک لشگر کافی است." یکی ازخدمت‌گزاران تیو در خیمه شب‌بازی مجلس ملی چنین لاف می‌زد که : " من قطعا" قدرت را به یک دولت تسلیم شده واگذار نخواهم کرد."

در ۲۶ آوریل تیو و خانواده‌اش شانزده تن طلا و نقره، دلار و متعلقات خود را برداشته و به تایوان گریختند. آنان پیش از آنکه دیگران به خود آیند، و یکی پس از دیگری از فرار تیو تبعیت کنند، از ویتنام خارج شده بودند. بسیاری از نوکران امریکا و جانیان خود فروخته، بسیاری از کسانی که مسئول خونهای ریخته شده خلق‌مایند،

ما یملک خود را جمع کرده و گریختند و فراموش نکردند که گواهی نامه‌ها، دیپلم‌های افتخار و جوایز دریافتی از امریکائیان را با خود ببرند. کلیه شعبات بانکهای سایگون پر بود از مردمی که می‌خواستند پولهایشان را از بانک بیرون بکشند. آنان در عرض چهل و هشت ساعت بیش از ۴۰ میلیارد پیاستر - به کلام دیگر در حدود ۶۰ میلیون دلار - پول را از بانکها خارج کردند. تقریبا" کلیه خطوط هواپیمائی بین‌المللی پرواز-هایشان را به سایگون لغو کردند. بسیاری از مردم با تلفن از یکدیگر جویای اوضاع می شدند و تعداد آنان آنقدر زیاد بود که اداره تلفن‌مرکزی سایگون ظرفیت آن همه مکالمه تلفنی را نداشت. تعدادی از هواپیماهای‌دشمن به تایلند گریختند و برخی از خلبانان تنها سعی در دور شدن از شهرها و پرواز به نواحی دیگر می‌نمودند.

مارتین "سفیر" ایالات متحده و دیگر شخصیت های غربی با حالی نزار و پریشان جناحهای سیاسی روی صحنه در سایگون را موردبررسی قرارمی‌دادند. فشار برای استعفای تران وان هونگ زیاد بود، حتی از طرف ایالات متحده. آنان خواستارآن‌بودند که وی جای خود را به کسی دهد که بتواند " با

سهولت بیشتری با جبهه آزادیبخش ملی تماس‌بگیرد".
هونگ می‌خواست حکومت را تنها به یکی از افراد گروه تیو بسپارد و او کوشید به صندلی" ریاست جمهوری" بچسبد تا همه " برادران کوچک " با داشتن فرصت زیاد، جواز گریختن به خارج ازکشور را با قیمت‌هائی گزاف به فروش رسانند و پس از آن هم فرصت کافی برای انجام امور مربوط به خودشان داشته باشند. ما می‌دانستیم که یک ورق جدید از پشت‌پرده اوضاع را زیر نظر داردودر انتظار روزی است که آفتابی شده و جایگزین هونگ گردد. فعالیت‌های دیپلماتیک بسیاری با جار و جنجال زیاد درهمه زمینه‌ها صورت می‌گرفت. آمریکائیها با استفاده ازهرنوع مانوور- که برخی از آنها مانورهای زیرکانه دیپلماتیک بود- می خواستند که قوای پیشتاز ما را متوقف‌کرده و خود را از شکست مطلق نجات دهند.

ماموران سیای آمریکا در سایگون، مانندماری سمی، همیشه به اطراف واکناف خزیده و جاسوسی می‌کردند. آنها بر طبق طرحهای بسیار شیطانی خود چنین شایع کردند که " هونگ تنها بطورموقتی رئیس جمهور است و حاضر به سازش می‌باشد. ایالات متحده در انتظار پاسخ است." وچیزهایی مشابه

این،در همین زمان، ژنرال وانوخم، که معلم تیو نیروهای سیاری در واحدهای قدیمی فرانسوی به نام حمایل سرخ بود و اینک از افسران عالی رتبه ارتش سایگون به شمار می رفت، با عجله از فرانسه به سایگون آمد. در طی جنگ هندوچین او گروه سوم متحرک را فرماندهی کرده و از بسیاری از نبردها جان سالم بدر برده بود. او در این ساعات پرمخاطره به سایگون آمد تا قوت قلبی به قوای دست نشانده بدهد و روحیه آنان را تقویت نماید. وی گمان می‌کرد که "فرصت مناسب" برای او فرا رسیده است. همه آنان تنها ابلهانی بودند که در خواب راه می‌رفتند!

تکامل اوضاع درست به همان صورتی بود که دفتر سیاسی در گردهمائی ژانویه ۱۹۷۵ پیش بینی کرده بود. ایالات متحده آشکارا ضعیف شده و دیگر توان اینکه حکومت سایگون را از سقوط همه جانبه برهاند نداشت. کلیه اخباری که به ما می‌رسید نشان می‌داد که ایالات متحده تخلیه نیروهای خود را شدت بخشیده و مزدوران حلقه بگوش خود در جنوب ویتنام را به حال خود رها می‌کند، یعنی درست همان کاری که در کامبوج کرده بود. این موقعیت استراتژی مزدوران را به سختی تکان داد

و وادارشان ساخت تا به شیوه جدیدی با اوضاع برخورد نمایند. شاید آنها راههای ممکن را چنین محاسبه کردند که: نخست، گردآوردن نیروهایشان برای حفظ سایگون، دوم، اگر موفق به حفظ سایگون نگردیدند، تمامی نیروهایشان به اتفاق عقب‌نشینی کنند تا سپاه چهار را حفظ نمایند. ما نیز اطلاعاتی از داخل صفوف دشمن دریافت داشتیم مبنی بر اینکه آنان نومیدانه به تدارک عقب‌نشینی برای دفاع از کان تو (واقع در حوزه سپاه ۴) مشغول بودند تا در صورت آزاد شدن سایگون بوسیله ما، عقب‌نشینی نمایند. آنان گمان می‌کردند که به علت وجود رودخانه ها و نهرهای بسیار در اطراف کان تو ما نخواهیم توانست از تانک، زره پوش و آتشبار سنگین استفاده کنیم و همچنین تامین مداوم تجهیزات برایمان دشوار خواهد بود.

در ۲۱ آوریل، ژنرال ویلسون وابسته نظامی امریکا در سایگون و تعدادی از مستشاران نیروی هوائی امریکا به همراه فرمانده لشگر هوایی سایگون به میدان فرود بین توی رفتند تا این فرودگاه را از نظر استفاده از آن به عنوان مکانی برای تخلیه هواپیماها از بین هوا وتان

سون نات ، مورد بررسی قرار دهند. آنان تجهیزات
این میدان فرود را افزایش دادند تا در صورتی
که میدان فرود بین هوا فلج شد، از میدان فرود
بین توی برای حمایت از سایگون استفاده شود.
آنها این وضعیت را نیز در نظر گرفتند که اگر
برای انجام طرح پشتیبانی دراز مدت ، مجبور به
عقب نشینی شده و مواضع دفاعی خود را درکان تو
مستقر نمایند، آنگاه اجبارا" باید فرماندهی
نیروی هوائی را به بین توی انتقال دهند.

لیکن ما می‌دانستیم هرگاه قدرتمندترین ، و
قاطع‌ترین ضربه خود را برای آزاد ساختن سایگون
- جبادین وارد آوریم، کلیه قوای باقیمانده دشمن
در دلتای مکونگ دیر یا زود باید سلاحهایشان را
بر زمین گذاشته و تسلیم شوند.

در طی این روزها ، زمانی که پس از انجام
مذاکرات در سرفرماندهی برای استراحت به کلبه های
خود بازمی‌گشتیم، هنگامی که در نیمه شب از خواب
بیدار می‌شدیم و یا زمانی که به آخرین اخبار
درباره دشمن گوش می‌دادیم، خاطرات، تصورات و
همچنین وظایف مان یکی پس از دیگری ظاهر می‌شدند.
نگوین شی تان را به یاد آوردیم، یکی از اعضای
دفتر سیاسی که بیش از ده سال قبل توسط عمو هو

و دفتر سیاسی مرکزی حزب ، برای رهبری جنبش مقاومت علیه ایالات متحده انتخاب گردید تا به همراه افرادی از COSVN به نام بو بنیاید. در آن هنگام، امپریالیست های امریکائی که با خطر شکست در " جنگ ویژه " خود روبرو شده ونوکرانشان نیز هراسان و سخت گیج و سردرگم شده بودند ، نیروهای امریکائی و قوای ویژه خود را به سوی جنوب سرازیر کردند و همزمان با آن با استفاده از نیروهای هوائی و دریائی خود به عملیات تخریبی در شمال پرداختند. آنان برای پیش برد این سیاست ها به دنبال یافتن مطیع ترین و وفادارترین نوکران بودند تا به آسانی بتوانند ، همانطور که در مورد دست نشاندگانشان در جنوب عمل کردند، این نوکران را مرتبا " تعویض نمایند.

نگوین شی تان شب و روز به بررسی مشکلات جبهه نبرد جنوب مشغول بود تا تصویر روشن و درستی از مواضع ما و دشمن به دست آورد، و همچنین درباره شیوه جنگ با آمریکائیها به دقت اندیشه می کرد. وی هنگامی که برای ادای گزارش درباره کلیه اوضاع و جنبه ها به رئیس جمهور هو و دفتر سیاسی به هانوی آمد، از طرف شعبه جنوبی حزب ، نیرو های مسلح جنوب و کلیه هم میهنان ما در جنوب تعهد

کرده بود که همگی آنان مصمم به نبرد علیه " جنگ محدود " ایالات متحده و کسب پیروزی می‌باشند. او با دید ژرف و باریک بین خود و بااطمینان بی‌حد و حصری که به موضع در حال پیشروی انقلاب، به توان بالقوه نامحدود توده‌های انقلابی و به حمایت گسترده شمال سوسیالیست داشت، طرح استراتژیک پیشنهادی خود را به دفتر سیاسی تقدیم داشت. بخش امور داخلی در مصوبه نهمین کنگره کمیته مرکزی حزب، یازده سال قبل اعلام داشت که مهم نیست امپریالیست های امریکائی، چه مقدار قوا به ویتنام بفرستند، مهم نیست جنگ تهاجمی آنها چقدر وحشیانه باشد، آنان نهایتا " شکست خواهند خورد.

تان که در یک کلاس در مدرسه نگوین‌ای کوک * این مصوبه را توضیح می‌داد، گفت " ضرب المثلی داریم که می‌گوید اگر یک اسب مریض شود، همه ء

---

* مدرسه نگوین ای کوک، مرکز آموزشی کادر های حزب است. نگوین ای کوک (نگوین میهن ـ پرست) یکی از نام‌های اولیه و مشهور هوشی مین بود.

طویله از چریدن می‌افتند. این روایت در مورد اسب‌های حقیقی است. ولی هرچه اربابان امریکائی این گله افراد مزدور در جنوب علوفه بیشتری به آنها بدهند - آنها دلار می‌خورند نه علف - با حرارت بیشتری بر سر این علوفه با یکدیگر نزاع می کنند. بنابراین همانطور که همه می‌بینید، اکنون که امریکائیها وارد شده‌اند، آنها نیز برای دست یافتن به آبشخور، بجان یکدیگر افتاده و بر سر و روی یکدیگر می‌زنند - مثال آن رویداد یک پشته کودتا تنها در عرض یکسال است. بعدا" زمانی که ما با قدرت آنان را در هم بکوبیم و پیروزی‌هائی بزرگ بدست آوریم، آنها چهار نعل خواهند گریخت - در آن زمان تنها اسب‌ها نیستند که یکدیگر زاگازمی‌گیرند و به هم جفتک می‌اندازند بلکه حتی صاحبان و تمامی طویله‌های‌شان به جان یکدیگر افتند، سروصدا براه می‌اندازند، آخور خود را پاره کرده و به هر سو می‌دوند واینهمه نه برای رقابت برای رسیدن به خط پایان، بلکه برای گریز از مجازات انقلاب است".

در مواقعی که با هم کار می‌کردیم، تان غالبا" محرمانه به من می‌گفت "این آرزوی عمو هو و خواست تمامی مردم جنوب است که جنوب را آزاد

ساخته و سرزمین پدری را متحد سازند تا عمو هو بتواند به جنوب آمده، خلق و رفقای حزبی را ملاقات کند. او غالبا" خواستار آمدن به جنوب بود و برای این کار مرتبا" تمرین پیاده روی می‌کرد. ولی دفتر سیاسی مرکزی حزب نمی‌خواهد او در این زمان به جنوب برود. بنابراین ما باید هرآنچه لازم است انجام دهیم، حقیقتا" خوب بجنگیم واگرمی‌خواهیم عمو هو را خوشحال کنیم باید آمریکائیان را شکست دهیم.

"عموهوچنان درفقدان جنوب است که درفقدان خانه خویش وجنوب چنان درانتظار عموهواست که درانتظار پدر خود".

امروز عمو هو و رفیق نگوین شی تان دیگر وجود ندارند. ولی عظیم‌ترین خواست عموهو، راز های نگوین شی تان، و آرزوهای بیش از ۲۰ میلیون تن هموطن جنوبی، اینک باعزمی بس استوار در حال عملی شدن است. ما دستورهای عموهو را دنبال می‌کردیم و از روی آثاری که نگوین شی تان در مناطق جنگلی تری تین و تای نگوین، در نهالستانهای کائوچوی لوک نین، دائوتینگ وکون تان، از خود به جای گذاشته بود به حرکت ادامه می دادیم.

همچنان که به داخل نام بو راه می‌پیمودیم، ننوهایمان را در جنگل هائی می‌آویختیم که زمانی رفیقمان در آنجا دراز کشیده و به راههای جنگ با امریکائیها فکر کرده بود. ۀتنها تا چند روز دیگر، ما مطمئنا به سایگون وارد خواهیم شد، شهری که در ۱۹۱۱ عموهو آنجا را ترک گفت‌تا به جستجوی راه رهائی ملی برود و مکانی که ۱۱ سال قبل نگوین شی تان در آنجا شلوار و پیراهن دهقان نام‌بویی به تن کرد، شال رنگارنگی به‌دور گردنش بست، کلاه مخروطی از جنس برگ نخل به سر گذاشت و با قایق به ملاقات رفقای کمیته شهری سایگون ما ـ درست در پشت یک پایگاه دشمن، که با دیواری از پلیس و عوامل مخفی احاطه شده بود.

ازاولین روزی که ما با امپریالیسم امریکا مواجه شدیم، حزب ما طرحها، ماهیت و توان امریکائیها رابدرستی ارزیابی کرد وبه شکست دادن ایالات متحده متجاوز مصمم شد. حزب ما می‌دانست که چگونه این جنگ برای استقلال وآزادی راآغازکند و آنرا به پیش برد. حال موعد آن فرا رسیده بود که حزب جنگ دراز مدت انقلابی را شروع و آنرا به نتیجه پیروزمندانه برساند. امریکائیها پشتیبانی

خود را از دست نشاندگان سایگون قطع کرده بودند و آنان چاره‌ای جز سقوط نداشتند. با شکست امریکائی ها سرزمین پدری ما کاملا" مستقل و آزاد خواهد شد. میهن مجددا" متحد شده وشمال وجنوب مجددا" مانند یک خانواده به یکدیگر خواهند پیوست. خلق ما سوسیالیسم رادردرون تمام کشور بنا خواهد کرد.

در ۲۲ آوریل، لی دوان از طرف دفتر سیاسی مرکزی تلگراف زیررابه ما مخابره‌کرد:

زمان مناسب سیاسی و نظامی برای شروع تعرض همه جانبه به سایکون رسیده است. ما باید بهترین استفاده رااز هرروز به عمل آوریم وحمله علیه دشمن را به موقع بی هیچ تاخیری ازهمه جهت آغازنمائیم اگر تاخیر کنیم، از لحاظ سیاسی ونظامی به نفع ما نخواهد بود. درحال حاضرعمل به موقع با بیشترین قطعیت پیروزی جامع مارا تضمین خواهد کرد. شما باید فورا" نیروها را درکلیه جهات برای عملکرد به موقع هدایت کنید و به هماهنگ کردن تعرض نظامی با قیام توده‌ها توجه داشته باشید. درحین

آمده بودند. این مصوبه سرنوشت سایگون وان تیو و همکاران خائن مرتجع او و امپریالیست های متجاوز امریکائی را معلوم میکرد.

در دورانی بیش از ۴۰۰۰ سال سازندگی و دفاع از کشور، به ویژه اززمانی که ما رهبری حزب را داشته‌ایم، مردم ویتنام تجربه و قابلیت تمیز گذاردن روشن بین دو گروه افراد را بدست آورده و دارای توانائی سنتی برای برخورد و مراقبت از آنان بودند. گروه نخست که اشکال مختلفی به خود می‌گرفت و برنامه‌های بسیاری بکار می‌بست و دارای نیروی زیاد و تا حد ممکن لگام گسیخته‌ای نیز بود، هر موقعیتی هم که می‌داشت نمی‌توانست بر ملت ویتنام پیروز شود. امپریالیستهای امریکائی، قوی ترین، ثروتمندترین و جنگجوترین دولت در جهان سرمایه داری امروز، در بیست سال و اندی گذشته به این اصل آگاه شده بنابراین به‌دکترین دیگری پناه بردند و از پله‌ای به پله‌ی دیگر پریدند. آنها پیکر نیروهای نظامی‌شان را از امریکا فرستادند تا در کنار قوای اقمارشان قرار گیرد. لکن پس از استشمام بوی شکست، بی سر و صدا پرچمشان را پائین کشیده و به‌کشورشان گریختند و به اصطلاح صلح پرافتخارشان رادست-

پیشرفت عملیات، ضربات گوناگون باید با یکدیگر هماهنگی کرده، و تعرض با قیام توده‌ها هماهنگ شود. فرصت کنونی به ما حکم می‌کند با بیشترین سرعت ممکن عمل کنیم. اگر از این فرصت عظیم به طور مناسب استفاده کنیم، جای تردید در پیروزی ما باقی نخواهد ماند.

در ۲۲ آوریل، سرفرماندهی عملیات مجددا" برنامه رسمی عملیات هوشی مین را برای آخرین بار بررسی کرد و نقشه قرار عملیاتی را با نشانهای سرخ تازه که بر جهات حمله‌ی تمامی واحدها به سایگون ـ جیادین دلالت می‌کرد، علامت گذاری نمود. در سرفرماندهی، در حضور لی‌دوک تو نماینده دفتر سیاسی مرکزی حزب در جبهه و دیگران، نام هونگ به عنوان افسر سیاسی و من به عنوان فرمانده عملیات، نقشه را امضاء کردیم.

ما از اینکه به نمایندگی از طرف تمامی هموطنان و رفقای محبوبمان در این جبهه بودیم، افتخار می‌کردیم و از قبول این ماموریت که دفترسیاسی در این عملیات به ما محول کرده بود سخت خوشحال بودیم. این رای مصوبه ملت قهرمان ویتنام، حزب پر شکوه کارگران ویتنام و ارتش خلق ویتنام بود که از صدها نبرد پیروز بیرون

آویز قرار دادند. ایالات متحده همچنین مجبور بود نتایج تهاجم ناموفقش علیه ویتنام را که برای زمانی طولانی او را در تمام جبهه‌ها تضعیف کرده‌بود، متحمل شود. سرنوشت کسانی که قصدداشته باشندکشورما راازما بدزدندبه روشنی قلم خورده است. این سرنوشت براستی غم انگیز، تلخ و هجو آمیز خواهد بود.

در گروه دوم کسانی قرار داشتند که کشور خودرا درمعرض فروش می‌گذاشتند، خودشان را به دلار و روحشان را به بیگانگان می‌فروختند. درگذشته اشخاصی مانند تران ایش تاک و لوشیو تونگ‌وجود داشتند و در عصر جدید هم کسانی مانند نگودین دیم، نگوین وان تیو و نگوین کائوکی پیدا شده‌اند. * سرنوشت آنها به‌پستی وننگ آغشته

---

* تران ایش تاک شاهزاده‌ای از دربار تران بود که در خدمت منافع ارتش متجاوز کوبلای خان مغول در اواخر قرن سیزده قرار گرفته بود. لوشیو تونگ اجیر حکومت فئودالی سلسله له در اواخر قرن هجده بود. او کوشش ناموفقی برای احیای نظام کهنه فئودالی که در قیام دهقانی تای سون از بین رفته بود، نمود.

بود. برخی تا سه بار هم ارباب عوض کردند و سرانجام بوسیله همان اربابان به‌قتل رسیدند. کسانی بودند که یکدیگر را در "توطئه علیه شاهزاده" و رقابت بر سر دلار کشتند؛ همینطور افرادی وجود داشتند که در مقابل ضربات جزای خلق بی نهایت کله شق بودند لکن سرانجام مجبور به تسلیم یا فرار شدند.

تمامی آنان فاقد سرزمین پدری بوده و برای میهن یا آرمان دیگری دست به عمل نمی‌زدند مگر برای دلار. تمامی آنچه را که این وطن — فروشان انجام داده‌اند، جنایت علیه خلق است. آنان ایالات متحده را به اینجا آوردند، قطعات گرانبهای خاک جنوب را به آمریکا تقدیم کردند، میلیونها جوان ما را جلوی توپ‌های آمریکا انداختند. ده‌ها هزار نفر از خواهران ما را بازیچه دست امریکائیها نمودند، آنان برای جامعه جنوب در بسیاری جبهه‌ها، بجای اخلاقیات خوب سابق، مباهات به سنن ملی و حس سربلندی نسبت به تاریخ و تمدنش، فاجعه ببار آوردند. تمامی آنچه را که آنان به مردم گفتند، فریب و کذب، عوامفریبی و ارتجاعی بود. آنان جنایتکار بودند نه قربانی؛ واکنون زمان شکستن کمر رژیم آنان فرا رسیده بود.

پیشروی به داخل سایگون

ما پس از اتمام تمامی کارهای تشکیلاتی برای هماهنگی بین تمامی پیکان های حمله‌وشاخه‌ها و سلاحهای تخصصی، سرفرماندهی عملیات را در دو بخش تجدید سازمان کردیم: تران وان ترا و من به همراه سرفرماندهی طلایه‌دار به نزدیکی‌قرارگاه نیروهای عمده ضربتی رفتیم تا بتوانیم‌در تماس تنگاتنگ با وضعیت بوده و حمله را با تجانس بیشتری فرماندهی کنیم؛ لی‌دوک‌تو و فام هونگ برای دنبال کردن کل اوضاع نظامی، سیاسی و دیپلوماتیک که در ارتباط با عملیات بودند و برای حل هر نوع مسئله عمومی در رزمگاه ب ـ ۲، در سرفرماندهی پایگاه باقی ماندند.

در این زمان، وظیفهٔ استقرار مواضع توپ‌ـ خانه در نون تراش به منظور کنترل میدان فرودتان سون نات مشکلی بود که هنوز ما را سر درگم می‌کرد. میدان فرود " بین هوا" Bien Hoa در تیررس آتشبارهای ما در هیولیم Hieu Liem قرار گرفته و دشمن مجبور به انتقال هواپیماـ هایش به تان سون نات و بین توی (در کان تو)

شده بود. اگر هواپیماهای دشمن از بین توی پرواز-
شان را شروع می‌کردند ما محدودهٔ پرواز آنها را
کوتاه کرده و آنرا ۱۵۰ کیلومتر به طرف جنوب
سوق می‌دادیم. ولی میدان فرود تان سون نات هنوز
به دشمن اجازه ادامه جنایتهایش را می‌داد. از
این فرودگاه همه نوع هواپیمای حمل و نقل
امریکائیها و رهبران مزدور را با شتاب و بدون
فوت وقت به خارج می‌بردند.

دستور نبرد ارسال شده به کلیه جناحهای شرقی
روشن بود: در ۲۷ یا حداکثر در ۲۸ آوریل نون
تراش برای استقرار موضع آتشبار ۱۳۰ میلیمتری
بمنظور زیر آتش گرفتن تان سون نات باید تصرف
شود. اما نون تراش در بیست کیلومتری سایگون و در
منتهی الیه جنوب شرقی آن به خط مستقیم قرار
داشت. ما مجبور بودیم از پایگاه نوک ترونگ و
از حوزه شهر لونگ تان قبل از پیدا کردن راهی
برای پائین رفتن و تصرف حوزه شهر نون تراش و
بردن آتشبار و استقرار آن در آنجا، مواظبت کنیم.
اگر این قصد ما عملی می‌شد، نه تنها میدان فرود
را فلج می‌کردیم بلکه می‌توانستیم رودخانه لونگ
تانو را بسته و نگذاریم دشمن از رودخانه به
دریا بگریزد. ولی اگر هر شکستی پیش آمده و موضع

گیری توپخانه به تاخیر می‌افتاد. این تاخیر می‌توانست بر طرح‌های هماهنگ شده برای عملیات تاثیر بگذارد.

بعد از ظهر ۲۵ آوریل، پس از شنیدن گزارش سرهنگ ارشد هوانگ نگوک دیو، جانشین فرمانده قوای دفاع هوائی - نیروی هوائی از وضعیت میدان های فرود دشمن از تان سون (فان رنج) که درشمال تصرف شده بود خبرداشت- بویژه این که خلبانان‌ومکانیک های ما در پایگاه نیروی‌هوائی دانانگ، تحت فرماندهی سرهنگ تران مان، قائم مقام رئیس‌ستاد، به سرعت نحوه‌ی پروازونگاهداری هواپیماهای ای - ۳۷ دشمن را فرا گرفته بودند ما تصمیم گرفتیم که از هواپیماهای دشمن با استفاده از مردان خود برای کوبیدن میدان فرود تان سون نات، استفاده کنیم. این ابتکاری مثبت در جهت کنترل میدان فرود بود. این ابتکار به ویژه سودمند می‌افتاد چرا که آشفتگی بیشتری را در روحیه مختل پیشین دشمن باعث شده مانع فرار آسان رهبرانشان می‌شد و به آنها علامت می‌داد که نیروی هوایی ما خود را در جبهه جنگ و آسمان تمامی جنوب که متعلق به ما بود، ظاهر کرده است و این ابتکارهمچنین

روشی برای دور نگاه داشتن دشمن از هواپیماهای بجای مانده در تان سون نات بوده و درعین حال فرصت و شرایط را برای شرکت مستقیم رزمندگان نیروی هوائی ما در این عملیات تاریخی ایجاد می‌کرد. آنها از این عملیات تجربه بیشتری برای رزم، ساختن و آموزش آینده نیروی هوایی به‌دست خواهند آورد.

پیش از آن، با سرهنگ ارشد دائو دین لوین، جانشین فرمانده قوای دفاع هوایی و فرمانده نیروی هوایی ملاقات کردیم و گزارش دقیق او را درباره وضعیت نیروی هوایی خود شنیدیم. با او در مورد استفاده از سه میدان بزرگ فرود که پس از آزادی در نام بو بجای می‌ماند نیز گفتگو کردیم. در همان زمان به شاخه او ماموریت تهیه تدارکات فوری برای اطمینان از اینکه نیروی هوایی ما بتواند به سرعت آرایش یافته و کنترل حریم هوایی جنوب و همچنین سراسر کشور شامل آسمان بالای آبهای ارضی و سیستم جزایر دور از ساحل را به‌گیرد، محول کردیم.

مسئله‌ی تمرین خلبانهای ما برای استفاده از هواپیماهای مصادره شده از دشمن، از زمانی که تعدادی از هواپیماها و میادین فرود از سپاه یک و دو دشمن به غنیمت گرفته شد، مطرح شده بود.

ما اغلب با ستاد کل و فرماندهی دفاع هوائی نیروی هوایی تبادل نظر می‌کردیم. ستاد کل دستورهایی به فرماندهی دفاع هوایی - نیروی هوایی درباره این موضوع داده بود و آنان این دستورها را انجام داده بودند. من به هوانگ نگوک دیو، رو کرده و گفتم "زمان برای تدارکات بسیار کوتاه است. ما باید به میدان فرود تان سون نات ظرف چند روز آینده ضربه بزنیم. آیا می‌توانید اینکار را انجام دهید"؟

او پاسخ داد "ما مصمم به انجام آن هستیم. اجازه میخواهم که فورا" امشب به طرف فان رنج عزیمت کنم و پیشنهاد می‌کنم که شما فورا" دستور را به رفیق لو وان تری، فرمانده شعبه دفاع هوائی - نیروی هوائی که فعلا در هانوی می‌باشد مخابره کنید، تا خلبانها، مکانیک ها و هواپیماها را از دانانگ به میدان فرود تان-سون بفرستد."

نخستین باران های فصلی در نام بو شرقی شروع شده بود و آسمان تیره و باران پراکنده بود. هوانگ نگوک دیر، برخاست و قبل از رفتن سلام داد. دستش را گرفتم و به او هشدار دادم "شما باید به طور اضطراری کار کنید، واقعا"

اضطراری، تنها سه روز باقی مانده است. اگر ۲۸ آوریل برسد و شما نتوانید ضربه بزنید، فرصت دیگری نخواهید داشت. نیروی هوایی رزمی شما تنها یک روز، تنها همین یک بار را برای ثبت پیروزی شما در اختیار دارد."

ما مجبور بودیم روز آغاز تعرض را دقیقاً تعیین کنیم مخصوصاً به این دلیل که بر طبق طرح های عملیاتی، در ۲۸ آوریل آتشبار دور زن ما قادر به شلیک در تان سون نات از موضع نون تراش خواهد بود و این روزی است که کلیه فشار حمله ضربتی ما به جانب مرکز شهر معطوف بوده و در نتیجه آن واحدها خواهند توانست به میدان فرود تان سون نات وارد شوند. آنان مطمئناً فرصت کافی برای تدارک وارد آوردن ضربتی قبل از ۲۸ آوریل را نخواهند داشت.

در طلوع ۲۶ آوریل، برای رفتن به سرفرماندهی عملیاتی پیشرو، مستقر در یک پایگاه قدیمی واحدی از عملیات ویژه سایگون، در شمال غربی بن کات، سوار بر ماشین شدیم. از این پایگاه نیرو های عملیات ویژه ما در عرض سالهای متمادی حملات بسیاری را به داخل سایگون سازمان داده و تلفات سنگینی بر آمریکائیها و چاکرانشان واردساخته

بودند. سرفرماندهی ما گروهی کلبه‌های کاهگلی ساده بود که باد از همه طرف به داخل آن می‌وزید و اگر در داخل خانه می‌نشستیم. و از زیر سقف بیرون را نگاه می‌کردیم، تکه‌هایی از آسمان آبی را می‌دیدیم. دو روز بعد، در ۲۸ آوریل لی‌دوک تو و فام هونگ با هم وارد سرفرماندهی پیشروشدند، زیرا عملیات هوشی مین در بعد از ظهر ۲۶ آوریل شروع شده بود، و آنها که در قسمت پشتي بفاصله سه ساعت رانندگی از ما نشسته بودند نگران شده و حس می‌کردند که ما باید در یک طرف متمرکزشویم تا بتوانیم در مقابل هر پیش آمدی عمل مشترک سریع انجام دهیم. بدین ترتیب پس از بیست‌وچهار روز و شب کار شدید، از زمانی که به‌سرفرماندهی ب-۲ از تای نگوین وارد شدیم، در ساعت ۱۷ روز ۲۶ آوریل، با نخستین شلیک عملیات هوشی‌مین در مجاورت قسمت شرقی شروع شد. از آنجائی که در ۲۹ آوریل سد بندی حملات روی مرکز شهرسایگون آغاز می‌شد، بنابراین طرح عملیات مشخص می‌کرد که صبح ۲۷ آوریل سدی از حملات از کلیه جهات بر حومه سایگون بسته شود و ضربه از سمت جنوب - غربی می‌بایست جاده ۴ را در نقاط بسیاری ازپل بن لوک به گذرگاه آبی می‌توان، قطع کند.

به جهت تضمین حملات در وقت مقرر، همه پنج زمینه ضربتی باید بر مشکلات عدیده عظیمی فایق می‌آمدند. از شمال غربی، شمال وجنوب غربی، نیروها به ویژه آنهایی که سلاحهای تکنولوژیک سنگین داشتند، می‌بایست از رودخانه بی وروو - خانه وام کو شرقی عبور کرده و شبکه قرار - گاههای دشمن را در هائونگیا، کوچی و فولوی محاصره یا وادار به تسلیم می‌کردند. این ما را قادر می‌ساخت که واحدهای ترکیبی برای ضربه عمیقی را به سرعت به مواضعشان وارد کنیم ودر مدخلهای پیشرویشان به داخل مرکز شهر، مستقر سازیم. از شرق و جنوب غربی باید بین هوا، باریا، ونگ تائو و لونگ تان را تصرف کرده و موضع آتشبار را در نون تراش برای محاصره و انشقاق عملیاتی قبل از سدبندی ۲۱ آوریل حملات به داخل مرکز شهر، تعبیه می‌نمودیم.

در ۲۴ آوریل، وقتی هنوز در سرفرماندهی پایگاه بودیم، گزارشی از لوترونگ تان قائم مقام فرمانده عملیات که دو سپاه قسمت شرقی را رهبری می‌کرد مخابره شد که به ما اطلاع می داد او و قوایش با ماموریت و اسلوب حمله موافق هستند و دستور جنگی سرفرماندهی عملیات را قطعا

به انجام خواهند رساند. اما در مورد زمان ـ بندی ، اگر جناح شرقی در ۲۷ آوریل با سایر تاخت‌های حمله در ضربه زدن شرکت کند، نخواهد توانست با سد حملات آتش توپخانه بر مرکز شهر که در ۲۹ آوریل شروع می‌شود به هماهنگی حمله برسد، زیرا در آن هنگام هنوز نیروهایش در پانزده تا بیست کیلومتری حومه‌ی شهر می‌باشند، دشمن در آنجا هم در گروههای زیاد متمرکز شده بود و آنها مجبور بودند از دو رودخانه بزرگ ـ دونگ نای و سایگون ـ عبور کنند. بنابراین لوترونگ تان پیشنهاد کرد که نخست به زمینه شرقی اجازه گشودن آتش و حمله در ساعت ۱۷ ، ۲۶ آوریل داده شود. برای تشریح دقیقتر موضوع جناح شرقی سرهنگ دوم لومن لونگ را برگزید تا در شب ۲۵ آوریل برای ملاقات فرماندهی عملیات و ارائه گزارش ، به سرفرماندهی بیاید. باتوجه به اینکه این پیشنهاد تاثیری در کل طرح نداشت وما به منظور تضمین قدرت سد حملات برمرکز شهر موافقت خود را با پیشنهاد لوترونگ تان مخابره کردیم. در همان زمان، سرفرماندهی عملیات به سایر تاخت‌های ضربتی ، زمان بندی واحد عملیات را به عنوان یک اصل و زمان بندی

بخش شرقی را گوشزد کرد تا تمامی تاخت های ضربتی از زمان بندی آگاه بوده و اقدام مقتضی را معمول دارد.

در خلال شب ۲۶ و روز ۲۷ آوریل، ما فعالیتهای خود را بر پی‌گیری و هدایت ضربه شرقی متمرکز کردیم و در عین حال بخش های ضربت در شمال و شمال غربی را برانگیختیم تا نیروی آتشان را برای پاکسازی مواضع توپخانه دشمن متمرکز نموده و به فوریت نیروهای نفوذی ضربت خود را سازمان دهند و برای ضربه زدن از جنوب غربی مسئله حساس، سازمان دهی حرکت تانک ها و آتشبار سنگین ۱۳۰ میلیمتری برای عبور از رودخانه وام کو و قطع کامل جاده ۴ بود.

پس از یک شبانه روز جنگ در شب ۲۷ آوریل، سرفرماندهی عملیات دست به جمع بندی اوضاع زد. سپاه دوم از محل ضربه زدن شرقی دقیقا درساعت ۱۷ روز ۲۶ آوریل بر دشمن آتش گشود. تقریبا" چندین گردان توپخانه سیلاب آتش بر سر دشمن جاری ساختند. به مجرد باز ایستادن آتش — توپخانه، قوای ما از بیشه‌زارهای گائوچو، به دنبال صدای شیپورها که در جنگل طنین می‌انداخت به بیرون هجوم آوردند. در عرض کمتر از دو ساعت،

لشگر ۳۰۴ مدرسه آموزش زرهی و قسمتی از پایگاه نوک ترونگ را تصرف کرد. دانشجویان افسری زرهی و افسرانی از تودوک که برای تمرینات در آنجا بسر می‌بردند دست به مقاومت سرسختانه‌ای زده و در تمام روز ۲۷ آوریل به ضد حمله پرداختند. ما حملات موفق بسیاری سازمان دادیم که هنوز قادر به پایان رساندن آنها نشده بودیم. قوای ما مجبور به جنگ به عقب با قوای دشمن در روی زمین و در همان حال ضربه زدن به هواپیماهای آسیمه سر دشمن که در سراسر محل بمب پائین می‌ریختند، بود. آفتاب درخشان و تندو زمین خشک به گرمی اجاق و مبارزین ما چنان تشنه بودندکه راه گلویشان بسته شده بود. کلیه واحدها می‌بایستی برای حمل آب آشامیدنی سربازانی که در حال جنگ بودند، وسائط نقلیه می‌فرستادند.

در هماهنگی با لشگر ۳۰۴، رزمندگان لشگر ۳۲۵ بخش فرعی لونگ تان را متصرف شدند. برای آزاد کردن فوک نونگ از جاده ۱۵ گذشته و لونگ تان را احاطه کردند. لشگر سوم از منطقه ۵ که اکنون تحت فرماندهی سپاه دوم بود با حمایت مستقیم تانکها و آتشبار سنگین، مانند تندبادی به حرکت درآمد. پس از سه ساعت نبرد، آنها بخش دوک تان را تسخیر کرده و در پی آن پس از آزاد کردن ـ

کامل شهر باریا ، در ساعت ۱۵ روز ۲۷ آوریل، به طرف ونگ تائو حرکت کردند. ودشمن پل کومی را منهدم کرد. لشگر سوم مجبور به توقف و انتظار برای مرمت پل شد. در هماهنگی با واحدهای اصلی، نیروهای محلی و میلیس باریا، راههای فرار، دهستانها و سرفرماندهی بخش را تصرف نمودند و قسمت پهناوری از استان باریا را آزاد کردند.

سپاه چهارم که در امتداد جاده ۱ عمل می‌کرد، با استفاده از قدرت آتش واحد های مرکبش بخش ترانگ بوم را تصرف کرد و به طرف بین هوا حرکت نمود ولی حرکتش توسط دشمن که در آنجا یک خط دفاعی دائر کرده بود و برای نخستین بار در تاریخ جنگ هندوچین یک خط - تله‌ای از تانکها ساخته بود سد شد.

واحدهای سرباز پلهای راش شیک و راش کت، پل گن و پل شاهراه رودخانه سایگون را برای استقبال از قوای اصلی که وارد می‌شدند، تصرف کرده بودند. اما دشمن با کله شقی ضد حملات مستمری صورت می‌داد. مکانهائی نظیر پل راش کو و پل شاهراه روی رودخانه دونگ نای وجودداشت که ما و دشمن بر سر تصرف آن با یکدیگر سخت

به ستیز برخاستیم. پس از چندین بار حمله و دست به دست شدن آنها، سرانجام سربازان ما همه‌ی این پلهای فوق‌العاده مهم را در اختیار گرفتند. این پیروزی خیره کننده سربازان ساده ما کمک عظیمی در گشودن جاده‌ها برای ورود نیروی اصلی ما به سایگون بود. در خلال همین روز ها نیز آتشبار دورزن ما در هیولیم، میدان فرود بین هوا را فلج نمود. دشمن وادار به تخلیه هواپیماهایش به تان سون نات شد و سرفرماندهی سپاه سوم سایگون در بعد از ظهر ۲۸ آوریل مجبور به فرار به گوولپ گردید.

در محل ضربت جنوب غربی، ما جاده ۴ از پل بن لوک تا چهار راه ترونگ لونگ در شمال گذرگاه می‌توان و بخشی از کای لای به ان هو را قطع کردیم، راه نیروهای لشگرهای ۷، ۹ و ۲۲ سایگون را مسدود کرده و آنان را پس راندیم و شرایط مساعدی برای عملیات سایر نیروهای ضربتی ایجاد نمودیم. نیروی ۲۳۲ برای باز کردن راه جهت تصرف سر پل در ان نین و لوک جیانگ که بر روی رودخانه وام کو قرار دارد به منظور ارسال نیروهای تعرضی - لشگر نهم و سلاح های تکنولوژیک - به آنسوی رودخانه از یک لشگر

استفاده کرد. اطمینان از اینکه سلاح های تکنولوژیکی که هنوز از برنامه عقب بودند، بتوانند از رودخانه عبور نمایند مشکل نیرو- های ۲۳۲ بود. هنگ های مستقل ۲۴ و ۸۸ ، در حال حرکت به طرف بالا، و به طرف جنوب ناحیه ۸ بودند.

در محل ضربت شمالی، سپاه اول تعدادی از مواضع آتشبار دشمن را جارو کرد و کنترل یک قسمت از جاده بین ایالتی ۱۶ را به منظور حرکت نیروهایش به داخل مواضع برای ضربهٔ نفوذی بدست گرفت و تا هفت کیلومتری لبه شمالی تو- دائومرت ، پائین آمد.

محل ضربت شمال غربی، سپاه سوم نه تنها در مدت یک روز و یک شب ، یازده موضع از هجده موضع توپخانه دشمن را منهدم کرد، و جاده ۱ و جاده ۲۲ را قطع نمود، بلکه هنگ های لشگر ۲۵ سایگون را در حالی که می‌کوشیدند در دونگ دو گرد هم آیند در تان ین محاصره و گردانی از هنگ ۵۰ را مجبور به تسلیم کرد. یک واحدسرباز و هنگ جیا دین پیش رفته و کنترل بخشی از جاده کمربندی اطراف سایگون ،پل بین فوک تا کوان تری را در دست گرفته و دروازه‌ای در حول

سنگرهای شمال میدان فرود تان سون نات به منظور تدارک حمله توسط قوای اصلی ما، باز کردند. ارزیابی کلی ما این بود که کلیهٔ محل های ضربت مقدمتا "طرح را انجام داده‌اند ولی شرق و جنوب شرقی با مشگلاتی مواجه شده بودند - بویژه در استقرار مواضع آتشبار در نون تراش - که می بایستی تا ۲۸ آوریل بر آن فائق می‌آمدند. در محل های ضربت در شرق و شمال غربی، دشمن مایوسانه می‌جنگید و سعی داشت ما را از تصرف پایگاه نوک ترونگ و هونای که برای گشودن جاده و موضع گیری نیروهایمان به منظور وارد ساختن ضربه عمیق به داخل مرکز شهر مورد نیاز بود، باز داشته و امکان قطع کردن تمام لشگر ۲۵ با تای نین و سایگون را از ما بازستاند. ولی لحظه‌ای فرا رسیده بود که تلاشهای آنان دیگر نمی‌توانست جلوی از هم پاشیده شدن تمامی سیستم دفاعیشان را بگیرد. یکی از کادرهای جنگی عملیات مقایسه جالبی کرد: " برای دشمن ۲۸ آوریل در سایگون مانند ۹ مارس در بان می توت است".

بعد از ظهر ۲۸ آوریل، حکومت دست نشانده سایگون نقش آخر درام را بازی کرد. پس ازجدال،

ترش روئی و چک و چانه زدن بسیار و تحت فشار قیم‌های بیگانه، تران وان هونگ استعفاء داد و صندلی ریاست جمهوری را به دونگ وان مین، واگذار کرد. رئیس جمهور جدید فورا برای ارتش سایگون فراخوان زیر را صادر کرد: "از خاکمان حمایت کنیم" و "سلاح خود را زمین نگذاریم". در همین اثنا، همچنانکه ما در سرفرماندهی به گزارش تلفنی کیم توان، جانشین فرمانده سپاه سوم، درباره نتایج تدارکات و لشگر آرایی برای حمله به دونگ دو، گوش می‌دادیم، یک کادر عملیات جنگی وارد شد، صورتش از شادی برق می‌زد. او گزارش داد که در ساعت ۱۵۹۴۰، پنج ای - ۳۷ به خلبانی رفقای ما همراه با نگوین تان ترونگ به عنوان راهگشا، از میدان فرود تان سون برخاسته‌اند تا تان‌سون نات را در هم کوبند.

این یک هماهنگی عالی بود، کاملترین ضربه ترکیبی تاکنون توسط نیروهای ما، در یک زمان بسیار مهم توانست تاثیر عظیمی بر پیشرفت عملیات داشته باشد. آنچه را که در بعدازظهر ۲۵ آوریل به هوانگ نگوک دیو گفته بودم وقولی را که او پیش از آنکه از یکدیگر جدا شویم داد،

به یاد آوردم. و به راستی " تنها یک روز، تنها یک بار " وجود داشت. فرماندهی دفاع هوایی نیروی هوایی عمیقا " بصیرت بخرج داد و فعالانه این راه حل را به کار بسته بود. فرمانده آنان لووان تری خود به میدان فرود تان سون آمد و به اتفاق رفقای ما، افراد را قبل از اینکه برای انجام ماموریتشان پرواز کنند، سرکشی، سازماندهی و تشویق کرده بود. زمانی که هواپیماهای ما به حریم هوایی تان سون نات رسیدند، برج مراقبت دشمن بهت زده پرسیده بود " ای - ۳۷ از کدام اسکادران هستید؟ کدام اسکادران؟ کدام اسکادران؟ " رزمندگان ما پاسخ دادند " هواپیماهای ساخت امریکا اینجا هستند! " آنچه در پی آن پیش آمد این بود که یک بمب، دو بمب، بمب های بسیاری بر آشیانه ی جنگنده های دشمن فرو ریخت. انفجارها سایگون را تکان داد و ستون های بلند دود به هوا بر خاست. یورش ناگهانی جسورانه ما که با بمب اندازی درفرودگاه تان سون نات همراه بود، تعدادی از هواپیماهای دشمن را به انضمام هواپیماهای امریکائی مامور تخلیه نابود یا معیوب کرد و دشمن را به تشنج تازه ای ناشی از هراس و

آزاد کردند.

با در نظر گرفتن کل وضعیت که بنحو مساعدی بسط می‌یافت، در ۹ آوریل فرماندهی کل دستوراتی برای فرماندهی منطقه ۵ صادر کرد تا در هماهنگی با فرماندهی دریایی از نیرو های مناسب برای وارد کردن یک ضربه غافلگیرانه به منظور آزاد کردن جزایر زنجیره ترونگ سا که در دست قوای سایگون بود، استفاده کنند. بنابراین با شروع دهم آوریل، نیروهای ما به دنبال هم جزایر سونگ توُ تای، سون کا، نام ـ یت، سین تون، ان بانگ و ترونگ سا را آزاد کردند. در ۲۷ آوریل از نیروی سربازان ساده و یک واحد پیاده نظام از لشگر ۹۶۸ برای آزاد ـ کردن جزیره کولائو تو استفاده کردیم و کار آزاد ساختن بیشتر جزایر واقع در دریا و در نزدیکی ساحل در ترونگ بو، تکمیل شد.

آزاد کردن جزایر پیروزی ویژه‌ای برای نیرو های مسلح خلق در منطقه ۵ و نیروی دریایی بود آنها سبک حمله فوق العاده زیرکانه، جسورانه و غیر منتظره‌ای بکار بردند و با رهبری وفرماندهی هوشمندانه به طرز قاطعی فرصت را درک کرده و پیروزی های بزرگی را به سرعت و بطور قاطع به

دست آوردند.

با مرور دوباره وضعیت در شب ۲۸ آوریل، سرفرماندهی عملیات به این نتیجه رسید که دشمن به طور کامل سر در گم شده، فرماندهی او در حالت آشفتگی بوده و فرماندهی سپاه سه در بین هوا، تدریجا" متلاشی می‌شود. در دو شبانه روز اول عملیات، کلیه جناحهای قوای ما برنامه‌ها را به طور کامل انجام داده بودند، بنابراین ما برای صبح ۲۹ آوریل دستوراتی برای تعرض همه جانبه در تمامی جبهه، برای پیشروی به داخل سایگون، صادر کردیم.

در ساعت ۵ صبح روز ۲۹ آوریل، زمانی که تمام جناحهای قوای ما به طور همزمان آتش‌حمله را گشوده بودند، تلگرافی طولانی حاوی پیامها و دستورالعمل‌هائی از دفتر سیاسی دریافت کردیم:

۱ - گرم‌ترین درودهای ما به تمامی واحد-هائی که پیروزی‌های بزرگی در روزهای اخیر به دست آوردند، دار و دسته‌ی در حال دفاع را در شرق، شمال، شمال غربی و جنوب غربی در هم - شکستند، جاده ۴ را قطع نمودند و میدان های بزرگ فرود دشمن را مورد حمله قرار دادند ودر نواحی خارج و داخل سایگون به خوبی عمل

کردند.

ما تمامی کادرها و رزمندگان، اعضای حزب و اعضای سازمانهای توده‌ای را برای ضربه زدن مستقیم به داخل آخرین لانه دشمن با قوی ترین اراده و با روحیه قهرمانی ارتشی که در یکصد نبرد، یکصد بار پیروز شده است، فرا می‌خوانیم، قدرت مقاومت دشمن را خرد کنید، تعرض را با قیام هماهنگ نمائید و شهر سایگون - جیادین را کاملا" آزاد کنید.

در همان حال شما بایستی انضباط را به طور اکید مراعات کنید، همه‌ی رهنمودها و فرامین را دقیقا" اجرا نمائید، زندگی و اموال خلق را حفاظت کنید، ماهیت انقلابی و سنن پیروزمندانه ارتش ما را نگاه دارید، ماموریت خارق العاده خود را تکمیل نمائید و به پیروزی کامل در عملیاتی که نام عمو هوی کبیر ما را با خود حمل می‌کنند، نائل شوید.

۲ - در حالی که فرماندهی و رهبری را برای انجام ماموریت آزاد کردن سایگون - جیادین متمرکز کرده‌اید، بایستی برای بازبینی طرحها و تدارکات مسئولیت ها را تقسیم کنید تا او وضعیت

موجود برای از میان برداشتن و متفرق کردن نیروهای باقی مانده دشمن در نواحی دیگر به ویژه در دلتای مکونگ و جزایر کون سون و فوکوک بهره برداری سریعی به عمل آید تا سراسر جنوب آزاد شود. شما بایستی به صورتی همه جانبه روحیه انقلابی را بسیج کرده و تا پیروزی کامل بطور دائم بجنگید و بر اندیشه تفاخر به خود چیره گردید.

۳ - در ورود به شهر، کادرها در کلیه سطوح بایستی توجه فوری به وضعیت زندگی مردم کارگر نمایند. بخاطر سیاست های بهره کشی رژیم قدیم و غارتگری بورژوازی کمپرادور، در همه اقشار کارگر و مردم زحمتکش خانواده های بسیاری هستند که برنجی برایشان نمانده یا پول کافی برای خرید برنج ندارند. شما بایستی فورا" برنج ها را از انبارهای دشمن بیرون آورده، بین خانواده های بی غذا توزیع نمائید و در صورت امکان، سربازان باید جیره برنج خود را با خلق شریک شوند.

ما میدانستیم که قوای ما قبلا" رهنمودها و فراخوان دفتر سیاسی را انجام داده است. ما همچنین می‌دانستیم که در این زمان مرکز مشغول

فرستادن قوای بزرگی از کادرهای کلیه شاخه ها به عنوان نیروی امدادی است و آنان می‌توانستند خدمت بزرگی در وضعیتی که به سرعت توسعه می ـ یافت، انجام دهند و ما همچنین می‌دانستیم که لووان لونگ، رئیس بخش تشکیلاتی کمیته مرکزی حزب، نیز همواره با سایر کادرهای مسئول این وظیفه، برای فرستادن سریع نیروهای امدادی به طور اضطراری کار می‌کرد.

در سراسر جبهه سایگون ـ جبادین تمامی‌کادرها و رزمندگان می‌دانستند که این قطعی‌ترین نبرد مرحله نهائی تعرض عمومی و قیام بود و می ـ دانستند که این نبرد، شامل نبردی علیه ایالات متحده نیز می‌باشد. در مقابل چشمهایشان آخرین استحکامات سرسخت ترین و مرتجع ترین دار ودسته مزدور امپریالیست های متجاوز امریکائی، دشمنی که ما می‌بایستی نابود می‌کردیم، قرار داشت. در روزهایی که گذشت، رنج، خطر و آسیب، این رفقا را مردد یا ضرب آهنگ تعرض را کند نکرد و تاکنون، طرح های عملیاتی به سبکی عالی بانجام رسیده بود.

از آنجائی که وظایف مربوط به بسیج سیاسی و آموزش ایدئولوژیک به طور دائم و خلاق در بین

نیروهای مسلح ما انجام گرفته بود، کادرها و رزمندگان ما همگی افرادی همه فن حریف، قوی و تندرست از لحاظ ذهن و جسم و افرادی با اراده محکم برای مبارزه بار آمده و دارای سطح پیوسته بالای تاکتیکی و تکنیکی بودند. همین که ما به عملیات هوشی مین دست زدیم، کار سیاسی از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار شد. در این زمان، لوکوانگ هوا قائم مقام ریاست اداره کل سیاسی از جناح شرقی قوا به منظور اعاده کمک به اعمال ویژه نام هونگ در کارهای سیاسی اش فرستاده شده بود. او سری نترس داشت، به همراه تمام واحدها می‌رفت و به مجردی که برای تحویل گرفتن وظایفش به سرفرماندهی می‌آمد، به همراه کادرهای اداره سیاسی پیش نویس رهنمودی را برای کار سیاسی در عملیات تهیه کرد. پس از آن که این پیش نویس مورد تصویب سرفرماندهی قرارگرفت او و سایرنمایندگان اداره کل سیاسی آن را به تمامی جناح های قوا ارسال داشتند. ما نیروهای زیادی داشتیم که به صورتی جدا از هم در عرض یک میدان نبرد، گسترده شده بودند. اما آنانی که در این عملیات مشارکت داشتند در آرزوی واحدی شریک بودند. با وجودی که هر واحد

ماء موریت خاص خود، همین طور سنن و کارنامهٔ ویژه خود را داشت بخاطر تدارکات خوب از آغاز کار که با اشکال باز هم بیشتر مقتضی کار سیاسی تکمیل شده بود، هر شخص و تمامی اشخاص در نهایت تنها یک آرزو و یک هدف داشتند " آزاد کردن سایگون . آزاد کردن جنوب".

علاوه بر اشکال گوناگون کار سیاسی که توسط کمیته‌های حزبی، اعضای حزب، شاخه‌های جمعیت جوانان و افسران سیاسی از زمانی که وظایف محوله را دریافت می‌کردند تا درست روز قبل از شلیک اسلحه، انجام می‌گرفت، سرفرماندهی عملیات نیز " فرمان بسیج " را که در اداره سیاسی پیش نویس شده و در سرفرماندهی عملیات توسط هر فرد مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته بود و سرانجام به تصویب فام هونگ می‌رسید برای هر شخص می‌فرستاد. فرمان بسیج در تمامی واحدها به موقع چاپ و توزیع می‌شد. فراخوان دفتر سیاسی و فرمان بسیج از سرفرماندهی عملیات همه افراد را چنان تهیج کرد که با روحیه فوق العاده بالائی وارد نبرد شدند.

بیش از سه شبانه روز می‌گذشت وصدها هزار رزمنده و کادر بر مصائب و خطرات بسیاری فائق

آمده و به پیش می‌رفتند تا از پیروزی هایشان بهره گیرند. از زمان شروع عملیات تای‌نگوین، فرزندان گرانقدر بسیاری زندگیشان را برای پیروزی‌فدا کرده بودند. و حال در بیرون دروازه‌های گشوده سایگون، باز رفقای دیگری به خاک می‌افتادند و جانشان را تقدیم انقلاب می‌کردند و هنوز رفقای دیگری‌بودند که زخم بر می‌داشتند و مجبور می‌شدند سلاح را از کف رها کنند. وقتی با رهبران بومی ملاقات‌کردیم و در زمانی که ماموریت واحدهای مختلف را مشخص می‌کردیم، همیشه به آنها یادآوری می‌نمودیم‌که باید اکیدا" سیاست‌های حزب را در مورد قهرمانان به خون غلتیده خانواده‌هایشان انجام دهند و مراقبت‌کامل از سربازان مجروح به‌عمل آورند.

باید بگویم در این کار دکترها و دیگر کارکنان طبی نظامی، سهم به سزایی داشتند. پزشکان نظامی همیشه در طول نبردها و عملیات به سرعت به کنار سربازان می‌آمدند. ما در کنار موفقیت‌های علمی نمونه‌های برجسته‌ای از خدمت فداکارانه " پزشکان و مادران نیکوکار" در دست داریم.

در سر فرماندهی به اشکالات هر جناح پرداختیم. در محل ضربت شرقی، لشگر ۳۲۵ کنترل بخش نون تراش و تان توی ها را دردست گرفته، به طرف گذرگاه کات‌لای حرکت کردو آماده‌ٔ انتقال قوا از رودخانه بداخل حوزه ۹ شد. موضع آتشبار دور زن مستقر در نون تراش با یک شلیک جمعی بیش از ۳۰۰ گلوله به میدان فرود تان سون نات آتش کرد. انفجارهای توپ‌خانه که همه خیابانهای سایگون را به لرزه درآورده بود، اعلان اختتام رژیم‌حکومتی دست نشانده بود. آتش مناسب این توپها با موشکهای قوای سرباز هماهنگی می‌کرد. ما هیچگاه برای هدایت آتش توپخانه از هواپیما استفاده نکرده بودیم، ولی باکمک مردم بومی دیده‌بان های خود را به‌سوی دشمن فرستادیم تا آتشبار ما را که از فاصله زیادی شلیک می‌کرد، با علامت راهنمایی کنند.

وقتی سپاه دوم ضربه عمیقی به شمال غربی پل شاهراه رودخانه دونگ‌نای وارد کرد و با نیروی ۱۱۶ سرباز که همچنان استوار سر پل را بعد از پس نشاندن ضد حملات بسیار یک گردان دشمن نگاه داشته بود، تماس گرفت، دیگر ۳۰۴ انفجار تان سون نات پایان گرفته بود. درجناح

راست سپاه دوم، لشگر ۳۰۴ حمله مصممی را در پایگاه علیه بقایای دشمن در مدرسه پیاده نظام پایگاه نوک ترونگ سازمان داد. درست قبل ازظهر قوای ما کل موضع را تحت کنترل گرفت ودرامتداد جاده ۱۵ پیشروی کرده تا تاریکی هوا وارد جنوب پایگاه لونگ یین شد. درسمت ونگ تائو، ما کنترل قسمت اعظم شهر را در بعد از ظهر ۲۹ آوریل در دست گرفتیم.

در آن هنگام، یک واحد نفوذ عمقی، شامل یک تیپ تانک و یک هنگ پیاده مخفیانه در بیشه‌های کائوچوی جنوب دائوجیای جمع شده ومنتظر دستور پیشروی به داخل سایگون بود. رزمندگان ما در کامیونها منتظر دستور حمله نشسته بودند، تمامی آنان یونیفورم‌های پاکیزه نو به تن داشتند و همگی دارای بازوبندهای سرخ بودند تا وقتی وارد شهر شدند یکدیگر را بسهولت بشناسند. تمامی افراد و کامیونها با شاخ و برگ استتار شده بودند. درساعت ۱۵ با دستور فرماندهی سپاه دوم تمامی واحد به حرکت درآمد و کامیون بعد از کامیون، به دنبال هم در یک خط طولانی، دلیرانه به داخل مرکز سایگون پیشروی کردند. این حرکت با هیبت و تاریخی برای حمله اختتام

جنگ به راستی بی‌سابقه بود.

سپاه چهارم درگیر رزم بیرحمانه‌ای شده بود. پس از تصرف تعدادی از هدفها در امتداد جاده ۱ قوای ما در سه پیکان حمله به طرف هونای درحومه بین هوا و داخل فرماندهی سپاه سه سایگون و میدان فرود یین هوا جلو رفتند که در آنجا توسط دشمن محاصره شدند. اینجا محوری‌ترین نقطه قسمت شرقی خطوط دفاعی دشمن در اطراف سایگون بود، به این سبب آنها برای حفظ آن جانشان را بخطر می‌انداختند. نبردهای بی‌نهایت سخت بسیاری در آنجا پیش آمد. در پشت سپاه چهارم، بریگاد ۵۲ از منطقه ۵ که با سرعت زیاد از کی نون با وسایط نقلیه موتوری حرکت کرده بود تا بتواند به موقع در عملیات شرکت کرده و به عنوان واحد ذخیره سپاه چهارم و کل جناح شرقی خدمت کند، در حال پیشروی بود. این واحد خوب آموزش دیده و از نبردهای مهمی در تای نگوین، و منطقه ۵ نظیر باتو، سوی دو، تین فوک، فوک لام وکوانگ ین پیروز بیرون آمده بود. قوای تیپ تقریبا در یکصد اتومبیل بزرگ سیاحتی آماده نشسته و در طول جاده ۱ در انتظار دستور پیشروی به داخل سایگون، تشکیل خوشه‌ای را داده بودند.

در محل های ضربت شمالی و شمال غربی، یک واحد سپاه اول پایگاه فولوی را احاطه و یک رکن حتی تان یوین در جاده لای تیو را تصرف کرده بود، بنابراین شرایط برای پیشروی واحد نفوذ عمقی آنها به طرف سرفرماندهی ستاد کل سایگون و مقر فرماندهی سرویس‌های مسلح گوناگون آنها در گوواپ، مهیا شده بود.

سپاه سوم حملات قاطعانه‌ای صورت داد و کلیه ضد حملات دشمن را در هم شکست و تا ساعت ۱۴، روز ۲۹ آوریل پایگاههای دونگ دو، و ترانگ بانگ را به تصرف درآورد. لشگر ۲۵ سایگون منهزم وپاکسازی شد، و فرمانده‌ٔ آن ژنرال لی تونگ با اسیر گشت. در شب ۲۸ آوریل قوای سرباز پلهای بونگ و سانگ در جاده ۱ را تسخیر نموده‌و از طریق آن، واحد نفوذ عمقی سپاه سوم به شتاب از هوک مون به حرکت درآمده، تمامی مرکزآموزشی کوانگ ترونگ را وادار به تسلیم کرد. واحدسپس مستقیما به باکئو پیشروی کرد. در طول راه، قوای ما تانکها و زره پوش‌های بسیاری را منهدم کرده و قوای شمال، کوشی، پل بونگ و هوک مون را از پای درآورد. از آنجا که به واحد اطلاع داده شد که توپخانه ما همچنان تان سون نات را

زیر آتش نگه داشته و برنامه مشخصی را دنبال می کند، واحد در همان شب حمله نکرد بلکه ایست موقت داد و تدارکات اضطراری برای حمله بمیدان فرود را سامان داد. در امتداد محل ضربت جنوب غربی، ما کار تصرف شهر ایالتی هائونگیا را تمام کردیم، شهرستان دوک هوا را از تسخیر کردیم، دشمن را وادار به خروج از دوک هو و تراکو نمودیم و مدخلی در طول رودخانه وام کو شرقی باز کردیم. همچنانکه بقایای دشمن از هائونگیا به طرف کوشی فرار می‌کردند، راهشان را مسدود و بیش از ۱۰۰۰ نفر را اسیر کردیم. واحد نفوذ عمقی نیروی ۲۳۲ با انواع تجهیزات سنگین از رودخانه وام کو شرقی عبور کرده و با یک هنگ که به ناحیه باهوم می‌رفت در محل می‌هان گرد آمد. نیروهای حومه شهری " واحدهای عملیات ویژه و واحدهای سرباز ساده پل های رودخانه را تصرف کرده و به پایگاه رادارفولام حمله بردند و در همان حال برای تدارک پیشروی قوای وابسته به نیروی اصلی به داخل سایگون، میدان فرود تان سون نات را به موشک بستند.

نیروهای مسلح امنیتی در بسیاری از محلهای ضربت به خلق پیوستند تا خائنین را بازداشت و

بقایای قوای دشمن را تعقیب کرده و با سربازان برای آماده کردن مردم و منابع هدایت قوای ما به داخل مرکز شهر، هماهنگی کنند. در امتداد جاده ۴، ما راه را قطع کرده و ضد حملات بسیار دشمن را دفع نمودیم.

وقتی به گزارش سراسری اوضاع، آنطور که در خلال روز ۲۹ آوریل روی داده بود گوش کردیم، همگی احساس نمودیم که پس از یکروز که ازانجام تعرض همه جانبه در کل جبهه می‌گذرد، وضعیت کاملا" خوب پیشرفته است ـ درست همانطورکه درطرحهای عملیات تنظیم شده بود. واحد ها در تمامی محل‌های ضربت برای تصرف مواضع و پایگاه های دشمن در پیرامون، پیشروی کرده بودند. آنها دیواره بیرونی لشگرهای ۵، ۲۵، ۱۸، ۲۲ و ۷ را که در پیرامون پهن شده بود، منفرد، محاصره، مسدود، پاکسازی و پراکنده کردند. و در اطراف شهر مرکزی مواضعی تدارک دیده و پل های مهم اطراف سایگون را تسخیر کرده بودند.

ژنرال کائووان وین، رئیس ستاد کل سایگون قبل از اینکه مرکب امضایش روی دستور " دفاع تا پای جان، تا به آخر از قسمت باقیمانده میهن دفاع کنیم " خشک شود، فرار کرد. ژنرال

وین لوک کار را در دست گرفت. در ۲۹ آوریل فرماندهان رهبری سایگون شبانه در سرفرماندهی ستاد کل جلسه کردند و با دیدن تعداد ژنرالها و افسران فراری، تصمیم گرفتند با استفاده از ایستگاه رادیو فراخوانی خطاب به آنان برای مراجعت و معرفی خود صادر کنند. فرمانده لشگر ۱۸ سایگون به ما گفت که لشگر او تلفات سنگین دیده و در آن چنان آشفتگی است که تا ساعت ۸ صبح روز بعد نمی‌تواند دوام بیاورد. فرمانده تیپ سوم سواره نظام سایگون به ما گفت مهمات و بنزین واحد زرهی تمام شده و این واحد دیگر یارای هیچ مقاومتی ندارد. فرمانده سپاه سوم سایگون و ژنرالی که لشگر ۲۲ آنان را فرماندهی می‌کرد نیز واحدهایشان را ترک کرده و گریختند. فقط سپاه چهارم آنها که لشگرش هنوز آسیب چندانی ندیده بود. تا آن موقع ساختمانش را حفظ کرده بود. در قلمرو شهر سایگون تنها دو گردان چترباز باقی مانده بود تا در چهارراه بای هین، نگهبانی دهد. رئیس‌جمهور سر سپرده به قوایش دستور داد از مراکز ارتباط رادیویی فولام و کوان تری به بهترین نحو ممکن حفاظت کنند، لیکن آنها قوای کافی برای

حفظ آن نداشتند.

سرفرماندهی عملیات هوشی مین در شب ۲۹ آوریل پر از فعالیت و جنب و جوش بود. نورافکن ها، چراغهای بادی و لامپها در هر کلبه و در طول هر جاده، روشن بودند. سرهای خاکستری همراه با سیه موی، برای بررسی بیشتر روی نقشه خم شده بودند و کمانهای سرخی راکه به وضوح طولانی تر و طولانی تر می‌شد و به هدفهای بزرگی که در داخل سایگون انتخاب کرده بودیم اشاره می‌کرد، تماشا می‌کردند. در پشت اطاق عملیات رزمی، تلفن های جنگی لاینقطع کار می‌کردند.

تمامی رادیوهای ما علاماتشان را در داخل فضا منتشر کرده و رهنمودهای تکمیلی سرفرماندهی عملیات را به تمام واحدها تا پیش از نیمه شب ابلاغ می‌کردند - ساعت صفر، ۳۰ آوریل ۱۹۷۵:

- به آتشبار ۱۳۰ میلیمتری در نان تراش بگوئید، آتش روی میدان فرود تان سون نات را متوقف کند.
- به دقت علامتهای هماهنگی رزمی در چهارچوب مرکز شهر را بازبینی کنید.
- به سپاه سوم، ماموریت اضافه‌ای اختصاص داده شده است. یک جناح را پس از بازکردن راهش

با جنگ به داخل تان سون نات به سرفرماندهی ستاد کل سایگون بفرستید تا بتوانند با سپاه اول هماهنگی کنند.

- به واحدهای نفوذ عمقی بگوئید سریع پیشروی کرده و مستقیما" به طرف هدفهای تعیین شده بروند، در طول راه از هدفهای دیگر اجتناب کرده، اجازه ندهند منحرف شوند زیرا سرعت پیشروی کند خواهدشد.

تا ساعت ۲۴، ۲۹ آوریل ۱۹۷۵، حجم اصلی نیروهای حمله به سایگون مانند یک چکش آسمانی در بالا، به حالت توازن درآمده بود و دشمن در حال رودررویی با ضربه مجازات از ترس تکان می‌خورد و می‌لرزید، و پائین آمدن چکش را نظاره می کرد.

پیروزی کامل

گاه چنین به نظر می‌رسد که تاریخ ما هزار - گاهی تکرار می‌شود. همانند اجدادمان، رزمندگان ما در آن شبها در جبهه سایگون، پیش از تعرض همه جانبه استراتژیک نهایی علیه متجاوزین خارجی، در شب ۲۹ آوریل و اوائل صبح روز بعد به صورتی خستگی ناپذیر، مصمم به کسب پیروزی برق آسا بودند. در این ساعات مقدس، در این روز نهایی از مدت زمانی که دفتر سیاسی برای آزاد کردن سایگون تعیین نموده بود، رزمندگان روی کلاه خودهاشان، روی آستینها و قنداق تفنگشان این سخنان فنا ناپذیر پرزیدنت هوشی مین را نوشتند:

به پیش، پیروزی کامل از آن ماست!

صفیر گلوله‌ها در سراسر جبهه طنین افکنده بود. با مشاهده جرقه‌ی نور جناح جلودار قوای ما، و یا نور شعله‌هایی که از پایگاههای دشمن در اطراف سایگون پراکنده می‌شد، هرکس طلوع روز

پیروزی کامل را از نزدیک می‌دید. لونگوک هین در سرفرماندهی وظیفه گوش دادن به گزارشات مخابراتی کلیه واحدها را داشت. پیکان سپاه سوم که در خلال شب بیشترین پیشروی را کرده بود، به باکئو رسید. قوای زبده و تعرضی سپاه اول به لای تیو نزدیکتر شد؛ و پیکان سپاه دوم به نزدیکی پل شاهراه رودخانه دونگ نای پیشروی کرده بود. پیکان سپاه چهارم در حومه‌ی بین‌هوا و پیکان نیروی ۲۳۲ در ناحیه باهوم قرارداشت. به این ترتیب، پیکانهای ضربت فقط ۱۰ تا ۲۰ کیلومتر از مرکز سایگون فاصله داشتند ــ تنها چند کیلومتر دورتر از یک سرزمین واحد بودیم، تا باز به میهنمان ملحق شویم تا مسیر هوشی ـ مین را تا مرکز شهری که به نام او خوانده می‌شد باز کنیم. جاده‌های پیشروی دقیقا بر طبق طرح عملیاتی کار کرده و به سبک حمله زیرکانه ماکه حتی در روزهای آخر هم برای دشمن غافلگیری بسیار در برداشت، شکل می دادند. سایگون در حالی که می‌کوشید با ما برای حفظ ساختار حکومتی و نیروهای مسلحش "مذاکره" کند، هنوز امیدوار بود که برای بستن راه پیشروی قوای ما بتواند از لشگرهای باقیمانده خود یاری گیرد. در این

میان تعدادی از ژنرالها و سرهنگهای بازنشسته سایگون نیز با طرح ها و برنامه‌های استخلاصی‌شان، به‌میدان آمدند. در ساعت ۲ صبح، هیئت نظامی ما در کمپ دیویس این گزارش را به سر فرماندهی عملیات مخابره کرد:

سه نفر اینجا هستند که حکومت سایگون آنان را برای مذاکره در باب آتش بس فرستاده است.*

---

* پدرکان تین، یکی از اعضای این هیئت، گزارش این ملاقات را در شماره آوریل ۱۹۷۶ — " دونگ دای " مجله ماهانه‌ای که او در شهر هوشی مین منتشر می‌کند، چاپ کرد. در آن گزارش او می‌گوید : " هیئت نظامی جبهه (جبهه آزادی بخش ملی) اخطار کرد اگر ما را آقای دونگ وان مین فرستاده آنان ما را نخواهند پذیرفت — زیرا مذاکره درباره آتش بس در ساعت ۴ صبح تمام شده بود. ولی از آنجا که ما به‌درستی و قاطعانه پافشاری کردیم که ما " هیئتی‌نیستیم که آقای دونگ وان مین ما را فرستاده باشد" با خرسندی در یک پناهگاه زیرزمینی عمیق و متفاوت با ما ملاقات کردند.

رفیق و دونگ جیانگ با آنان ملاقات کرد وجایگاه و اصولی را که در بیانیه ۲۶ آوریل دولت معین شده، به آنان گفت. * سپس، آنان اجازه خواستند ما را ترک گفته و به شهر بازگردند. ما گفتیم که توپخانه قوای ما میدان فرود را سخت به زیر آتش گرفته و بازگشت آنان بسیار خطرناک می‌باشد و آنان مجبور به ماندن هستند. بالاخره آنان قبول کرده و اینک در پناهگاه با ما هستند.

در این هنگام، روسای حکومت مزدور نگران نشسته و در انتظار بازگشت سه قاصد خود بودند، و با دیدن اینکه آنان هنوز مراجعت نکرده‌اند از یکدیگر پرس و جو کرده و گیج و حیران شده بودند. چند ساعت قبل از فرستادن این سه نفر به تان-

---

* در ۲۶ آوریل، حکومت موقت انقلابی، قطعنامه ای صادر کرد و بیانیه پیشین را که خواستار بیرون رفتن کامل ایالات متحده و جایگزینی آن توسط " دستگاه حکومتی جدیدی بود که صلح، استقلال، دمکراسی و همبستگی ملی را به دنبال آورد و جدا " موافقت نامه پاریس را اجرا کند"، بسط داد. قطعنامه به ویژه خواهان از کار انداختن دستگاه پلیس و ارتش سایگون بود.

سون نات برای ملاقات با ما، آنان چهار "پیام آور" دیگر نیز انتخاب کردند تا از هیئت ما تقاضای آتش بس نمایند. کادرهای ما آنان را به خوردن مقداری موز که خودشان کاشته بودند، دعوت کردند و سپس قطعنامه ۲۶ آوریل دولت را برای آنان تشریح کردند.

در آن روزهای آخر آوریل هیئت نظامی ما شاهد دو دلی پایان کار و تحیر امریکائیان و تحت الحمایه‌هاشان بود. در گذشته، سرفرماندهی هیئت غالبا" محاصره شده و مورد تحقیر قرار می گرفت و از مشکلات بسیاری مانند قطع شدن آب و برق، یا نداشتن اجازه تماس با خارج رنج برده بود. ولی در این روزها، سرفرماندهی مکانی بود که دشمن اغلب اوقات به دنبال نظر لطف به آنجا می‌آمد. سفیر مارتین، تقاضای ملاقات با نماینده‌ای از هیئت کرد. ما رد کردیم. وحکومت دست نشانده از هیئت ما اجازه خواست تا شخصی را برای پرواز به هانوی به منظور مذاکره در مورد آتش بس تعیین کند. ما آنرا هم نپذیرفتیم. نگوین دوی ترین تلگرافی فرستاد تا ما را مطلع سازد که طرحهای دیپلوماتیک فریبکارانه ایالات متحده و چاکران آن که یکی پس از دیگری عرضه می‌شود و مملو از اشارات تهدید آمیز نسبت به

ماست ، با هدف سد کردن تعرض عمومی قوای ما به سایگون صورت می‌گیرد و باز هم بیشتر نشان میدهد که ما باید جنگ را به فوریت ادامه داده ، سریع تر حمله کنیم و از هر ساعت ، هر دقیقه برای پیروزی کامل بهترین استفاده را بنمائیم .

هنگامی که آسمان هنوز روشن بود سرویس‌های خبری امریکا گزارش کردند ، مارتین با هلیکوپتر از سایگون خارج شده است . این مامور عالیرتبه این آخرین صاحب اختیار امریکا در ویتنام جنوبی ، کوس عجولانه ترین و پست ترین عقب ـ نشینی را به صدا در آورد . چنین شد که تا روز ترک سایگون ، مارتین هنوز یقین داشت دستگاه حکومتی دست نشانده را می‌توان حفظ کرد و ترتیبی برای آتش بس داد ، بدین خاطر در مورد صبر ، تماشا و تخلیه تمایلی از خودنشان نمی‌داد . او به میدان فرود تان سون نات رفت تا اوضاع را از نزدیک مشاهده کند . سدی که از بمبها ساخته بودیم و شلیک شدید توپها ، این میدان فرود محوری را تقریباً فلج کرده و امکان پرواز هواپیمای بابال ثابت را که آنان قصد داشتند برای تخلیه از آنها استفاده کنند از بین برده بود . حلقه محاصره سایگون در روز تنگ تر شد .

استفاده از ورق دونگ وان مین * نیز پیروزی‌آور نبود و اکنون کاملا" بی اثر می‌نمود. هنگامی که مارتین وضعیت را به واشنگتن گزارش داد، پرزیدنت فورد دستور داد با هلیکوپتر تخلیه را آغاز کنند. حرکت هلیکوپترها که هجده ساعت مداما ادامه داشت بیش از ۱۰۰۰ نفر امریکائی و متجاوز از ۵۰۰۰ نفر از نوکران ویتنامی آنان را همراه با خانواده‌هایشان از جنوب خارج کرد. فورد دستور تخلیه فوری را با صدور فرمان " بدون یک لحظه تاخیر" به مارتین صادر کرد. تخلیه امریکائیها از بالای سیزده ساختمان بلند که به عنوان بالشتک فرود هلیکوپتر انتخاب شده بودند، انجام می گرفت. تعداد این بالشتک های فورد همانطور که زبانه‌ی آتش قوای طلایه‌دار ما نزدیکتر می‌شد تدریجا " کاهش یافت. صحنه آشفتگی در سفارت امریکا، یکی از نقاط فرود هلیکوپترهای تخلیه حقیقتا " بیاد ماندنی‌است. پادوهای امریکائی برای باز کردن راه می‌جنگیدند، درها را می‌شکستند، از دیوارها و از کول یکدیگر بالا

---

* به آخرین حرکت برای به قدرت رساندن مین اشاره می کند.

می‌رفتند - سراسر نزاع بود و داد و فریاد ولگد کردن یکدیگر برای فرار. کار به جائی رسید که مارتین برای مراجعه به خانه و برداشتن چمدان خود اجبارا" از خیابان پشتساختمان و درب عقب سفارت استفاده نمود. هنگامی که " مارتین با رمز " شماره ۲" به همراه " خانم ۵۹ " - نام هلیکوپتری که او را می‌برد، سفارت را به سوی دریای شرق ترک گفتند، چراغ شکست شرم‌آور امپریالیسم امریکا پس از سی سال مداخله و ماجراجوئی‌های نظامی در ویتنام، روشن شد. در اوج تهاجم به ویتنام، امریکا از ۶۰ درصد کل پیاده نظام، ۵۸ درصد تفنگداران دریایی، ۳۲ درصد نیروی هوایی تاکتیکی، ۵۰ درصد نیروی هوائی استراتژیک، پانزده ناو هواپیمابر از هجده ناو هواپیمابری که در اختیار داشت، ۸۰۰،۰۰۰ نفر از نیروهای امریکائی و با احتساب نفراتی که در کشورهای تحت‌سلطه مستقر شده و در جنگ ویتنام شرکت داشتند) و بیش از ۱ میلیون نفراز قوای سایگون را به خدمت گرفت. آنها ۶ میلیون سرباز را به طور نوبتی احضار کردند، بیش از ۱۰ میلیون تن بمب فرو ریختند و متجاوز از ۳۰۰ میلیارد دلار خرج کردند، ولی سرانجام سفیر

ایالات متحده، مجبور بود به حالت سینه خیز به سوی بالشتک فرود بخزد و چشمانش به دنبال یافتن راه گریز باشد. امروز وقتی به گذشته به نیروی غول آسایی که دشمن بسیج کرده بود می‌نگریم، طرحهای کینه توزانه آنان را به خاطر می‌آوریم و به مشکلات فوق العاده و پیچیدگی‌هایی که کشتی انقلاب باید از میانشان می‌گذشت فکر می‌کنیم، باز هم بیشتر به عظمت وصف ناپذیر این عملیات برای آزاد کردن سایگون و جنوب پی می‌بریم.

طلوع خورشید و هوای خنک صبح سخت زیبا بود. اولین خبری که از صدای ویتنام شنیده شد، سرمقاله ۳۰ آوریل "نهان‌دان" بود: " ارتش و خلق سایگون ـ جیادین رسالتی تاریخی را بر شانه‌هاشان حمل می‌کنند رسالتی فوق‌العاده سنگین ولی برخوردار از شکوه و جلالی استثنائی. آنان حملات و قیامها را افزایش داده، مراکز عصبی و آخرین تراکم نیروی حکومت دست نشانده امریکا را درهم می‌شکنند و وظیفه آزاد ساختن میهن را به انجام می‌رسانند. مردم سراسر میهن به سایگون ـ جیادین چشم دوخته‌اند، در انتظار اخبار پیروزی در این نبرد عظیم بوده، و اطمینان دارند که ارتش و خلق این شهر تاریخی یقینا " ماموریت پر شکوه

خود را بخاطر سرزمین پدری، انجام می‌دهند."

آن روز جلسه سرفرماندهی عملیات در هنگام تعویض پاسداران شلوغ و سرزنده بود و هیچکس مجبور نبود دیگری را صدا بزند. همه زود وارد اطاق جلسه شدند و هر کس که رادیویی داشت با خودآورده بود. ما به خطوط روی نقشه که جاده های پیشروی قوای ما را مشخص می‌نمود نگاه کردیم: پنج جناح قوا همانند پنج نقطه در یک ستاره بزرگ شهری که نام عمو هو را بر خود داشت، به هم رسیده بودند. پنج سپاه ما تنها ۵ عدد ساده روی نقشه نبودند. بلکه این قوا استحکام وقدرت جدیدی پیدا کرده بودند. ما می‌دانستیم که اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی که هدایت و رهبری هوشمندانه و تنگاتنگ مبارزه را در پنجاه و پنج و اندی روز گذشته داشته‌اند، نیز باید برای دنبال کردن اکتشافات روی نقشه سایگون، گرد آمده باشند. و همچنین می‌دانستیم که در سراسر کشور در آن ساعت مردم هر ناحیه دراطراف نقشه‌های سرزمین پدری جمع شده‌اند، منتظر خبر پیروزی اند تا رسما" بتوانند پرچم انقلابی را بر بالای شهر هوشی مین به اهتزاز درآورند.

بعضی اطلاعات که دشمن به تازگی به یکدیگر

گزارش کرده بود به گوش ما رسید. سرفرماندهی ویژه سایگون در منطقه پایتخت به دشمن در لونگ ان گزارش کرد : " تودوک زیر تاخت و تاز قوای کمونیست قرار گرفته است. قوای کمونیست ها از هوک مون در حال پیشروی به سوی سایگون هستند و حتی تانکهای تی - ۵۴ دارند. چرا ابدا" هیچ دستوری از مافوق ما به ما نمی رسد؟ " آنها نمی‌دانستند رئیس ستادشان اوائل صبح همان روز گریخته است. ناوگان سایگون به کلیه ایستگاه‌های وابسته به آن اعلام کردند که فرماندهی نیروی دریایی مدتی قبل گریخته است و آنان دیگر نباید با آنها تماس بگیرند ولی در صورت بروز پیش آمدی باید مستقیما" با ناوگانی که دردریا است تماس برقرار نمایند.

هرچه اوضاع پیشرفت بیشتری می‌یافت، دشمن در می‌یافت که مواضع میدان ما فوق‌العاده تهدید کننده می‌باشند. آنان می‌دانستند جهت حمله ما به سایگون از شمال و شمال غربی می‌باشد، به همین دلیل آنان لشگرهای ۵ و ۲۵ را در این جناحها مستقر کرده بودند. دشمن بین دو عقیده در نوسان بود : دفاع از سایگون در بیرون از شهر و یا کشیدن نیروهایش به داخل سایگون.

اگر نیروهای خود را در خارج از شهر نگاه دارد، از داخل شهر غافل شده است چرا که قوای کافی در اختیار نداشتند. و در صورتی که از خارج شهر صرفنظر کرده و نیروهای خود را برای محافظت از داخل شهر، در شهر متمرکز می‌نمودند آنگاه درس تای نگوین را در پیش رو می‌داشتند، اینکه در بین نیروها هراس بوجود آمده وهرچه سریع‌تر خود را در موضعی خواهند یافت که در همان محل منهدم خواهند شد. در هر صورت مرگ درانتظارشان بود. ولی مواضع میدان نبرد در صبح ۳۰ آوریل چنان بود که حتی اگر لشگرهای ۵ و ۲۵ سایگون می‌خواستند به سایگون عقب نشینی کنند، قادربه این کار نبودند، زیرا ما آنها را در پیرامون شهر به سختی در فشار گذاشته و همزمان پیکانهای ضربتی قدرتمندی را که مستقیماً" به مرکز شهر نفوذ می‌کردند، به حرکت درآورده بودیم. لشگر ۲۵ آنان در پایگاه کوشی - که به نام دونگ دو هم خوانده می شد - مستقر شده بود. این پایگاه در سال ۱۹۶۶ توسط لشگر ۲۵ - "رعد و برق استوائی" - ایالات متحده که از هاوائی برای مسدود کردن راه‌پیشروی ما به سایگون و منهدم کردن پایگاههای بنیادی ما در ناحیه

فرستاده شده بود، بنا گردید. اینک فرماندهان لشگر ۲۵ برای بستن کلیه ورودیها و خروجی ها از سیم خاردار استفاده کرده بودند تا بدین ترتیب از فرار سربازانشان جلوگیری کنند، شعار "دفاع تا پای جان" را سر داده بودند. صبح ۲۹ آوریل سپاه سوم ما برای نفوذ مستقیم به داخل موضع، از تانک استفاده کرد و مستقیما " به سوی پناهگاه فرمانده لشگر یورش برد. افراد دشمن با بی نظمی گریختند. دروازه اصلی بازشد و سربازان و افسران دشمن برای گریختن از روی سنگرها ـ حتی سیمهای خاردار و مینهای زمینی ـ می‌پریدند. افراد قوای ما شلیک هوایی کردند تا آنان را وادار به توقف و تسلیم کنند. فرمانده لشگر موفق به فرار گردید ولی بزودی او هم اسیر شد.

هنگامی که دونگ دو را از دست آنان خارج کردیم، دشمن بسیار آشفته و متزلزل شد. نیروی گرفتار شده دشمن در سمت شمال غربی، راهی برای عقب نشینی به سایگون نداشت. با بهره گرفتن از آن فرصت، لشگر ۳۱۶ سپاه سوم ما موانعی را بر روی جاده ایجاد نمود، واحدهای دشمن را در هر بخش محاصره کرده وبا حالت تعرضی به موقع

موضع توپخانه در لاپ تائو را تصرف نمود، سپس برای کوبیدن فوک هیپ، سوی سائو، ترا و، بن مونگ، بائونائو و کام جیانگ پیشروی کرده، تمامی هنگ ۴۶ سایگون را پاکسازی و پراکنده ساخت و ۶۰۰ نفر از آنان را اسیر نمود.

لشگر دهم، لشگر نفوذ عمقی سپاه سوم، هوک مون، اردوگاه کوانگ ترونگ و باکئو را در ۲۹ آوریل تصرف نمود، سپس با استفاده از پیروزی‌هایش در صبح ۳۰ آوریل، مستقیما" به چهار راه بای هین ضربه زد. پس از آن، دروازه شماره ۵ میدان فرود تان سون نات و فرماندهی چترباز دشمن را تسخیر نمود و به دنبال آن به میدان فرود تان سون نات حمله کرده و یک رکن از نیروهایش را به همراه سپاه اول، برای ضربه‌زدن به سرفرماندهی ستاد کل سایگون، روانه نمود. از ساعت ۸ تا ۸/۳۰ آتشبار ما میدان فرود را زیر آتش پر شتاب و متمرکز قرار داد. دود و شعله به آسمان برخاست. به محض خاموش شدن صدای توپخانه هنگ پیاده ۲۴، که در تانکها و زره‌پوشها نشسته بودند، برای تسخیر معبر بای هین یورش برده و با استفاده از این پیروزی به‌سوی دروازه ۵ میدان فرود حرکت کردند. در آنجا

دشمن دست به مقاومت ناامیدانه زد. حتی از هواپیماهای خود برای بمباران تشکیلات رزمی ما استفاده نمود. قوای ما تا ساعت ۹/۳۰ تقویت شده و در این ساعت دروازه میدان فرود را تصرف کرد. در همین اثنا، جناح دیگر قوا، فرماندهی نیروی چترباز دشمن را تسخیر نموده و با هیئت نظامی ما در کمپ دیویس تماس گرفت. یک جناح ثالث قوا مستقیما" به داخل ناحیه ارتباطات فرماندهی لشگر ۵ هوایی و فرماندهی نیروی هوایی، نفوذ کرد. هنگ ۲۸ در هماهنگی با هنگ ۲۴، در ساعت ۹/۳۰ دروازه اصلی سرفرماندهی ستاد کل سایگون را زیر حمله مستقیم قرار داد.

لشگر ۵ سایگون که هنوز پایگاه لای خه را ــ پنجاه کیلومتری شمال سایگون ــ در دست داشت، نیز زیر حملات سخت سپاه اول ما قرار گرفت. این هم یک پایگاه دیگر امریکائی بود که در سال ۱۹۶۵ توسط لشگر یکم " غول سرخ شماره ۱ " ایجاد شده بود. هنگامی که تماس فرمانده لشگر لونگوین وی، نامزد مقام ژنرالی با سرفرماندهی سپاه سوم سایگون قطع شد، وی اوضاع کلی در سایگون را به شدت خطرناک دید. دستوری برای

جمع‌آوری کلیه وسائل نقلیه به منظور انتقال تمامی لشگر به سایگون صادر نمود. ولی راه سایگون در دست ما بود و او و واحدش در داخل پایگاهشان در محاصره ما قرار داشتند. سپس یک رکن از سپاه اول ما به پایگاه لای خذ نفوذ کرد. لونگوین وی خود را کشت، جانشین او فرار کرد و تمامی افراد لشگر پنجم اسیر شدند.

جناح دیگر سپاه اول، لشگر ۳۱۲ کلیه قوای دشمن در پایگاه فولوی را بین ساعت ۵ و ۱۰ صبح آن روز، پاکسازی و وادار به تسلیم کرد. قوای دشمن در این پایگاه شامل نیروهای بخش بین دونگ وعواملی از لشگر ۵ سایگون می‌شد.

با پیش‌بینی درست جاده عقب‌نشینی مورد استفاده دشمن، واحدها ما نیروهای انسدادی را در مجاورت ان لوی در جاده ۱۴، گستردند، باین طریق کلیه سی و شش وسیله نقلیه دشمن را تصرف کرده و ۱۲۰۰ نفر از افراد آنان را وادار به تسلیم کردند. در ناحیه بونگ در جاده ۱۳،قوای ما ۷۰۰۰ تن از لشگر ۵ دشمن را که به طرف لای تیو می‌گریختند اسیر کرد.

همزمان با آن، لشگر ۳۲۰ در هماهنگی با شاخه‌های تخصصی سپاه اول، لای تیو را تصرف نمود

و به طرف پل بین نوک که قوای پیاده نظام ما تسخیر نموده و از پـگاه حفظش کرده بود، پیشروی کرد. در ساعت ۸/۳۰ ، این واحد به هنگام پیشروی در طول جاده ۱۸۰ وسیله نقلیه مختلف متعلق به تیپ سوم سواره نظام سایگون را معیوب، منهدم یا تصرف کرد و پس از آن به سوی محوطه فرماندهی شاخه‌های گوناگون نیروهای مسلح دشمن درگوواپ، حرکت نمود. همچنین بین لشگر نفوذ عمقی، جناح دیگری دشمن را در تقاطع پل بین فوک و پل بین تریو مورد حمله قرار داد، تمامی نیروهـای باقیمانده از تیپ سوم سواره را پاکسازی و متفرق کرد و تانکهای دشمن را به عنوان راهنما در مسیر پیشروی‌مان به سوی سرفرماندهی ستاد کل سایگون، تصرف کرد.

بر روی نقشه عملیاتی رزمی در سرفرماندهی ستاد کل سایگون، یک نفر چنین سئوالی را نوشته بود: " و لشگر ۳۰۸ کجاست؟ " این یکی از لشگرهای اصلی نخبه و قهرمان ما بود که دشمن تا آن زمان متوجه حضورش در جبهه نشده بود. در میان ترسی که دشمن را احاطه کرده بود، هراس از این آموزش نظامی بورژوایی که: " آنچه که باید بسیار از آن ترسید، خاموشی

نیروهای مخالف است موج می‌زد. "قوای لشگر ۱۸ سایگون هنگامی که متوجه شد قوای ما راه فرارشان به توک دوک را مسدود کرده‌اند، به وحشت افتاد. فرمانده و افسران ستادش خود را به لباس مبدل درآوردند تا به اتفاق چند تن دیگر، هراسان و مخفیانه به سایگون بگریزند.

سپاه چهارم ما برای تصرف سرفرماندهی سپاه سوم سایگون در هوک با توک، قوای خود را از ساعت ۷ تا ۹ صبح در میدان فرود بین هوا متمرکز نمود، قوای دشمن را که در هونای و تام هیپ مقاومت می‌کردند پراکنده ساخت و آماده حمله به داخل سایگون گردید. پس از یک شب اصلاح صف بندی و آرایش قوا به منظور هماهنگ ساختن خود با رهنمودهای جدید، در صبح ۳۰ آوریل با حمایت آتش از سه موضع واحد نفوذ عمقی خود را از پل شاهراه رودخانه دونگ نای، عبور داد. آنها پیشروی کرده و مستقیما" قلب سایگون را هدف قرار دادند. در طول راه سپاه از قدرت آتش خود برای پاکسازی آشیانه‌های مقاومت دشمن در تودوک و شمال پل راش شیک استفاده نمود.. در ساعت ۹/۳۰ رکن جلودار به پل راش شبک که قبلا" بوسیله نیروهای عملیات ویژه تصرف و تا

ورود قوای اصلی محافظت شده بود، رسید.

ارکان رهبری نیروی ۲۳۲، به محل ضربت در جنوب غربی و هم به محل ضربت در جناح جنوبی به سرفرماندهی ویژه منطقه پایتخت و اداره کل پلیس سایگون، نزدیک می‌شد. ما فعالانه درجاده ۴ پیش رفتیم، کل لشگر تازه باز سازی شده ۲۲ و گروه ۶ تکاور دشمن را در هم شکسته و متفرق ساختیم. شهر تان ان را آزاد کردیم و بخش توتوا را تصرف نمودیم.

حکومت دست نشاندهٔ سایگون،ضمن تقلادرکوشش برای خلاصی ازاوضاع،درساعت ۱۰ صبح۳۰آوریل از تمامی وزرا دعوت نمود تا برای مراسم معرفی کابینه جدید در " کاخ استقلال " حضور یابند. ولی دیگر کاملا" دیر شده بود. درست در ساعت ۹/۲۵ به آنان خبر رسید که چهار لشگر - لشگر های ۵، ۱۸، ۲۲ و ۲۵ - وتمامی جوخه‌های دریایی را از دست داده‌اند. قوای ما تا تان سون نات و سرفرماندهی ستاد کل پیشروی کرده بود،تانکها از تمام پلهای رودخانه سایگون گذشته و شهر کلا" از سپاه چهارم دشمن در دلتای مکونگ جدا شده بود. دشمن در رویاروئی با چنین وضعیتی در مواجه با این وضعیت، که در واقع هیچ راه

دیگری نداشت مجبور به اعلان آتش بس شد. این اعلان در "کاخ استقلال" نوشته و ثبت گردید و به ایستگاه رادیو ارسال گردید.

در همان حال که این "دربار امپراطوری" نهایی رژیم ساخت امریکا در "کاخ استقلال" جلسه‌ای ترتیب داده بود. درب اطاق باز شد. همگی از جای برخاستند، گمان کردند این ارتش آزادی بخش است که وارد می‌شود. شخصی که قدم به داخل گذاشت ژنرال فرانسوی وانوخم بود که تنها و به دلخواه خود به آنجا آمده بود. او با تکبر و خودنمایی وارد اطاق شد، اطاقی که در آن "هیئت وزرا" مشغول گوش دادن به نوار ضبط شده رئیس جمهور فرومایه بودند. وانوخم طرح بازدارنده تعرض همه جانبه ما به سایگون را به حاضران در جلسه ارائه داد.

توطئه‌های شیطانی وانوخم اعمالی به راستی مضحک و حقیقتا" وحشیانه و شرم‌آور بود. صحبت بسیار درباره آنها هنوز مناسب نیست، حتی آنها نیز نمی‌توانستند کمکی به حکومت ددمنش برای برگرداندن اوضاع به وضعیت سابق بنمایند. نوار برای پخش برده شد، با پیشنهاد "آتش بس ... گفتگو در باب انتقال قدرت".

حتی اکنون دشمن از طرحهایی برای متوقف کردن پیشروی قوای ما به سوی پیروزی کامل، استفاده می‌کرد! در مقابل این وضعیت، دفتر سیاسی بلافاصله جبهه را راهنمائی نمود: "حمله به سایگون را طبق برنامه ادامه دهید، با قوی‌ترین روحیه پیشروی کنید، تمام شهر را آزاد کرده و در دست خود گیرید، قوای دشمن را خلع سلاح نموده، ادارات دشمن را در تمام سطوح محو سازید و با دقت تمام کلیه مقاومتهای دشمن را خرد کنید". و به دنبال آن سرفرماندهی عملیات هو شی مین پس از یک گفتگوی جمعی دستورات جنگی را به تمامی مناطق، سپاهیان و واحدها به این شرح صادر کرد:

۱ - پیشبرد تعرض را به شتاب به سوی تمامی هدف‌های از قبل تعیین شده در شهر و دیگر نواحی، ادامه دهید.

۲ - قوای دشمن را به تسلیم و زمین گذاردن اسلحه بخوانید. تمامی افسران از درجه سرگرد به بالا را دستگیر کرده و در محلی بازداشت کنید.

۳ - هرگونه مقاومت دشمن را فورا" مورد حمله قرار داده و بدون معطلی آنان را منهدم

کنید.

هر واحد جبهه حتی قبل از اینکه دستورات را دریافت کند، درست پس از شنیدن خبر تقاضای آتش بس دشمن، پیشروی پرشتابش را در امتداد خیابان های سایگون ادامه داد. سربازان ما به یکدیگر می‌گفتند "آتش بس در کار نخواهد بود. حمله را ادامه بده. چنین اقبالی در هر هزار سال یکبار پیش می‌آید". ما از دیدن چنین پختگی و زیرکی سیاسی در رزمندگان و کادرها مان سخت خرسند شدیم. آنان اراده‌ای محکم برای پیروزی، روحیه‌ای منضبط و مسئولیت خطیر سرنوشت ملت را بر دوش داشتند و به نحو احسن رهنمود استراتژیک دفتر سیاسی را درک می‌کردند.

مسئله خارق العاده در این عملیات تاریخی، چیزی بود که در روح کادرها و مبارزین شکفته شده بود. چرا سربازان ما در خلال این عملیات آنقدر قهرمان و مصمم بودند؟ چه چیزی به تمامی آنان این فهم روشن مصوبه عظیم حزب و کشور، این درک روشن از فرصت بی اندازه گرانبهای ما و این استنباط روشن از سبک بی‌سابقه رزمی را داده بود؟ چه چیز آنان را تا بدین حد دلیر و جدی و در تیز هوشی سیاسی در این مرحله نهایی نبرد، انقدر درخشان کرده بود؟

اراده و صلاحیت سربازان ما یک روزه به دست نیآمده بود، بلکه این نتیجه روند مستمر انجام کار ایدئولوژیک و تشکیلاتی حزب در نیروهای مسلح بود. و در سراسر سی سال مبارزه ما، هیچ عملیاتی وجود ندارد که در آن عمو هو به همراه سربازان شرکت نکرده باشد. این بار به هنگام اعزام به این نبرد، تمامی ارتش ما توانی استثنائی و بی‌سابقه داشت زیرا این نبرد تعیین کننده استراتژیک نام او را بر خود داشت: هوشی مین، نامی که برای یکایک کادرها و رزمندگان مترادف با ایمان، نیرو و زندگی بود. در بین نفرات بیشمار قوا در تمامی جناح های در حال پیشروی، هر یک از رزمندگان امیدهای یک ملت و عشق به میهن را با خود به پیش می‌بردند. امروز هر رزمنده می‌توانست با چشمهای خود آن نیروی جهشی که سرزمین پدری‌مان را در عرض این همه سال ایجاد کرده بود ببیند و اگر نیروی او همین جهش را یاری می‌داد دیگر هیچ چیز، هیچ طرح دشمن یارای بازداشتن ما را نداشت. قوا با شتاب به سوی پنج هدف اصلی پیشروی کرد و پس از تسخیر آنان پراکنده شد. آنها به هرکجا پای می گذاشتند، جنگل پرچمهای انقلاب ظاهر می‌گشت و

مردم برای تشویق آنان بیرون ریخته و خیابانهای سایگون را به یک جشنواره عظیم بدل می‌کردند. از پل بین فوک تا کوان تری، مردم با پرچمهایی در دست بر طبلها می‌کوبیدند و از بلندگوها فریاد برمی‌آوردند، به تعقیب دشمن می‌رفتند، سربازان دشمن را خلع سلاح می‌کردند، کارخائنین وجاسوسان را خنثی می‌کردند و سربازان ما را راهنمائی می‌نمودند. در هوک مون در جاده ۱، مردم به‌کنار جاده آمدند تا از سربازان استقبال کرده آنان را راهنمائی کنند و مخفی گاههای آدمکشان دشمن را نشان دهند. در همه جا خلق با استفاده از بلندگو از سربازان سایگون می‌خواست یونیفرم - هایشان را درآورند و اسلحه‌هاشان را بر زمین بگذارند. مردم شهر، بویژه کارگران از انبارها و کارخانه‌ها محافظت کرده و آنها را بسربازان ما واگذار می‌کردند. در تمام محله‌های حاشیه شهر - بین هوا، تان می تای، فونوان، گوواپ و تودوک - اعضای شبکه‌های انقلابی و دیگر افراد جزواتی را پخش می‌کردند، پرچم بالا می‌بردند. از سربازان دشمن می‌خواستند سلاحشان را به کنار بگذارند و سربازان ما را راهنمائی نموده و ملزوماتشان را فراهم می‌کردند. قبل از ورود این

ارتش عظیم به شهر، تمامی سیاستهای انقلاب در قلبهای مردم جا باز کرده بود. هنگامی که شنیدیم، با شروع حملات نظامی ما به سایگون مردم شهر از آن به مشابه اهرم استفاده کرده و قیام نمودند، خوشنود شدیم. توده‌ها درست در وقت مناسب به این نبرد قاطع وارد شدند، نه خیلی زود و نه خیلی دیر. اعمال میهن پرستانه خلق، جو انقلابی پر توان و گسترده‌ای را در تمام خیابانهای شهر بوجود آورد. این ارزشمندترین جنبه جنبش توده‌ای سایگون - جیادین، نتیجه‌ی سالهای بسیار تبلیغ، تربیت، سازماندهی و آموزش توسط شعبه شهری حزب بود. هنگامی که لحظه مناسب فرا رسید، آن قوای سیاسی با روحیه پیشتاز قد برافراشت و با گامهای غول آسا به همراه لشگرهای اصلی ما، استوار، هوشمندانه و دلیرانه به پیش رفت. مردم شهر نه تنها پرچم و غذا و آشامیدنی برای قوا حمل می‌کردند، بلکه به سرکوب عده بیشماری از سربازان دشمن کمک کرده، بسیاری از آنان را وادار به تسلیم نمودند، آنانی را که پنهان شده بودند دنبال و اسیر کرده و نظم و امنیت را در خیابان ها حفظ می‌کردند. و ما هرگز تصاویر پر جنب وجوش

و گسترده دهها هزار خلق پر شور را که به سربازان ما جهت نشان داده و برای ورود به شهر راهنمائیشان می‌کردند و کمک می‌نمودند تا تمام جناحهای قوا سریع و غیر منتظره بر مواضع دشمن ضربه زنند، از یاد نخواهیم برد. آن قهرمانان گمنام سایگون - جیادین، ویژگی‌هائی سرشار از زیبائی و زندگی در جنگ خلق را در تعرض عمومی ما به نمایش گذاشتند.

هنگامی که به نقشه عملیات رزمی نگاه می‌کردیم، پنج جناح قوای ما همانند پنج نیلوفر به نظر می‌رسید که از پنج هدف عمده، شکفته باشند. سپاه اول، سرفرماندهی ستاد کل سایگون و محوطه‌ی فرماندهی تمامی سرویس‌های مسلح دشمن را تصرف کرد. زمانی که سپاه سوم تان سون نات را تسخیر نمود، با گروهی از قوای ما که قبلاً درآنجا اردو زده بودند روبرو شد - هیئت نظامی ما در کمپ دیویس، این برخوردی عجیب و تکان دهنده بود. سپاه چهارم، وزارت دفاع سایگون، بندر باش دانگ و ایستگاه رادیو را تصرف کرد. نیروی ۲۳۲ سرفرماندهی ویژه منطقه پایتخت و اداره کل پلیس را تسخیر نمود. سپاه دوم "کاخ استقلال" را تصرف نمود، مکانی که درآن رهبران

مزدور ـ این چاکران ایالات متحده ـ استقلال ما را فروخته، با خون انسانها تجارت می‌کردند و به امور قاچاق می‌پرداختند. سربازان ما فوراً" به طبقه‌ی بالای کاخ، محلی که در آن هیئت وزرای دست‌نشانده جلسه داشتند رفته ـ و تمام رهبری مرکزی دستگاه حکومت سایگون و همچنین رئیس جمهورشان، را دستگیر کردند. اعمال قدرتمندانه سربازان و بیانیه‌های محکم، روح ارتش پیروزمند را آشکار می‌ساخت. تا ساعت ۱۱/۳۰ صبح ۳۰ آوریل پرچم انقلاب بر بالای "کاخ استقلال" به اهتزاز در آمد و این کاخ را محل گرد هم آیی کلیه جناحهای قوای آزادیبخش گرداند.

در سرفرماندهی جبهه رادیوها را باز کردیم. صدای رئیس جمهور فرومایه شنیده می‌شد که قوایش را به کنار گذاشتن سلاح و تسلیم بدون قیدوشرط به قوای ما فرا می‌خواند. سایگون کاملاً" آزاد شد! پیروزی کامل! ما به طور تام پیروزشده بودیم! همه‌ی ما در سرفرماندهی بالا پریدیم و فریاد زدیم، یکدیگر را در آغوش کشیده و روی شانه‌های خود بلند کردیم. صدای هلهله، خنده، شادی و سر و صدا چنان سرور انگیز بود که گویی بهار ما درست همان وقت از راه رسیده بود.

این صحنه به طور وصف ناپذیری لذت بخش بود. لی‌دوک تو و فام هونگ مرا در آغوش گرفتند و به تمام کادرها و مبارزین تبریک گفتند. ما چنان خوشحال بودیم که از شدت احساسات هیچ نمی‌گفتیم. من سیگاری روشن کرده و کشیدم. دین دوک تین، با چشمهای سرخ گفت: "اینک اگر این چشمها بسته شود، قلبم آسوده خواهد بود". این لحظه تاریخی و مقدس، سرمست کننده و کاملا" رضایت‌بخش یکبار در یک نسل، یکبار درنسلهای بسیار، پیش می‌آید. نسل ما با سحرگان پیروزمندانه بسیاری آشنا بود، اما هیچ صبحی آنقدر مفرح وزیبا آنقدر درخشان، روشن و دلپذیر، آنقدر معطرهمانند این صبح پیروزی نبود، صبحی که کودکان را مسن‌تر از سالشان و پیران را دوباره جوان می‌کرد.

دفتر سیاسی مخابره کرد:

خبر رسید بر بالای "کاخ استقلال" پرچم بر افراشته‌اید. همگی تبریکات این پیروزی کبیر را بپذیرید. دفتر سیاسی سخت خوشحال است.

و حتی صدایی از قلب سرزمین پدری در تلفن شنیدیم که می گفت: "تبریک برای پیروزی‌عظیم. آیا می‌توانید صدای آتش‌بازی را در اینجا بشنوید؟ آتش‌بازی درسراسرهانوی طنین یافته‌بود."

تمام مردم هانوی به خیابانها آمده بودند، ترقه روشن می‌کردند، گل پرتاب می‌کردند و پرچم تکان می‌دادند. هانوی، پایتخت تمام کشور، هانوی قهرمان، خانه‌ی عمو هو و حزب، به همراه سراسر کشور به این پیروزی دست یافته بود. جنگل خلق، دریای خلق شادی کنان در خیابان ها به حرکت درآمدند. تمامی مردم میهن به خیابان ها ریخته تا هوای این روز پر از شادی را عمیقا" استنشاق کنند. پس از سی سال جنگ تمام میهن در جشن روز صلح حقیقی، روز محو شدن جدائی ها و پایان یافتن رنج دوری، می رقصیدند.

همه‌ی خلق، به استثنای دار و دسته خائنین از غرور و هیجان آکنده و سرود پیروزی سرداده بودند. چهره‌هاشان هیچگاه همانند امروز زیبا نبود. مردم قهرمان ما استحقاق این افتخار بزرگ را داشتند زیرا این پیروزی تاریخی خود بر زحمات جانفرسا و جانفشانیهای دلیرانه‌آنان بنا شده بود. از امروز به بعد، میهن روی یک قطعه خاک متحد شده بود، شبکه کوه‌ها و رودها باز یکی شده، صلح به راستی بی ابهام واستقلال براستی فراگیر بود. خانواده‌ها به هم‌می‌پیوندند

و ملت‌هم، باز متحد می‌شود. کادر محافظ من خوان سانگ یک عکاس است ــ نه حرفه‌ای. با این وجود صحنه روح بخش لحظه نخست پیروزی در سر فرماندهی را به نحوی کامل ضبط کرد. خوشحال بودیم آنچنان که خوردن و خوابیدن از یادمان رفته بود ما می‌گریستیم. آری، آن اشک ها از بهر چنین روز پیروزی کاملی نگاهداشته شده بود، روزی که نسلهای بسیار با ازخود گذشتگی و با تحمل تمامی تالمات برایش جنگیده و جانهاشان را تقدیمش کرده بودند.

اندیشه ما، نخستین اندیشه ما درآن لحظات نخست پیروزی، عمو هو محبوب مان بود. آن که نامش با این عملیات تاریخی، با تمامی پیروزی های خلق عجین شده بود. خلق و ارتش ما می ـ توانست شادمانه به عمو هو خبر دهد که اندرز او بهترین نحو به انجام رسید. امروز زنگ ایوان خانه‌ی عمو نواخته می‌شود تا خبرپیروزی جبهه را بدهد. صدای شیپور پیروزی تام هم اینک از درها و پنجره‌ها می‌گذرد و صفحات شعر میز عمو هو را نوازش می‌دهند. بازوهای عموهو باز هم از روی محبت باز، شده و ما را به آغوشش می‌خواند. قامت عموهو، در این روز پر

شکوه پیروزی هنوز آنجا بود و به همراه ما سرود می‌خواند. *

لی‌دوک تو، فام هونگ و من به صندلی هامان تکیه زده، به نقشه شهر هوشی مین که روی میز پخش بود نگاه می‌کردیم. به تعدد وظایف پیش رو فکر می‌کردیم. آیا آب و برق سایگون هنوز کار می کرد؟ ارتش یک میلیونی سایگون، در محل منحل شده بود؟ چه برخوردی با آنها باید داشته باشیم؟ چه کمکی به گرسنه‌ها می‌توانیم بکنیم و چه راه‌هائی برای‌تامین معاش میلیونها بیکار وجود دارد؟ آیا باید از مرکز بخواهیم برای ادامه حیات کارخانه‌ها، هم‌اکنون مواد ی بفرستند؟ چطور باید سریعا" یک دستگاه اداری انقلابی بنیانی و ریشه‌ای را بنا کنیم؟ چه سیاستی باید در قبال بورژوازی أتخاد کنیم؟ و چگونه جنوب را همراه با تمامی کشور به مسیر سوسیالیسم بیندازیم؟ خاتمه‌ی این مبارزه،افتتاح مبارزه دیگری ـ نه کمتر پیچیده و مملو از سختی ـ بود. مشکلات مبارزه بسیار، ولی فوائد

---

* هوشی مین بویژه شیفته رهبری گروه هایی بود که‌سرود "کت‌دوان" ـ وحدت ـ را می‌خواندند.

آن اندک نبود. سایگون و جنوب، که نخست از دست رفته و سپس به آغوش میهن بازگشته بودند، شایسته‌زندگی در صلح، وفور و شادمانی بودند.

آزادی سایگون ـ جیادین شرایط تعیین‌کننده‌ای برای وادار کردن سپاه چهارم دشمن به تسلیم و پایان بخشیدن به کار آزادی دلتای مکونگ بود. در اوائل آوریل ۱۹۷۵، COSVN و سرفرماندهی محلی رهنمودی خطاب به جبهه مکونگ دلتا برای تدارک سریع در جهت تعرض عمومی و قیام هماهنگ شده با جبهه سایگون ـ جیادین، صادر کرد. رهنمود بر سد بندی تعرض‌ها و قیام‌هایی در ۲۹ آوریل تاکید می‌کرد که با شعار "استان‌ها، استانها، شهرستانها شهرستانها، دهکده ها دهکده‌ها و مناطق مناطق را با نیروهای خود آزاد کنند" شروع می‌شد. در همان حال برای هماهنگی با رهنمودهای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی، سرفرماندهی عملیات هوشی مین همچنان قصد داشت از قسمتی از قوای اصلی و سلاح های تکنولوژیک به منظور پیشروی به داخل دلتای مکونگ برای پایان دادن به کار سپاه چهارم دشمن استفاده کند ـ و این در صورتی بود

که آنان پس از آزاد شدن سایگون، همچنان به مقاومت ادامه می‌دادند.

کلیه استانهای دلتا تعرض و قیام را طبق برنامه پیش بردند. از شروع فصل خشک، نیروهای مسلح و خلق دلتای مکونگ، برای در هم شکستن تلاشهای آرام سازی دشمن در سراسر ناحیه، اورا تحت فشار گذاشته بودند. آنان به یک رشته حملات و قیامهای متوالی دست زده و از این طریق پیش از آغاز عملیات هوشی مین، مواضع و توازن نیروی جدیدی را برقرار ساخته و تلفاتی بر سپاه چهارم دشمن وارد آوردند و دشمن را تضعیف نمودند. منطقه آزاد شده بسط یافت، منطقه زیر نفوذ دشمن باریکتر شد و پوزه ی نیروهای ذخیره دشمن به خاک مالیده شد. درطرف دیگر، نیروهای مسلح ما از نظر حد و حدود افزایش یافته و درست جنب هدفهای مهم موضع گرفتند. نیروهای سیاسی توسعه یافتند، توده‌ها در واحدهائی آماده بسیج و سازماندهی شدند تا با دریافت علامت و در فرصت مقتضی قیام نمایند.

هنگامی که عملیات هوشی مین وارد مرحله ی تعرض همه جانبه به مرکز شهر شد. به ویژه پس

از شب ۲۹ آوریل، قوای اصلی منطقه ۸ و ۹ ، در هماهنگی با نیروهای محلی و نیروهای چریکی ، می تو و کان تو را محاصره کرده و جاده ۴ را در نقاط بسیاری قطع کردند. پس از اینکه سایگون آزاد شد، در حالی که دشمن سر در گم ، پریشان و بهت‌زده بود و سریعاً" متلاشی می‌شد، نیروهای مسلح منطقه ۸ و ۹ در تعقیب طرح های از پیش آماده شده ، یک رشته حملات ـ تحت رهبری شعبه بومی حزب ـ انجام دادند. این نیروها با هماهنگ ساختن حملات خود با قیامهای دهها هزار نفره توده‌ها ، کلیه شهرها و دهات را آزاد ساخته، تمام پایگاههای بزرگ نظامی، همه‌ی شهرها و بخشهای اصلی و فرعی و تمامی قرارگاههای دشمن را تصرف نمودند. آنان تمامی واحدهای سپاه چهارم دشمن را منهزم ساخته و وادارشان کردند که سلاحهایشان را تسلیم نمایند. آنان دستگاه اداری دست‌نشانده را از سطح استان تا دهات ساقط نموده ، دلتای نام بو و جزایر را با سرعت فوق العاده‌ای آزاد کردند و بدین ترتیب تعرض‌ها و قیامهای آنان اشکال غنی و خلاق بسیاری به خود گرفت .

وضعیت قوای سپاه چهارم دشمن در ساعات نهائی

واقعا" اسفبار بود. نیروهای دشمن شامل سه لشگر اصلی - ۷، ۹ و ۲۱ - همراه با واحدهای زرهی، توپخانه، گروه‌های رودخانه و واحدهای گارد غیر نظامی و امنیتی بود. لشگر ۲۱ دشمن، بدوا" مسئولیت حفاظت از سرفرماندهی سپاه چهارم در کان‌تو را داشت و صبح ۳۰ آوریل دست به مقاومت مایوسانه‌ای در محیط بیرونی شهر زد. حتی زمانی که رئیس‌جمهور سایگون اعلام تسلیم داد، ژنرال نگوین خوانام، فرمانده سپاه چهارم و سپاه پنجم همچنان لجوجانه به قوای خود فرمان داد که:

" مواضعتان را نگه دارید. اگر چه فرمان آتش بس داده‌اند ولی اگر به شما حمله شد مقاومت کنید". در ساعت ۱۶ همان روز، نگوین خوانام، نامزد پست ژنرالی مک وان ترونگ، فرمانده لشگر ۲۱ دشمن را به جلسه‌ای برای گفتگو درباره نحوه برخورد با ما احضار کرد. ولی به خاطر فشار فزاینده ما، هنگهای ۳۱، ۳۲ و ۳۳ همراه با اکثر بخشهای ستاد و سرفرماندهی لشگر، به ابتکار خود سلاحها را به دور افکنده، لباس‌فرم از تن بیرون آورده و به خانه‌هاشان رفته بودند. تنها چند افسر عالیرتبه نوکر صفت باقی‌ماندند

که در ساعت ۲۰ همان روز تسلیم شدند.

لشگر ۷ دشمن ماموریت عمده شکستن انسداد جاده ۴ را داشت. فرمانده لشگر ژنرال تران وان های به محض شنیدن خبر آزاد شدن سایگون، فرماندهانش را برای جلسه‌ای درپایگاه دونگ تام دمی تو جمع کرد. در طول همین جلسه، سربازان از واحدهای خود گریخته و به خانه‌هاشان روانه شدند. شب هنگام افسران دشمن از هر سو می‌گریختند. تران وان های افسرده و وحشت زده در ساعت ۳ اول مه خود را کشت. بدین‌ترتیب لشگر ۷، قوی ترین لشگر سپاه چهارم سایگون کاملا منهدم شد.

بالاخره، لشگر ۹ دشمن به فرماندهی هوین وان لاک مسئولیت شکستن موانع موجود در جاده ۴ دز مجاورت لونگ‌ان را به‌عهده گرفت ولی زمانی که از تسلیم شدن رئیس جمهورشان با خبر شدند و هنگامی که ارتش و خلق پیروزمند ما رادرهرکجا دیدند که همچون آبشار پر خروشی حمله و قیام می‌کنند، افسران و سربازان لشگر نهم دشمن به بی‌سامانی مطلق دچار گشته، کلا" روحیه‌باختند وبه طور خود انگیخته پا به‌فرار نهادند. تا ساعت ۴ صبح اول ماه مه تمامی

افسران و سربازان لشگر نهم دشمن فرار کردند.
رو در روی نیروی تعرضی ارتش و قیام خلق در دلتای مکونگ، سپاه چهارم دشمن ساقط شد و سریعا " متلاشی گردید. با این شکست شرم آور و بسیار تلخ، ژنرالهای سرسپرده که سپاه چهارم و لشگرهای آنرا فرماندهی می‌کردند، به‌صورتهای مختلف، به پایان خط رسیدند : برخی به این پیروزی گردن نهادند. بعضی گریختند و یک نفر خود را کشت.

برای اولین نبرد مشترک هوایی - دریایی شروع به سوار کردن تانکها و توپها بر کشتی نمودیم. تا تدارک ضربه ترکیبی نیروی دریائی - هوایی را به جزیره‌کون سون ببینیم. لیکن زمانی که کشتی در حال ترک بندرگاه بود، خبردار شدیم که مبارزین میهن پرست در کون سون قیام کرده و خود جزیره را آزاد کرده‌اند. فرماندهی منطقه ۹ برنامه‌هایی برای تقویت و آزاد کردن فوکوک داشت همچنین کشتی های نیروی دریایی دستور یافتند که برای استقبال از رزمندگان میهن پرستی که در همان زمان خود را از زندان های دشمن آزاد کرده بودند، به جزایر بروند.

در اول مه، سرفرماندهی عملیات هوشی مین

آزادی کامل جنوب را جشن گرفت و روز بین‌المللی کارگر را گرامی داشت. آب‌نبات، شیرینی و نوشابه روی میزها چیده شده بود. وقتی فام ـ هونگ بطری لیکور را در آنجا دید، متعجب پرسید که از کجا آمده است. دین دوک تین " سررا فاش کرد" : " از بخت خوب، روز تولد رفیق وان‌تین دونگ هم هست، این لیکور از پشت جبهه برای او فرستاده شده است". من این لیکور را در اول مه ۱۹۷۲ در کوانگ‌تری نیز نوشیده بودم.

در این جنگل که خطوط جبهه در آن قرارداشت در جائی که اکنون غریو سلاح در آن خاموش‌شد، و ازفرارسیدن بهار به‌سرزمین پدری خبرمی‌داد، فام هونگ به شادی همگان را دعوت‌نمود تا لیوانها را به سلامتی روز پیروزی کامل بلند کنند. افتخار بر رئیس جمهور هوشی مین باد! افتخار بر حزب قهرمان ما و کمیته مرکزی و دفتر سیاسی باد! سرافرازی و افتخار از آن نیروهای مسلح قهرمان تمامی میهن باد! سرافرازی و افتخار از آن خلق کبیر و قهرمان میهن باد! افتخار و سرافرازی‌از آن تمامی قهرمانان و شهدای به‌خون خفته استقلال، اتحاد و سوسیالیسم در سرزمین پدری باد!

ما نظری به سایگون انداختیم، از نواحی و مواضع محوری برای آزاد کردن شهر - مانند ترانگ بانگ و کوشی - و مناطقی که در سالهای متمادی، از زمان تاسیس حزب تاکنون پایگاههای انقلابی بودند مناطقی نظیر هوک مون و بادیم گذشتیم. در طول شاهراه، در دهات و در خیابان های شهر اثری از دریای خون نبود، تنها دریای خلق بود که با روحیه عالی دستها و پرچمها را به عنوان خوش آمد گفتن به صلح و انقلاب تکان می دادند. آن دریای خلق که در چشم اندازی بی پایان با خطوط طولانی سربازان، تانکها، ماشین ها و کامیونها درآمیخته بود، خود اعلام پیروزی ما بود. طرفین جاده هنوز پر بود از یونیفورم ها، درجه‌های نظامی، سلاح و مهمات، چکمه ها، کلاه خودها، وسائط نقلیه و توپهائی که ارتش آلت دست پس از فرار رها شده بود. آنچه در اطراف ما دیده می‌شد، تنها اثرات یک نیروی نظامی در هم شکسته شده نبود، بلکه اثرات مسلک خدام امپریالیست بود که آنقدر نخوت و ثروت آنان را تحت تاثیر قرار داده وتملکات کورشان کرده بود که این مسلک را می‌پرستیدند، این اثرات یک مسلک ارتجاعی بود که این چنین

شیرازه‌اش از هم گسیخته شده بود. در هرپایگاه
و سربازخانه دشمن علامتی آویخته شده و برروی
آن با حروفی درشت این کلمات نگاشته شده بود:
" شرافت - مسئولیت - سرزمین پدری " دشمن
آنچه را که نداشت، مجبور بود آنرا بلندتر
فریاد بکشد. جاده اصلی به داخل سایگون که
دشمن آنرا در گذشته برای انجام عملیاتش
ساخته بود بسیار خوب بود. پایگاه‌ها و انبار
های ذخیره دشمن بسیار گسترده بودند. بانکها،
مکانهای امریکائی، هتل ها، فروشگاههای بزرگ
بسیار، تبلیغات نو استعماری را تبلیغ می‌کردند،
تلویحا "می‌خواستند بفهمانند که محکم بر جای
ایستاده‌اند و برای زمانی که بی‌پایان است،
باقی خواهند ماند. در ۱۹۶۸ وست مورلند گزافه
می‌بافت که " ما همیشه در ویتنام خواهیم بود.
بمب‌ها و گلوله‌هایمان این را ثابت خواهند
کرد." اما در واقع نتیجه استفاده از بمب ها
و گلوله‌ها دقیقا" خلاف آن شد. به داخل سر -
فرماندهی ستاد کل سایگون رفتیم. در اینجا هم

مانند اداره مرکزی پلیس دشمن، پرونده های فرماندهان و اسناد بسیار سری بجا مانده بود. کامپیوتر مدرن آنها با حافظه مشهورش که سابقه هر افسر و سرباز در ارتش بیش از یک میلیونی را داشت ،هنوزکار می‌کرد. کامپیوترهای امریکائی از این جنگ فاتح بیرون نیامده بودند. فیروزی ازآن خرد و اراده ملت ما بود.

ما ازسرفرماندهی‌ستاد کل سایگون به‌کمپ دیویس در میدان فرود تان سون نات رفتیم. در اطاق سابق مصاحبه مطبوعاتی هیئت ما ، هو خوان آن بر جلسه سرفرماندهی عملیات پس از پیروزی کامل "نظارت" می‌کرد و فرماندهان و افسران سیاسی تمامی چهار سپاه، نیروی ۲۳۲ و نیروی ۵۵۹ برای تخصیص وظایف ویژه هر واحد که در دوران اداره نظامی شهر انجام می‌گرفت و تقسیم کار برای تقبل اداره ساختار نظامی دشمن در آنجا بودند.

تنها هفده روز قبل، هنگامی‌که ما ماء موریت هر سپاه را برای حمله به سایگون مشخص می‌کردیم و کار اداره اداره شهر را تقسیم می‌کردیم ، مذاکره ما روی نقشه‌ها بود. امروز در وسط سایگون آزاد شده نشسته بودیم، آنرا به چشم

دیده، مستقیما" برای گفتگو به این مکان آمده
و ماموریت‌ها را "در محل" تعیین می‌کردیم.
یک رفیق ندا داد "چقدر سریع"! از رویا
قشنگ تر است."

چند روز بعد لی‌دوان و نگوین جیاپ ازهانوی
به سایگون سفر کردند و در میدان فرود تان
سون نات به زمین نشستند. زیر آفتاب درخشان
ماه مه شهر هوشی مین، دبیر اول محبوب ما از
هواپیما پیاده شد، با دستمالی اشکهایش را پاک
می‌کرد. او مصائب سالهای متمادی فعالیت در
میدانگاه رزم جنوب، درک عمیقی ازارزش پیروزی
عظیم امروز داشت. هنگامی که وی با لی‌دوک تو،
فام هونگ، تران کوک هوان، رفقای COSVN
و خود من، همینطور با دیگر افرادی که برای
دیدن او آمده بودند، ملاقات کرد، ما را بگرمی
در آغوش گرفت، به کاری که انجام گرفته بود
اشاره کرد و وظایف نوین بسیار مهمی را که
باید انجام می‌شد به ما یادآور گردید.

روزی که پرزیدنت تون دوک تانگ در راس
هیئتی از شمال برای جشن پیروزی به شهر هوشی
مین آمد، لی‌دوک تو و فام هونگ، رفقایی از
COSVN، صدرنگوین هوتو از کیمته مرکزی

جبهه ملی برای آزادی جنوب ویتنام، پرزیدنت هوین تان فات از حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی، شخصیت هایی از اتحاد نیروهای ملی، دمکراتیک و صلح طلب ویتنام و بسیاری اشخاص غیر رسمی دیگر، به همراه هزاران تن سایگونی از هر سن و سال با پرچم و گل در میدان فرود تان سون نات به ملاقات عمو تون آمدند. لی‌دوک تو، هوانگ کوک و یت و من نیز عضو هیئت شمال بودیم. همین که چرخهای هواپیما از حرکت ایستاد، در میان فریادهای خوش‌آمد گوی مردم، ما برای ادای احترام به عمو تون وارد هواپیما شدیم. من خبردار ایستادم :

" رفیق رئیس جمهور، باید گزارش دهم که نیروهای مسلح خلق ویتنام، ماٌموریت آزاد کردن سایگون و آزاد کردن جنوب را به انجام رساندند."

بی حرکت ماندم و دیگر هیچ چیزی نتوانستم بگویم. با دیدن عمو تون، بیاد عموهو افتادم. کشور سربلند ما، جنوب عزیز کاملا" آزاد شده بود، اما عمو هو آنجا نبود. جنوب همیشه در قلب او بود. ناگهان روزی از ۱۹۶۹ به خاطرم افتاد " قبل از حرکت به سوی یک کشور سوسیالیستی

برادر، عموهو به من گوشزد کرد که ملاقات با دو دختر جوان چریک از جنوب را - یکی از آنان "کین" به دست دشمن افتاد و یک پایش قطع شده بود - که در آن کشور دوست معالجه می‌شدند فراموش نکنم. پس از مراجعت به کشور، در خلال صرف شام با عموهو و عموتون در ۷ اوت ۱۹۶۹، گزارش وضع سلامتی دو دختر را به عمو هو دادم، عکسهایی را که با آنها گرفته بودم، و نامه‌هایی را که آن دو برای او فرستاده بودند، به وی دادم. به نظر می‌رسید خاطرش آسوده شده بود. در شرایطی که میهن پرستان جنوب همچنان دررنج بودند عموهو به ندرت می‌توانست خوب بخورد یا در آرامش بخوابد. اینک که شب تمام شده و آسمان دوباره روشن شده بود، باز هم میهن‌پرستان جنوب نمی‌توانستند مقدم او را گرامی بدارند. ولی اراده و افکار او تا هزار پائیز با ملت، با میهن و با هر ویتنامی و تمامی آنان خواهد زیست.

پس از جشن پیروزی در جلوی "کاخ استقلال" که اکنون به سرفرماندهی کمیته نظامی اداره شهر بدل شده بود و پس از گرامی داشت سالگرد تولد پرزیدنت هوشی مین، همه‌ی رفقای سرفرماندهی

عملیات هوشی مین و کادرهای عالیرتبه‌ی تمامی واحدهای فرماندهی، ادارات و شاخه‌هائی که در عملیات شرکت داشتند برای جمع بندی عملیات به کنفرانس دالات رفتند. هوای دالات در ماه مه، فصل برگ ریزان در هانوی را به یادم آورد. فقط پنج ماه از زمانی که دفتر سیاسی ماموریت شروع تعرض همه جانبه و قیام را به ما محول کرد، می گذشت.

اجلاسیه کنفرانس در هتل پالاس برگزار شد. بزرگترین ساختمان دالات، مشرف به دریاچه خوان هونگ و تمام محله‌ی مرکزی شهر بود. در اینجا بود که بیست و نه سال قبل، در دوره مذاکرات با فرانسه، استعمارگران فرانسوی با کله شقی خواهان جدا کردن نام بو از ویتنام و تحمیل مجدد سلطه دیرینه‌شان به شکل تازه شده بودند. امروز، اینجا، نمایندگان تمام واحدهای ارتش خلق ویتنام که پیروزی تام را در عملیات هوشی مین بدست آورده و صلح، استقلال و وحدت کامل ملت را احیا کرده بودند، حضور داشتند. این رفقا که رزم را تنگاتنگ و پهلو به پهلو، درهر عملیات و در هر جبهه نبرد کاملا" پیروزمندانه تعرض عمومی ویتنام تلفیق کرده بودند- برخی

را بطور کلی و به ویژه در عملیات تماما "ظفرنمون تاریخی هوشی مین، مورد تحلیل قرار دارد. او گفت، اساسا" ما به دلائل بسیاری پیروز شدیم. مسئله‌ی عمده، ضروری‌ترین و قاطع‌ترین رکن در هر پیروزی، رهبری پیروزمندانه و درست حزب است. پیروزی ما از علل بسیاری که مربوط به سنن میهن پرستی و روح وحدت خلق، روحیه قهرمانانه نیروهای مسلح خلق و یاری کشورهای سوسیالیست برادر و دوستان ما در اکناف جهان می‌باشد، سرچشمه می گیرد.

به هنگام صحبت درباره رهبری حزب او گفت، ما باید بدانیم که رهبری دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی در روند این تعرض عمومی و قیام، دقیق و برنده بود. پیروزی امروز، نتیجه جریان طولانی سی سال مقاومت است. سراسر کشور ما سی سال مقاومت کرد و در طی آن سالها مردم ما و سربازان ما را آموزش داد و تجربه گرانبهای بسیاری برای ما به جای نهاد. پیروزی انقلاب اوت شرایط را برای مقاومت پیروزمندانه علیه فرانسه، مهیا کرد. مقاومت پیروزمندانه بر ضد فرانسه، شرایط بنا کردن شمال را به عنوان یک

پایگاه محکم انقلابی برای تمامی کشور، بمنظور شکست دادن ایالات متحده، ایجاد نمود. هنگامیکه قوای آمریکایی را بیرون راندیم، بالاخره شرایط ساقط کردن نوکران آنها نیز مهیا گردید. و در این تعرض همه جانبه و قیام مبارزه را تارسیدن به پیروزی کامل، پیش بردیم. آزاد کردن بان – می توت، شعله‌های راه گشایی استراتژیک را افروخت، و آزاد کردن تای نگوین، مواضعی را – که با استفاده از آنها دشمن را در هو، دانانگ وتمام کل منطقه ۵ کوبیدیم و طرح های آنان را برای تجمع مجدد در هم شکستیم – تثبیت کرد. تمام این پیروزی‌ها، به همراه واکنش زنجیره‌ای تعرضات و قیامها در نواحی کوهستانی جنگلی و حومه نام بو، شروع بی‌نهایت مساعدی برای نبرد قاطع نهایی – عملیات هوشی مین – به منظور دست یافتن به پیروزی جامع، ایجاد نمود.

در روند سالهای بسیار مقاومت بر امپریالیست های امریکائی شبیخون زدیم. پس از امضای قرارداد پاریس، کیسینجر به ما گفت که امریکا دو بار غافلگیر شد. نخستین بار در زمانی بود که آنان شاهراه شماره ۹ در جنوب لائوس را در سال ۱۹۷۱

مورد حمله قرار دادند، آنان انتظار نداشتند که ما بتوانیم چنین سریع قوای خود را به آنجا اعزام داریم، یا اینکه دفاع ضد هوایی ما در آنجا آنقدر قوی باشد. بار دوم در سال ۱۹۷۲ بود، آنان انتظار نداشتند ما بتوانیم تانک ها را چنین دور در جنوب، تا، آن لوک بفرستیم. تنها در نبرد آن لوک نبود که از تانک ها استفاده کردیم. در سال ۱۹۷۲ در تعداد دیگری از جبهه های نبرد جنوب نیز تانکها مورد استفاده قرار گرفتند. از آن جمله تعرض تت ماتان را می‌توان نام برد که برای امریکائیها غافلگیرکننده بود. در نبرد تت ماتان آسیب های سختی برامریکائیها وارد شد بطوری که مجبور شدند استراتژی خود را تغییر دهند. پیروزی شمال بر بمب افکن های استراتژیک ب - ۵۲ نیز اسباب تعجب بود: ایالات متحده قصد داشت ما را نابود کند ولی در عوض شکست سنگینی از ما خورد. آن پیروزی، موضع هیئت ما را در کنفرانس پاریس به شدت تقویت کرد. در تعرض عمومی و قیام ۱۹۷۵، شگفتی های بزرگ بسیاری برای دشمن پیش آمد. ولی بزرگترین غافلگیری برای امریکائیها، ورود امپریالیستهای ایالات متحده به داخل ویتنام بود. این یک

غافلگیری بنیادی و اشتباه استراتژیک آنان بود.

امپریالیست‌های امریکائی همیشه لجوج‌بوده‌اند و باید عواقب اشتباهاتشان را تحمل می‌کردند. درست پس از امضای توافقنامه پاریس در مورد ویتنام و مجددا" در ژوئن ۱۹۷۳ در پاریس، ما صراحتا" به کیسینجر گفتیم که امریکا جدا" توافق نامه پاریس را نقض‌کرده، به جنگ نو-استعماری تهاجمی خود ادامه‌می‌دهد. ایالات متحده، که توافق نامه را عامدا" وبی‌شرمانه نقض میکرد نابخردی کاملی بخرج می‌داد و هنوز می‌خواست که ما به توافق نامه احترام گذاریم. ما در عمل ثابت‌کردیم که هرگز دست روی دست نمی‌گذاریم‌و نقض‌توافق نامه را توسط آنان تحمل نخواهیم کرد. ما اجازه‌نمی‌دهیم آنان به دلخواه خود عمل کنند و ما به دفاع منفعل بسنده کنیم. در مقابل نقض‌قرارداد توسط ایالات متحده ما برای خود حق آزادی عمل را محفوظ می‌داریم.

در این باره ما مدت‌ها قبل به امریکائیها اخطار کرده بودیم. لیکن ایالات متحده‌وخادمین مزدورش با کوته فکری به تلاشهای خود در جهت

نقض قرارداد ادامه داده و پی در پی جنگ را تشدید و عملیات ترور و خفقان علیه خلق جنوب را افزایش دادند. بخاطر حفظ ثمرات انقلاب و در هم شکستن عملیات تجاوزکارانه آنان، ما تنها به قهر انقلابی توسل جستیم ،به نیروهای سیاسی و نظامی خود اتکاء کردیم، و با عزمی استوار دشمن را زیر حمله و ضد حمله قرار دادیم تا به مرحله آزادی جامع جنوب ارتقاء یابیم.

طبق گفته لنین آنچه بیشتر از هر چیز باید از آن اجتناب شود این است که به وقت پیروزی، از آن سرمست شویم. زیرا به هنگام سرمستی به سادگی از خود راضی خواهیم شد و هوشیاری را از دست می‌دهیم. امپریالیست‌های امریکائی در ویتنام شکست خوردند اما طرح های پلید آنان پایان نیافته بود. آنان به همراه نیروهای ارتجاعی، دائما" در جستجوی وسائلی برای نابود کردن ثمرات انقلاب ما بودند. آنان با شرارت تمام مداوما" حمله برده و درگیر وحشیانه ترین ویرانگری ها گردیدند .بدین خاطر باید هوشیاری خود را ارتقاء بخشیم، یک دفاع ملی پر توان و یک ارتش قدرتمند که پیوسته آماده نبرد بوده و همیشه متکی بر اراده خود برای پیروزی باشد بنا کنیم

تا سرزمین پدری را حفظ کنیم.

به علاوه باید مطلقا" از فکر اهمیت دادن به موقعیت شخصی پرهیز نمائیم. همان طورکه لی‌دوان گفت این پیروزی متعلق به حزب، رئیس جمهور کبیر ما هوشی مین، خلق و همه‌ی رزمندگان و شهدایی است که زندگیشان را فدای سرزمین پدری کردند. این پیروزی از آن تمامی کشور است، تعلق به هیچ شخص واحد یا مکان مشخصی ندارد. توان این پیروزی کامل، توان سراسر کشور، هر شخص و هر خانواده، توان روحیه میهن پرستی و آرمان سوسیالیستی است.

لی دوک تو تحلیلی بس عمیق از فنون نظامی بی نظیر ویتنام - به ویژه در این نبرد قاطع - ارائه کرد. سپس من گزارشی از جمع‌بندی عملیات هوشی مین را تقدیم کردم. واضح است که تمام حزب، ارتش و خلق تجربیات بی همتای بسیاری برای ما به ارمغان آورده بودند. مرتب کردن و تنظیم این تجربیات و استفاده از آنها علم نظامی ویتنامی را به مراتب غنی‌تر ساخته و هنرهای جنگی ما را تکامل می‌بخشد. این ما را یاری می‌دهد تا یک ارتش مدرن، انقلابی که بتواند استقلال، صلح پایدار و ساختمان سوسیالیستی

سرزمین پدری را تامین نماید و آماده انجام مسئولیت های انترناسیونالیستی انقلابی باشد، بنا کنیم. تجربیات کسب شده ما را در برپائی حزب به راستی مارکسیست - لنینیستی، حزب همیشه پیروز کارگران ویتنام، یاری می‌کند.

پیروزی کامل همه جانبه تعرض عمومی و قیام بهار ۱۹۷۵، عظیم‌ترین و درخشان‌ترین پیروزی در تاریخ ۴۰۰۰ ساله در حفظ و ساختمان کشورمان بوده و عصر تازه امید بخشی برای سرزمین پدری گشوده است. این پیروزی، از نظر روح اعصار و تاریخ ما، فوق العاده سریع بود. آیا این پیروزی سریع به این دلیل بود که امپریالیست های امریکائی برحسب اشتباه یا تصادف جنگ خودخواسته‌ایی را رها کرده بودند که در دراز - مدت از بسیاری جهات به ضررشان بود؟ آیا این پیروزی سریع به این دلیل بود که روسای ارتش و حکومت سایگون اتفاقا" مرتکب اشتباهی شده بودند اشتباهی که ماشین جنگی تحمیلی آنان با ارتشی یک میلیونی - ساخته شده در عرض بیست سال - دچار انهدام وانحلال و شکست عظیم در کمتر از دو ماه شد؟ نه، اینها دلیل پیروزی سریع ما نبود زیرا دشمن راهی بجز شکست نداشت

و این خود ما بودیم که موجب شکست آنها شدیم. تاکتیک و استراتژی ما، مواضع میدان وشیوه‌های حمله‌ی استفاده شده، دشمن را دچار محظوری ساخت که از هر جهت بازنده بود و راهی برای وارونه کردن اوضاع وجود نداشت.

مصوبه استراتژیک دفتر سیاسی، از همان آغاز آزاد کردن جنوب ـ هر چه زودتر بهتر ـ بود. طبق استنتاج آنان، اگر امریکائیها مجددا وارد شوند، ما همچنان راسخ و قاطع دست به حمله زده و ضربات خود را حتی سخت‌تر وارد می‌کنیم و پیروزی بزرگتری بدست خواهیم آورد. ما نیروهای کافی تدارک دیده بودیم و طرح ها و اقدامات مناسبی را برای زدن ضربات باز هم سنگین تر به امریکائیها آماده داشتیم. ایالات متحده نیروهای غول آسایی را طی سالهای بسیار برای پیشبرد تهاجم در میهن ما، بسیج کرده بود ولی سرانجام به طور رقت باری شکست خورد و مجبور به عقب ـ نشینی شد. اگر آنان باز می‌گشتند چه امیدی برای تغییر دادن موقعیت داشتند؟ آنچه مسلم بود اینکه با این کار تنها شکست های شرم آورتر و عظیم‌تری را برای خود دست و پا می‌کردند. ایالات متحده سلاح و دلار بیشتری را به نوکران خود

نرساند و این نه به خاطر نداشتن نیروهای بیشتر، نه به خاطر یک اشتباه، بلکه در اصل به این دلیل بود که آنان می‌دانستند در مقابل نیروی حملات ما، در وضعیتی که در داخل و خارج امریکا با آن روبرو بودند، هر مقدار کمک به تحت ـ الحمایه‌ها شان، خدمه مزدور را نجات نخواهدداد. مهم نبود ایالات متحده چقدر سلاح و مهمات در ۱۹۷۵ برای دست نشاندگانش فراهم کرده است، آنان مسلما" باز هم سقوط می‌کردند و قوای ما غنائم جنگی بیشتری را مصادره می‌کرد.

شیوه‌های رزمی ما نیز ارتش سایگون را به بن بست کامل کشاند آنطور که به هر طرف می چرخیدند باز هم کارشان تمام بود. این امری اتفاقی نبود که آنان از تای نگوین عقب نشینی کردند. ولی آیا اگر چنین نمی‌کردند، میتوانستند از شکست خود جلوگیری کنند؟

ما پس از آزاد ساختن بان می توت و منهدم کردن قوای ضد حمله، آماده حمله به پلی کو و کانتوم شدیم، زیرا برنامه استراتژیک دفتر سیاسی ـ شروع در آغاز ۱۹۷۵ ـ آزاد کردن تای نگوین را در برنامه قرار داده بود. دشمن با توجه به قدرت در مقابل توان نیروهایی که ما در

ماه مارس در تای نگوین داشتیم، می‌دانست که اگر در پلی کو و کانتوم باقی بماند، یقینا" با ضربه بزرگتری نابود می‌شود، به این سبب دشمن پیش از تصمیم گیری درباره عقب نشینی به منظور حفظ نیروهایش، جنبه‌های بسیاری را سنجیده بود. هنگامی که آنان عقب نشستند، ما راهشان را سد نموده و بیشتر نیروهایشان را پراکنده ساختیم. ولی حتی اگر عقب نشینی نکرده بودند ما باز هم ظرف چند روز آینده به پلی کو و کانتوم حمله می‌کردیم و در آنجا نیز مطمئنا" همان سرنوشتی که در هنگام فرار با آن روبرو شدند در انتظارشان بود. از آنجائی که قوای ما قوی بوده و ابتکار عمل را در دست داشت، دشمن چه از پلی کو و کانتون عقب نشینی می‌کرد و چه در حفظ آن می‌کوشید به هر حال روفت و روب شده و تای نگوین بطور حتم آزاد می‌شد. اشتباهات دشمن تنها علت شکست وی نبود. آنها تنهاکسانی بودند که از این شکست وسقوط بهت زده شدند. ما این را از قبل محاسبه کرده بودیم و اصول اولیه جنگ انقلابی را پیشاپیش می‌دانستیم. پیروزی تعرض عمومی و قیام، ریشه در رهبری بصیرانه کمیته مرکزی داشت. کمیته‌ای که توسط

پرزیدنت هوشی مین آموزش دیده و رهبری شده بود، با رهبری استوار و قاطع دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی، و با تلاشهای خارق العاده ارتش و خلق سراسر کشور بود که تعرض عمومی و قیام پرورده و برنده شده بود.

بر پایه نتایج بدست آمده از روند طولانی و پرشور مبارزه توسط ارتش و خلق و تحت رهبری حزب، ما لحظه‌ی مناسب و پر اهمیتی را به وجود آوردیم. دفتر سیاسی و کمیته مرکزی نظامی با انعطاف از قوانین جنگ انقلابی استفاده کردند، قواعد جنگ تهاجمی دشمن را در مرحله نهایی جنگ کاملا" درک نمودند و وضعیت را چنان انگیختندکه مرحله نهایی جنگ بطور جهشی تکامل یابد. آنان استراتژی قیامها و تعرض عمومی را برق آسا بکار بستند، ابتکار عمل استراتژیک را حفظ کرده و قوای دشمن را از آغاز تا به پایان کنترل نمودند، آنان دشمن را غافلگیر کرده و به اشتباه انداختند آنان شکست ها را یکی پس از دیگری بر دشمن وارد ساخته و وی را تا سقوط کامل به پیش راندند. نیروی یکپارچگی و صمیمیت در تمام کشورواستعداد سازماندهی که منجر به پیروزی کامل تاریخی شد، مطمئنا" ما را در انجام وظیفه ساختن سوسیالیسم

در تمام کشور نیز رهنمون خواهد ساخت.

از طرف سرفرماندهی عملیات، من فرماندهی را در پیروزی های برجسته‌ای که در تمامی مناطق سپاهیان، سلاحها و شاخه‌های تخصصی، لشگرها، کلیه واحدها و دفاتری را که در عملیات شرکت مستقیم داشتندو همچنین تمامی واحدهایی را که از پایداری و ثبات شمال محافظت می‌کردند، به‌عهده داشتم. من از طرف سرفرماندهی عملیات از تمام شاخه‌ها، دفاتر غیر نظامی، تمام نیروها ونواحی برای حمایت و همکاری بی‌دریغی که با ارتش داشتند، تشکرکردم.

ما نیروی هماهنگ شده ارتش و خلق تمام‌کشور، پشت جبهه و خطوط جبهه، نیروهای مادی و معنوی، افراد و سلاح، دلهای دلیر و مغزهای هوشمند را در اختیار داشتیم. تسلط ما برخود وبرتکنولوژی منجر به تسلط بر میدان نبرد و تسلط برسرنوشت ملت گردید.

با آن نیروی هماهنگ شده، ارتش و خلق سراسر کشور، دسته گل خوش بوی پیروزی کامل را که در پرتو نور این حقیقت شکفته بود، چیدند: " هیچ چیز گرانبهاتر از استقلال و آزادی نیست."

من آنرا اینک با احترام تقدیم پرزیدنت هوشی

مین می‌کنم، رهبر کبیر ملت ویتنام، مردی که ارتش و خلق را از یک پیروزی به پیروزی دیگر رهبری کرد.

من آنرا با احترام به حزب محبوبمان تقدیم میکنم، حزب مارکسیست - لنینیست راستین، که هماوردها را پشت سر گذاشته، از هر نبرد پیروز بیرون آمده است - حزبی که یک واحد ثابت قدم در صفوف جنبش کمونیسی بین‌المللی می‌باشد.

من آنرا با احترام به تمامی رفقای عزیز، سربازان هم‌سنگر و میهن پرستانی تقدیم می‌کنم که زندگیشان را فدای انقلاب کردند، آنان که پیش از ما در این راه گام برداشتند تا راه پیروزی امروز را بگشایند.

و اجازه دهید این دسته گل پیروزی را به همه‌ی میهن پرستان در سراسر کشور، به همه‌ی شهروندان وطن پرست، قهرمانان گمنام مقاومت، به پیر وجوان و به خلق‌مان که برای این همه سال کمربندش را سفت بست وسهم برنجش را با کسانی که به جای دو نفر کار می‌کردند تا از زحمت و دسترنجشان ادای سهمی به مقاومت علیه ایالات متحده برای رسیدن به پیروزی امروز کرده باشند، تقسیم کرد، تقدیم کنم.

اجازه دهید آنرا به خواهران و مادران دلیر، مهربان، وفادار و کاردان ویتنام، آنان که با تحمل تمام سختی‌ها شوهران و فرزندان و کسانشان را برای جنگ با دشمن، فدا کردند، تقدیم کنم.

اجازه دهید آنرا به کارگران یدی و فکری که زیر آتش بمب‌ها و گلوله‌ها، برای افزودن به نیروی مادی و اخلاقی خلق و ارتش که با دشمن در نبرد بود، تولید، ابداع و اختراع کردند، تقدیم دارم. اجازه دهید آنرا به کلیه کادرها و رزمندگان نیروهای مسلح خلق در شمال و جنوب، به مردان و زنان جوانی که این چنین شایسته عشق ما هستند به کسانی که از مزارع و کارخانه ها، مدارس و خانواده‌ها ـ آمدند، سلاح برگرفتند تا با دشمن بجنگند، از میان رنج و خطر گذشتند و آن همه مصائب و فقدانها را تحمل نمودند، به گروههای بسیار خلق که متوالیا" پیش آمدند ـ به پدران و فرزندان، برادران پیر و جوان، همسران و شوهران که این سی سال را از تان ترائو وکائو لانگ تا دین بین فو، و سرانجام شهر هوشی مین تا کامائو پشت سر نهادند، تقدیم کنم.

اجازه دهید آنرا به تمام برادران، خواهران و دوستان در پنج قاره، افرادی که مقاومت خلق

ویتنام علیه ایالات متحده را مقاومت خود دانستند، در سنگرها با خلق ویتنام ماندند و حمایت مادی و معنوی خود را برای شکست دادن ایالات متحده از ویتنام دریغ نکردند، تقدیم دارم. و اجازه دهید این بهار پیروزی را که از بیان کامل آن قاصرم به شما خوانندگان تقدیم دارم. حقیقت انقلابی و بهار پیروزی بزرگ که خلق ما فروزان ساخته است از اعماق آسمان‌ها همانند خورشیدی تابان و سرخ می‌درخشد.

